ونَنزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمومنين (القرآن الحكيم)

# كتاب

# كليات
# كنز الحسينى

مكتبه عربيه
كانسى رود
كوئٹه

بسمه تعالی شأنه

چون کتاب
کنز الحسین فارسی نایاب
بود و طالبین این کتاب زیاد بودند لذا آقای
حسب خواهش جمعی از جانب محمد تقی جعفری
مدیر کتابفروشی مکتبه عربیه در صدد
طبع آن بر آمدند و چون نسخه‌هائیکه در هند و پاکستان
بطبع رسیده بودند مغلوط بود تصحیح آنرا بعهده
یکی از متخصصین علوم عربیه در تهران که حاضر نیست
ذکری از نامش بشود واگذار نمودند با مقابله دو سه نسخه چاپی
و یک نسخه خطی و تصحیح اغلاط و اصلاح طلسمات از مطبوعات
موازین علمی این نسخه را در دسترس بنده قرار دادند
گمان میرود نسخه مصحح تری از این نسخه از هر حیث تا کنون بچاپ
نرسیده ضمناً از دانشمند محترم که در تصحیح این کتاب
سعی وافی مبذول داشتند بنا ظاهر
تشکر نموده و موفقیت
ایشانرا
از حضرت احدیت

۲۲ محرم ۹۷ خواهان همی

سیمان ابکلای

محمد داود ساری

کامنی روڈ کوئٹہ پاکستان قیمت ۶۰۰ روپیہ

# کنز الحسین

## بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی پایان مر احدی را که ساکنان اطباق افلاک در نقوش تقریر و تحریر آن
متحیرند و ثنای بلا انتها مر آن جل و علا که جاعلین ارضین سبعین با وجود وَلَقَدْ کَرَّمْنَا
بَنِیْ آدَمَ وَعَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ در بیان آن نابلد اند آنجا که سراپردهٔ جلال جمال
جانها همه واله و زبانها همه لال و آن واجب الوجود که مرغ کبریائیش در آشیانهٔ حدوث نگنجد و آن
بساط وجود که میزان علم و معیار عقل بقوت جلال و صفات مسطورات کمالش نسنجد و آن بیچون
که دبیران صحائف نقشبند این صفحات دهر شمه ای بدانع از یافتن ماهیت صمدیتش بیچاره
تَفَکَّرُوْا فِیْ صِفَاتِیْ وَلَا تَتَفَکَّرُوْا فِیْ ذَاتِیْ مطرود اند و آن صانع مصنوعات که کار سبحان
صوامع اجرام لاجوردی و مهللان مجامع ملکی و فصحای عرب در تکرار ثنا او فکر و همت بسته اند کنه ازو
ادا نتوانسته کرد و بحکم آیه قُلْ لَوْ کَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِکَلِمَاتِ رَبِّیْ لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ
کَلِمَاتُ رَبِّیْ وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهٖ مَدَدًا ستایش آن بیچون بیچگونه اگر تمام نابود خلایق را بعد از
شهود آورده خاصه برای آزمایش فرموده وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِیَعْبُدُوْنِ
معبودی که واصفان حلیه جمالش معترف اند که مَا عَرَفْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ و صوامع
نشینان همه شب تهلیل گویان بذکر سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوْتِ سُبْحَانَ
ذِی الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوْتِ و گاه سحرگاه عذر جویان که مَا عَبَدْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ
چه معبودی که ستایش جز جانهاست ستایش چه هر تیغ زبانهاست و از انجا سببا که هر کس
نتوانند ساخته در گلو زبانها اند خجسته از بلیات حروف و ثبات محفوظ گردیده میگویند تعالی شانه ز بیم فهم و دانا
توانائی ذره بهر ناتوانا و از تحت الثری تا سمک السما همه ممکنات بتون آن گویا سنت
هر گیاهی که از زمین روید وحده لاشریک له گوید و صلوات بر آن سید کاینات و عمدهٔ
الموجودات که موجب ایجاد ممکنات آن بود بحکم حدیث شریف لَوْلَاکَ لَمَا خَلَقْتُ
الْاَفْلَاکَ وَلَوْلَاکَ لَمَا اَظْهَرْتُ الرُّبُوْبِیَّةَ و از جهت شهود وجود آن مسعود ابتدا بود که در
حدیث اول ما خلق الله نوری بر ظاهر آن سید الانبیاء و الاصفیاء محمد مجتبی صلی الله علیه و آله

وسلم در آخر زمان بخلعت خاص اختصاص فرموده مبانی قواعد شریعت از بیان سهل وصلاح
مضبوط ساخته ادیان سابقه را منسوخ کرده (بیت) محمد شه لاجوردی سریر — که از او گشت هستی جهارت پذیر
ز دروازه شرع رایت فراز — بگنج فلک گوهر آرای راز — محمد چو شاه است عالم چو خیل — که مقصود
او بود جمله طفیل — صلا و کرم چون نکرد نزد داده شد — جهان جمله از نور او زاده شد — خدایکه هستی داد
گرد نه جهره ای این سکه بر کار کرد — فلک را بیاراست شد باغ — ز نور وی افروخت شد وی چراغ
ز باغ بهشت بستان گلی — در آن حضرت الله تعالی محبوب خود را هو بیا پس برای خاطر آن
رحمت عالمیان فرمود وَمَا اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ واست برجود برای ادای
شکر آن وجود مسعود ارشاد فرمود اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا ونیز درود نامحدود بر آل اطهار و اصحاب کبار و تابعین و
تبع تابعین و ائمه دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اما بعد بنده معاصی آگنده احمد حسین
رمال ابن مولوی محمد حسین بن مفتی نیاز احمد صاحب مرحوم هزاروی مدت یازده سال
از بوم هزاره سمت دکن آواره تا هفت سال گرده استادان اکمل فیض یاب شده بعرصه هفت
سال تحصیل علوم دینیه و رمل وغیره حاصل ساخته بطریق سیاحت لاهور شده بشهر لکهنو
بملازمت شاه جمجاه پادشاه غازی الدین حیدر را خلد الله تعالی فی الجنة کامیاب گردیده و بخبر (?)
سعادت بزرگان آنجا یا رهبر نموده فیض یاب گردیده بتقاضای معلوم چند سال در دهلی
بهرایچ قیام کرده کاشیخ مفتی شمس الدین مرحوم برد الله مضجعه وجعل الجنة مثواه که در فن
وحید الزمان بود شاگردی ورزیده تحصیل علم رمل و اکثر عملیات کرده بعد از سه سال از
مراجعت بشهر مذکور نموده و قیام کرده در مطالع کتب علم رمل و تجربه عملیات از اسمای باری
تعالی و آیات قرآن و نقوش تعویذات و تکسیرات و تسخیرات بسالها تجربه درست نموده
بموجب صداقت شهره اند بافواه خلایق گردیده بملازمت نواب ممدوح عزت یافته در ایام
فرصت برای انتفاع دوستان بعد از التماس محبان چند کلمه از هر علم آنچه او مستفیض
یافروده ساختگی وود و هم سوای رمل که در وی چند نسخه مقصود علیحده تصنیف شده و خواهد شد باین اوراق
نموده و خواتم کرده در تجلید و تسهیل (?) کتاب جامع باشد آنچه از صادقه مجرب یافتم از علوی تکسیرات و تسخیرات عمل
نموده (?) فیرو کرد این اوراق ثبت و تحقیقات خود بتقریر رسیده در عهد عدالت پادشاه نصیر الدین حیدر علیه (?)

که در سنه ۱۲۲۵ این نسخه مجلد ساخته که قبول نظر اهل گردد و از نظر جاهل و نا اهل محفوظ ماند نام این کتاب مستطاب
جواهر عملیات کنز الحسین بعد از کوشش بلیغ نهادم و به یک مقدمه که مشتمل باد و فصل و هفت باب مرتب
ساختم پس امید از بزرگان دارم که اگر در آن مطلع سهو و نسیان گردد به نظر عفو بپوشند فصل اول از مقدمه
در بیان حال غره محرم الحرام فصل دوم در بیان علم قیافه باب اول در ترکیب تعداد اسمای الهی و خاصیت
صفت اسماء الحسنی و ترکیب عمل اسما باب دوم در صحت عمل مجردات آیات کلام الله و چند کشتی اعمال موصوف
باب سیوم در تکسیر نقوش از اعداد آیات کلام الله و نقوش تسخیر حب و نفاق و فتوح وغیره باب چهارم
در حصارات و فتیله‌ای دفع آسیب حاضرات وغیره و نقشهای دفع علیات و جوکیات وغیره باب
پنجم در دوستی وقت و زمان عمل خوانی و کشیدن نقش و دادن ذکوة عمل سعد و نحس ساعات و سیر
کواکب باب ششم در بیان عملیات متفرقات و ترکیب چند از تکسیر و استخراج وغیره باب هفتم در
کیمیا و عمل [illegible] و آنچه در عمل خود آمده و تجربه کرده ام نوشته شد فصل اول در بیان حال غره محرم
الحرام این رساله ایست عجیبه و غریبه که پادشاه نوشیروان عادل در زمان خود جمیع حکیمان و منجمان و دانا
و کاهنان و جوکیان و نجومیان و توریه خوانان و تعبیر گویان و جادوگران و سیاحان [illegible] تجربه
دنیا بسیار کرده بودند جمع کرده فرمود که ای بزرجمهر با مداد این جماعت کثیره برای من از علم حکمت
نسخه تصنیف کن که کیفیت تمام سال از سعد و نحس از آن رساله معاینه بود به هر که آن
پس بموجب حکم نوشیروان عادل با تامل بسیار نوروز عالم را از غره شهر محرم الحرام استخراج
کردند که سعد و نحس تمام سال بر روزی که غره محرم الحرام باشد خاصیت آن روز را بیان کرده
فرمودند تا معلوم شود از احوال مردمان و چهارپایان و غله و میوه و درختان و باران رحمت ایزد متعال که
جمعیت کاینات منحصر از آنست مدلا آنکه کیفیت سعد و نحس تمام خلقت آفرینش در میان هفت روز
میشود برای ایام نوروز عالم را جمله حکیمان جمع شده نسخه درست ساختند تا که مردمان مستفیع
گردند هر که این رساله را یاد کند تمام سال آنچه شده باشد و هوشیار گردد حکیم بزرجمهر گوید
که اگر خواهی که حقیقت تمام زمانه را ابدالی ببینی که نوروز عالم امروز در کدام روز باشد
یعنی اگر غره محرم در روز یکشنبه باشد سال مبارک گشت و در آن سال قحط نباشد که سلطان
آن [illegible] قهر باشد یاران و فا داران باشند و فکر دوران شود و چهارپا فراخ نباشد و در
بلد نیک باشند و مرغان و ددان آسیب نباشد و شیر کم اما پاکیزه باشد و بازرگانان را خطر …

نباشد و باد مخالف نوزد گندم خوب و خربوزه بسیار باشد و مهتران روی زمین آرمیده
باشند و زنان را درد پستان باشد و کنجد بسیار شود و آتش بسیار نشود کودکان را بیماری
نباشد و آفتاب گرفته شود و زمستان صعب باشد والله اعلم بالصواب و اگر نوروز عالم
یعنی غرهٔ محرم بروز شنبه باشد اندر آن سال کار سلطان ضعیف باشد و سلطان را
ستاره قمر باشد و یاران و خادمان شوند - و باران نیز نعمت بسیار پیدا شود اما
مهتران روی زمین کم شوند و نرخ غله میانه باشد و جانب مغرب فتنه خیزد و راهها امن
نباشد و بازرگانان را سود نباشد - و درختان بار خوب گیرند و شیر چارپایان کم گردد بیماری رحمت
پدید آید زراعت خوب کنجد و پنبه و باد بسیار خیزد چنانچه درختان را بشکند و آتش بسیار باشد
و گاوان و گوسفندان بسیار میشوند والله اعلم و چون نوروز عالم افروز یعنی غرهٔ محرم
در روز سه شنبه باشد سلطان آنسال ستاره مریخ باشد در آنسال قحط که بلدان
بی وقت بارد و ولایت ویران گردد و راهها امن نباشد و نیز درختان بار کم گیرند و شیر چارپایان
کم و میوه خوب گندم و پنبه و کنجد و نی شکر گران و خدمتکاران خادمان و فرزندان از امر خاندان
و هم از مادران و پدران بیرون روند و آب نیز بیرون آید و غله نباشد و امیران یکجا شوند
خلق الله پاک شود و آتش صعب باشد و باد تند وزد که درختان را بشکند و آفتاب گرفته
شود و زمین لرزد شود و در هیچ چیز برکت نبود والله اعلم و چون غرهٔ محرم بروز
چهارشنبه باشد سلطان آنسال عطارد باشد و در آنسال فتنه خیزد و در زمین
هندوستان نیکی نباشد و باران بی وقت بارد و کارهای دنیا بسته گردد و غله
عزیز باشد و خلق پراکنده شوند و راهها امن نباشد و سوداگران زیان کنند و ماهتاب
گرفته شود و امیران بمیرند و با خودها درآویزند و جنگ کنند و نرخ بسیار آید خربوزه و
انگور کم باشد و مملکت تحویل بدیگری شود و باد و آتش بسیار هیبتناک آید و شیر
چارپایان کم و بیماری و موت توانگران باشد والله اعلم بالصواب
و چون غرهٔ محرم بروز پنجشنبه مشتری باشد کار سلطان باستقامت پدید آید و کارهای خلقان
نیک آید و توانگران را بسیار نیک و مبارک و درویشان و جانوران را خوب و شیر
چهارپایان خوب و میوه های افزون درختان بار و برگ بسیار آرند و انگور خوب باشد

وسوداگران را سود رسد و راهها ایمن باشد و چهار پایان را خطر نباشد و زنان را
در دستان و کودکان را بیماری باشد در آخر زمستان و شر بسیار شود
و فتنه کم باشد و آتش نباشد و باد تند و سخت خیزد و گندم و گنجد ارزان باشد
خریداران را سود آید واللہ اعلم بالصواب ۔ وچون نوروز عالم افروز یعنی
غره محرم در روز آدینه جمعه باشد سلطان آن سال زهره باشد در آنسال نرخ غله
ارزان و خراج باشد و کار سلطان ضعیف باشد و در مردم بی دیانتی و دزدی و فساد
آشکارا آید لیکن خیر باشد و زمستان خوب باشد و سوداگران سود مایه باشد باران
آخر بهار بارد گندم نیک آید و شیر و شیرینی بسیار و بیماری نیز باشد واللہ اعلم وچون
غره محرم در روز شنبه باشد سلطان آنسال زحل باشد فتنه بسیار خیزد و ملوکان با یکدیگر
جنگ کنند و رعیت خراب گردد و قطع راه و نرخ غله میانه باشد فتنه بسیار بوقت بارد
و تجار را سود نباشد و سرما خوب گردد و زراعت خوب باشد و آتش بسیار خیزد و بیماری پیدا
آید واللہ اعلم ۔ روایت دیگر نوروز عالم افروز که حکیمان عصر از غره محرم الحرام سال گویند
چنان گفت که روزی نوشیروان عادل بزرگمهر وزیرش که استاد استادان بود گفت
برای انتفاع الناس از علم نجوم کتابی تصنیف کن که تمام کیفیت سال از خیر و شر از آن
کتاب معلوم شود چنانچه حکیمان و منجمان وغیره که تجربه کار بودند جمع شده بتأمل کثیر این نوروز
عالم که عبارت از غره محرم الحرام باشد بر روزی که تاثیر سال از خالیست و چگونه باشد
دیگر روایت دیگر آنکه حال غره محرم در کتاب دانیال پیغمبر بود پس از وی حضرت امام جعفر
صادق ع نقل کرده اند که غره اگر در روز شنبه باشد زمستان در آنسال سرد باشد و باد
و باران بسیار باشد و رنج اکثر مردم و گندم کم و طاعون و مرگ کودکان بسیار باشد و زد اشتها
زکات سلامت و بعضی از درختان میوه و انگور آفت رسد و عرب با ایشان حرب کنند و اسیر و غنیمت بسیار بدست
عرب آید و پادشاهان بر جمیع امور غلبه باشد مشیت خدا بر و دیگر میان چهار پایان آنسال آفت بهم رسد
اسپان را قولنج عارض شود و درد گلو و درد جهاب بسیار باشد و در همه بلاد مرگ مردان و زنان بسیار باشد
خصوصا در عراق و بغداد و اطراف آن و در روم مرگ بسیار باشد و در میان روم و عرب کارزار افتد
در عرب روم غالب آید و در بابل جنگ در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار باشد و در میان مردم قحط و

غلا بهم رسد و از عرب ترسان باشند و خواص بر ایشان تعدی کنند و گیاه در مراعی بسیار باشد
و در آخر سال زلزلها و آبله و گرمی بسیار گردد و مرغان بسیار باشند و روغن و گوشت و عسل
و کتان گران باشد و خرما و درخت خرما فاسد و انگور و میوه در بلاد فارس و همدان نیکو باشد
و درختان و اطراف آن آفت رسد و ظروف مس و امثال آن و پشم و مو گران باشد و مرغان
خانگی و شکاری بسیار بمیرند و در یمن اختلاف عظیم ظاهر شود و شاید که غنیمت اکثر و غارت حبشی گردد
و شاید که یکی از آفتاب و ماه منخسف گردد و در اشهب باشد و در یکماه این سال خون بسیار ریخته شود
و گویند چنین سال نحس است که ابلیس را در چنین سال گشت و آخرش شکست بروایت سوم در این سال
سلطان زحل باشد فتنه زیاد و کار گرانی و پریشانی حاصل گردد و بادیه گرخشک کنند و رعیت خراب گردد
و از راه و زمان خطر باشد و سوداگر از نقصان و چهارپا یا از خطر باشد بلکه بیماری کشند و بمیرند و پرندگان
خوبی نباشد و بیماری موت در عالم پیدا گردد و باران بسیار بارد و لیکن تنگی سال باشد و خسوف
و کسوف ماهتاب و آفتاب گرفته شوند و در روز یکشنبه هر سال که اول محرم باشد
زمستان نیکو گذرد و باران بسیار بارد و بعضی اشجار و زراعتها آفت رسد و دردهای
مختلف در برگهای ضعیف شایع گردد و عسل کم باشد و در هوا اثر طاعون و وبا بهم رسد
و در آخر سال شاه را غلبه بود و در روایت دیگر در یکشنبه زمستان و تابستان تمام هر دو
معتدل باشد و میوه و زراعتها در اکثر بلاد عراق عرب نیکو باشد و آفت میوهای بحرین و محافظ
و قطیفه و حوالی آنها بهم رسد و در بلاد مشرق و جبل ارزانی باشد و گوسفند و شکر بسیار باشد و نیز
صحرا افراوان و در اشتران دیوانگی و مستی بهم رسد و در یکماه مردمان را درد عارض شود و در آخر
سال گرانی بوجه اختلاف سلطانی در غیر بلاد یمن و در بلاد هند اطفال بمیرند و جو و زرد
بسیار باشد و حرب در میان پادشاهان پیدا آید و همچنین اختلاف در میان عوام بسیار
باشد و کارزار در عرب و عجم واقع شود و در میان عامة الناس و خویشان فتنه حادث شود
و در شام فتنه و حرب پیدا آید و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل آورده باشند
و در زمین جبل و همدان و نواحی آن کشتن واقع شود و پادشاه بابل بر مردم غالب شود
و از وزرا و ملوک اختلاف ظاهر شود و هر پادشاهی بسوئی دیگر بگریزد و گروهی بر پادشاه
طغیانی کنند و مغلوب گردند و کواکبی از آسمان ظاهر گردد و در ناحیه مشرق دنباله

وار باشد و این سبب حدوث قتل و غارت و گرانی گردد و باین سبب غضبانی وزیدن
بادهای سخت و دور امراض بسیاری حدوث صحرا و دریا گردد و غسل گران شود و حاجیان را
غارت کنند و تمام ماه یا بعض از ماه منخسف گردد و در روایت بعضی این سال مبارک باشد
و در آن فتنه نباشد و مملکت ها آرام باشد و باران وفا دارد و غله ارزان و بار اشجار نیکو
بود و بر خان و چرندگان و جهانیان خطر نباشد فاما چنانچه باریک تر گردد ولیکن پاکیزه
باشد چهارپایان یاد شوند و بازرگانان را خطر نباشد و گندم خوب باشد و خربوزه بسیار گردد و مهتران
روی زمین آسوده باشند و زنان را درد پستان و گنجد بسیار و کودکان را بیماری اکثر باشد و باد سخت
خیزد و آتش بسیار باشد و گاو چهارپایان را بزاد رسد و خسوف گرفته شود و در زمستان سردی کم شود
والله اعلم در دو شنبه هر سال اول محرم باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان بسیار گرم
باشد و در وقت خود باران بسیار بارد و گاو و گوسفند و عسل بسیار باشد
و نرخ خوردنیها در بلاد جبل یعنی شهرها نیکو در میان آذربایجان و عراق عرب و
خوزستان و فارس است و بعضی گویند همدان و حوالی آن ارزان باشد و زنان بسیار میرند
و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق در بعضی از بلاد فارس لاغری بهم رسد
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد و در روایت دیگر آنسال آب فراوان باشد
و باران اکثر بهار آید و نود آلو و سایر میوه ها در بلاد فارس و بصره و شام نیکو بعمل آید
و خربوزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد و در آنسال خرما و میوه و گوشت
و روغن فراوان باشد لیکن در میان مردم کم باشد و بلاد هند و اسکندریه و مغرب باشد
و مرض سودا و دیوانگی زیاده باشد و در زمستان زفاف و تزویج بسیار شود و دریا طغیان
کند و بعضی بلاد را غرق کند و آب فراوان و سیل باشد باین موجب مدت دو ماه
قحط عظیم در مصر پدید آید و مواشی و چهارپایان در صحرا نیک باشد و زکام در بلاد
جبل و اطراف آن بسیار باشد و چوب و میوه در مکه معظمه بسیار فراوان و ارزان لیکن
فساد در آن بلد طیبه بهم رسد و در میان مشایخ عرب فتنه حادث شود و خارج نواحی مشرق اجتماع
از مصر قافله صحاب بیرون رود و احتمال یکی از آفتاب و ماه منخسف شود و در مردم اضطراب پیدا
و کم ظرفان اکثر باشد و بر پادشاهان مشرق خروج کنند و حاجیان بسلامت و عدد شمی از زندگی

برایشان رسد ضرر از آن باشد بروایت حکیم، دیگر اندر آن سال کار ضعیف باشد باران
بسیار آید و نعمت زیاده باشد و مهتران روی زمین کم و نرخ غله میانه و بجانب مغرب فتنه و
و فتنه فرو نشیند و آدم ضعیف را گیرند و راهها امن باشد و بازرگانان از تجارت نفع بهم رسد و بیماری
رو دهد و درختان بار گیرند و فرزند تولد شود و پرندگان و درندگان را خطر باشد و گاو و گوسفندان
بسیار شوند و شیر چهارپایان زیاده باشد و مردم از بیماری باشد و در … بسیار نیک گردد و گنجد
و چغندر نیک شود و بساط نیک باشد و گاه باد بسیار آید و بیماری تا آخر سال باد مخالف و خرابی
و آتش بسیار خیزد و گاوان و گوسفند از خطر باشد در دوشنبه اول سال محرم الحرام باشد
زمستان آنسال بسیار سرد باشد و در بلاد و ناحیه مشرق گوسفندان عسل زیاد باشد
و بعضی از درختان انگور آفت رسد و در بلاد و ناحیه مشرق و شام حادثه ظاهر شود که در روی
اکثر خلق بمیرند و بر پادشاه فوجی قوی خروج کنند و پادشاه بروی غالب آید و در زمین عجم بعضی
بعضی از غله آفت رسد و در آخر سال نرخ غله گران شود و بر دواب دیگر زراعت بسیار بعمل
آید و باران زیاد ببارد و فصل پائیز نیکو گذرد و میوه ها در بلاد جبل اکثر باشد و گندم و جو و عدس فراوان
باشد و آب فرات طغیان کند و در مصر لوبیا و ماش و باقلا فراوان باشد و خرما کم بعمل آید و دهان
آفتی برسد و در بلاد فارس از ملخ بزراعت آفت رسد و میوه زیاد باشد و انجیر کم و گردکان و مویز
و بادام بسیار باشد و نرخها باول سال در همه بلاد ارزان باشد و عسل زیاد باشد و خربوزه
و خیار را آفت برسد و شکار دریا بسیار باشد و آفتی از شر باد گرم با غلات مغرب رسد و در بعضی
شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و در پادشاه عجم و ترک اضطرابی پدید آید و در میان عرب و عجم
و اهل عراق قتل پدید آید و شخصی از مشایخ عرب کشته شود و در مواشی ایشان تا آخر سال مرگ
بهم رسد و در آسمان یک ستاره دنباله دار پدید آید که علامت جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیم
شود که نشانی هلاکت یکی از وزرا باشد و مصر و شام و صقالیه بهم رسد بر دواب سخت …
دیگر در این سال سلطان ستارگان مریخ باشد در آنسال فتنه پیدا شود و باران بوقت نبارد و زراعت
خار شده قحط افتد و رعیت پریشان گردد و راهها امن نباشد و سوداگران را سود نباشد
و زمینداران با یکدیگر محاربه کنند و کشش چهارپایان و بیماری زیاد گردد و میوه کمتر شود و خارها
و فرزندان از فرمان بزرگان بیرون آیند و آب منی کمتر شود و عدل نباشد و امیران بیجا

گردند و خلق هلاک شوند و از مشرق بجانب مغرب روند و آتش بزم خیزد و باد درختان را بشکند
و ملخ و مور بسیار گردد و زلزله هویدا شود و بهیچ چیز برکت نبود و در آن سال سلطان را برکت نباشد
و مردمان از وطن خود بیجا باشند دو رخ چهارشنبه باشد هر سال که اول محرم باشد زمستان نیکو
و در بهار باران ببارد و غلات و میوه جات در بلاد جبل و مشرق اکثر باشد اما مردمان اکثر بمیرند
و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل آفتی بمردم رسد و نرخها آسان باشد و پادشاه بر دشمن غالب آید
و بروایت دیگر اینکه عسل اکثر نباشد و اطفال اکثر بمیرند و در آخر سال قحط در میان ایشان بهم رسد و
باران نافع آید و درختان خرما ضایع گردد و برق عظیم ظاهر شود و بادهای تند آیند و بیماری
زیاد و زنان حامله اکثر بمیرند و در آخر سال در ناحیه فارس مرگ بسیار باشد و
وحشیان صحرا و مرغان شکاری زیاد باشد و بز و گاو نیکو باشد و بیع و شری و معامله بسیار
واقع شود و در شتران گرمی بهم رسد و شاید مرگ چهارپایان پدید آید و در فصل پائیز بیماری
بسیار باشد و در اطراف مدینه جنگ بزرگ رود و مشایخ و علما بسیار بمیرند و در بلاد
یمن از خوف قتل و غارت خراب باز معمور شود و در میان عرب بادیه کشتن بسیار شود
و باد شمال بوزد و ساعتها و پنبه گران و ابریشم و حریر ارزان باشد و نیکو در میان عرب
و عجم جنگها رود و عجم غالب شوند و پادشاه روم بمیرد و در فصل پائیز مرض زحیر بسیار باشد
و اختلاف بسیار در میان سلاطین بهم رسد و فتنه ها در بصره و ولایت فارس حادث شود و
بروایت دیگر اینکه در آن سال سلطان عطارد در میان سال فتنه باشد در میان هندوستان
و باران بیوقت ببارد و کارهای سلطان در میان سال تلف شود و کار دولت پست شود
و گندم و کنجد و پنبه و نی شکر گران شود و مرغان و درندگان و پرندگان را بیماری بهم رسد و کشش
چهارپایان شود و انسان را خطر جان باشد و غله عزیز شود و خلق پراکنده گردند و در ابتدای
نباشد و سوداگران از زیان رسد و ماهتاب بخسوف گرفته شود و ملخ پیدا گردد و در میان ایشان افتد و
میان خود با در آویزند و انگور و خربوزه و خرما شیرین شود اما کمیاب باشد و در ملک و مملکت
قحط و هولناک باشد و چهارپایان کم شوند و آتش برخیزد و توانگران را بیماری سخت باشد
و اقصا غلمان دو رخ پنجشنبه هر سال که اول محرم باشد زمستان نیکو گذرد و
در نواحی مشرق گندم و عسل فراوان باشد و در اول و آخر سال بسیار حادث شود

حادث شود و روم را بر مسلمانان غلبه شود و پس حرب ایشان غالب شوند و ما بین هند
محاربات واقع شود و پادشاهان عرب مضطرب باشند و بروایت دیگر اینکه در اول سال
باران و نیز سرما کم باشد و رعد و ابر و باران اکثر باشد و غلات و میوه بجهت بلاد جبل ارزان
باشد و سفر دریا در این سال نیکو باشد و صیدهای بسیار باشد و روغن و نان گران باشد
و آب نیل طغیان کند و روم بر مسلمانان حمله آورند و مسلمانان بر ایشان غالب آیند و در یمن و در
جنگ فساد شود و شاید یکی از ایشان کشته گردد و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و رعایا
گردد و کارزار در اکثر بلاد خصوصا در فارس باشد و دزدان و راهزنان دست بر آرند و حکام
ستم کنند و بادهای تند بوزد که درختان را بشکند و در محافه و قطیف و نواحی آن فتنه میان عرب بیابان و بادیه
غالب شود و بلاد حبشه و اطراف آن کارزار شود و در میان گاوان مرگ بسیار باشد و گوسفندان فربه
گردند و شاید ماه منخسف گردد و بروایتی آنکه حاکم قسطنطنیه که مراد پادشاه اسلامبول باشد و او
بکشند یا محصور شود یا او را ذلیل نمایند و از پادشاهان و تا تابان و ولایت عجم خرابی باشد
و درد در میان روم کم شود و خلق از تنگی معاش بفغان آیند و فریادرسی از میان خلق
بر طرف شود و عرب عجم زیادتی کنند و بسیار خلق را بکشند و ولایت ایشان را خراب کنند و بعضی
اماکن را متصرف والیان روم ببرد و شاه عجم در اکثر جا مغلوب شود و ترکان با عجم بیاویزند
و بر ایشان غلبه شوند و امیر جلیل القدر کشته شود **روز جمعه** [illegible] هر سال که اول محرم باشد
زمستان نیکو گذرد و باران کم بارد و آب کم گردد و در بلاد جبل صد فرسنگ در صد فرسنگ غله کمیاب گردد
و بازار مرگ در میان مردم با رونق باشد و در ناحیه مغرب گرانی باشد و بعضی اندر خرابی
آفت رسد و روم بر فارس غلبه عظیم کند و بروایت دیگر غلات در مصر و شام و حبشه
کم باشد و در بلاد مغرب و فرنگ شاید و بسیار حادثه شود و ارزانی در بلاد فارس بهم رسد
و غلات بصره و عراق بسیار باشد و لیکن از وجه ظلم پادشاهان و عمال اکثر سختی با
ایشان لاحق گردد و غلات جبل و کابل و نواحی آن نا قبل آید و انگور و گندم در بصره و شام
بسیار باشد و مردی ذو القدر در بصره کشته شود یا گروهی از تابعین او و میوه نیکو باشد و در این سال
و آب چنان طغیان کند که بغداد و از جانب مشرق غرق گردد و شاهی از پادشاهان هند
بمیرد و در ماه ربیع الآخر تا جمادی الثانی در این سال درد پا در میان مردم پدید

شود خصوصاً درد گلو و درد پشت و ورم و درد حلق و امراض بطن و کلف و قوباء و جرب و دملها
و زنان حامله فرزندان پیدا آرند و اکثر از ایشان بمیرند و امیری از شام ظاهر گردد و بر دیار مصر
مستولی گردد و در بعض بلاد بلخ و فتنه های عظیم از وی بظهور آید و کسی بر پادشاه خروج کند و دیگر
و گردان مجوبا او گردند و در زمین عراق و عرب اضطراب و اسلاف بسیار باشد و خوفی بحاجیان برسد و
بزرگی در شام تعلق برسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم ظاهر گردد و درد ها پیدا شود و در ولایت یمن در سال
سلطان ستارگان زهره باشد غله ارزان و کار سلطان ضعیف باشد و مردم از زنا بی دیانتی و دزدی
اختیاری آشکار باشد و دیگر همه چیز نیک باشد و کشت ها میانه باشد و در زمستان برف
بسیار باشد و باران بیوقت بیاید و گندم نیک و میوه شیرین باشد و چهار پایان را خلل
باشد و در بعضها باد تند آید و آتش بر کشد و تجار را نفع میانه باشد و آفتاب و ماهتاب
بخسوف و کسوف واقع شود والله اعلم **فصل دوم** از مقدمة الکتاب در بیان
**علم قیافه** فلاسفه ارجمند و حکماء دانشمند جوارح انسانی را برای دریافت کردن اخلاق
حسنه و صفات سیئه مقرر کرده اند و تجربه کرده اند که هر عضو از اعضاء ظاهر انسانی
دلیل است باوصاف باطن و معانی و بر صداقت این علم این حدیث ناطق است **کل طویل**
**احمق الا عمر و کل قصیر فتنة الا علی** نقل است مردی در روشنی چراغ مطالعه میکرد در کتاب
خواند که ریش دراز نشانی حماقت است چون ریش خود را دید زیاده از اندازه است فوراً
در دست و زیادی را در پیش چراغ گرفت باین خیال که زیاده ریش میسوزد چون شعله گرفت
تمام ریشش یکمرتبه سوخت لهذا مرتکب شدن این امر دلیل حماقت او بود **رباعی**
ای کرده بجهد در جهان کسب علوم　معلوم ضمیر تو علوم مکتوم　دو ای که مبارک است و عبارت مرقوم
گردد بتو از علم قیافه مفهوم **علامات سر** سر بزرگ علامت دلیل حمق و نخوت
است خوردی و ناهمواری سر نشانی حماقت و جهالت **علامت پیشانی** پیشانی
پهن و بی شکن نشانی بدنفسی و تکبر و گزافت و ناصیه متوسط با شکن نشانی صدق
و محبت و تدبیر است و ناصیه تنگ دلیل نادانی و خجلی و حسرت و افلاس است و شکن پیشانی
و ناصیه بلند شده دلیل غصه و غمناکی است و بعضی گفته اند که خطوط شکن دلیلست بزیادی عمر
یعنی یکخط نشانی ده سال و دو خط نشانی بیست سال است لهذا قیاس کن **علامت ابرو**

مژه بسیار بزرگ و دراز و کشیده و پر مو نشانی زشتی و تندخوئی و غرور و جهالت و حیرت و وحشت
و مژه گنجان دلیل الفت و مهربانی و مردم را از او الفت بسیار جوید و زنان و زنا بسوی او رغبت
و مژه متوسط و سیاه نشان فهم و دیانت و سخاوت و لطافت مزاج و سرابرو که باریک از طرف بینی
باشد نشانی نزاع و فتنه انگیزیست و ابروی بلند نشانی ابلهی و غرور است علامات چشم
چشم سیاه و بزرگ دلیل سستی و کاهلی است و چشم خورد دلیل سبکساری و کم فهمی است و متوسط
نشانی وفا و حیا است و مایل بجانب اندرون نشانی تکبر و بدی و خیانت و بلند شده از روی نشان
بیحیائی و بخلست و زود زود چشم زدن دلیل مکر و حیله و دزدیست و سرخی زیادی ورود دلیل کثرت غم و بیحیائی
و چشم ازرق بدترین چشمها است دلیل بخل و بیحیائی و بیهمتی است سوی چشم ازرق تر بسیگون رنگ
زند اینچنین کس با کسی نیکی نکرد و چشم سبز و خورد و لرزان دلیل مکر و حیله و شهوت بسیار است
و کول نشان نحوست است و مایل بدرازی نشانی نیکبختی است و مبارکی است و دراز نشانی
اخلاق جمیله است علامات گوش گوش بزرگ نشانی خوبی و قوت
حافظه و طول عمر و تندخوئی در بعضی اوقات است و خورد نشان جهالت و نادانی است
و متوسط نشان عقل و دانائی و نیکبختی است و گوش پرگوشت دلیل دولت است
علامات بینی بینی باریک دلیل سبکی عقل است و پهن و فراخی سوراخ دلیل غلبه شهوت
و غضبناکی است و بطرف چپ خمیده نشانی نفاق و شرارت است و بزرگ و دراز و نوک
خمیده مانند نوک طوطی دلیل دولت و گشادگی رزق است و متوسط در بلندی و پستی و
فراخی و تنگی دلیل صحت حواس باطن است و کم و پست نشانی افلاس است علامات
لب دراز لب نشانی حماقت و غلاظت طبیعت و کینه وریست و لب باریک نشانی
فهم و لطافت مزاج و سرخی لب نشانی نیکبختی و خوشی اصلی است و سبزی و سیاهی دلیل
بدنفسی و بداصلی است و سفیدی لب دلیل مرض است علامات دهن دهن گشاده دلیل
شجاعت و تنگ دلیل هراس است و فراخی دهن برای زنان نشانی کثرت خواهش مباشرت
علامات دندان دندان بزرگ و گنجان دلیل شرارت و خورد و متفرق دلیل صحت بدن است و کج و ناهموار
دلیل مکر و حیله و خیانت و متفرق و ناهموار و متوسط در بزرگی و کوچکی نشان نیکبختی
و امانت و عدالت است و تعداد دندان ۳۰ تا ۳۲ نشانی دولت و فراخی و کمتر از ۳۰

دلیل افلاس است **علامات کام و زبان** کام و زبان سرخ دلیل نیک بختی و سیاه
و زرد نشانی نحوست و درشتی و بدخوئی است **علامات زنخ** زنخ اندک باریک دلیل مبارک
خوئی است و زنخ پر گوشت دلیل جهالت و تکبر و فخر است و زنخ متوسط دلیل عقل و هنر
**علامات گردن** گردن کوتاه نشانی مکر و خیانت و گردن دراز و باریک دلیل جبن و حماقت است
و خطی که در میان گردن باشد دلیل درازی عمر و هنرمندی است و سه خط نشانی دولت **علامات
چهره** چهره فربه دلیل کاهلی و جهل و نسیان و سخت مزاجی و خشک و کم گوشت نشانی خباثت باطن
و متوسط دلیل نیکخوئی و زردی رنگ چهره نشانی بدی و مرض باطنست **علامات ریش** ریش کوسه دلیل
زیرکی و دانائی و گول نشانی وقار و تمکین و دراز نشانی حماقت و پرموئی نشانی بلادت و غباوت
**علامات کتف** لاغری کتفین دلیل بدسیرتی و پرموئی نشان بی دولتی است
و صاف و متوسط دلیل عقل و دولتمندی و سعادت و لطف و فراخی **علامات
بغل و بازو** بازوی دراز و بغل پرگوشت نشان نیکبختی و فراخی رزق و بازوی خورد
و بغل خشک نشانی بیدولتی است **علامات سینه** سینه گشاده و پرگوشت
نشانی نیکبختی و تنگ و صاف علامت نحوست و بدبختی است **علامات پستان** پستان هر دو
فربه دلیل دولت و اولاد است هر دو بخلاف نشان نحوست و بدبختی است و جمل آن **علامات
شکم** شکم بزرگ علامت حماقت و میانه نشانی عمدگی عقل و تیزی هوش است و کسی را که
بر شکم او یک خط باشد موت او از تیغ هیا باشد و دو خط نشانی باین صحبت زنان خوش باشند
است و سه خط نشان عقل و هوش است و صاحب چهار یا پنج خطوط ذو اقبال می‌باشد
و ناف بزرگ و گول نشانی دولت و سخاوت است **علامات پشت** پشت پهن دلیل
قوت غضب و تکبر و پشت کج نشان بداخلاقی و پشت دراز دلیل نحوست و متوسط دلیل
سعادت است **علامات رنگ** رنگ سرخ آتشین دلیل زودرنجی و در کار تیزی کردن
رنگ سبز دلیل بدی باطن و رنگ سرخ و سفید دلیل اخلاق مبارک و رنگ سرخ مایل بسیاهی
دلیل بداخلاقی است و گندم گون دلیل اخلاق حسنه و عقل و دانائی و ادراک و نیکبختی است
**علامات نرمی بدن** نرمی بدن نشانی قوت فهم و لطافت طبیعت و سختی بدن
دلیل قوت بدن و بزرگی طبیعت و صنعت فهم و پوست نرم و باریک نشانی مبارکی

ونیکی است علامات موی موی سخت دلیل شجاعت و استقلال و بسیار نرم دلیل کم‌همتی است
و کثرت موی بر سینه و شکم دلیل کم‌عقلی و کمی موی دلیل لطافت و دانائیست و موی بر
دلیل حماقت و موی سیگون دلیل شجاعت و متوسط بسیاهی و سختی و نرمی دلیل عقل و اعتدال
و کسی که موی از یک مسام زاید دلیل دولتست و اگر یک زاید دلیل هنربندی است و دلیل
تجارت گشتن و چهار نشانی افلاس و فرومایگی است علامات آواز آواز بلند و بزرگ دلیل
بهادری و نرم و باریک دلیل اخلاق نیک و آواز خفه دلیل تکبر و غرور است و آواز ناخوش دلیل
حماقت و بداصلی و سخن آهسته گفتن است و سخن تیز گفتن دلیل بدخلقی است و سخن در حالت
دشنام دادن گفتن دلیل دانائیست علامات خنده خنده بقهقهه دلیل سفاهت و بیحیائی است و
و تبسم دلیل حیا و وقار و تمکین و خوش اخلاق است علامات قد قد طویل دلیل حماقت
و قد قصیر دلیل فتنه انگیزیست و قد دوتا دلیل کینه و عداوت و قد میانه دلیل حکمت و
دانائی است و حکما گفته اند که قد احسن آنست که بحساب انگشتان یکصد و بیست باشد
و از این مقدار هر قدی که باشد یعنی کم و بیش نهایت بد است علامات رفتار کسی که در رفتن او
کجی باشد دلیلست بر اینکه بدگوینده بزرگان گردد و آنکه در رفتن سرین را حرکت دهد دلیل بیماری
و بیداست و تیز و تند رفتن دلیل قهر و غضب و جهالت است و آهستگی دلیل غمناکی است و
رفتار متوسط تیز و نرمی دلیل ظاهری و باطنی است و بوقت رفتن هر دو پا را بر زمین باز و رزدن دلیل
و نشانی بدبختی است و قد دراز دلیل جهالت است و حماقت علامات کف دست کف دست اگر سخت است
دلیل دولت و رنگ سرخ دلیل دولت و خوبی و پاکیزگی طبیعت است و زردی کف
دست دلیل فسق و فجور است و سفید و سیاه دلیل بدبختی است و خطوط اگر واضح
بر هر دو کف دست نمودار شود و بدرجه اوسط دلیل سعادتمندی است علامات انگشتان
انگشتان دراز دلیل طول عمر است و باریک و نرم دلیل نیکبختی است و فربه و کج و سخت
دلیل بدبختی است و در وقت پیوست کردن انگشتان سوراخ ظاهر گردد دلیل بدبختی است
و چون سوراخ ظاهر نگردد دلیل دولت است علامات ناخن ناخنها سرخ رنگ دلیل
علم و عقل و دانائی و فراخ دستی و زرد و سیاه دلیل پریشانی و افلاس و بدبختی است
علامات ذکر ذکر کج نشان فسق و فجور است و راست دلیل صلاح و دانائی و اگر عروق

برد گر ظاهر باشد دلیل عسرت و افلاس است **علامات خصیه** خصیه یک بزرگ و خورد دلیل غلبه شهوت و الفت جماع زنان و اگر خصیه راست خورد باشد دلیل است که نطفهٔ او دختران زاینده و اگر چپ خورد باشد دلیل پسران زاینده و بعضی گفته‌اند که در اول دلیل و در آخر فسق و فجور است **علامات ساق و ران** فربهی ران دلیل عیش همراه زنانست و شدت ران با قلت موی دلیل دشمنی و موی دراز بر ساق دلیل تنگدستی و محروم ماندن از سواری و ساق دراز دلیل تکبر و دشمنی است و بسیار خورد دلیل افلاس و متوسط در درازی و کوتاهی و سطبری و باریکی دلیل شجاعت و سخاوت و نیکبختی است **علامات کعب** کعبین پرگوشت دلیل آسودگی و اگر بر کعبین مو نهان باشد دلیل قلت اولاد است و یک کعب خورد و یکی بزرگ دلیل اکثر مسجون گشتن است و یک خورد و دیگر گول نشانی دولت است و یک بلند و یکی پخ دلیل غنا و افلاس است **علامات پاشنه** پاشنه خورد و ملایم دلیل توانگری و بزرگ و کج دلیل سختی است و پاشنهٔ پرگوشت در وقت حرکت پنهان داشتن دلیل بر دزدی و دست **علامات پشت پا** پشت پای بلند و کمی مو پنهان نشانی نیکی و سعادت و مبارکی است **علامات کف پا** کف پای زرد و سیاه دلیل قلت اولاد و فسق و فجور است و کف پا خالی از خطوط دلیل بر محرومی از سواری اوست و کف پای سرخ و نرم دلیل عقل و دولت و نشان برق و نخوس در کف پا دلیل دولت و دبدبه است **علامات اصابع الرجل** انگشتان پا دراز و بلند دلیل تیزفهمی و کوتاه و سطبر دلیل کم‌فهمی و نهایت متصل باهم دلیل نیکی و خوبی و متفرق دلیل زبونیست و سبابهٔ پا که از ابهام دراز باشد نشانی نیک‌بختی که ذو اقبال باشد و زنان اکثر کنند و در عقد او بمیرند و اگر انگشت مذکور خورد باشد دلیل نیکه پیش از زن بمیرد و اگر همگی انگشتان پا خورد باشد دلیل بر بد اصلی است و اگر ابهام بسیار عریض و بزرگ باشد در بسیار شهرها و ملک سیر کند **علامات ناخنها** اگر ناخنهای پا زرد و سیاه باشد دلیل بیماری است و سرخ و صاف دلیل هنر و داناتی عاقل را باید که در مرد یکه علامات رویه و بد زیاد باشد و علامات نیک کمتر باشد اعتبار بر خصایص او کند و بمردیکه علامات حسنه زیاده باشد و علامات بد کم باشد پس اعتبار بر دلالات نیکش او کند و اگر هر دو برابر باشد پس اینچنین مرد بسیار اوقات معتدل الاحوال خواهد شد و الله اعلم بالصواب **باب اول**

و از آن جمله هفت باب در بیان اسماء الهی بقاعدهٔ ابجد تمام و بقاعدهٔ منسبق الکلام بدانکه خدای
تعالی توفیق گرداند ترا که اسماء باریتعالی جل شانه نود و نه هستند چنانچه در حدیث ابی هریره موجود
و آن اسماء موصوفه بر سه گونه اند جمالی و جلالی و مشترک فیهما پس اولاً باید که در آغاز هر کار این
اسماء را ببیند که کدام اسم بکدام کار تعلق دارد و موافق عدد خود یک اسم از اسماء بگیرد و صاحب مقصود
بتعداد عدد مجموعه آن اسم باریتعالی بخواند تا بمقصود برسد لیکن اول قاعدهٔ اعداد بر آوردن حروف
تهجی را بیان کنم تا مبتدی بر جمیع قواعد قادر گردد و نیز موکلان اسماء باریتعالی اشرح واضح بهم و یکجا
فرو نگذارم و حروف تهجی بیست و هشت میباشد بدین ترتیب باید دریافت

| ا | ب | ج | د | ه | و | ز | ح | ط | ی | ک | ل | م | ن | س | ع | ف | ص | ق | ر | ش | ت | ث | خ | ذ | ض | ظ | غ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ١ | ٢ | ٣ | ٤ | ٥ | ٦ | ٧ | ٨ | ٩ | ١٠ | ٢٠ | ٣٠ | ٤٠ | ٥٠ | ٦٠ | ٧٠ | ٨٠ | ٩٠ | ١٠٠ | ٢٠٠ | ٣٠٠ | ٤٠٠ | ٥٠٠ | ٦٠٠ | ٧٠٠ | ٨٠٠ | ٩٠٠ | ١٠٠٠ |

باز ترکیب منسوبات عناصر نسبت بحروف تهجی باید دانست

این است

ا آتشی ب خاکی ج بادی د آبی ه آتشی و خاکی ز بادی ح آبی ط آتشی
ی خاکی ک بادی ل آبی م آتشی ن خاکی س بادی ع آبی ف آتشی
ص خاکی ق بادی ر آبی ش آتشی ت خاکی ث بادی خ آبی ذ آتشی
ض خاکی ظ بادی غ آبی

دیگر آنکه هر حرف از حروف تهجی موکلی دارد که همراه اوست چنانچه ترتیب موکلان اینست

دائرهٔ حروف مع موکلان

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ا<br>اسرافیل | ب<br>جبرائیل | ت<br>عزرائیل | ث<br>میکائیل | ج<br>کارکائیل | ح<br>تنکفیل | خ<br>مهکائیل |
| د<br>دردائیل | ذ<br>اهرائیل | ر<br>امواکیل | ز<br>سرفائیل | س<br>همواکیل | ش<br>هزرائیل | ص<br>اجمائیل |
| ض<br>عطکائیل | ط<br>اسمائیل | ظ<br>نورائیل | ع<br>لومائیل | غ<br>لوفائیل | ف<br>میرجائیل | ق<br>عطرائیل |
| ک<br>عروزائیل | ل<br>طاطائیل | م<br>رومائیل | ن<br>حولائیل | و<br>رفتمائیل | ه<br>دوزنائیل | ی<br>سرکتنائیل |

و بعد از دانستن حروف و موکیل آن طبایع و سمت حروف را دریافتن
پرضرور است و آن این است مطبوعه مجموعه نوشته شده است

| | |
|---|---|
| مجموعه حروف آتشی که شرقی اند | مجموعه حروف خاکی که جنوبی اند |
| ا ه ط م ف ش ذ | ب و ی ن ص ت ض |
| مجموعه حروف بادی که غربی اند | مجموعه حروف آبی که شمالی اند |
| ج ز ک س ق ث ظ | د ح ل ع ر خ غ |

چون قاعده حروف تهجی را شرح رفت و اسماء موکلان حروف نیز مذکور شد حالا اسماء الحسنی که در فرقان مجید مذکورند و معانی ایشان اینکه جمله اسماء عزوجل پر از نیکوئی و خوبی هستند پس هر یکی ازین اسماء که خواهند برای خدا دعوت کنند تا جمیع مرادات و مطالب دارین حاصل گردد و اگر عامل بیک اسم ازین نبود و نه نام عمل شود و بی عالم حیدر احکام وا این بود و بهیچ حاجت محتاج نباشد و اسناد هر یک اسم آلهی زبان دیگر را چه طاقت که ادا نماید ملائکه عاجز هستند ما را گو طاقتی که بیان نمائیم مگر مختصر تسکین خاطر ضروری مطالب که از مرشد با ینا حقیر رسیده است بنوشتم و این ناقص کمال سعی نموده ام و از استادان و عاملان کامل این کتاب را صحت کرده این اسماء آلهی را مع اسماء موکلان و معانی و تعداد آنها و شرح اسماء جلالی جمالی بصحت تمام به تصحیح و تنقیح بزرگان و عاملان نوشته تا که شاگردان و برادران دینی نفع تمام حاصل گردد و ما را دعا برسانند شرح اسماء آلهی و موکیل این است

| اسماء الحسنی | معنی اسماء | اعداد | جلالی جمالی مشترک | موکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الملك | پادشاه مطلق | ۹۰ | مشترک | یا صرد ائیل | خاکی |
| القدوس | پادشاه پاک | ۱۷۰ | جمالی | یا عزرائیل | آبی |

| اسمائے حسنیٰ | معنی اسماء | اعداد | جلالی جمالی مشترک | مؤکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| السَّلامُ | ہمیشہ قائم وبی عیب | ۱۳۱ | جمالی | یاروماثیل ہمواکیل | بادی |
| المؤمن | ایمن کنندہ | ۱۳۶ | ایضاً | یاروماثیل جولائیل | آتشی |
| المهيمن | گواہ راست | ۱۴۵ | ایضاً | یاکلکائیل سیرکہتائیل | ایضاً |
| العزيز | عزت دہندہ | ۹۴ | ایضاً | یالوماثیل عزرائیل | ایضاً |
| الجبّار | زور کنندہ | ۲۰۶ | جلالی | یاکلکائیل عطرائیل | ایضاً |
| المتكبّر | صاحب غرور | ۶۶۲ | ایضاً | یاروماثیل اہرائیل | خاکی |
| الخالق | ہست کنندہ | ۷۳۱ | ایضاً | یاسیکائیل خورائیل | ایضاً |
| البارئ | آفریدگار مطلق | ۲۱۳ | مشترک | یاجبرائیل اہرائیل | آتشی |
| المصوّر | نگارندہ صورتہا | ۳۳۶ | جمالی | یااجمائیل سرحمائیل | آتشی |
| القهّار | غضب کنندہ | ۳۰۶ | جلالی | یادردائیل عطرائیل | خاکی |
| الغفّار | آمرزگار | ۱۲۸۱ | جمالی | یالوخائیل رحمائیل | آتشی |
| الوهّاب | بخشایندہ | ۱۴ | جمالی | یازفتمائیل جبرائیل | خاکی |
| الرزّاق | روزی دہندہ | ۳۰۸ | ایضاً | یااسرافیل حرفائیل | آتشی |
| الفتّاح | کشایندہ | ۴۸۹ | ایضاً | یاسرخائیل تنکفیل | ایضاً |
| العليم | دانا بہمہ چیز | ۱۵۰ | ایضاً | یالومائیل مدوائیل | خاکی |
| القابض | قبض کنندہ روزی | ۹۰۳ | جلالی | یاعطرائیل عطکائیل | بادی |
| الباسط | فراخ کنندہ روزی | ۷۲ | جمالی | یاجبرائیل دسمائیل | ایضاً |
| الرافع | بردارندہ | ۳۵۱ | ایضاً | یاسرحائیل ہومائیل | ایضاً |
| الخافض | فرو برندہ | ۱۴۸۱ | جلالی | یاجبکائیل عطکائیل | آتشی |
| المعزّ | عزیز کنندہ | ۱۱۷ | جمالی | یاروماثیل لرہتیل | خاکی |
| السميع | شنوندہ بہمہ حال | ۱۸۰ | ایضاً | یاہمرائیل سرکیطائیل | آتشی |
| البصير | بینندۂ نہاں وآشکار | ۳۰۲ | ایضاً | یاجبرائیل سرحمائیل | آبی |
| الحكيم | صاحب حکمت | ۷۸ | جلالی | یاتنکفیل یاروماثیل | آتشی |

کنز الحسین

| اسماء حسنی | معنی اسماء | اعداد | جلالی جمالی یا مشترک | مؤکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| العدل | دادگر خلائق | ۱۱۴ | مشترک | یا طاطائیل لوماشیل | آتشی |
| اللطیف | پاکیزه و مهربان | ۱۲۹ | جمالی | یا اسمائیل رومائیل | ایضاً |
| الخبیر | خبردار از همه چیز و همه حال | ۸۱۲ | ایضاً | یا میکائیل رومائیل | ایضاً |
| الرقیب | نگاهبان مطلق | ۳۱۲ | ایضاً | یا عطرائیل سرکیطائیل | ایضاً |
| المجیب | قبول کننده دعا | ۵۵ | ایضاً | یا کلکائیل جبرائیل | بادی |
| الواسع | بسیار عطا کننده | ۱۳۷ | ایضاً | یا رفتمائیل لوماشیل | آتشی |
| الحکیم | استوارکار درست گفتار | ۶۸ | ایضاً | یا تنکفیل خردائیل | خاکی |
| الودود | دوستدار نیکان | ۲۰ | ایضاً | یا رفتمائیل دردائیل | آتشی |
| المعظم | خداوند بزرگوار | ۱۰۵ | ایضاً | یا لوماشیل اسمائیل | ایضاً |
| الغفور | آمرزگار | ۱۲۸۶ | ایضاً | یا لومائیل رحماشیل | خاکی |
| الشکور | سپاس دارنده نیکان | ۵۲۶ | ایضاً | یا لومائیل سرکیطائیل | ایضاً |
| العلی | برتر از همه برترها | ۱۱۰ | ایضاً | یا لومائیل سرکیطائیل | ایضاً |
| الکبیر | بزرگوار بر همه چیز | ۲۳۲ | ایضاً | یا خردرائیل جبراشیل | آتشی |
| الحفیظ | نگاه دارنده | ۹۹۸ | جمالی | یا سرحمائیل اوزائیل | خاکی |
| المقیت | توانا و قوت دهنده | ۵۵۰ | ایضاً | یا روطائیل عطرائیل | آتشی |
| الحسیب | حساب کننده | ۸۰ | مشترک | یا حمائیل سرکیطاشیل | ایضاً |
| الجلیل | بزرگوار بزرگان | ۷۳ | جلالی | یا کلکائیل جبراشیل | ایضاً |
| الکریم | گرامی کننده | ۲۷۰ | جمالی | یا خورائیل آهنرطیل | خاکی |
| المجید | بزرگوار تر از همه | ۵۷ | ایضاً | یا رومائیل کلکائیل | آتشی |
| الباعث | فرستنده رسولان | ۵۷۳ | مشترک | یا جبرائیل میکائیل | ایضاً |
| الشهید | زنده کننده مردگان | ۳۱۹ | ایضاً | یا عطرائیل تنکفیل | بادی |
| الحق | گواه راست مطلق | ۱۰۸ | ایضاً | یا عطراشیل تنکفیل | آتشی |
| الوکیل | بخدائی و سلطانی درست | ۱۱۶ | جلالی | یا عطرائیل تنکفیل | ایضاً |

| اسماء الحسنٰی | معنی اسماء | اعداد | جلالی یا جمالی یا مشترک | موکل | عناصر |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| الوکیل | کاردان ونگہبان | ۶۶ | جمالی | یاخروائیل طاطائیل | خاکی |
| المتین | توانا | ۵۰۰ | جلالی | یاعزرائیل حولائیل | آتشی |
| الولی | یاریکو کاران | ۴۶ | جمالی | یارفتمائیل شرکیطائیل | خاکی |
| الحمید | ستودہ بصفت | ۶۲ | ایضاً | یاتنکفیل سکائیل | ایضاً |
| المحصی | شمارہ کنندہ | ۱۴۸ | ایضاً | یارحمائیل سرکیطائیل | آتشی |
| المبدی | آفرینندہ باردیگر | ۵۶ | جلالی | یاجبرائیل دردائیل | ایضاً |
| المعید | وعدہ کنندہ | ۱۲۴ | ایضاً | یاروبائیل سرکیطائیل | ایضاً |
| المحیی | زندہ کنندہ | ۶۸ | جمالی | یاحمرائیل تنکفیل | ایضاً |
| الممیت | میرانندہ | ۴۹۰ | جلالی | یاروماٹیل عزرائیل | ایضاً |
| الحی | ہمیشہ زندہ | ۱۸ | ایضاً | یاعطرائیل رفتمائیل | ایضاً |
| القیوم | پایندہ ہمیشہ | ۱۵۶ | ایضاً | یاعطرائیل رفتمائیل | ایضاً |
| الواجد | یکتا سازندہ کارہا | ۱۴ | جمالی | یاکلکائیل دردائیل | خاکی |
| الماجد | بزرگی کنندہ | ۴۸ | ایضاً | یاروماٹیل دردائیل | ایضاً |
| الواحد | تنہا ویکتا | ۱۹ | مشترک | یارفتمائیل دردائیل | بادی |
| الاحد | تنہا بجدانی | ۱۳ | جمالی | تنکفیل دردائیل | آتشی |
| الصمد | پاک بی نیاز | ۱۳۴ | ایضاً | یااجمائیل یاروماٹیل | خاکی |
| القادر | قدرت کنندہ ودانندہ | ۳۰۵ | جلالی | یاعطرائیل اہرطیل | آتشی |
| المقتدر | توانا وتقدیر کنندہ | ۷۴۴ | ایضاً | یاروماٹیل عطرائیل | ایضاً |
| المقدم | ہمیشہ ہست | ۱۸۴ | مشترک | یاعزرائیل دردائیل | ایضاً |
| المؤخر | ہمیشہ خواہد ماند | ۸۴۶ | ایضاً | یارفتمائیل میکائیل | خاکی |
| الاول | آنکہ ہمیشہ بودہ | ۳۷ | ایضاً | یاطاطائیل رفتمائیل | ایضاً |
| الآخر | آنکہ ہمیشہ باشد | ۸۰۱ | ایضاً | یامیکائیل اہزجیل | ایضاً |
| الباطن | پنہان از چگونگی | ۶۲ | ایضاً | یادردائیل اورائیل | خاکی |

اسماء الحسنیٰ

| اسماء حسنیٰ | معنی اسماء | اعداد | جلالی جمالی یا مشترک | موکل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الظاهر | پیدا ہستی | ۱۱۰۶ | مشترک | یا جبرائیل اسمائیل | خاکی |
| الوالی | برتر بقدرت و وارث | ۴۷ | ایضاً | یا رفتمائیل سرکطائیل | بادی |
| المتعالی | بزرگ و برتر | ۵۵۱ | ایضاً | یا طاطائیل عزرائیل | ایضاً |
| البرّ | نیکوکار مطلق | ۲۰۲ | جمالی | یا جبرائیل یا ہمرائیل | خاکی |
| التواب | قبول کنندۂ توبہ | ۴۰۹ | ایضاً | یا عزرائیل جبرائیل | آتشی |
| الغنی | بی نیاز کننده | ۱۰۶۰ | مشترک | یا روحائیل حولائیل | ایضاً |
| المنعم | نعمت دہندہ بندگان | ۲۰۰ | ایضاً | یا اسمائیل روحائیل | خاکی |
| النعیم | نعمت دہندہ | ۱۷۰ | جمالی | یا حولائیل روحائیل | ایضاً |
| العفو | معاف کنندۂ گناہ | ۱۵۶ | ایضاً | یا لوحائیل سرحمائیل | آتشی |
| الرؤف | درگذر و مہربان | ۲۸۶ | ایضاً | یا اہرائیل سرحمائیل | خاکی |
| مالک الملک | مالک تمام خلق | ۲۱۲ | جلالی | یا روحائیل خردائیل | آتشی |
| ذوالجلال | صاحب بزرگی | ۸۰۱ | ایضاً | یا خردائیل طاطائیل | ″ |
| والاکرام | و کرم کریمان | ۲۹۹ | ″ | ″ | ″ |
| الرب | پروردگار | ۲۰۲ | جمالی | یا اہرائیل جبرائیل | خاکی |
| المقسط | دادگر | ۲۰۹ | جلالی | یا اہرائیل اسمائیل | آتشی |
| الجامع | فراہم کننده | ۱۱۴ | مشترک | یا کلکائیل لوحائیل | خاکی |
| المغنی | بی نیاز | ۱۱۰۰ | جمالی | یا دردائیل لوحائیل | آتشی |
| المعطی | عطا کننده | ۱۲۹ | ″ | یا لوحائیل اسمائیل | آبی |
| الضار | زیان کننده | ۱۰۰۱ | جمالی | یا اجمائیل اہرائیل | ″ |
| المانع | باز دارنده | ۱۶۱ | جلالی | یا روحائیل لوحائیل | ″ |
| النافع | سود کننده | ۲۰۱ | ″ | یا حولائیل سرحمائیل | ایضاً |
| النور | روشن کننده | ۲۵۶ | مشترک | یا رفتمائیل اہرائیل | آبی |

| اسماء الحسنیٰ | معنی اسماء | اعداد | جلالی جمالی یا مشترک | مواکیل | عناصر |
|---|---|---|---|---|---|
| الهادی | راه نماینده | ۲۰ | جمالی | یا دردائیل سرکیطائیل | آبی |
| البدیع | آفریننده نادر | ۸۶ | مشترک | یا جبرائیل ردمائیل | خاکی |
| الباقی | پس از خلق بماند | ۱۱۳ | جمالی | یا قنطرائیل رومائیل | آبی |
| الوارث | میراث گیرنده | ۷۰۷ | جلالی | یا رفتمائیل میکائیل | ء |
| الرشید | راست تقدیر و درست | ۵۱۴ | مشترک | یا همرائیل دردائیل | خاکی |
| الصبور | جلدی کننده بعذاب | ۲۹۸ | جمالی | یا اهجمائیل اهراطیل | بادی |

شرح اسماء الحسنیٰ تمام کرده شد اما طالب را باید دریافت جلالی و جمالی و مشترک مشکلی خواهد بود ازانجهت اسماء مذکوره را یکجا مع اسناد کار کردن شرح تمام که هر یک را آسان باشد چنانچه اول اسماء جمالی که آنرا اسماء رحمت گویند برای درجات و فتوح رزق و فتح جنگ و سرخ روئی پیش پادشاه و ملوک و سلاطین و امراء و وزراء و محبت و مودت باین اسماء عمل کنند تا بمقصود رسند و این اسماء جمالی جمله چهل و پنج اسم است چنانچه هر یک اسم با مع اعداد بعد تکسیر این هستند

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا رحمن ۲۹۹ | یا رحیم ۲۵۸ | یا سلام ۱۳۱ | یا مؤمن ۱۳۶ | یا مهیمن ۱۴۵ | یا وهاب ۱۴ | یا رزاق ۳۰۸ |
| یا فتاح ۴۸۹ | یا باری ۲۱۳ | یا غفار ۱۲۸۱ | یا باسط ۷۲ | یا معز ۱۱۷ | یا لطیف ۱۲۹ | یا غفور ۱۲۸۶ |
| یا شکور ۵۲۶ | یا حفیظ ۹۹۸ | یا کریم ۲۷۰ | یا واسع ۱۳۷ | یا حکیم ۷۸ | یا حلیم ۸۸ | یا ودود ۲۰ |
| یا کفیل ۱۴۰ | یا ولی ۴۶ | یا مغنی ۱۱۰ | یا معطی ۱۲۹ | یا نافع ۲۰۱ | یا رشید ۵۱۴ | یا محیی ۶۸ |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا حی ۱۸ | یا قیوم ۱۵۶ | یا ماجد ۴۸ | یا صمد ۱۳۴ | یا بر ۲۰۲ | یا تواب ۴۰۹ | یا عفو ۱۵۶ |
| یا رؤف ۲۸۶ | یا نور ۲۵۶ | یا هادی ۲۰ | یا باقی ۱۱۳ | یا صبور ۲۹۸ | یا واجد ۱۴ | یا وکیل ۶۶ |
| یا احد ۱۳ | یا نعیم ۱۷۰ | یا ضار ۱۰۰۱ | | | | |

پس چون برای علو درجات و گشایش رزق عمل کردن منظور باشد برای این عمل هفت اسم اند از آن هفت اسم یک اسم را اختیار کند و آن هفت اسم مذکور اینست

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا باسط | یا سلام | یا فتاح | یا معز | یا لطیف | یا کریم | یا واسع |

عدد این اسماء که بالا ذکر شدند بگیرد و نیز عدد موکلان از طبیر و عدد اسم صاحب طلب نماید و جمله عددها را یکجا کرده نقش مربع از خانه سوم پر کند بساعت مشتری با ترکیب پر کردن نقوش مربع و مثلث وغیره و دریافتن ساعات سیارگان آینده خواهم نوشت انشاء الله پس جمله اعداد را برای هر روزه خواندن تقسیم کند موافق اعداد اسم بر آورده اسماء هر روزه بخواند و در آرد گندم نقشها نوشته گولی بندد و در دریا اندازد همین طور تا یک چله کند انشاء الله تعالی گشایش رزق و فتوح بیشمار شود و بمرتبه عالی برسد برای سرخ روئی پیش پادشاهان و امراها باید که ازین نیکی اختیار کند اعداد و نقشها را

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| یا رحمن | یا رحیم | یا حلیم | یا حفیظ | یا حی | یا قیوم | یا رافع | یا فتاح | یا مالک |

در مجموعه جمالی نوشته پس ازین اسماء یک اسم گرفته عدد صاحب مطلب و عدد موکل وغیره یکجا کرده در ساعت شمس از خانه یازدهم نقش مربع پر کند و آن نقش را در دست راست بندد یا بر سر بدارد انشاء الله تعالی پیش پادشاه و حاکم سرخروئی باید و حاکم رحیم گردد و برای محبت و مودت و حب اگر عمل کند ازین اسماء یکی بگیرد اینست

| | | |
|---|---|---|
| یا ودود | یا بدوح | یا لطیف |

پس ازین اسماء یک اسم را عدد گرفته و اسم طالب را با اسم مادر و اسم مطلوب را با اسم مادر گرفته اعدادش همه را یکجا کرده در ساعت مشتری نقش مربع از خانه دهم و فتیله سازد و در چراغ گلی که سفال آن جدید باشد از طرف اول که نشان سیاهی کرده روشن کند و چراغ بسمت خانه مطلوب کند و خود رو بروی چراغ نشسته موافق عدد اسماء الهی که ترتیب آن عزیمت مقصود بخواند انشاء الله تعالی بمقصود برسد عزیمت اینست که بطریق نمونه نوشت

کرا حسین

اللهم سخر قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان بحق یا بدوح لجبرائیل
یا دندائیل یا دقائیل یا شکفیل یا سامعاً مطیعاً بحق یا بدوح العجل العجل چون برای
صحت بیماری عمل کند از این هفت اسم الله تعالی یکی را اختیار کند و عدد اینها قبل

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا حفیظ | یا سلام | یا نافع | یا باقی | یا کریم | یا غفور | یا هادی |

مرقوم شد پس آن اسم را که گرفته است عدد بر آورد و نقش مربع از خانه اول پر کند
و شوئیده بخورد مریض دهد ان شاء الله تعالی بعد چند روز صحیح گردد

## شرح اسماء جلالی که ۲۱ اسماء هستند

و این اسما برای بغض و عداوت و جدائی افکندن میان دو کس و مقهور شدن اعدا و خراب کردن
خانه دشمن روزی آن هستند چون این عمل کنند راست و درست آید و آن مجموعه اسما جلالی معظم اینست

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا عزیز | یا جبار | یا متکبر | یا قهار | یا قابض | یا مذل | یا علی |
| ۹۴ | ۲۰۶ | ۶۶۲ | ۳۰۶ | ۹۰۳ | ۷۷۰ | ۱۱۰ |
| یا جلیل | یا قوی | یا متین | یا مبدی | یا معید | یا ممیت | یا قادر |
| ۷۳ | ۱۱۶ | ۵۰۰ | ۵۶ | ۱۲۴ | ۴۹۰ | ۳۰۵ |
| یا مقتدر | یا منتقم | یا ذوالجلال | یا مقسط | یا مانع | یا وارث | یا مالک الملک |
| ۷۴۴ | ۶۳۰ | ۸۰۱ | ۲۰۹ | ۱۶۱ | ۷۰۷ | ۲۱۲ |

این اسماء بیست و اند ترتیبش آنکه اگر برای بغض و عداوت عمل کنند از آن اسما
الهی یک اسم اختیار کند اینست

| | | |
|---|---|---|
| یا جبار | یا قابض | یا قوی |

پس اعداد اسم و عدد اسم موکل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه نهم
پر کند و آن نقش را در گور کهنه دفن کند انشاء الله تعالی جدائی میان دو کس افتد
و چون برای مقهوری دشمن و خرابی خانه او عمل اختیار کند از این
۳ اسماء باری تعالی معظم که مرقوم آمد یکی را بگیرد

| | | |
|---|---|---|
| یا قهار | یا مذل | یا جبار |

پس عدد اسم و عدد اسم حد و مع موکل گرفته نقش مربع در ساعت زحل یا مریخ از خانه
نهم پر کند

ذهم برکند و براین تدبیر عمل کنند از هفت جا خاک بیاورد اول خاک چهار راه که بهندی آن را
چوراه گویند دوم خاک مسجد سوم خاک گور کهنه چهارم خاک خانه ویران پنجم خاک مسان ویران
که بهندی آن را مسان گویند ششم خاک جائیکه خر خود را غلطانیده باشد هفتم خاک جائیکه
زهن نشسته باشد همه خاکها را گرفته گل کرده و نقش که پر کرده در آن گل گذارد و آن اسم مذکور
اسم اقدس مع موکلات مطابق تعداد عدد بخواند و باو دمد و در اول تصور خراب گشتن عدو
کرده بخواند و آن گل را در جای خراب دفن کنند انشاء الله بدخواه او زبون خواهد شد

## بیان اسماء مشترک که جمالی و جلالی هر دو که هر یک عمد بدینکار خوانند

اول باید که ترکیب خواندن این اسما را یاد گیرند و آن اینست که چون برای دعوت دادن
زکوة این اسماء را بخوانند دانهای تسبیح را بجانب خود بگردانند و برای خراب کردن خانه دشمن
و خانه او و برای علو درجات بوقت خواندن تسبیح را بجانب راست بگردانند و برای صحت
مریض تسبیح با اسم هر روز بطور وظیفه میخوانند و هفت بار تسبیح را در آب طاهر و پاکیزه بشویند و بمریض بخورانند
که هر آسیب داشته دفع خواهد شد و صحت کامل از شافی مطلق میسر شود و مجموع اسماء مشترک اینست

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یا مَلِکُ ۹۰ | یا واحِدُ ۱۹ | یا خالِقُ ۷۳۱ | یا قدّوسُ ۱۷۰ | یا مصوّرُ ۳۳۶ | یا علیمُ ۱۵۰ | یا سمیعُ ۱۸۰ |
| یا بصیرُ ۳۰۲ | یا حلیمُ ۸۸ | یا عدلُ ۱۰۴ | یا خبیرُ ۸۱۲ | یا عظیمُ ۱۰۲ | یا مغیثُ ۵۵۰ | یا حسیبُ ۸۰ |
| یا منعمُ ۲۰۰ | یا مجیبُ ۵۵ | یا باعثُ ۵۷۳ | یا شهیدُ ۳۱۹ | یا حقُّ ۱۰۸ | یا مقدِّمُ ۱۸۴ | یا مؤخِّرُ ۸۴۶ |
| یا اوّلُ ۳۷ | یا آخرُ ۸۰۱ | یا ظاهرُ ۱۱۰۶ | یا باطِنُ ۶۲ | یا متعالُ ۵۴۱ | یا اکرامُ ۲۶۲ | یا جامعُ ۱۱۴ |
| یا غَنِیُّ ۱۰۶۰ | یا بدیعُ ۸۶ | یا رشیدُ ۵۱۴ | یا والیُ ۴۷ | | | |

و این اسماء جمله سی و چهار اند پس در هر کار بتصریح که مرقوم میشود عمل کنند و نیز در یافت
ساعت هر کار را آغاز کنند با ساعت شبانه روز در باب پنجم خواهم نوشت اینجا اینقدر

کافی است که مبتدی را خیال باید چنانچه روز شنبه زحل بساعت اول نحس اکبر برای
خراب کردن دشمن و جدائی دو کس ساعت دوم مشتری سعد اکبر برای علو درجات
و پیش پادشاه و ملوک رفتن و برای محبت و مودت و ساعت سوم مریخ نحس اصغر
برای مقهوری اعدا و ساعت چهارم شمس سعد اکبر برای محبت و علو درجات ساعت پنجم
عطارد نحس ذوجسدین برای زبان بندی و دیو بندی و جمله بلاها و ساعت ششم قمر سعد
ذوجسدین برای گشایش رزق و فتوح و تسخیر روحی پس ساعت دیگر را بطریق
مثال نوشتم و ساعت هر روزه را در باب ۵ مذکور خواهد شد لهذا این ساعت دیده
هر اسم را که در مربع برای هر کاری و هر مقصدی پر کند مثلاً برای حب یا برای بغض
یا برای فتح یابی و تسخیر روحی آن اسم را نظر کند که چند حروف دارد پس هر حرف را موکل
بگیرد باین طریق مثلاً اسم بدوح که اینچنین حروف دارد (ب د و ح) مواکیل آن
موکل حرف (ب) جبرائیل (د) دردائیل موکل حرف (و) رقتمائیل موکل حرف (ح)
تنکفیل فی الجمله این موکلها که مثلاً احداث شده همین طور هر حرف را موکل بگیرد و همراه
اسم خدا تعالی داخل کند و بخواند در همان ساعت که برای هر کار مقرر است و صورت ترتیب
موکلات همراه اسم خدا اینست مثلاً حروف بدوح را موکل بیاورده ترتیبش اینکه
یا بدوح احب یا جبرائیل یا دردائیل یا رقتمائیل یا تنکفیل سامعاً مطیعاً بحق یا بدوح فاما
همینطور هر اسم را بعمل آرد اشاره بعاقل کافیست چون بساعت ستاره و نقش اسماء
نویسد با موکلات بترتیب مذکور خواندن آغاز نماید آنوقت رجال الغیب را پس پشت
کند و دعا رجال الغیب بخواند و اندک شیرینی در دهن کند برای محبت و برای عداوت
چیزی تلخ و تیز در دهن بدارد و انا بخورات و اغذیات ستارگان و طریق دانستن
رجال الغیب در باب پنجم خواهم نوشت لیکن دعای رجال الغیب اینست دعای نظر رجال الغیب
السلام علیکم یا رجال السلام علیکم یا ارواح المقدسة اغیثونی بغوثة
وانظرونی بنظرة یا رقبا یا نجبا یا ابدال یا اوتاد یا غوث یا قطب بحرمة
النبی صلوات الله علیهم والسلام پس طالب در خواندن اسماء الهی هر سه گونه
یعنی جلالی و جمالی و مشترک نصیحت بجا آورد تا درست افتد و الحال

عمل ما ذکر این اسماء باریتعالی کنیم که از بزرگان باین تحقیق رسیده است و آن اینست
اسم باریتعالی عطا فرمود مولانا السید زین العابدین صاحب که باید این هر سه
اسم که محاصر تمام کلام الله است و در بسم الله و الحمد آمده اند و یکی اسم ذات و دیگری
اسم عادل و سوم اسم رحمت و در صفت همین اسما تمام کلام الله است و در اسناد
این هر سه زبان نیست که بیان کنم لهذا این اسما را سه هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه مابین
عصر و مغرب هر روز بلا فاصله در سایه آسمان سر برهنه مدام بخواند اگر خدا یتعالی خواهد اسیر
گردد و برای هر مطلبی که بخواند در مدت چهل روز آن مقصد بعون الله تعالی بیشک بر آید آن اسما
معظم و مکرم اینند یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ دیگر عمل از زاهدی باین تحقیق رسیده است که
این هر دو اسم مبارک باری تعالی که یَا عَزِیْزُ یَا لَطِیْفُ که هر دو یک صفت دارند و یکی اسم جلالی
و دیگر جمالی است پس هر دو را دوازده هزار مرتبه بعد از نماز صبح یا بعد نماز مغرب سر برهنه کرده
و پارچه سیاهی در گردن انداخته تضرع کنان بخواند و گریه کند بیشک در مدت دوازده روز مطلب
دنیا و دین حاصل گردد و اگر یک حلقه از این هر دو اسم یکبار از وقت شام تا صبح یا تا شام
دیگر سر برهنه در مقام تنها در زیر آسمان نشسته بخواند بیشک همان روز مطلب بر آید
ولیکن یک صد و پنجاه مرتبه در یک مجلس بخواند تا بمقصود برسد فائدۂ عجیب
و غریب عنایت جناب حافظ اصغر علی صاحب باید که اسم یَا مُسْتَطِیْعُ را
باول و آخر درود شریف سه مرتبه خوانده صد و سیزده مرتبه وقت نماز صبح دائم بخواند
بیشک مجمع خلایق پیش عامل شود مجرب است و برای دو کس تجربه نموده شده است
عمل دیگر برای زاهدان هرکه خواهد از گناهان صغیره و کبیره که حقتعالی از او درگذرد و
برحمت خویش معافش کند این اسم را بدین ترتیب با درود بر محمد صلی الله علیه و آله بعد از
نماز جمعه صد بار بخواند ببرکت این اسم در اندک مدت آمرزیده گردد اسم اینست یَا غَفَّارُ
اِغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ یَا قَهَّارُ هرکه این اسم مذکوره را مدام بخواند محبت دنیا از دل او بیرون
رود و دیگر هرکه بعد از نماز چاشت سر بسجده نهد و هفت مرتبه اسم را بخواند بکرم الهی
مستغنی گردد اسم اینست یَا وَهَّابُ نوع دیگر در مقدمه عداوت جانبین و جدائی
افکندن میان دو نفر هذا العمل مجرب از نادرات است باید که این اسما را در تاریخ نحس

و درد همین چیزی تلخ مثل سینا مرچ یا نمک شور انداخته سه روز متوالی بوقت رد بروی خود
سمت جنوبی کرده بخورات سوزانیده هر روز دو هزار مرتبه خوانده و وقتی که تسبیح تمام
شود بیست و یکم مرتبه بپارچه کاغذ این اسماء را نوشته باشد و بر آتش بسوزاند مگر اینکه
اگر مسلمان باشد لازم است که اسم باری تعالی را نسوزاند بلکه در یکظرف نهاده بر آتش
که گرمی آتش بران کاغذ برسد پس بعد از سه روز عامل اینطریق باشد و هرگاه که جدائی میان
دو کس انداختن منظور باشد همین اسماء قهاری را مع عبارت چنانکه قبل نوشته شد در
پارچه نوشته با اسم جانبین و مادرشان نوشته و در راه گذرشان دفن کنند زکوة
قدری شیر برنج با احتیاط خود پخته سه رکابی کند بر یکی نیاز حضرت بی بی فاطمه سلام الله
علیها و بر دوم نیاز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کند و بر سوم نیاز موکلان کند پس پیغمبر
بر هر که داده است خود بخورد و نیاز موکلان در مسجد آنها که نماز میکنند بخوراند و نیاز فاطمه را
بدختران خوراند و تعویذ را در رهگذرشان دفن کند چنان باهم دشمنی کنند که یکدیگر را نخواهند شنید
اسماء اینست مَا بَدِیعَ الْعَجَائِبِ بِقَهَّارِ الْفِرَاقِ نوع دیگر برای هلاک و تباهی
دشمن باید که این اسم قاهر را برای هر کسی که یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در مدت
یک هفته بسوی آسمان رو کرده بخواند و بسمت آنکس بدمد یقین که در یکهفته دشمن
تباه شود و اگر نشود در هفته دیگر چنین کند بیشک بحکم خدا عدو برباد گردد این عمل
عنایت کرده پیر خان ساکن اطمی حصار است که باین نحیف عطا شده این است
اَلْمُذِلُّ نوع دیگر این اسم باریتعالی که عملش عنایت فرموده جناب سبحان شاه صاحب
که ذی کراماتست و در مقصد محبت مجربست اگر کسی بر کسی عاشق باشد و هرگز
با او ملاقات میسر نشود باید که این اسم اعظم را بوقت صبح و بوقت شام از روز
پنجشنبه بعد از نماز یکصد و یکم مرتبه اول و آخر صلوات فرستد و مطلوب را در دل خیال
تصور کند که گویا روبروی ایستاده است و چشم خود را بند دارد و چون تمام شود و دم
خیال بسوی مطلوب کند در مدت یکهفته بی شک معشوق باو رجوع کند و البته از افعال
شنیع پرهیز کند یعنی زنا نکند و اگر برای یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه این اسم را
بدمد عامل شود هرگاه که بعد زکوة برای کسی سه روز بطریق مذکور بالا ذکر کند بخواند

مطیع فرمان شود مجربست خطا و شک ندارد اسم مبارک اینست **اَلْحَلِیْمُ** نوع دیگر
عنایت همین درویش بزرگ مرقومه بالا این عمل اسم باری تعالی برای تسخیر انسان آشنا
مرد و زن آزرده خاطر که هرگز طرف خود رجوع میکند پس باید که یک پیاله بطهارت تمام
از شربت درست کند و در آن گلاب کیوره اندازد و باید که روز پنجشنبه باشد بوقت نماز عصر
رو بقبله نشسته چشم بسته تصور سوی مطلوب کرده یکهزار و چهار صد مرتبه این اسم معظم
بخواند **یَا وَدُوْدُ** چون تمام شود بر آن پیاله شربت بدمد و نیاز موکلان اسم موصوف داده
و خود بنوشد انشاء الله تعالی در مدت خواندن همان روز مطلوب حاضر شود اگر مطلوب حاضر
شود در بین خواندن باید با او حرف نزند و کلام نگوید تا که عمل را تمام کند همین نوع تا سه روز یا
هفت روز بخواند تا مطلوب مسخر و مطیع گردد مجربست **عمل دیگر در باب محبت**
**عنایت عابد و زاهد جناب محمد حسن صاحب** قدس سره این عمل مجرب و آزموده
شده بارها باید که در عروج ماه بروز پنجشنبه بر پارچه کاغذ اول عدد بسم الله بنویسد
بعد اعداد تمام طالب و مطلوب با عدد اسم مادران هر دو و عدد اسم **یَا وَدُوْدُ** را هم
بنویسد باین طریق که اول بر تخته چوبی یا بر کاغذ اسم طالب بنویسد و بعد اسم یا ودود را
بعد اسم مطلوب بهمین طریق مثال آنرا می نویسیم تا که در فهم آسان آید

| فاطمه خانم | وَدُوْد | میر احمد علی |
|---|---|---|
| ۴۰۵۰۱۶۰۰۵۴۰۹۱۸۰ | ۴۶۴۶ | ۱۰۳۰۷۰۴۴۰۸۱۲۰۰۱۰۴۰ |

بعد نوشتن این اعداد مدغم کند یعنی یکعدد از سر گیرد و یک عدد از پای اسم مطلوب
نویسد چنانکه باهم تمام اعداد چسپیده باشند و من مثال ادغام هم می نویسیم بدین طریق
۴۰۴۰ ۱۰۵۰۰۲۱۱۰۰۶۸۵۰۴۰۴۴۹۰۷۱۰۳۰۸۰۱۴۶۶۴ پس تمام شد این
اعداد را فتیله ساخته سیاهی بر رخش مالیده در چراغ که سفال آب نارسیده باشد روغن
خوشبو بریزد و بر فتیله عطر مالیده و شهد خالص در آن مالیده پنبه طاهر پیچیده در
چراغ نهاده روی چراغ جانب خانه مطلوب کرده از خس پاک روشن کند و خود رو
بروی چراغ ایستاده پارچه طاهر پوشیده یکصد و یک بار درود اول و آخر شریک کرده
این اسم یا ودود بخواند چون تمام شود اگر چه مطلب محبت داشته باشد عرض حال خود کند

اگر کسی را از قید رهائی دادن منظور باشد پس اول اسم معتقد بنویسد در میانش اسم وعدو
روز آخر بجای مطلوب اسم حاکم و بقاعده مرقوم الصدر ادغام کرده فتیله روشن نمود
بعد خواندن اسم عرضحال برای رهائی قیدی کند انشاء الله تعالی هر مطلبی که داشته باشد در
هفت روز یا چهارده روز تا بیست و یک روز ضرور بر آید اما لازمست که برای این عمل کردن
چله اختیار کند پس خطای ندارد بیشک بحکم الهی مطلوب حاصل شود و قید رهائی بیابد الا لازمست
که تا در چله باشد پرهیز از حیوانی کند و در میان چله مذکور حرام نکند و دروغ نگوید مجربست

**عمل اسم باری تعالی درباب حب مجرب از پیرزاده باین فقیر رسیده است** اچون خواهد
کسی را تسخیر کند و او را دوست خود نماید یا از امیری نفع بخواهد باید در عروج ماه از یوم یکشنبه
یا روز جمعه این عمل را شروع کند بدین ترتیب که بوقت شب دو زانو رو بقبله کرده بنشیند
و چشم خود بند کرده اول یازده بار آیة الکرسی تا علی العظیم بخواند بعد یکهزار و ده مرتبه این
اسم معظم با عبارت آن و مطلوب خود را در نظر پیش خود دست بسته گویا ایستاده بخواند
چون اسم تمام شود بر سینه او بدمد و در دل خود اشاره کند که مطیع من شو همین نوع
تا یازده روز بدستور مسبوق الذکر بخواند و اگر ممکن باشد بر چیزی بدمد و باو
بخوراند البته انشاء الله مطیع و فرمانبردار خواهد شد اگر زکوة این اسم
تا چهل روز هر روز هزار هزار بار بخواند و بدمد عامل این اسم مبارک گردد پس
در مقدمه تسخیر و حب برای خود و برای دیگر بهر صورت بکار آید بهر چیز که دم کرده یا بخوردن و نوشتن
اثر عظیم بخشد و نیز زکوة و آیة الکرسی بدستور مذکور هر روز بخواند و در روز تمام شدن چله بر
شربت بدمد و فاتحه بروح پرفتوح حضرت پیغمبر صلعم داده بنوشد و همیشه در وظیفه خود قدری بخواند
داشته باشد همیشه در اختیار خود ماند اینست **یا مقلب القلوب قلب قلبه الی** و برای
زن بگوید **قلبها الی** دیگر عمل اسماء الهی در مقدمه تب و لرز باید هر کسی را تب و لرز گرفته
باشد آن شخص هشت عدد ریزه سفال نو که بهندی آنرا تهیکری گویند بگیرد و
بهر کدام **یا محیط** بنویسد و بر بازوی صاحب تب بندد و یکی هم بنویسد و مریض
در آب پاک بشوید و بخورد و بروز دوم بر یک سفال نوشته و آنکه ببازوی ش بسته بود
در چاه چنید ازد و دومی را ببندد و یکی هم بنویسد و بخورد و چون روز سوم باز آن

سفال دومی را از بازو باز کرده در چاه بیندازد و یکی بنویسد یا محیطا بر بازوی خود
بندد و یکی اسم نوشته بشوید و بخورد و باز بروز چهارم یکی بنویسد ببازو بندد و سومی را
باز کرده از بازو و در چاه اندازد و یکی نوشته بشوید و بخورد یا محیطا و در مدت همین چهار
روز انشاء الله تعالی برطرف شود و تپ نیاید مجرب است و باین ترتیب هیچکس این اسما را بعمل نیاورده
از آنجهت اثر نمیکند ترتیب معتبر اینست که از امیر امام بخش صاحب پیرزاده اولاد حضرت مخدوم
اشرف جهانگیر باین نحیف رسیده است خطائی ندارد **نوع دیگر** عمل اسم باریتعالی که
در حقیقت اسم اعظم همین است که پروردگار در کلام مجیدش یاد و ذکر فرموده است و
در بیان عظمت این اسم در کلام خود بسیار قسم داده و در بسم الله که اول این اسم است که
بسم سر کلام خدا است و اسم مبارک اینست الرحمٰن پس هر کس که یکصد و بیست مرتبه در
صبح و یکصد و یکمرتبه بوقت شام ورد خود کند و اند در هر مقصد محبت و تسخیر و غیره بر
هر چیزی که بدهد اثر تمام بخشد و همیشه آن شخص متمول باشد و هرگز محتاج نگردد و در
تجربه این فقیر آمده است و این اسم از درویش کامل باین حقیر رسیده است عزیز باید
داشت و اگر زکوة یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه بدهد عامل کامل گردد و صفت این
اسم نوشتن نمیتوانم **دیگر عمل** اسم الله عنایت سبحان شاه درویش صاحب اول
زکوة این اسم بدهد یعنی یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه در عرصه یک چله بترک حیوانات و جلالی
برای درویش صاحب کمال نهایت مفید است یعنی اگر خواهد تسخیر خلق کند ترک حیوانی و پرهیز جلالی و جمالی
کرده بخواند و با شرح پرهیزات مذکوره آینده بیان خواهم نمود پس بعد چله عامل شده هر روز
صبح و شام یکصد و یکمرتبه بخواند با تسخیر خلایق حاصل آید اسم مبارک اینست یا مؤخر ترکیبش مجرب
**نوع دیگر عمل اسم باریتعالی** عطا فرموده جناب پیر خان پیرزاده موصوف اسم زکوة
اینست الامان پس این را زکوة یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه و ترک حیوانی و پرهیز
مذکوره اول بدهد و در عمل خویش بیارد و بعد همیشه یکصد و یک مرتبه هر روز صبح و شام
ورد خود کند پس اگر در مدت دوازده سال در شکم کسی درد باشد یا در موضع خود
درد باشد و عامل این اسم دم کند فوراً درد دفع شود و اگر زن حامله را درد باشد در شکم

بعده فوراً درد دستش برطرف شود و بچه صحیح پیدا شود و اگر خود پیش مریض رفتن نتواند بدست
قاصد بخواند و بدمد تا او برتن و اندام مریض دست خود بمالد فوراً درد دفع گردد عامل را لازم
دستکه اسم را بر دم کردن بر زبان آورد بلکه دست خویش را هم گرده بر موضع درد دست بمالد
مجربست **عمل اسم یا ودود تعالی** آزموده حقیر عنایت شاه کریم درویش هر زنی که پیش
حمل او سقط شود پس باید این اسم موصوف آینده را بشوهر آن زن بیاموزانند تا شوهرش زنی را
بر زمین غلطانده از انگشت یازده مرتبه این اسم را خوانده از سینه زن تا موی سیاه حصار کرده
در هنگام حمل یکماه و دو ماه این عمل را بکند انشاءالله تعالی هرگز آن حمل سقط نشود و اسم مذکور این است
یا مُبْتَدِئُ **عمل مجرب** عنایت جناب نواب ارشد علیخان صاحب تلمیذ شاه عبدالرزاق صاحب
مجرب آزموده اگر امیری یا پادشاه کسی را از شهر بدر کرده باشد یا امیر بطرف خود در غضب
نمیباشد یا هر مطلبی که انسان در دنیا داشته باشد بلاشک بمقصود برسد بدین ترتیب
نوع باید که بروز پنجشنبه روزه بدارد و غسل کرده جامه پاک و سفید بپوشد و عطر با
بخود مالیده روزه را افطار کند بعده تنها در جای خلوتی نشسته بخورات در آتش کرده
قدری شیربرنج بیشتر پخته پیش خود گذارده و نیاز بران شیربرنج چنین کند که از آن
رخت کند قسمت اول نیاز موکل که اسم آن موکل آدم تازه از راه رسیده دهد و قسمت
دوم نیاز حضرت پیغمبر صلعم دهد و قسمت سوم نیاز حضرت فاطمه سلام الله علیها دهد و دوازده
صد مرتبه این اسماء الهی را در یک مجلس بخواند و حیوانی هم نخورد و بخشد و آن شیر
برنج را در مسجد مردم دهد و نیاز حضرت فاطمه را بدختران بخوراند و اسماء اینها است
یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا عَلِیُّ یا وَلِیُّ یا وَفِیُّ یا غَنِیُّ ۵۵ پس صبح آن مطلب آید یعنی آن پادشاه
از او طلب کند و اگر در یکروز مقصود میسر نشود روز دوم بغیر پختن شیربرنج روزه داشته اسم را
بتعداد مذکور بخواند و اگر مطلب نیاید باز روز سوم بغیر روزه و شیربرنج با طهارت تمام تا دوازده
روز بخواند پادشاه و امیر و فقیر مسخر خواهند شد بکرم الهی خواهد رسید انشاءالله تعالی و بفضله الاعلی
**عمل اسم یا ذی تعالی** عطیه میرزا بیرعلی صاحب ساکن بهرایچ عمل مذکور آزموده میرزا
موصوف هرگز خطا نکند و این فقیر هرکس که بخشیدم بکار او آمد و این عمل اینکه

بی روزی یا بی نوکری باشد یا کسی او را برطرف کرده باشد این هر سه اسماء را اول زکوة
و ترک حیوانی کرده تا یک چله ششصد و پنجاه و هشت مرتبه موافق اعداد حروف تهجی
هر اسم که استادان مقرر کرده اند بخوانند یعنی اسم اول را یکصد و نود و یک مرتبه و اسم دوم را
یکصد و چهل و هشت مرتبه و اسم سوم را سیصد و نوزده مرتبه جدا جدا یکوقت هر روز در یک
مجلس با طهارت تمام خوانده باشد چون چهل روز تمام شود قدری ماکولات را نیاز داده بطلاب
تقسیم کند پس عامل شد هر گاه که در هر مصیبت و هر مطلب برای خود یا دیگری سه روز یا هفت
روز به یکسو بخواند بیشک مطلب بر آید و روزگار بهتر شود و اسماء معظم و مکرم هر سه گانه هستند

| یا سمیع | یا واسع | یا رزاق |
|---|---|---|
| ۱۱۹ | ۱۴۸ | ۳۱۹ |

**عمل اسم یا وهاب** نادر روزگار که مثل این اسم تمام جهان است این اسم معتبر است
الا باین ترتیب که این فقیر را رسیده است یقین که در هندوستان صاحب بخت را
رسیده باشد ورنه یقین دارم که کسی از اسرار این گنج واقف نباشد و این ترتیب این
نیازمند را از عنایت درویش صاحب کمال و با عمل صاحب علم کیمیا و صاحب عبادت
در مقام سورت بمبئی رسیده اسم شریف آن بزرگ حضرت شاه اجنبی بود یعنی الحاج
شاه صاحب روانه کعبة الله شریف شدند بوقت رفتن از فیض باطنی باین
کمترین تعلیم خود عطا فرمودند هر چند چیزهای دیگری هم عطا فرموده بودند
که آنهم بدوستان خود درین کتاب یاد خواهم کرد و این فقیر در مقدمه
تنها ازین عنایت شاه صاحب فایز گردید الا نوبت زکوة نرسیده
است و بالله التوفیق ربانی آنجناب ارشاد است که اول مرتبه این اسم
سلطنت مرتبه دوم وزارت و مرتبه سوم امارت و مرتبه چهارم تسخیر
خلایق جمله عالم و مرتبه پنجم دست غیب اگر ترتیب اول زکوة دهد بادشاه
گردد و اگر ترتیب دوم دهد وزیر گردد و ترتیب سوم از زکوة دادن امیر کبیر گردد
و ترتیب چهارم از زکوة دادن تسخیر عالم میسر گردد و ترتیب پنجم چون زکوة دهد دست غیب
هر روز میسر باشد ترتیب اول که متعلق بپادشاه است اینکه ترک لذات حیوانی بروجه جلالی
اختیار کند و همه وقت با وضو باشد و هر روز غسل کند و جامه طاهر و نزد زن نرود و چهارم

مرتبه در یک چله اسم مذکور را بخواند و هر روز چهارده نقش نوشته در آرد و گولی بسته پیش
خود جمع نماید بروز هشتم همه گولیها را در دریا اندازد پس چون چله تمام شود بیشک پادشاه
گردد و اگر اینقدر بار برداشتن نتواند باید که در پرهیز تخفیف کند و با زن جماع نکند و
گوشت کلان نخورد و بجز حلال غیبت کند و از حرام اجتناب کند و بوقت خواندن باوضو
باشد و در مدت هفت روز جمعه غسل کند و بدستور چهارده کرور چهارده نقش
باشد چون تمام شود وزیر گردد و ترتیب سوم اینکه بگیرد روزه در مدت هفت روز هر قدر که
بآن ترتیب که بمرتبه وزارت نوشته ایم خوانده تمام کند امیر کبیر گردد و ترتیب چهارم اینکه
هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه هر روز همیشه وظیفه خود باوضو مقرر کند و معین دارد گاهی
نکند تا آن مدت که شوق تسخیر عالم داشته باشد بلاشک تمام خلایق مسخر شوند و در
اوقات توکل زر بسیار بهم رسد و عامل محبب عالم گردد و ترتیب پنجم اینکه در یک چله
با ترک حیوانات و چیزهای لذیذ مطلق با صوم هر روز با نان جوین و نمک ناهوری
افطار کند و در یکوقت بیک مجلس سی و پنجهزار مرتبه اول و آخر درود شریف مقرر
نموده هر روز بخواند و همانجا چهارده نقش نوشته در آرد گولی بسته همان
روز در دریا اندازد و این نقش که برای نوشتن گفته ایم بعدد اسم و آب آتش است
و موکل آن جبرائیل است و ما نقش را بطور مثال مینویسیم عامل بدین طور نویسد
و بکار برد پس چون اینقدر هر روز بخواند در مدت چهل روز چهارده لک تمام خواهد
شد آن روز ضرور انشاء الله تعالی صورت موکل پیدا خواهد شد و هر چه که دست
غیب هر روز عامل طلب کند قبول خواهد کرد همیشه زیر جانماز خواهد نهاد و اگر موکل
حاضر آید بیشک بتعداد چهارده روپیه هر روز فتوح از عالم غیب تا آن کس
خواهد رسید خطائی ندارد و پس باید که بعد ختم چله چهارده مرتبه هر روز علی
الصباح بعد از نماز بخواند و یک نقش نوشته نزد خود داشته باشد از تمام
درآرد همه نقوش را گولی بسته بدریا انداخته و اسم را که در هر طریق برای خواندن
گفته ایم بدین طریق در هر پنج مراتب بخواند این است اَجِب یا جبرائیل بحق
یا وَهّاب وصورت نقش که برای نوشتن معین است در سر صفحه با موکل

نوع دیگر عمل اسماء باریتعالی برای قیام حمل باید که این اسماء معظم را بر رشته خام خواند گره بزند و آب طاهر و تازه دم کرده زن را بنوشاند و آن ریسمان را در کمر بندد انشاء الله تعالی حمل قائم ماند اسماء مکرم معظم اینند یا رقیب یا وکیل یا الله

| | | |
|---|---|---|
| | ۷۸۶ | |
| ۱ | ۱۰ | ۳ |
| ۵ | اجیب یا جبرائیل بحق یا وهاب | ۹ |
| ۸ | ۴ | ۲ |
| ۰ | ۰ | ۰ |

عمل دیگر عنایت بزرگی برای گشایش رزق باید که بروز پنجشنبه و شب جمعه در جای پاکیزه و خلوت تنها نشسته هزار مرتبه بخواند بفضل خدا بتعالی از صبح آن شب مقصود رو نماید و گشایش رزق شود شک نیاورد و لیکن اول و آخر چند مرتبه درود خوانده و ترتیب خواندن اسم مبارک اینست المعطی هو الله

نوع دیگر عمل تکسیر از اسم باری تعالی مجربست در باب حب و تسخیر قلوب امیر و فقیر از جناب شاه صاحب میران ساکن قصبه کاکوری باین حقیر رسیده است بهتر از این عمل درباره حب و تسخیر قلوب دیگر نیست باید اول اسم مطلوب را بجای طالب بنویسد و اسم طالب را بجای اسم مطلوب بنویسد بدین طریق فخر النساء مطلوب غلام حسین طالب پس ترتیب تکسیر این اسما بدین ترتیب

ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن

این جمله حروف را از طرف چپ و راست تکسیر کند چندانکه سطر اول در سطر آخر برآید و این را صدر موخر گویند بعد در زیر آن حروف تکسیر عزیمت ساخته بنویسد و ترتیب آنکه حرف طالب و مطلوب را جدا نوشته اسم موکل حروف بنویسد و بعد موافق اسم موکلان اسم باریتعالی را بنویسد بعد از آن عبارت باقیمانده عزیمت بنویسد و هر قدر که سطر تکسیر گشته اند بهمان قدر فتیله نوشته هر روز بروغن خوشبو در چراغ کرده رو بخانه مطلوب روشن کند بیشک مطلوب بیقرار شده حاضر شود و لیکن در وقت پیدا آوردن موکلان از سطر اول اسماء است حروف مکرر برداشته باقیمانده را موکلان و اسماء باریتعالی بگیرد و ما طریقه تکسیر را مثال می نویسیم تا ترا سهل گردد و مثال این است

ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ن
ن ف ی خ س د ح ا م ل ا ن ل س غ ا د و د
د ن و ف د ی د خ ا س غ د س ح ل ا ن م ا ل
ل د ا ن م د ن ف ا و ل ی ح د س خ د ا غ س
س ل غ د ا ا د ن خ م س و د ن ح ف ی ا ل و
و س ل ل ا غ ی د ف ا ح ا ن د د ن و ح س م
م و س س خ ل و ل ن ا د غ د ی ن د ا ف ح ا
ا م ح و ف س ا س د خ ن ل ی و د ل غ ن د ا
ا ا د م ن ح غ و ل ف د س و ا ی س ل د ن خ
خ ا ن ا د د ل م س ن ی ح ا غ و و س ل د ف
ف خ ر ا ل ن س ا و د و د غ ل ا م ح س ی ف

پس چون سطر اوّل در تکسیر برآمد چنانکه در مثالش برآمده است تکسیر شده پس موکلین آن باین طریق برآرند مثلاً (ف) موکل سرحمائیل حرف (خ) موکل جولائیل حرف (ر) موکل همواکیل و چون الف مکرر است (ن) موکل جولائیل حرف (س) موکل هموائیل و چون الف مکرر است دور کرده شد موکل اسم مطلوب برآمدند فاما موکل اسم باریتعالی حرف (و) موکل زمتمائیل حرف (د) موکل درداٸیل و چون واو و دال مکرر اند ساقط گشته اسم طالب را موکلین مثلاً حرف (غ) موکل لوخائیل حرف (ل) موکل ضاطائیل و الف که مکرر در اسم مطلوب بلکه بجا است از اینجا نیز ساقط حرف (م) موکل آن روماٸیل حرف (ح) موکل تنکفیل حرف (س) مکرر در اسم مطلوب موجود است دفع کرده شد حرف (ی) موکل سرکیطائیل پس سطر اوّل که اسماء طالب و مطلوب بود آنرا موکل برآمدند پس این موکلان اسماء باریتعالی بدین طریق برآوردم چنانچه حرف اوّل (ف) موکل سرحمائیل است اسم باریتعالی سرحمائیل از اینست یا فتّاح و این اسم باریتعالی زبور یه است یعنی از (ف) آغاز شده و اسم که آخر حرف دارد جنینه است چنانکه در این

مثال یا رئوف که در آخر حرف (ف) دارد موکل این حرف یعنی اسم باریتعالی بر سر جاکیر
پس اگر موقع گرفتن زبوریه باشد اسم زبوریه بگیرد که ضرورت گرفتن بینیه باشد بینیه
بگیرد فی الجمله حرف دوم اسم مطلوب (خ) است و موکلش میکائیل پس اسم باریتعالی
زبوریه یا خافض و یا خالق است و یا خبیر است و بینیه آن خبیت پس اگر ضرورت
بخواه برای بینیه باشد یا آخر را با چاری بگیرد آدم بر سر مطلب سوم اسم مطلوب (د) (ی)
و موکل آن مواکیل نام حق سبحانه و تعالی زبوریه یا دیب یا رئوف یا رحیم یا رحمن یا دیان
و بینیه این یا حی یا قادر یا مقتدر یا ظاهر پس موکل حرف (ا) اسم مطلوب که کل ان اسرافیل
نام باریتعالی زبوریه هست یا اول یا الله یا احد و بینیه آن حیت و حرف اسم مطلوب (ن)
موکل آن جولائیل اسم باریتعالی زبوریه یا نصیر یا ناصر یا نافع یا نور و بینیه آن یا باطن
یا مؤمن یا مهیمن و حرف اسم مطلوب (س) موکل آن همواکیل اسم جناب باریتعالی زبوریه
یا شداد یا سمیع یا سلام یا سید و بینیه آن یا قدوس بعد اسم مطلوب اسم خدا یعنی یا ودود
را (و) (د) گرفتم و موکلان آن هر دو حرف رقیائیل و دردائیل ند فاما نام باریتعالی آن موکلان
زبوریه برای واو یا ودود یا واحد یا وهاب یا دلیل و بینیه آن یا عفو و برای دال که موکل
دردائیل هست اسم حقتعالی زبوریه یا دائم یا دیان یا وکیل و بینیه آن یا شهید یا ودود
یا مجید یا حمید یا واحد یا د ، ی بعد آن در نام طالب حرف (غ) است موکل آن
لوخائیل مطابق اسم جناب احدیت زبوریه یا غنی یا غفور یا غفار و بینیه آن
بیت بعد آن حرف (ل) موکلش طاطائیل اسم عز و جل زبوریه یا لطیف و بینیه آن
یا وکیل یا جلیل یا عدل بعد حرف (م) موکلش رومائیل اسم خدا زبوریه یا ممیت یا
مغیث یا مجیب یا مجید یا متین یا مهیمن یا محیی یا محصی یا مبدی یا مقسط یا
مالک یا مقتدر یا معطی و بینیه آن یا کریم یا رحیم یا سلام یا علیم یا حکیم
بعد آن در اسم طالب حرف (ح) است موکلش تنکفیل پس نام باریتعالی زبوریه یا حمید
یا حسیب یا حکیم یا حلیم یا حق یا حی و بینیه آن یا فتاح بعد آن در اسم طالب
حرف (ی) است و موکل آن سرکتائیل پس نام باریتعالی زبوریه یحیی و یممیت و بینیه آن یا
قوی یا غنی یا حی و غیره پس اسم خدا را برآورده از جمله مواکیل سطر دلیل نیز آماخبال

باید گرد کہ من بینیہ و زبوریہ را برای چہ بقید تحریر آوردم این قاعدہ استادان برای این
نوشتہ اند کہ اگر موکل حرف خلاف اسم باریتعالی باشد پس زبوریہ را ترک کنند و بینیہ را گیرد
مثلاً حرف (خ) کہ موکل آن میکائیل است پس نام باریتعالی زبوریہ در جدول ختم یا خافض
یا فتح و حرف (ح) موکل آن تنکفیل است پس نام زبوریہ در جدول یا فتح یا حفیظ پس
جستم موکل یا حفیظ را در جدول سرحائیل در دائیل یافتم لاجرم ضرورت افتاد کہ یا حفیظ
موافق موکل نیست آنرا ترک کنم و اسم دیگر بگیرم چون باز جستم (حکیم) را یافتم
کہ زبوریہ است و موکل تنکفیل و روفائیل دارد اما این را ہرچند کہ موافق اسم موکل یافتم
لیکن ترک کردم و ہمین طور ہمہ زبوریہ را ترک کردم و بینیہ کہ یا فتاح است اختیار
نمودم و فائدہ در آن این مقصود است کہ در اسم مطلوب (ف) والف است و (ح) در اسم طالب
پس در فتاح یکحرف (ت) زائد است باقی ہمہ حرف مطابق اسماء طالب و مطلوب اند ازین وجہ غلبہ در این
اسم دیدم زبوریہ نگرفتہ اینرا قبول کردم لہذا برینقاعدہ عمل باید کرد کہ اگر موکل موافق اسم باریتعالی
نباشد آن اسم را نگیرد و اگر موافق باشد بہ بیند کہ در زبوریہ حرف مطابق اسم طالب و مطلوب
یا در بینیہ پس در ہرکدام کہ غلبہ موافقت حرف باشد آنرا اختیار کنند حاصلش اینکہ چون موکل و اسم باریتعالی
و اسم طالب و مطلوب ہمہ از تکسیر بسر انجام رسیدند پس عزیمت آن بدینطریق ساختن باید کہ مطابق ہر موکل
یک اسم باریتعالی بگیرد و اسماء کہ زاید نوشتہ ام محض مثال از زبوریہ و بینیہ در ترقیم آوردہ ام خاتمہ
ہمین حروف و اسماء را چنان عزیمت ساختم کہ حرف تکسیر اسماء طالب و مطلوب را کہ
اولاً نوشتہ ام در آن حرف آنچہ کہ مکرر بودند آنرا رد کردم پس این حرف حاصل شدند
ن ف ی خ س د ح ا م ل غ د و این حروف سیزدہ ہستند پس ہر کلمہ این را مدغم کردہ
بطریق ثلاثی ساختم و کلمہ رباعی مدغم کردم زیرا کہ در حساب ثلاثی یکحرف زاید است
اگر دوازدہ می بود سہ برابر آمدی و این سیزدہ ہستند لاجرم باین مرکب کردم نفی
خسر حامل غدود چون این کلمہ مرکب شدند عزیمت باین نوع ساختم عزیمت مشالیہ
حرف تکسیر شدہ عزمت علیکم واقسمت بکم بکل اسم حامل من تکسیر ہذا
الحروف نفی خسر حامل غدود یا موآکیل ہذا الحروف یا سرحائیل یا میکائیل
یا اہراطیل یا اسرافیل یا حولائیل یا ہموآکیل یا زفنائیل یا دردائیل یا لوخائیل

یا طاطائیل یا دردائیل یا شکفیل یا کیطائیل من اسماء ربنا و ربکم والهنا والهکم وهو اسماء الله
تعالی یا فتاح یا رؤف یا خافض یا رحیم یا احد یا نافع یا سلام یا ودود یا شهید یا غنی
یا لطیف یا مجید یا حمید یا قوی و من اسماء و اشیاء کم و ملائکة المقربین فی الارواح
لنفوذ و تهیجوا قلب فخر النساء علی حب فلان ابن العطاء و الرفعة و الخشیة علا محیین فی دائما ابدا
سرمدا فی کل حال و زمان و مکان العجل العجل العجل و اگر برای تسخیر باشد چنان نویسد که علی
حب علا محیین عاشقا و مجنونا دائما ابدا سرمدا فی کل حال و زمان و مکان العجل العجل
العجل و اگر برای تسخیر باشد چنان نویسد که علی حب علا محیین عاشقا و مجنونا دائما ابدا سرمدا الخ
پس تمام شد آن عزیمت باینطریق ساخته و اگر تکسیر نویسند لازم است که بجای نام باری تعالی اگر فتیله
روشن کند هر حرف بر آورده اسم را عدد بنویسد نام خدا را ننویسد زیرا که حرق نام خدا ادب نداشته
پس شماره کند که چند سطر در تکسیر بمقدار سطور را فتیله نویسد یعنی اگر ده سطور باشد ده فتیله بهم
سطور با عزیمت درست کند پس مطلوب بقرار خواهد شد بحکم خدا همچنین ای عزیز هر یک از این نود و
نه نام اثری و خواص عجیب دارد و هر یک نام خاصیت در نوشتن عملیات آن کتابی و طوماری باید بود
و هر اسم که در این اسماء الهی اسم جلالی است مثل شمشیر تیز و هر که جاهل مثل مار در مهره آن
شفقت کند اگر این اسماء را بخواند و در پرهیز فرق افتد نقصان نرسد و رجعت نکند و اگر جلالی نام
اگر بخواند و در پرهیز فرق افتد مجنون کنند و رجعت دهند و افلاس آرند پس این اسماء را نیز بشناخت
تمیز باید کرد و استاد کامل دریافته بکار خواهد برد این فقیر هر چند که شرح نمود اما احتیاط لازم است
و بعضی اسما که عمل آن از استادان مرا تعلیم نمود بضرورت انتفاع دوستان بر نگاشته ام برادران
ایمانی از آن فایده گیرند و این بی علم را دعای خیر نمایند و هر آنچه را که از استاد مفصل نوشته ام
آن اسم بکار رود استعمال این فقیر آمده اند و از ایشان لذت یافته ام و تاثیرش را
بچشم خود دیده لهذا باب اول در اینجا ختم میکنم زیرا که آنچه تحقیق عامل را باید کردن مشکل
عدد اسم باری تعالی و اسم موکلان و عدد حروف تهجی و موکلان حروف غیر
آن و بعضی اسماء که از تاثیرات آن بودم آگاه بودم نوشته انصاف فرمایند
که چقدر شرح اسماء الهی صاف و شرح کردم

## باب دوم در خواص و شرح آیات کلام الله المجید

می نگارد. بعده نقش در این باب بسیار آیات مجربات ادعیات خیر و موثر خواهند بست
و این باب از سوره یٰس آغاز کرده ام که سوره ممدوح جان کلام الله است بسیار شرف
و توصیف دارد اگر در حقیقت عالم یک مبین این سوره مبارکه باشد پادشاه و حاکمان جن گردد
و اگر مسلمان با خدا در نماز و روزه مشغول باشد البته ذائقه عملیات یابد فقط ما ترتیب عمل سوره
را بیان سازم اینست اعانت عملیات و اسناد آن باید دانست که این عمل عجیب و غریب است
و هر کسی که از این سوره آگاهی و علمی داشته باشد هیچ پروای بعمل دیگر نباشد که معتقد جمله جهان
در این سوره ممدوح است و الله که موکلان سوره ممدوح آنچنان با وفا و صاحب حلم و کرم
و دانا اند که در صفت آن مالکان زبان این هیچمدان قاصر مطلق است هر که آشنا باشند
به چه ادراک خواهد رسید و صفت خواص سوره مبارکه نه آنچنان است که از زبان بشر ادا شود الا
نبی مرسل شاید که اداکند این فقیر باچیز و نالائق را بزرگی که نام مبارکش حضرت عبدالقادر خان
بود که خان ممدوح مرید حافظ ولی الله صاحب که حاجی و زوار بودند و حافظ صاحب معتبر باد
حج کرده اند از آنجناب نیز فقیر فیضیاب شده ام و جناب عبدالقادر خان صاحب هم این نعمت عظمی عطا
فرموده اند الله تعالی آنحافظ صاحب را غریق رحمت کند و خان موصوف قدس سره را از اینجهان نعمتها
گوناگون باطنی عطا فرماید و بعد حصول این عمل هزاران توصیف در این عمل بفضل خالق عز و جل بغیر
اظهار نهاده یافتم که در تشریح آن چند جزو کتاب برای انتفاع دوستان برخی نگارد که اسرار الٰهی را بیاید
با اهل دنیا ظاهر کردن خطا است و الله که اگر آگاه از هر عمل شوی مستغنی خواهی شد پس اول
باید که زکوٰة سوره ممدوح دهی بدین نوع که سوره مبارکه را صحیح مطلق مع اعراب از کسی که
حافظ یا دیگری و حافظ این سوره سبقط شوی بعد از آن در ماههای حرام یعنی رجب یا شعبان
یا رمضان یا محرم الحرام هر روز علی الصباح بکنار دریا روی غسل کنی و لب ساحل تنها
نشسته عزیمت سوره یٰس بخوانی که یکهزار مرتبه با درود در اول و آخر یعنی اول و آخر عزیمت
صلوات بخوانی و عزیمت سوره موصوف با موکلان اینست عَزَمْتُ عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ جربن قبن
والجبرائیل والمیکائیل فَاِنَّہٗ عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ بخاتم سلیمان بن داؤد علیهما السلام الذی سخر له
کُلُّ شَیْءٍ مِنَّا اَمْرًا فلیه سِرًّا وَجَهْرًا باذن سبحان الله تعالی عما یصفون چون تمام شود فلزی
درود بگوید و در میان آب روان تا ناف رفته تن را برهنه کرده سوره یٰس را چهل مرتبه بخواند

و هرگز از هیچ چیز نترسد بلکه خصما آنکه و هر چه که عامل را یاد باشد گرد خود کند که در هنگام
خواندن عزیمت و بوقت خواندن سوره بخاطر جمع بخواند چون چهل بار تمام شود از آب بیرون
آید همین نوع تا چهل روز خوانده شود و در این مدت پرهیز جلالی کردن شرط عظیم است یعنی
پرهیز مطلق یا ترک لذات حیوانی نمودن واجب پس بعد ختم چله مذکور همه اسرار عالم
باطن ظاهر خواهد شد و عامل کامل شی خواهد گردید بروز چهل و یکم نیاز پیغمبر ؐ و هر چهار موکل یعنی
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام بر شیرینی تقسیم نمود و آنچه خواهد بکند ترتیب
زکوة دادن چون بیان کردم الحال شرح چند آیات این سوره موصوف برای حب بر شیرینی وغیره
دم کند مطلوب بخوراند یا برای دیگری دم کند بدهد و اقتدا کند اگر کافر حربی و دشمن جانی بود و غلام
گردد آیه این است وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ اعراب این آیه از فرقان مجید صحیح باید کرد اندرین سبب ترقیم نیامدند نوع دیگر
برای نفاق این آیه را بر دو پارچه کاغذ تعویذ نوشته با دو کس که محب باشند با نام آنها و نام مادر آنها
با این عبارت که مشهور است اَلْبُغْضُ فلان بن فلان و العداوة بین فلان بن فلان این تعویذ را تو
آب طاهر شسته هر دو را بنوشانند قاطعیت و دشمنی و عداوت تا برگشت قائم شود آیه کریم این است
وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ الخ آیه نوع دیگر اگر کسی را دزدیده و گریخته باشد یا از کسی آزرده خاطر
شده باشد همین آیه مذکوره که برای عداوت در فوق ذکر شد یازده مرتبه بخواند بچهار سمت بدمد آن گریخته
باز گردد و آن آزرده محب گردد نوع دیگر اگر خواهد عداوت را رجعت دهد این آیه شریفه را نوشته با و بخوراند
متفقان محبت و محب شود آیه شریفه این است إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ الخ آیه نوع دیگر برای دفع
اگر این آیه را نوشته بنوشانند یا در آب بدمد برای نوشیدن دهد بکرم الهی صحت مطلق یابد
آیه این است إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا الخ تا مبین نوع دیگر و از این یس تا مبین دیگر
یک آیه زیاده که تمام بر منا عذاب الیم باشد برای نفاق و بغض و حسد و زبان بندی و
آزار دشمنان بکار می آید اختیار بعامل است بهر نوع که خواهد و بهر ترتیب که عقلش رسد جاری
نماید اثر دارد چنانچه مثل مشهور است که رائی طبیب مسلم است برای کتاب نوع دیگر
اگر در جماعتی منازعت و مخاصمت افتاده باشد یا جنگ عظیم واقع بوده و خواهد که
صلح شود این آیه شریفه را نوشته بسمت آن جماعت بدمد و اگر رسیدن ممکن نشود

نوشته در کوزه آب شسته همه مخاصمان را بنوشانند و اگر نوشانیدن هم ممکن نیست در چاهی
که در خانه آنها است شسته بریزند در میان آنها بعون الله تعالی صلح شود و دوستی شوند
آیه اینست وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَن لَّا
مُهْتَدُونَ نوع دیگر برای هلاک و تباهی دشمن این آیه نوشته یا بر خشتی دمیده بعده بگور
دشمن هلاک و تباه شود الا اینکه شرط اینست که نام آن دشمن با نام مادرشان بگیرد و عبارت هلاکی نیز
فلان بن فلانه اخرب اخبث بین الناس و اهلک بعذاب شدید باین عبارت نوشته
شود یا خوانده چند بار بخواند بیشک آن دشمن برباد و تباه شود آیه شریفه اینست وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى
قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
خَامِدُونَ دیگر اگر این آیات برای پیدا کردن زراعت و میوه باغ یعنی از زمین زراعت غله
بسیار شود و محافظت زراعت نوشته در محل باغ و غیره دفن کنند یا در آب شسته در آب سیار
بپاشند یا بر تخمهائیکه میخواهند کشت کنند بخوانند و بدمند غله از آفات محفوظ ماند و آیه شریفه اینست
وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ تا بر يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ تا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ
تا بر يَشْكُرُونَ نوع دیگر اگر این آیه بر زنی که عقیمه باشد یا حملش سقط میشود و یا حملش
نمیماند بر چهل پارچه کاغذ نوشته هر روز یکی را در آب تازه بشویند و بخورانند انشاء الله تعالی آن زن
حامله گردد و اگر نوشته در شکم ببندند هرگز حملش ساقط نشود و آیه شریفه اینست سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ
الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تا بر يَعْلَمُونَ نوع دیگر اگر این آیت برای نفاق جدا کردن دو کس نوشته
بهر دو بخورانند و اسم آنها را با اسم مادرشان چنانچه بالا همانجا مذکور شد نویسد بیشک در میان
آنها نفرت جدائی و مهاجرت واقع گردد و آیه معظم اینها است وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
تا بر مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي تا بر الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ تا بر كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ
لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا تا بر فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ نوع دیگر اگر این آیه را برای زنی که حملش
ساقط میشود و درد اسقاط پیدا میکند این را نوشته سه تعویذ سازد و سه روز بنوشند
و یکی هم بر پارچه نوشته تعویذ نماید یا در کمر ببندد بعون الله تعالی حملش قایم و صحیح ماند و
اگر کسی بر کشتی سوار شود این آیه را بخواند با آرام تمام عبور دریا نماید انشاء الله آیه اینست و
آيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ الی حین نوع دیگر اگر

این آیه شریفه را برای مال دزدیده بر نان روغنی بنویسد و گلوله کرده با جماعت که گمان دزدی بر آنها است
به یک یک کف دست هر یک جمع شده بخورند لیکن اول بر تمام آنها سوره یس را بخواند و بدمد
انشاء الله در دهن دزد خورده نخواهد شد و در گلویش گیر کرده بیرون خواهد افتاد و دزد ظاهر خواهد
شد آیه مبارکه اینست فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ دیگر
آنکه اگر این آیت را بر قند و نبات بخواند و بدمد یا بر گلاب بآن زن دهد که شوهرش با او محبت ندارد
یا بشوید و بشوهر بخوراند یا گلاب را بصورت بزند یا آیه را تعویذ کرده نزد خود نگاهدارد شوهر مطیع و منقاد
گردد انشاء الله تعالی و آیه شریفه اینست إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ تا فَاكِهُونَ. هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ تا
مُتَّكِئُونَ - لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ تا يَدَّعُونَ نوع دیگر اگر این آیات شریفه را بر روی خود
هفت مرتبه بخواند و بخود بدمد و نزد پادشاه رود اگر هزار خون کرده باشد پادشاه بروی مهربان شود
و با نصرت برگردد آیه شریفه اینست سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ تا أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ نوع
دیگر از برای زبان بندی و غمازی و بد زبان این آیت را هفت مرتبه بخواند و در موی سر آنکس که
بد زبانست گره بزند و اگر زیاده موی آنها بدست نیاید این تدبیر کند که ریسمانی که دختر نابالغ
رشته باشد که سیاه و نیلگون باشد بشماره بدگویان و غمازان گرفته و بنام هر کدام این آیه را
هفت مرتبه بخواند و گره بزند چنانکه هر ریسمانی هفت گره زده باشد و آنرا در چاه تاریک و تیره اندازد
انشاء الله جنبش زبان همه آنها بسته گردد آیه اینست وَنَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
أَيْدِيهِمْ تا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ نوع دیگر اگر که خواهد که دشمن را اذیت رسد
این چهار آیه را نوشته سه روز بدشمن بنوشاند و اگر نوشاندن ممکن نباشد بر سنگریزه که از
چهار راه آورده باشند آیه را بر آنها بخواند و بدمد و در خانه عدو بیندازد که انشاء الله عدو از کار
دنیا باز ماند و یقین که کور و لنگ گردد آیه مجرب اینست وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ
تا يُبْصِرُونَ - وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ تا لَا يَرْجِعُونَ نوع دیگر این آیه را برای
آنکه اگر هجوم کفار بر مسلمانان در هر قدر زیاد باشد بر سنگریزه یا بر کلوخ بخواند و بدمد
و بسمت آن کافران انداخته انشاء الله آن کافران دور و درد شوند و اگر مستعد جنگ شوند
شکست خورده و هزیمت نمایند آیه مبارکه اینست وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً تا مُحْضَرُونَ
بعد این آیه تا يَخِصِّمُونَ تمام آیات در شان قهاری هستند که برای هلاک عدو

بکار میآیند و بعد آنها آیاتی که برای ساختن نسخهٔ کیمیا که پیش هر کسی کیمیا جبا شده و هرز
درست نمیشود و تیار نمیشود و در حالتیکه مجبور باشد این آیات را تا آخر سوره وظیفه خود سازد و
در هنگام بوته کشیدن و درست کردن آتش دادن و گداختن مس و هر چیز که جزو آن باشد از زبان
خود بی تعداد جاری دارد و ببرکت این آیات معظم نسخه درست شود و اگر برای مریض بر آب بدمد
و مریض بخوراند از مرض شفا یابد آیات اینست وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ تا آخر سوره یعنی
تا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بدان ای عامل همین طور در این سوره آیات برای حب و بغض و برای دفع
تمام امراض هستند با شرح و تصریح کجا نمائیم چرا که این سوره معظم اسرار عجائب و غرائب دارد
اندک شرح نوشته ایم الحال مجملاً قدری اسناد این سوره را مینویسیم بشنو و بزبان اهل بیت رسیده
دار اول اینکه اگر عامل این سوره شوی خود از هر بلا و جادو و غیره ایمن و محفوظ باشی و اگر این سوره را
بر خود بدمی و پیش امیر روی معزز و محترم شوی و اگر بوقت صبح قبل از طلوع آفتاب خوانده باشی
بیشک در قبر تو پس از مرگت بیش از آفتاب روشن تر خواهد بود و لحد تو منور خواهد شد و هر
مهمی که برای خود یا برای دیگری پیش آید سورهٔ ممدوح را سه روز با عزیمت یکهزار و چهل مرتبه بخوانی
و بسوی آن مهم منظور بدمی انشاء الله تعالی آن مطلب بیشک بر آید و مهم روا گردد و اگر خواهد
کسی را در عشق بیقرار گردانی تمام سوره را بهر دانه فلفل نرم دم کنی و فتیله کنی و با روغن خوشبو
در چراغ روشن بسمت خانه مطلوب انشاء الله تعالی مطلوب فریفته و بیقرار شده باز آید
و اگر زیادتر محبت بکسی میخواهی باید که قدری خاک از قبر کهنه که قبر مسلمان باشد بردارد و در
دست گرفته سوره یس تمام و کمال بخوانی و بروح صاحب قبر ثواب آنرا ببخشی و دم کرده گل کنی
و آن مرده را قسم دهی که ای صاحب قبر ترا قسم میدهم بخدا و رسول که این گل قبر را بخورانم آن کس
مطیع و منقاد من شود پس آن گل را قدری برابر یک ماش در شکر و قند آمیخته بمطلوب بخوراند بیقرار
و بیتاب گردد دیگر آنکه اگر حامله بدرد زائیدن گرفتار باشد این سوره را بر قند یا شکر بدمد
مجرد خوردن درد دفع شود یا فرزند از شکم او بیرون آید دیگر آنکه اگر مردمان پیش تو آیند
و ترا بسیار دعوت کنند که برای خدا نام دزد را بر ما روشن گردان پس لایقست که پاؤ نان
گندم طلبیده آب از چاه تازه کشیده سه مرتبه تمام سوره را بر آن آب بدمد و آرد نموده یک
قدری روغن در آن ریخته و نان روغنی بپزد چون نان پخته شود بر آن نان نقش جدول این

آیه را که در سوره یس است و آیه مذکور جان سوره موصوفست و با جمله سوا کیل قرآن مجید
مطیع این آیه هستند نویسد و عدد این آیت که سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ است
جمله هشتصد و هیجده هستند از آن اعداد در پنجاه نقش می نویسم که همین نقش بر نان
نوشته و ترتیب پر کردن نقش آینده در همین فصل تحریر خواهم ساخت که اگر کمک
عدد باشند یا کیاخت بآن قاعده پر خواهی ساخت و اینجا نوشتن تفریق
در باب خواهم شد و نقش آیت مذکور اینست که بر نان باید نقش کرد

جبرائیل — میکائیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۷ | ۲۱۰ | ۲۰۷ | ۲۰۴ |
| ۲۰۸ | ۲۰۳ | ۱۹۸ | ۲۰۹ |
| ۲۰۲ | ۲۰۵ | ۲۱۲ | ۱۹۹ |
| ۲۱۱ | ۲۰۰ | ۲۰۱ | ۲۰۶ |

عزرائیل — اسرافیل

پس گرد نقش این آیه
لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

و بر هر لقمه نان سه بار یس خوانده دم کرده بدهد بیک یک کسانی که بر آنها گمان دزد و ند بخورند که
انشاء الله هر کس دزد باشد از حلقش فرو نخواهد رفت و گلویش گرفته بر زمین خواهد افتاد
**طریقه دوم** نام نشانی دزد که همه عالم مشهور است اینکه برنج صدری طلبیده
در آب طاهر شسته و خشک نموده سه مرتبه سوره یس را بخواند و بدمد و باز در آب تر کرده
و همه شب نهاده دارد و صبح باز و هر که شهرت بچهار یاری دارد و کلمه بر آن نقش است وزن
کند هر یک که گمان دزد میرود بدهد تا بخورند انشاء الله تعالی هر کس دزد باشد از دهن
دزد فرو نخواهد رفت و این عملیات آنوقت صادق میآیند چنانکه اول گفته ام که
زکوة روزه بگذارد یا بدهی و اگر بیدون زکوة دادن همین نوع بملاحظه کتاب سوز مذکور
را در کار آری عمل مؤثر نخواهد شد و در صورتی که اگر از اثر کلام الهی از دهن دزد برنج
فرو نشد پس آنوقت ضرر عظیم برای عامل است زیرا که موکلان سوره مطیع فرمان
نیند و این کس حاکم موکلان آن نیست پس آنکس که از دهن او برنج فرو نشده است
مبادا او نیست و آن صاحب عزت در مجلس رسوا شده و باز مال بر او ثابت
نشده او بپاس عزت خویش عامل را اندانیم چه ضررها خواهد رسانید یقین که هلاک
خواهد ساخت لهذا هر گز کسی را ده چنین بی وقوفی نکند و بدون دادن زکوة هیچ کار نکند

آینده مختار فعل خود است ما همه شرائط تعلیم بجا آوردیم طریقه گشائی نامه سوم برای دزد اگر کسی از دست دزد بسیار تنگ آمده آنوقت لازم است که یک کارد بقیمت دو یا سه فلوس درست کند و عامل چهل بار سوره یٰس بر آن کارد بخواند و آن کارد را ایستاده در زمین فرو کند و دسته او برابر زمین قدری بالا باشد و بر آن آتش روشن کند آنقدر که هفت روز آتش بر آن قایم ماند انشاء الله تعالی در مدت هفت روز خون از شکم دزد جاری خواهد شد تا آنوقت که کارد از زیر آتش نه بر آید صحت نخواهد شد بدان ای برادر که این فقیر را آنچه جناب عبد القادر خان صاحب ممدوح بالا و پیر آن صاحب جناب حافظ موصوف الصدر تعلیم نموده بودند بحیطهٔ تحریر در آوردم الحال از بزرگان دیگر که عملیات این سوره یافته ام مینویسم اما شرط عظیم در همه امور این است که زکوة سوره ضرور بدهی و عامل باشی تا هر چیز و هر مرض و هر درد که دم کنی اثری عجیب ملاحظه کنی و لذتها یابی و ما را بدعای خیر فراموش ننمائی

## قاعده های سورهٔ یاسین که از استادان دیگر بر ضمیر این فقیر مکشوف گشته است با اسناد اسامی آن بزرگان

قاعده برای دریافت غالب و مغلوب اگر دو لشکر باهم جنگ کنند یا دو کس باهم دشمن باشند و خواهد که بفهمد که کدام فتح میکنند پس دو عدد تیر که در کمان میگذارند طلب نماید و بدست کسی دهد که آنکس با وضو در هر دو دست از طرف پر تیر بگیرد و سر سنان پیکان بزیر زمین آرد و فاصلاً درمیان هر دو بیکدست دارد و بر هر تیر اسم یک کس نویسد و بر دوم تیر اسم آن دوم نویسد و عامل سوره ممدوح را خواندن شروع نماید ولیکن اول چند بار عزیمت که اول در زکوة دادن نوشته ام بخواند انشاء الله هر کسی که عزیمت در نصیب او است از پیش آن تیر که اسم بر آن نوشته شده بگریزد و چنان سستی بی اختیار روان شود که اگر بزور گیرنده قایم نماند و اگر صلح شدنی است هر دو تیر باهم بپیوند پس معلوم شد که صلح شدنی است **قاعده** هر کسی را که مهمی پیش آید پس سوره موصوف حفظ کند و اگر یاد داشته است مگر برای صحت احتیاط کند و بوقت شب هنگام نماز عشا هر روز غسل کند و بر جانماز رو بقبله ایستاده کلام الله بر سر داشته هفت بار سوره یٰس بخواند و حاجت خود را از خدا تعالی بخواهد و روح پر فتوح جناب پیغمبر صلعم سوره را قرئت نماید

ب جنبش در مدت هفت روز برآید هر که شک آرد از اهل ایمان نیست **قاعدهٔ** هر کسی
را که مشکلی لاحل پیش آید که هرگز علاجش نباشد سه روز بوقت نیم شب در قبرستان
رفته بر سر یکقبر بنشیند و چهل بار سورهٔ یٰس بخواند مگر بآواز بلند قرائت بخواند و بارواح
آن مقبوران ببخشد و حاجت خود از خدا بخواهد که انشاء الله تعالیٰ در مدت سه روز مرادش
برآید **عمل دیگر** از بزرگی مولانا کمال الدین شاه صاحب که عامل با عمل بودند این فقیر را
بهم رسیده اگر باین طریق عمل کند تسخیر پادشاه و فقیر گردد که مجربست خطائی ندارد و پس
باید که دل گوسفند نر برای تسخیر کردن مرد طلب کند و برای تسخیر کردن زن دل گوسفند ماده
بگیرد و دل مسلم بود از جای چاک و بریده نباشد در آن دل بروز یکشنبه یا سه شنبه
اسم مطلوب را نوشته و آنرا در آن مقام دفن کند که زن آنجا نزد و سایهٔ زن کسی آنجا
نیفتد پس در آنجا آتش چنان روشن کند که تا یک چله آتش روشن ماند هیچ وقت
افسرده نشود و عامل هر روز بوقت نماز صبح بعد از نماز رو بروی آن آتش نشسته
بروی قبله سورهٔ یٰسین یکمرتبه بخواند بآن صورت که در مقام لفظ هر مبین مطلب خود
بگوید چنانکه فلان کس را مطیع من شود و مسخر من گردانیده حاضر گردد ولیکن بجای
عدو مبین و خصیم مبین هیچ نگوید و باقی در هر مبین مطلب مذکور گفته شود و تمام سوره
بادرود ختم کند پس در این چله اگر مطلوب بمسافت پانصد فرسنگ بود حاضر آید و
جابر و قاهر پادشاه مهربان گردد مجربست **قاعدهٔ** در باب هلاک و تباهی دشمن و خرابی
خانهٔ او باید که تا هفت روز بوقت نیم شب غسل کرده رو بقبله نشسته سورهٔ یٰس از اول
تا یک مبین بخواند باز عود کند و از ابتداء یٰس شروع کند تا به مبین دوم باز عود نموده از
اول یٰس بخواند تا به مبین سوم باز عود کند باول یٰس شروع کند همین طور از هر مبین
عود کند باول تا به مبین ششم مراجعت کرده سوره را تمام کند و بر سینهٔ او دم کند
و نیت بربادی او را داشته و انشاء الله تعالیٰ عدو در یک هفته تباه و برباد شود
**نوع دیگر** از زین العابدین باین کمترین رسیده این عمل بسیار مجربست و در هر
معتقد فرتر بعد قسمت و زین العابدین صاحب این عمل از مجذوب حاصل کرده و صد بار
بتجربه آمده است هرگز خطا ندارد هر که عامل و سائل از دست مخاصمان و دشمنان و جنگ

جویان گرفتار باشد و بسیار عاجز شده تا آنشب که داند صبح مقصد او ابتر خواهد شد پس درانوقت این عمل کند که اگر روز یکشنبه بود بسیار خوبست در آن روز صبح بر خشت خام که تر باشد سورهٔ یٰس را بخواند چهل و یکمرتبه و چون بوالیه ترجعون برسد بعده خشت را از کارد خط کشد و آنرا چاک دهد و جدا نماید و بگوید که فلان را قتل کردم یا قطع یا تباه نمودم پس همانطور چهل و یکمرتبه تمام کند و همان وقت آن خشت را بدریا اندازد و انشاء الله تعالی چون گداخته شد دشمنان هلاک خواهند شد و مقصد شان ابتر و منقلب خواهد شد مجربست شکی ندارد طریقه دیگر که معظم و مکرم ملا و از امیر صاحب ممدوح بالا نیز بهمرسیده و طریقه صوفیه است پس باید که چون مهمی و مشکلی پیش آید در آخر نصف شب سوره یاسین را آغاز کند و بعد مبین این اسماء اولیاء الله را نیز بخواند یا سلطان شاه صفی صفهانی یا سلطان بایزید بسطامی یا سلطان ابو الخیر خازندرانی یا سلطان ابو سعید سامانی یا سلطان محمود غزنوی یا سلطان ابرهیم ادهم خراسانی یا سلطان غازی بخارائی بعد از این حاجت خود را از خدا تعالی بخواهد و آنچه که از عداوت و حب و تسخیر و قضاء حاجت مطلبی داشته باشد از خدا طلب کند و برهمین ترتیب سورهٔ مذکوره را هفت بار بخواند بر خیز در روز دوم نیز همین عمل کند تا یکهفته هر روز بدستور مذکور بخواند انشاء الله تعالی حاجتش روا گردد و لیکن لازم است که ترک حیوانی بکند و از جماع زنان اجتناب نماید و بهتر اینست که سورهٔ ممدوح را مع اسم اولیاء الله علیحده در یک جزو بجای هر مبین بنویسد تا در خواندن سهل باشد و مغالطه واقع نشود طریقه نقش مثلث در این موصوف آیهٔ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ را عدد این آیه درآورده نقش مثلث پر کند برای تسخیر قلوب امیر و فقیر بسیار مفید است چون نزد کسی برود نقش مذکور را پیش خود در سر بدارد و یا در دهان زیر زبان گذارد ضرور آن کس که نزد او رفته است رحیم و مهربان گردد چنانچه عدد آیه مذکور برآرد و بنویسد که ناظر را آسان شود فاما عدد این آیه هشتصد و نوزده هستند پس دوازده از این کم کردم و بقیه را سه حصه نمودم و از سوم نقش را آغاز کردم مثلث کامل الاعداد برآمد

باشرح پر کردن نقش آینده را خواهم نوشت آیه مذکور این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۶ | ۲۷۹ | ۲۷۴ |
| ۲۷۱ | ۲۷۳ | ۲۷۵ |
| ۲۷۲ | ۲۷۷ | ۲۷۰ |

نوع دیگر که از استاد صادق و صاحب کمال حاجی سید درویش خوب صورت فاضل اجل و صاحب رزق حلال بود این طریقه باین خاکسار رسیده و حاجی صاحب موصوف بعنایت باطنی خویش ما را عنایت فرمودند والله بهمین سوره مقدسه قسم میخورم که تاثیر اینعمل همچو معجزه بظاهر تمام دفعه باین فقیر بظهور رسیده که عاشق این عمل شده ام و آنجناب موصوف اجازت باین نام داده اند که هر کس از مسلمانان محتاج باشد او را باینقاعده بخشید تا در مدت یک چله غنی گردد - اگر خواهی موکلان سوره یس را دوست و مطیع و فرمانبردار تو شوند و خود بظاهر و باطن پیش تو حاضر شوند پس این سوره مبارکه را تا به مبین اول بخوانی بعد ترک حیوانی نموده در مسجدی که بی بام و سایه باشد جای اعتکاف کنی و جامه طاهر بپوشی و با آن لباس همیشه نباشد و عطریات مالیده بوقت شام رو بقبله نشسته و بر چه عطریات و بوی خوش منیر باشد روشن نموده بعد از نماز مغرب سوره یٰس تا به مبین اول بخوانی و ابتدا هم از روز پنجشنبه کنی و یکصد و یکبار بوقت مذکور بخوانی بعد نیاز موکلات داده آنچه وظیفه خوانده بنام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قربت و هم بموکلان قربت کنی و بر خیزی اما شرط لازم آنست که همه وقت کلمه طیبه را بر زبان خویش جاری نمائی و نماز پنجگانه را ترک ننمائی و از دروغ گفتن و فحش پرهیز نمائی و اگر ممکن باشد روزه بگیری و همیشه خود را خوشبو بداری و قدری شیرنی پیش خود بداری و اگر ناچار ترک صوم کنی و چون روز پنجشنبه دیگر رسد آنروز را روزه بداری و یک پارچه سفید طاهر بری خود مثل میت بگسترانی و آنرا روضه مقدسه حضرت نبوی ص پنداری و خود را مجاور آنقبر مطهر گردانی وظیفه با نیاز و تضرع و گریه تمام بخوانی چون با تمام رسد بروح خواجه عالم ص و بنام موکلان هبه و قربت کنی و بر مرقد مطهره عرض کنی که میخواهی موکلان این سوره تا به مبین حواله من فرمایند و بر من ای رحمت عالمیان بکرم خویش ترحم فرما و بگریه و زاری در آئی بعده بر خیزی و آن چادر را که بمثل مرقد مطهره کرده

مثل چله نماز چهار را کرده و اگر میتوانی بروز پنجشنبه دیگر بقدر سه کاسی شیربرنج با طهارت از
دست خود پخته و بوقت وظیفه نیاز بعبادت معهود داده و قدری هم خود بخوری و بقدر
دو سه کف ازان هم بدریا رفته تا اندرون ساق در آب رفته و در دریا اندازی انشاء الله
بی شک در مدت چله موکلان بصورت مرد عرب با عمامه متبرک یکی با قامت دراز
و سبز رنگ باشد و دیگری سرخ رنگ با دستار سبز پیش طالب و از پس
طالب ایستاده خواهند شد یا روبروی آمده سؤال خواهند کرد که چه مطلب داری
بعد فراغت وظیفه عرض نماید که از شما دوستی و ملاقات میخواهم و لازم است که اگر
روبرو آیند سلام علیکم بگوئی و صلوات بر خاتم انبیاء بفرستی و از آنها سؤال کنی
که هرگاه شما را بخواهم طلب کنم و توجه و کرم شما رجوع نمایند و هر خواهشی که داشته باشم
انجام دهید پس اگر قبول کردند اگر چله تمام شده باشد باز شیربرنج پخته بدستور فوق
نیاز کرده و خود خورده و بدریا افکنده و طریقه چله که اختیار کرده است موقوف کند
لیکن هر روز بوقت معین همان قدر سوره را خواندن ضرور است بروزهای پنجشنبه
و هر چه میسر آید نیاز موکلان و حضرت رسالت پناهی با بوهای خوش لازم است پس
عامل شده هرگاه که غرضی لاحق حال گردد روشنی و خوشبوئی مهیا ساخته بخواند و موکلان را
طلب نموده عرض حال کند کار او را بانصرام خواهند رسانید این قاعده تمام زکوة که
نوشته ام کامل است و اگر برای حاجت یک مسلمانی را که احتیاج باشد پیش از
دادن زکوة عمل مذکور را شروع نکند و اراده یک چله نماید و با طهارت تمام بر بام بی سایه باشد
یا در مسجد که اگر بام دارد مضایقه نیست قدری عطر شیشی یک ماشه هر روز پیش خود
داشته صد و یکبار هر روز بخواند و نیاز پیغمبر و موکلان را هم بدهد و بعد خیزد و بروز
پنجشنبه روزه داشته بوقت شام بعد از نماز مغرب شبیه قبر مطهر از چادر پاک کرده
و حاجت خود را خواسته باشد روزی که موکلان در خواب بصورت مذکوره بنظر آیند
صبح آن مطلب طالب بیشک بر آید و چون مطلب بر آید و حاجت روا گردد باز آن شیربرنج
پخته و نیاز پیغمبر و موکلان را بدهد لیکن هر قدر آنرا که خود خورد و باقی آنرا بدریا اندازد
و بطریق مسبوق الذکر عمل کند تمام شد عملیات سوره مبارکه یاسین چهل

ای طالب شرح عملیات سورهٔ مبارکهٔ یاسین را نوشته‌ام چونکه نعمتهای زیاد در این سوره هست بیان احقر العباد لذات آنرا دانم ولی زیاده از این نمیتوانم افشا کرد فقط

## عملیات دیگر از سور و آیات فرقان مجید و طریقهٔ زکوة دادن و ترتیب عملیات حب و بغض وغیره

بدانکه این آیات مجموعه برای محبت تسخیر عالم و دوستی میان زن و شوهر و برای تسخیر بادشاه و امیران و تمام جهان اگر زکوة این آیات موصوفه دهد و بعد دادن زکوة برای هر مقدمه تسخیر محبت وغیره بخواند و بعد اثر عظیم بخشد و در معنی این آیات کلام الله مجید هم تمام مقدمه محبت مشحون است اگر علم داشته باشد دریافت نماید لهذا طریق زکوة دادن این آیهٔ شریفه اینست که در مدت یکصد و بیست روز بمقدار پنجاه و دو هزار و سیصد و چهل و هشت مرتبه بخواند عامل کامل این آیات معظم گردد و طریقه خواندن اینست که اگر هر روز چهارصد و چهل و هفت مرتبه بخواند در مدت مذکور تعداد معینهٔ بالا تمام گردد و لازمست که بروز پنجشنبه خواندن آغاز نماید تا بروز ختم جمعه نشسته و در یک محل نشسته بخواند و دو بقبله باشد و بوقت خواندن عنبر و سنبل و صندل بخور کند و چون ختم شود فاتحه بروح پرفتوح سید ابرار پیغمبر ما و باشیرینی موکلان این آیات پخته و بعضویان تقسیم نماید بعد در مقدمه حب و محبت برای دو کس خواه امیر و خواه فقیر برای خود سه روز بخواند و نام آن هر دو را بگیرد باینطریق که علی حب فلان بن فلان عاشقاً مجنوناً و مفتوناً دائماً ابداً سرمداً باذن الله تعالی بیشک در میانشان محبت جانبین واقع شود الا مقدمه عمل حلال باشد حرام نباشد و اگر خود خواهد که عالم مطیع و مسخر من شوند پس جست و یکبار هر روز ورد خود سازد بفضل الهی در هر که خواهد تمام خلایق مطیع شوند و دیگر اینکه اگر زکوة نداده باشد برای هر کسی که چهار مرتبه بر شکر یا بر میوه دم کند و نام هر دو بگیرد با نام خود و دم کند و بخورد مطلوب و مطیع حکم او شود مجربست و اگر این آیات را نوشته پیش خود دارد اثر عظیم و فواید بسیار بیند و باید که آیات را معطر دارد و پاک و عزیز بدارد تا خواص بسیار بیند و اگر خواهد که کسی را در عشق خود بیقرار گرداند بیاورد هفت موی سر مطلوب را و هفت موی از سر طالب یا خود اگر طالب است موی سر گرفته و هر دو را آمیخته هفت گره بزند و بر هر گره

یکبار این مجموعه آیات را بخواند و گره بزند پیش خود نگاه دارد عاشق و معشوق باهم مبتلا شوند و خواص این آیات زیاده هستند مختصر نوشته ام هر که عامل شد بر او مکشوف میگردد و آیات مکرر اینها اند ما نشانی آنها را می نگارم باید که از کلام الله شریف آیات را با اعراب بصحت تمام یاد کند اینست در نصف پاره تلک الرسل آیه حب الشهوات من النساء الی حسن المآب در ثلث پاره سوم قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله الخ غفور رحیم در ربع اول پاره چهارم لن تنالوا البر این آیه است ها انتم اولاء تحبونهم ولا یحبونکم تا بالکتاب کله در تمامی نصف پاره چهارم ایضاً فبما رحمة من الله لنت لهم تا یحب المتوکلین در ربع اول پاره دوم سیقول این آیه است یحبونهم کحب الله تا اشد حبا لله در آغاز ربع پاره ششم لا یحب الله الجهر این آیه است فسوف یأتی الله بقوم یحبهم تا واسع علیم در ربع پاره دهم واعلموا این آیه است هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین والف بین قلوبهم تا عزیز حکیم در نصف آغاز پاره یازدهم یعتذرون بر تمامی سوره توبه این آیه است لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم تا رءوف رحیم در ثلث پاره شانزدهم در سوره مریم قال الم اقل لک این آیه است والقیت علیک محبة منی تا علی عینی و این آیه شریفه برای بغض و ضد گوئی هم فایده دارد اگر در یک چله یک لک و بیست و پنجهزار مرتبه با وضو تمام خوانده زکوة دهد بعد اتمام چله عامل بیشک خواهد شد پس در هر مقصد بغض اثر این چون تیر بهدف باشد و اگر بمقصدی یازده مرتبه با درود اول و آخر تا یک چله بخواند امیر و فقیر مسخر وی شوند در ثلث پاره شانزدهم ایضاً این آیه است وعنت الوجوه للحی القیوم در ربع چهارم ایضاً پاره شانزدهم این آیه است فاکلا منها فبدت تا به غوی در پاره سی ام در سوره بروج این آیه است وهو الغفور الودود تا فعال لما یرید در پاره ایضاً در سوره عادیات این آیه است وانه لحب الخیر لشدید و تمام شد نوع دیگر این آیه معظم که در سوره آل عمران است رب انی یکون لی الخ اعداد بر آورده نقش در خانهای مربع پر کند و مدام نزد خود دارد ببرکت این آیه شریفه انشاء الله او را فرزند

عطا فرماید و ما نقش آیه مذکور را نوشته ایم تا پر کردن آن آسان باشد و ما را دعای خیر گویند چنانچه عدد سه هزار و دویست و پنجاه است و آن را قسمت کردم نقش اینست

٧٨٦

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٨١٢ | ٨١٥ | ٨١٨ | ٨٠٥ |
| ٨١٧ | ٨٠٦ | ٨١١ | ٨١٦ |
| ٨٠٧ | ٨٢٠ | ٨١٣ | ٨١٠ |
| ٨١٤ | ٨٠٩ | ٨٠٨ | ٨١٩ |

نوع دیگر این آیات معظم را که در باره دا گم است صُمٌّ بُكْمٌ الخ کسی عدد بر آورده با نام بدگویان نزد خود دارد و یا در خانه آنکسان که غمازان باشند دفن کند به برکت آیه شریفه زبان آنها بسته گردد و نقش اعداد آیه را پر کرده تا بر تو آسان گردد و نیز اگر کسی بکارت زنی را ضایع کرده باشد این نقش نوشته او را دهید که در کمرش ببندد انشاء الله تعالی خون که جاری باشد بند گردد چنانچه عدد آیه مذکوره جمله هشتصد و هفت است آن را قسمت کردم نقش اینست

٧٨٦

| | | |
|---|---|---|
| ٢٧٠ | ٢٦٥ | ٢٧٢ |
| ٢٧١ | ٢٦٩ | ٢٦٧ |
| ٢٦٦ | ٢٧٣ | ٢٦٨ |

نوع دیگر برای حب و دوستی آزموده از سوره إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ اگر چله و زکوة این سوره را بدهید یعنی پرهیز و ترک حیوانی کرده هر روز یکصد و یکبار بخواند بعد چله عامل خواهد شد پس اگر خواهد کسی او در محبت خویش گرفتار کنی باید که اسم طالب با اسم مادرش از حروف سوره مذکوره ضم کرده بنویسد و بجای منقلب اسم طالب و مطلوب را بنویسد و بر درخت بید و یزد یا در چوب بلند بیاویزد که باد او را بجنباند بدین صورت بنویسد

اذا ال س م اء ان ش ق ت و اذ ن ت ل ر ب ها و ح ق ت و اذا
ال ا رض م د ت و ال ق ت م ا ف ی ه ا و ت خ ل ت و اذ ن ت
ل ر ب ه ا و ح ق ت ی ا ای ه ا ال ان س ان انك ك ادح ال
ی ر ب ك ك د ح ا ف م ل ا ق ی ه ف ا م ا م ن ا و ت ی ك ت ا
ب ه ب ی م ی ن ه ف س و ف ی ح ا س ب ح س ا ب ا
ی س ی ر ا و ی ن ق ل ب و اینجا اسم مطلوب را با اسم مادرش بحروف
مقطعه بنویسد اینجا اسم طالب و مادرش را بحروف مقطعه نوشته م س ر و
را ب ح ق ی ا و د و د ب ی ن ه م ا الفتاً و محبتاً دائماً ابداً

سرمداً یا الله یا الله نوع دیگر عمل گوسفند این ادعیه را بخوانند و گوسفند را
ذبح کنند دعا اینست اَللّٰهُمَّ یا مُنزِلَ الشِّفاءِ وَ یا مُذهِبَ الدّاءِ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَ اَنزِل عَلٰی هٰذا المَرِیضِ الشِّفاءَ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ عمل گندم این دعا را بر
گندم بخوانند و آنرا بدرویشان دهند و بخورانند و بدهد اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسئَلُکَ بِاِسمِکَ الَّذِی اِذا
سَئَلَکَ بِهِ المُضطَرُّ کَشَفتَ ما بِهِ مِن ضُرٍّ وَ مَکَّنتَ لَهُ فِی الاَرضِ وَ جَعَلتَهُ خَلِیفَتَکَ
عَلٰی خَلقِکَ اَن تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اَهلِ بَیتِهِ وَ اَن تُعافِیَنِی مِن عِلَّتِی نوع ثانی
این آیه فرقانی برای محبت زن و شوهر مجربست اگر اعداد بر آورده نقش مثلث پر کنند
و آنرا بشسته هر زنی که بشوهر بخوراند محبت بسیار شود آیه وافی هدایه را با اعراب از
کلام الله صحیح کنند و اینجا بطور نشان نوشته شده اینست عَسَی اللّٰهُ اَن یَّجعَلَ
بَینَکُم وَ بَینَ الَّذِینَ عادَیتُم مِنهُم مَوَدَّةً وَ اللّٰهُ قَدِیرٌ وَ اللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ و عدد آیه شریفه
سه هزار و سیصد و سه است و نقش مثلث مذکور این است

| | | |
|---|---|---|
| ١١٠٢ | ١٠٩٧ | ١١٠٤ |
| ١١٠٣ | ١١٠١ | ١٠٩٩ |
| ١١٩٨ | ١١٠٥ | ١١٠٠ |

نوع دیگر استاد این ایه معظم عنایت محمد حسن صاحب
بزرگی برای سه مراتب بمقصد مجرب و آزموده است
اگر سه چله تمام کند و بر زمین نخسبد یا بر تخت بخسبد
و دست زیر گوش نهاده بخواند بعد از نماز عشاء هر
روز چهل و یکبار بخواند ان شاء الله تعالی بعد سه چله بار روزگار معقول بدست آید یا فتوح قوی
بدست آید یا نسخه کیمیا شخصی در خواب تعلیمش کند شک نیاورد که کافر گردد نشان
آیه مذکور اینست در سوره رعد اَنزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَت اَودِیَةٌ بِقَدَرِها اِلٰی زَبَدًا
رّابِیًا نوع دیگر این آیات بزرگوار را اگر ورد خود کند در چشم خلایق محترم و معزز گردد
اینست در سوره یٰسٓ سَلامٌ قَولًا مِّن رَّبٍّ رَّحِیمٍ در سوره صافات وَ سَلامٌ
عَلَی المُرسَلِینَ ایضاً سَلامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هٰرُونَ ایضاً سَلامٌ عَلٰی اِبرٰهِیمَ در سوره
انا انزلناه سَلامٌ هِیَ حَتّٰی مَطلَعِ الفَجرِ در سوره اعراف سَلامٌ عَلَیکُم طِبتُم فَادخُلُوها
خالِدِینَ نوع دیگر قاعده سوره قل اعوذ برب الناس معکوس در باب تعجب
جانبین هر شش آیه را معکوس منزوده بر جای هر آیه اسم عدد و ما درش و اسم تفریق کردن

باسم با دراو بنویسید و در زیر دیگ نهد که گرمی آتش باو برسد و قل اعوذ معکوس حسب آیه فانهم
سا ئلما ونجلا نم فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سا ئلما ر ودص یف سوسوی
یذ لا فلان بن فلانه سا نجلا سا سو لا . رش نم فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه
سا ئلما هلا فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سا ئلما ک ل م فلان بن فلانه علی
بغض فلان بن فلانه علی بغض فلان بن فلانه سا ئلما برب ذو جالق تمام شد
**نوع دیگر** آیه معظم در باب محبت بسیار مفید بزرگان نسته مجربست اگر بر قند و نبات
مصری و شکر یکصد و یکمرتبه و اول اینکه یکصد و شصت مرتبه بخواند و بدهد بمطلوب بخورد هم
مطیع و عاشق گردد و اگر موم را گلوله ساخته و هفت مرتبه بخواند و دم کند بمطلوب زند
انشاء الله محکوم گردد چنان مهربان شود امیر و بادشاه را مسخر کردن منظور باشد
بر گلهای معطر خوشبو مثل گل هشت مرتبه بخواند و بدمد و بدهد ببوید چون ببوید مسخر
و مطیع گردد بسیار بتجربه رسیده است ولیکن مردی که این عمل را بکند باید مومن و نماز گذار
و پرهیزکار و متقی باشد که در زبانش اثر باشد که در دمیدن موثر باشد و الا نه آهن هم
موجود است داود کجاست عصا موجود است موسایش کو پس باید که در شوق
عملیات تقوی و طهارت خدا ترس باشد تا هر چیزی عملش درست آید فی الجمله آیه
مذکور اینست بسم الله الرحمن الرحیم ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه
جسدا ثم اناب **نوع دیگر** آیات کلام الهی با اسما موکلان در باب حب مجربست باید
که این اسما و آیات را بخون کنجشک بروز یکشنبه بر کاغذ بنویسد و بریسمان سرخ ابریشمی بندد و
بر درختی که بلند باشد یعنی دور او درخت باد پیدا شد بیاویزد چنانکه نه روز و نه شب آنرا
باد بجنباند انشاء الله مطلوب اگر صد فرسنگ دور باشد در اندام او درد پیدا شده شوق
محبت طالب غلبه کند تا پیش طالب حاضر شود قرار و آرام نگیرد مجربست اینست
فمطلوس سمعص وبوص سمعطیط هر اصل سطوس با بس سبور اسد باره حلاوه
فلانه علی حب فلان بن فلانه سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی
الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السمیع البصیر یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد
حبا لله **نوع دیگر** همین هر دو آیه که مرقوم شد باین عبارت که اینست بدین ترتیب

بجویند ثم الخ سبحان الذی اسری الخ یا مسخر من فی السموات فی الارض فلانا اللهم لینه
علی ذلک لی وسخره لی اللهم الق محبتی فی قلبه اجعله لی محبا رحیما بحق یا الله یا رحمن
یا رحیم و اگر بر گلهای خوشبو روز دوشنبه جهت یکبار و اولی آخر پنجاه بار دم کرده بمطلوب
بدهد بو کند اگر با او حرف نزند بمجرد بوئیدن مطیع گردد و بروز جمعه جهت یکبار بر شیرینی
دم کرده بدهد بخورد در محبت و دوستی بیقرار گردد و اگر بر فندق یکشنبه بر هفت آن قفل گردد بهر
دانه هفت بار دم کرده بنام مطلوب در آتش اندازد و نام آنکس را بر زبان براند مطیع
و فرمانبر گردد و اگر بر آب دم کرده چهار بار آن آب را باو نوشاند اثر تمام بخشد و اگر بر سرمه
شصت بار دم کند و در چشم کشد پیش هر کسی برود فریفته او شود و اگر نوشته در شکم ماهی
با نام مطلوب بگذارد و در دریا رها کند در میان مطلوب محبت بسیار شود و لایقست که آیتهای
مذکوره را بتحتی که بنویسد یا بخواند با بسم الله الخ بنویسد و بخواند نوع دیگر قل هو الله احد را
با موکلانش باین ترتیب کوه بیهد و قل هو الله را من بجنبه رقم خواهم نوشت اینجا این طریقه از
بزرگی علیحده باین تحقیق رسیده اینست که نقش عدد آن در مربع پر کند و در خانه شانزدهم
سیاهی مالد و بدست طفلی بدهد که نظر کند و آنچه که ببیند بعامل بگوید انشاء الله تعالی احوال
مریض زود در نظر طفل خواهد آمد و قدری عطر بر خانه شانزدهم بمالد چنانچه طریق زکوة
آینده را بیان خواهم کرد که بدون دادن زکوة هیچ عمل راست و درست نخواهد آمد لیکن قل هو الله
با موکلانش بترتیب لف ذکر کردم اینست یَا عَطْرَائِیْلُ بِحَقِّ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یَا هَمْوَاکِیْلُ
بِحَقِّ اللّٰهُ الصَّمَدُ یَا طَاطَائِیْلُ بِحَقِّ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ یَا اَجْمَائِیْلُ بِحَقِّ وَلَمْ یَکُنْ لَّهٗ کُفُوًا اَحَدٌ
و نقش بر آورده اعداد سوای اسماء موکلان اینست که بدست طفل دهد یا بنویسد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳۵ | ۲۴۹ | ۲۴۵ | ۲۴۲ |
| ۲۴۶ | ۲۴۱ | ۲۳۶ | ۲۴۸ |
| ۲۴۰ | ۲۴۳ | ۲۵۱ | ۲۳۷ |
| ۲۵۰ | ۲۳۸ | ۲۳۹ | ۲۴۴ |

**نوع دیگر**
برای دزد برده و گریخته
این آیه شریف را با
علامت مرقومه در پشت
صفحه نوشته در شاخه درخت بلند بیاویزد انشاء الله تعالی دزد برده یا گریخته

بازآید وگریخته بازگردد آیه معظم با علامات اینست وَالضُّحیٰ وَاللَّیْلِ اِذَا سَجیٰ
مَا وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَمَا قَلیٰ و علامات اینست

۷۸۶

ع دم
ف
ط



نوع دیگر همین آیه وَالضُّحیٰ را با این علامات نوشته در چرخه بندد و دزد برده وگریخته باذن باز آید علامات اینست



نوع دیگر اگر سوره یاسین را تا مبین المکرمین بر عنس بخت بار خوانده دم بر نامه تمام گریخته در آخر گرفته بند کند و آن قفل را در آب روان بیندازد گریخته سرگردان شده باز آید انشاء الله
نوع دیگر اگر برای جدائی دو نفر یا تباه کردن دشمن این آیه معظم را با اسماء موکلین بر تیغ آهنی با طهارت تمام هشتاد و یک مرتبه خوانده دم کند و چون تمام شود بجو و بند لاسخ در تیغ دو و بعد اسم موکلین میرد با ذم کند و در نقش مربع که نوشته ام آن و ند را بجا بنده نام هردو که میان آنها جدائی منظور است با نام مادران آنها بگوید و بعد آن و ند و نقش را در خانه آنها دفن کند انشاء الله تعالی میان آنها جدائی افتد اسماء موکلان با آیه معظم و نقش اینست
هٰذَا فِرَاقُ بَیْنِیْ وَبَیْنِکَ اَجِبْ یَا دَرْدَائِیْلُ یَا لُومَائِیْلُ یَا تَنْکَفِیْلُ یَا سَمُوطِیْشَا یَا مَهْرَائِیْلُ یَا بَجْ
یَا عَطْرَائِیْلُ یَا یَمُوْتَا یَا الخفائیل یا دموتا یا نوذائیل البُغْضِ فلان بن فلانه علی بغض فلان
ابن فلانه سریعًا قریبًا ابدًا ابدًا و نقش که و ند برا و بند اینست فافهم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۹ | ۸۳ | ۸۶ | ۷۲ |
| ۸۵ | ۷۳ | ۷۸ | ۸۴ |
| ۷۴ | ۸۸ | ۸۱ | ۷۷ |
| ۸۲ | ۷۶ | ۷۵ | ۸۷ |

نوع دیگر چون کسی که هر روز پیش ظالمی میرود و از او ترسان باشد یا در محل غیر برای انفصال بمقدمه میرود و یا برای روزگار میرود باید که قبل از آن از روز پنجشنبه بعد از نماز صبح قدری روغن خوشبو و اندکی مشک یا عطر آمیخته این آیات بزرگ را چهل بار هر روز تا روز جمعه خوانده و دم کند چون تا یک هفته تمام دم کرده پس آن روغن را پیش نگاه داشته و هر روز بر روی خود مالیده پیش او رفته انشاء الله تعالی در مدت کمی مطلب از آنکس برآورده شود و اگر حاکم ظالم

باشد ترحم متعلق کند و با فتح و نصرت و هم در جنگ و مقابله باز آید و اگر کسی دیگر
دست خود را بطریقه دهد یا بعطر دهد باو مجربست و آیه اینست بسم الله از دیگر
کلام الله اعرابش را بطور صحت بخواند یَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ
نَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ
فَضْلًا كَبِيرًا وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ
كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا نوع دیگر اگر کسی خوابهای پریشان بیند و بترسد این آیه شریفه را
تعویذ نموده در گلو ببندد خواب بد دفع گردد اینست بسم الله بنویسد و نیز برای دفع تب
نوشته بگلوی مریض ببندد صحت یابد یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (فلان در خواب نترسد یا تب نکند) نوع دیگر برای درد چشم
بخواند بخضوع تمام و دم کند و نوشته ببندد شفا یابد فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ
الْيَوْمَ حَدِيدٌ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْنَا وَادْفَعْ بَلَاءَنَا يَا رَؤُوفُ لَبَّيْكَ وَارْحَمْ لَبَّيْكَ وَاشْفَعْ
لَبَّيْكَ وَأَنْ يُبْعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ نوع
دیگر سوره والعادیات را بر بازوی گریزپا نوشته ببندد هرگز نتواند گریخت نوع دیگر
این آیه را گریزنده و زنی که با شوهر خویش بد اخلاقی و نافرمانی کند بر نان نوشته بخورد آنها
دهند آن زن و آن گریزپا مرفوع شود و همان آیه است که در فوق نوشته یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اصْبِرُوا وَصَابِرُوا الخ نوع دیگر اگر خواهد که کسی محبت پیدا کند باید که این آیه معظم
هفت مرتبه بر نان شکری یا شیرینی بخواند و بخورد مطلوب به بعون الله و بحق خاتم النبيين
برحمتك يا ارحم الراحمين طریقه دادن زکوة آیة العطب ایطریق بهمه عالم مشهور است
وصفت این آیه بزرگ از حد زیاده است که در بیان نگنجد آنچه باین فقیر رسیده است در این
کتاب نوشتم که این آیه را اول باید زکوة بدین نوع داد و بعد درود همیشه عدد خود دارد و طریقه
زکوتش اینکه در عروج ماه بروز پنجشنبه علی الصباح غسل نموده و لباس طاهر پوشیده و
روزه هم بگیرد و در میان عصر و مغرب این آیه مبارکرا در جای تنها یا در مسجد یا در حجره نشسته
یکصد و سی مرتبه بخواند چون تمام شود وقت افطار به نیت زکوة صوم را افطار کند و از ظرف گلی نو
آب از دست خود در ظرف بریزد و در یک پی نمک بیزد و نصف خود بخورد و نصف دیگر را بفقرا

ده و صبح بازدید ستور پیش غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد و روزه گرفته بوقت عصر همان
قدر آیه شریفه را بخواند و صوم را به نیت زکوة افطار و برنج را بازپخته کرده خود خورده
و بفقیر داده و روز سوم جامه را بشوید و به دستور ده روز قبل عمل کند و در روز چهارم پنجر تبه
و دستور قبل موقوف دارد والتمام بالله از هر آفت و بلا و بیماری و غم و جنگ و قصه
وغیره محفوظ و ملائکه آیه قطب جهان مطیع و فرمان بردار نگهبان این عامل باشد
و هیچوقت قرضدار نشود و رزق روزی زیاده و فراخ یابد و هر مهمی که پیش آید بفاصله
سه یوم مشکل حل شود و در مدت سه یوم بخواند و در هر ورد و در پان هرکسی دم کند بهر چیزی انجام
تمام و هدو آیه مذکوره در نصف پاره چهارم کلام الله لن تنالوا البر ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ
الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ
غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ الخ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ عمل ثانی در مقدمه حب مجربست از
سوره یس باید که این آیه شریفه را بقصد یکبار بر شیرینی بر روز پنجشنبه دم کند و مطلوب بخوراند
عاشق و بیقرار گردد اینست فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ و لا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **نوع دیگر** برای حب مجربست اگر خواهد مطلوب را
در محبت خود بیقرار نماید این اسما معظم را بروز جمعه با مشک و زعفران و گلاب بوقت نماز
بنویسد و پیش خود دارد و خود را بمحبوب بنماید بمجرد دیدن مطلوب بیقرار گردد و همیشه
طالب آن باشد چنانچه اگر در حصار آهنی باشد پیش طالب حاضر شود انشاء الله
آیه شریفه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الٓمّٓ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ اللّٰهُمَّ
اَللّٰهُ اللّٰهُ یا معادج یا معادج یا حی یا حی یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا رب یا رب یا رب
برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین یا رب احرق قلب فلان
بن فلانه علی حب فلان بن فلانه یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله علا اعم
یا عاطیها سعابا یا یهوونا یا الحی یا طمعوا یادوسم طعم ازباعا کونا بوکیع سنا محجوب باسح
یا مطرودع باست یا اسح صلعو الله وطرا الاصبو ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم **نوع دیگر** دعوة الدراهم والدنیا بیاید که یک
هفته ترک حیوانی کند و از روز اول که روز چهارشنبه باشد شروع کند و در خلوت

اسم اسرافیل را بر کاغذ نوشته در سر خود بندد و نگاه را بالا دارد باید که سر خود را در پیش
افگند و نگاه ببالا نکند و در خواندن این اسماء مکرم مشغول گردد انشاء الله تعالی چون
چهارشنبه دیگر آید مقصود حاصل شده دولتمند گردد و اسماء معظم اینها است
عشقلطفقطویش مطزهواطل عواطل اجیبوا عندمن الدوام والدنیا دیجق
اسرافیل ادخونی وقو علی اعطاء . نوع دیگر برای فرزند پیدا شدن از شکم زن زن را باید
که این حروف مقطعات و اسماء الهی بروز پنجشنبه روزه بدارد بوقت شب آب تازه زن و مرد در دو ظرف
خود را نشسته و آنها را بآب بشویند و بخورند و هم بستر شوند بفضل الهی بیشک از زن تا مدت یک
چله حمل پیدا کند اگر شک آورد کافر گردد و آیات مقطعات و حروفات معظم اینها هستند
بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص علی علی علی طططط کهیعص کهیعص حمعسق حمعسق هو هو هو الله
الله صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین . نوع دیگر این دعا اسماء موکلان برای
حب و دوستی مجرب و آزموده است برای دوستی چهل مرتبه بر شیرینی دم کرده بمطلوب بخوراند بیشک
مطیع و فرمانبردار گردد اینست عزمت علیکم یا معشر الارواح و صاحب السر و الوسواس الخناس
تجنوا ابا الناس خاتم سلیمان بن داؤد و بحق هاروت و ماروت هو الا ذکر للعالمین فلان بن فلانه
علی حب فلان بن فلانه دائماً ابداً و لازم است که اول زکوة این اسماء بدین طریق بدهد که از روز یکشنبه شروع
کند و یازده هزار مرتبه نوشته در گلوله بسته در دریا اندازد پس همین طور تا هفت روز بکند اگر معشوق در
هزار فرسخی باشد حاضر گردد مجربست . نوع دیگر برای گشایش رزق و فتوح غیب از روز
یکشنبه هزار بار بخواند و برای هم مجربست اگر دم کرده بشیرینی و بمطلوب بخوراند مطیع گردد و
اسماء معظم اینست جل جلبیش جهلبیش سلیش بدبش قاعده عمل خطبه دوم مجربست
اگر این خطبه محمد و حمد را حفظ کند و ترک حیوانی کند و چهل روز هر روزی یکصد و یک مرتبه در جای
خلوت بخواند و بر این منوال یک چله تمام کند عامل کامل گردد پس در هر مقدمه که دم کند اثر
بخشد اگر بر سرمه بخواند و بدمد و در چشم کشد در نظر خلایق عزیز از دوست و دشمن
بعد از نماز عشا چهل نقش بنویسد و از جمیع آن یک نقش همراه داشته باشد بوی
خلایق مطیع باشند و اگر بر جامه معشوق چهل و یکبار بخواند و بدمد و آن پارچه را بتی
ساخته مثل فتیله نموده در چراغ بسوزاند معشوق بیقرار گردد و بیاید نزد وی و اگر

بر میوه یا بر شیرینی بخواند و بدمد و بهر کس بخوراند مطیع و منقاد گردد و اگر خواهد زبان مردم از
بدگوئی باز دارد بر چوب زبوا چهل مرتبه بخواند و بدمد و با آنها بخوراند زبان آنها بسته گردد و اگر خواهد
میان دو نفر جدائی و خصومت اندازد بر پنج دانه سیر چهل مرتبه بخواند و بدمد و در سرکه سه
روز اندازد و بعد با آنها بخوراند جدائی قاطع شود و بطوریکه دشمن تن همدیگر شوند و اگر آسیب زده
بخواند و بدمد و با آب زده بنوشاند و بر روی زند آسیب بگریزد و همین طور این خطبه تعریف شده
خاصیت بسیار دارد اگر عامل شود البته واقف گردد و اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اَلْحَمْدُ ثَنَائِیْ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَائِیْ وَالْعَظَمَةُ اِزَارِیْ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عَبِيْدِیْ وَعِيَالِیْ وَمُحَمَّدٌ
صلی الله علیه و آله عبدی و حبیبی و رسولی الی خلقی زوجنا انشاء العبد توبها علی وحدانیتی
لا معقب لحکمی ولا مبدل لقضائی اشهد ملائکتی وحملة عرشی وسکان سماواتی و بدیع
صنعی وقد نفخ آدم خلیفتی بصداق تسبیح و تهلیل و تکبیر و هی اسماء الکرسی بشهادة
ان لا اله الا الله محمد رسول الله یا آدم یا حوا فادخلا فی جنانی و اخلدا جنتی دائما
نوع دیگر اگر کسی کم روزیست و کم دست میاید یا دکان او فروش ندارد باید که این آیه معظمه را بر
نوشته در میان اسباب و متاع خود بگذارد ان شاء الله تعالی خرید و فروش کسب او زیاد میشود و
او فراخ میگردد و برکت بسیار پیدا میشود اگر کسی بند کرده باشد یعنی کار او بسته شده گشاده
گردد و مزید بسیار آید روز بروز فروشش زیاده شود آیه وافی و معظم اینست اعراب آن را
از روی کلام الله تصحیح شود وَهُوَ الَّذِیْ مَدَّ الْاَرْضَ وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْهَارًا وَمِنْ
كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيْهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَّتَفَكَّرُوْنَ نوع دیگر هر کسی که در غم مبتلا باشد و بکسی هیچ جرح و قضائی شود
باید این آیه شریفه هر روز هزار مرتبه بخواند قسم والله باشد ثم ان شاء الله از آن غم نجات یابد
اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ نوع دیگر
هر کس بدست دشمن گرفتار باشد هر روز این آیت را در مدت گرفتاری هزار بار بخواند
بلا شک از دست ظالم نجات یابد آیه اینست حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰی
وَنِعْمَ النَّصِيْرُ نوع دیگر هر کسی که کسی را بهتان کند و او آن عمل با او نباشد یا مقدمه در عدالت
پیش حاکم رجوع شده و یا میراث او را بجبر کسی تصرف کرده باشد باید این آیت را تا انفصال

معامله هر روز هزار بار بخواند بیشک حق سبحانه و تعالی او را از آن بلاها و آفات محفوظ بدارد
آیه اینست وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ نوع دیگر پیش کسی
و از وزدان میسر نشد و کسی که دعوی باطل کند یا املاک یا باغ یا خانه بظلم گرفته یا برده
است این آیه شریفه را یازده مرتبه بعد از هر نماز و در اول و آخر درود فرستد و بخواند
حقتعالی از آن ظالم رهائی دهد و مال او محفوظ ماند آیه اینست مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نوع دیگر ترتیب دعوة قل هو الله بیک ترتیب در اوراق سابق
گذشت اجمال چون ترتیب دوم دعوت دیگر باین تخفیف با موکلات رسیده است و
معتبر و آزموده است از اینجهت باز مینویسیم باید که از عروج ماه با ترک حیوانات یک
چله این سوره را بخواند یعنی آنقدر هر روز مقرر کند که یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در یک
چله تمام شود و چون خواندن آغاز نماید باید که آنچه بخورات میسر آید روشن کند تا موکلان
مثل گمسان و دو شیرینی جمع میشوند چون چله تمام شد عامل این ترتیب شده آن وقت
بر هر چیز که سوره موصوفه دم کند اثر بخشد مثل تیری که بر هدف زده شده و بهر ترتیب
که جاری نماید جاری شود ولیکن اینقدر تمیز باید که در هنگام اجراء ساعت نیک و بد
دانسته جاری نماید یعنی برای حب بساعت مشتری بنویسد و دم کند و برای بغض
و حسد بساعت زحل و مریخ عمل کند و با ساعت شبانه روز آینده خواهیم نوشت
انشاء الله تعالی و چون برای محبت دم کند بر شیرینی دم کند و برای عداوت بر نمک
و سرکه و خاک قبر دم کند مطابق خواهد افتاد و اگر حاضرات یعنی او را بخواهد حاضر کند
سوره را قید درآورد آنچه که نقش مشتری در زکوة سوره مذکوره نوشته ام بنویسد و بدستور
مذکور بالا سیاهی در خانه شانزدهم مالد و عطر هم مالیده بدست طفلی بدهد تا در دو حال
مریض و دزد را ببیند آنچه که حال او خواهد بود ظاهر خواهد شد انشاء الله تعالی و قل هو الله
بسیار خاصیت دارد و اینجا مع موکل باز ترتیب دیگر این سوره را مینویسیم زیرا که بیک
ترتیب که در سابق نوشته ام اگر عامل شوی لذت یابی چنانکه قل هو الله موصوف
بترتیب دیگر مع موکلات اینست قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یا جبرئیل اللَّهُ الصَّمَدُ یا میکائیل لَمْ یَلِدْ وَلَمْ
یُولَدْ یا اسرافیل وَلَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ یا عزرائیل نوع دیگر ترتیب دیگر سورهٔ اخلاص

انکه این ترتیب از بزرگی متوطن کشمیر باین تحقیق رسیده مجرب است آلا در عمل آوردن و بدست آوردن
سرمه اینعمل اندکی دشوار نیست که تلاش تمام بدست خواهد آمد و آن اینست که اول گربه سیاهی را
که از طرف کابل و کشمیر میآرند بدست آورد و اگر بچه گربه بدست آورد و پرورش دهد تا بزرگ گردد
نیست الغرض گربه مذکور نر باشد و جوان و هر روز مقداری روغن خورانیدن مقرر کند و روز بروز
روغن را زیاد کند تا آنکه نوبت بپاو آثار آید یعنی یکپاو دفعةً بخورد پس روز یکشنبه یک دیگچه بزرگ
بیاورد و در جای تنها کسی نباشد اول غسل کند و لنگ نوی ببندد و آن گربه را در دیگ گذارد و
سر دیگ را محکم ببندد از رومال سفید مضبوط بسته کند که آن گربه بیرون نجهد بعده زیر آن دیگ
شش عدد خشت که سه پایه باشد و روی آن دیگ بسمت مشرق کند و زیر دیگ چراغ از روغن
زرد که فتیله اش پرکار باشد روشن کند که نور آن گرم یعنی نور آن فتیله تا ته دیگ برسد
و ته دیگ گرم شود و گربه را سوزش معلوم شود بمجرد گرم شدن دیگ ته تمام آن دیگ
چنان غلبه خواهد کرد که دماغ گربه پریشان شده که سه مرتبه باواز مهیب دفعةً چنانکه کسی آسیب
زده را میزند آواز خواهد کرد بعد آواز کردن در آن دیگ گربه قی خواهد کرد آن آواز بسیار
مهیب خواهد شد باید که عامل بیم در دل خود راه ندهد و نترسد اگر بترسید فوراً هلاک خواهد شد
پس و بروی دیگ دوزانو نشسته سورهٔ قل هو الله احد را بلاتعداد بخواند تا با آن عرصه که
آواز قی آید چون قی کرد سرپوش کشیده و گربه را بیرون انداز دو دیگ را خالی کند
و آن روغن قی را در ظرف پاکی تمام و کمال بردارد و در آن روغن هر قدر سرمه پاک سیاه
که ممکن باشد حل کند و نگاه دارد پس آن سرمه تمام عمر را کافی خواهد بود گویا اکسیر حب
بدست آمد و این سرمه را اکسیر حب گویند رو بروی هر کسی از امیر و فقیر و معشوق کرده
میل در چشم خود از آن سرمه کشد و چشم خود مقابل چشم آن کند عاشق و مطیع و فرمان
بردار شود و اگر کسی از این سرمه دیده بکار او آید آزموده شده است عمل دیگر همین
سورهٔ موصوف عنایت جناب آمیرزا زین العابدین صاحب اگر حاجتی صعب پیش
آید که روز اول بعد نصف شب تا صبح اختیار دارد برخاسته غسل کند و اگر نتواند هر
روز غسل کند الا روز اول ضرور غسل نماید و بر چوکی چوبین زیر آسمان نشسته یکصد و یکبار
با ورد اول و آخر سورهٔ موصوف بدین عبارت با سوکلان که در اینجا نوشته بخواند اینست

یا احد یا صمد یا ملک عبد الصمد بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد روز دوم به دستور نشسته دویست مرتبه درود
اول و دویست مرتبه در آخر و دویست مرتبه با سوره مذکور بخواند در روز سوم باز بهمان
دستور سه مرتبه صلوات در اول سیصد و با سوره سیصد و در آخر سیصد مرتبه بخواند که انشاء الله
در مدت سه روز مطلب بر آید همین نوع تا سه روز کند در هر سه چله ضرور مطلب بر آید شکی ندارد
ولیکن از روز چهارشنبه آغاز کرده باشد تا بروز جمعه تمام شود و چیزی شیرینی بخورد
و از چیزهای لذیذه پرهیز کند و الا نه خطا خواهد شد اغلب که موکل اسم آن عبد الصمد است
بنظر خواهد آمد باید که نترسد عمل دیگر قل هو الله معکوس مجرب عجایب و غرایب قسم
کلام الله که اگر فقط بر همین سوره ممدوحه عامل حاکم باشد سلطنت پیش آن ذره بعید
است هیچ چیز نیست که مسخر پیش آن پادشاه نشود ولیکن عمل آن سخت است و بدست
آمدن دشوار است و این فقیر را بدولت عبد الرؤف شاه صاحب زبانی نوازش
عطیات بامداد شاه صاحب موصوف عنایت شده مدت چند سال در فکر زکوة این
عمل جستم ولیکن هنوز بحصول نه انجامیده که سرانجامش بسر نمیبرد الا در عمل شاه صاحب
چنان دیده ام که عملیات را فراموش کرده ام ای برادر قسم بالله العظیم که قسم شرعی
است علم کیمیا و لیمیا و سیمیا همه پیش این عمل سوره معکوس ادنی است و عبد
الرؤف شاه بدولت این عمل بزرگ در مقام فیض آباد سلطنت میکنند هر چند که از خواهش
شاه صاحب موصوف این عمل بدست این فقیر نیامد بلکه بخواهش موکلات که حاکم این عمل مجرب هستند
این ضعیف آمد که ذکرش خواهد آمد چنانچه اینها دوازده الفاظ است مطابق آن الفاظ دوازده موکل
هستند هر کس که عامل این سوره شود آن دوازده موکل مطیع فرمان آنکس شوند اگر خدا خواهد و الا نه
بسیاری محروم در اشتیاق مردند غرض اگر فرصت دست دهد و فضل الهی شامل حال باشد چند
روز که حصول این نعمت عظمی نماید باید که ترک دنیا کند زیرا که بدون ترک دنیا چند روزه این
نعمت حاصل نشود پس لازم است که یک خادم نمازی پرهیزگار رفیق خود
گرداند و مسجدی تنها که در قریه متصل دریای روان باشد یا در باغی مکانی پاک
و نیکو تخلیه تمام بدست آید و از برای چند روز گرفته قیام آنجا مطلق کند و هرگز کسی

دیگر در آن نیاید و برود و آن مکان صرف متعلق با تنها باشد و آنخادم رفیق را نیز از خود دور کند
و وظیفه اش تنها بودن و تنها خواندن بر خود واجب گرداند بعده وظیفه خادم را نزد خود تنها دادن
مضائقه نیست و لایقست که اول میوه ولایتی و بخورات و عطریات و گلهای خوشبو و شیرینی های
لطیف در حجره مهیا ساخته جمع نماید و ده آثار پیش رفیق خود و دو ثمن قند سیاه نزد رفیق و دو چادر و
و جای نماز پاک بفرش بگسترد و بروز سه شنبه در عروج ماه غسل کند و بعد نماز مغرب و
عشا بر جای نماز نشسته اول آمیزه‌ها و عطریات و گلهای خوشبو و شیرینی‌ها را بروی جانماز و
یک طرف پیاله نهاده بخورات بسوزاند و به تسبیح و بدن خود عطر بمالد و آن جا در نیم بند بپوشد
و آنرفیق یک تخم نخود بریان کرده با یک چهارم قند سیاه در برگ دونا بزبان هندی گویند گذارد
بیاورد و آنها را هم پیش خود گذارد و شروع به قل هو الله معکوس نماید یعنی اول چند مرتبه
قل هو الله را درست بخواند مثل کلام الله چون تمام شود حصار گرداگرد خود بکشد و مرشد خود را
در تصور خود بدارد و پیغمبر صلعم را بدست خود تصور نماید و یکهزار و یکمرتبه قل هو الله
معکوس را بخواند و بعد اتمام درود و بعد طاق بفرستد یعنی یازده یا بیست و یک بار و غیره
بخواند و بعد بران بخورات و قند سیاه موکلات دهد و آن تمام اشیا علیحده بدستور
بدارد و بر آن جانماز خواب نماید چون صبح شود آن نخود و قند سیاه را بطفلان تقسیم نماید
و خود بنان جو و نمک و آب تازه طاهر بخورد و بان خادم اگر چیزی پخته دهد عیبی ندارد و برای
بیت الخلا یکمرتبه از حجره زیاد بیرون نیاید و وضوء تسبیح گرفته و هر روز باید روزه دار
باشد و متصل بزبان صلوات و درود فرستد چون شام شود باز غسل کند و بدستور
و اسباب معهود برای خواندن بنشیند بر جا نماز و بخواند بهمان ترتیب فوق تا بیست
یکروز انشاء الله اگر قسمت درستاست در هنگام وظیفه خواندن باری روشن در
تمام حجره پیدا میشود و شخصی بر تخت سوار با چند نفر دیگر صاحبجمال در آن حجره حاضر خواهند
شد پس عامل بتضرع بر آنها سلام کند و اگر آنان خود گویند تو جواب سلام آنها را
بگو و گفتگوی معقول کند و آنچه بگویند قبول کند و خود آنچه مقصود در نظر داشته بگوید و از
آنها اقرار بگیرد هر چه که برای خود خواسته هر روز برای عامل میرسانند و تمام عالم
از بادشاه و فقیر مسخر کرده خواهند بود و احوال هر کس از عالم گذشته و مستقبل

همیشه با این عامل ظاهر میشوند و هر کسی را که طلب کند حاضر مینمایند و آنوقت از صاحب تخت عرض کند یک نفر یا دو نفر از خود برای ما تعیین کنید که هر وقت کاری دارم صورت دهند و انجام دهند که هر کاری ضرور در داشته باشم آنوقت می عبدالرحمن نامی یا بنام دیگر از آنها معین خواهد کرد آن موکل بصورت انسان در چشم عامل هر روز و هر وقت که بخواهد بنظر خواهد آمد آنچه که در روز و شب گفتن منظور باشد حاضر کند فوراً او انجام خواهد داد پس هر روزه بعد احضار آن موکلان و تمامی چله یکصد و یازده مرتبه ورد وظیفه خود وا دخواند و آن اسباب که مهیا کرده بود همانوقت نذر موکلان مرقومه صاحب تخت نماید خواهند برد و نیز اوقات هر روزه خود حسب خواهش خود اذن گیرد و قطع حجت عمری کند تا خطا نگردد و این عمل مسخرات تمام عالم است و این عمل چنانست که تمام احوال را آن موکل هر ض تمام جهان از نیک و بد دستخط خواهند کرد و عامل همیشه یک حجره قائم کند که در آنجا ملاقات آنها همیشه با او باشند و اگر میوه جات و عطریات و شیرینی از هر کسی که بدست آورد در آن حجره نهاد حواله آن موکلان خود اجازت دهد هر ارضی دست خط کرده بودند استاد من با من داده اند بغایت و محبت خویش هذا قل هو الله معکوس لازم نیست و اگر آن موکلان در مدت بیست و یک روز حاضر نشدند در مدت چهل روز حاضر خواهند شد چله را شکسته و دل را قائم دارد و این است قل هو الله معکوس

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ قُل | ۲ هُوَ | ۳ اللّٰهُ | ۴ اَحَد |
| ۵ اَللّٰهُ | ۶ الصَّمَد | ۷ لَمْ یَلِدْ | ۸ وَلَمْ یُولَدْ |
| ۹ وَلَمْ یَکُن | ۱۰ لَہٗ | ۱۱ کُفُوًا | ۱۲ اَحَد |
| ۱ دحا | ۲ اوفلك | ۳ هلّ | ۴ بکی ملو |
| ۵ دلوی ملو | ۶ دلی مل | ۷ دمص | ۸ کهلد |
| دحا ۹ | هللا ۱۰ | وه ۱۱ | لق ۱۲ |

نوع دیگر عمل حب مجرب و آزموده از بزرگان ساکن جونپور رسیده این حقیر آمده است برای این حقیر برای شخصی آزمودم عزیز باشد که بروز یکشنبه یا سه شنبه بهر صورت که ممکن بود از صبح یا عباس روز برآمد ناخن هر دو دست و پای مطلوب را بهر وسیله میسر آید بگیرد و میان دو دو

سوخته نام او و مادرش و نام خود و مادر گرفته سوره القارعة ما القارعة الخ تمام و کمال هفت
بار بر آنها خوانده دم کند و در پارچه پاکیزه بسته مثل تعویذ بر بازوی راست خود بندد انشاء الله
بیشک مطیع و فرمانبردار گردد و لیکن لا یقست که حرام نباشد اگر مرتکب فعل حرام باشد بر
عکس آن دشمنی مبدل خواهد شد قاعده دیگر در صفت هر حسب مجرب و معروف اکسیر
منظور تسخیر کردن باشد پس طالب بحساب ابجد عدد اسم مطلوب با اسم خود بر آورده
موافق آن عدد اسم باری تعالی از نود و نه نام یکی بر آورده جلالی یا جمالی را شرط این است
بعد آن طالب بحساب ابجد با عدد اسم خود جمع کند و اسم باری که موافق عدد اسم خود بر آید
بر آورده هر دو عدد جمع کند و تمام را جمع کرده باشد با ترک حیوانات قبل از طلوع آفتاب تا
بیست و یک روز وظیفه نماید مطلوب رام شده همان وظیفه اسم مجرد حسب التعداد کند قاعده
دیگر آنکه اسم خود و اسم مطلوب هر دو را جمع کرده برابر هر دو اسم یک اسم باریتعالی استخراج
کند و موافق جمله عدد هر روز وظیفه نماید و در مدت بیست و یک روز مطلوب مطیع فرمان او گردد
از قاعده اولی این افضل تر است و اول قبل از خواندن وظیفه قدری درود خوانده در
طریقه مذکوره سوره اخلاص خوانده باشد و از اینجهت در باب شرح آیات این طریقه اسما
نوشته ام در اسماء حسنی بیان نکرده ام که شرط خواندن سوره هم دارد شرح سوره الم
ترکیف با موکلات هرچند که صفت این سوره جائی نوشته ام در اینجا هم مینویسم که از بزرگی
باین فقیر رسیده چنانچه برای حاجتی و مهمی که باشد تا هفت روز هر شب چهل و یکبار
بخواند هر مطلب که داشته باشد حل شود مجرب و آزموده است و این سوره در شان قهاری
و سوره محمد و صحابه موکلات اینست الم تر کیف فعل ربک یا جبرائیل باصحاب الفیل یا محمد
کائیل الم یجعل کیدهم یا لوما ئیل فی تضلیل یا میکائیل و ارسل علیهم طیرا ابابیل
یا نوما ئیل ترمیهم بحجارة یا عزرائیل یا بدرخ من سجیل یا کشفائیل فجعلهم یا همائیل
کعصف ماکول یا تنکفیلیا میا مطیعا انقضی حاجتی بحق الم تر کیف فعل ربک
نوع دیگر برای هلاک شخص و در مقدمه شکست دادن دشمنان هر جا غلبه حاسدان
و دشمنان باشد هفت روز هفتصد مرتبه هر روز بخواند بر کنگره های چهار راهه دم کرده در مکان
دشمنان و حاسدان انداخته پس آنها معتوه و مسدود زبان شوند و متفرق شوند و پشیمان

نشیند و چهل بار هر روز بخواند و عود و عنبر هر چه بدست آید مهیا ساخته روشن نماید و در اثنای
چله بوقت خواندن هیچ صورتی که بنظر آید هرگز خوف نکند انشاء الله تعالی در مدت یک چله عمل
خواهد آمد اعتقاد و اثر دارد که اگر آن عامل بر سر قبر کسی بزرگ نشسته بخواند در مدت سه ساعت
هر قدر که طاقت باشد آن روح خواهد بود جسم یافته بصورت انسان حاضر خواهد شد هر چه مطلب
داشته از آن بپرسد آن عمل خواهد کرد بامر الله تعالی و باقی برای هر سه روز چهل بار بخواند
بعد سه روز مطلب برآید و برای هر مقصد بر هر چیزی که دم کرده دهد اثر تمام کند اینجا
داعی عاملست شرح این سوره مبارکه زبان ندارم بیان کنم بدین نوع قاعده خواندن نسبت
که ترجمه نمودم و چند آیات این سوره هم می‌نویسم با موکلات که مبتدی را برآوردن موکلات
آسان باشد و جمله سوره مذکوره بجهت مطول گشتن کتاب نوشته نشد باید بهر ترتیب
کردن چند آیات موکل برآرم بهمین ترتیب عامل موکلات سوره برآرد حیث یا ایها المزمل
قم اللیل الا قلیلا یا جبرائیل نصفه او انقص منه قلیلا یا میکائیل او زد علیه و رتل
القرآن ترتیلا یا اسرافیل انا سنلقی علیک قولا ثقیلا یا عزرائیل پس بهمین صورت برآورد
نوع دیگر ترتیب عمل همین سوره مجرب است و از سوره مذکوره عنایت میر صاحب قبله
دم علی صاحب متوطن مقام باره پیرزاده مطلق در حق هر کس که هرگز حمل نمی‌ماند باید که از عروج ماه
عامل سوره مزمل را چهل مرتبه هر روز بخواند تا سوره مذکوره در عمل خود آید بعد در روز پنجشنبه نو
که آن را نوچندی گویند شوهر و زن هر دو روزه بدارند و عامل قدری شیر و برنج و شکر از ایشان طلب
کند و آن شیر برنج باین ترتیب بپزد که شیر را در تمام جوشش و چون شام شود آن شیر برنج پخته
و چهل و یکبار سوره مزمل را بر آن شیر برنج دم کنند و بر شکر دم کنند و آن هر دو بوقت افطار روزه
بخورند و در آن شب چیز دیگری نخورند و هم بستر شوند اگر بهمان شب در میان زن و شوهر قسمت شده حمل
نماند و اگر هر دو هضم کردند بلاشک همان شب با زن قرار مطلق حمل ماند و خطائی ندارد و پس
بوقت صبح آن شب آن نقش که در صفحه تعدا است همراه این سوره است هشت عدد نوشته
یکی را عورت موم گرفته در کمر بندد و دیگر اشسته هر دو زن و شوهر بخورند انشاء الله تعالی
در مدت یک هفته ضرور باور شود و باقی شش نقش زن بشوید بخورد مرد را احتیاج نیست بخوردن
هشت نقش مذکور که همراه سوره است نهایت با تحقیق و تدقیق نوشته شود فافهم

| | | |
|---|---|---|
| | بسم الله الرحمن الرحیم | |
| دوده | ع و ه | یلما |
| ۱۱۵ ع | امراع | مال |
| ۸ و ۸ | ی ط | الله [illegible] [illegible] الله |
| ع ا و ا ع | ح ط | اوح |
| او ح س | اوع | ۱۱ [illegible] |
| من | طاع | ۱۱ [illegible] |

**نوع علیکو** بیان عمل سورهٔ جن بدان ایعزیز اگر عامل شدن میخواهی عمل سورهٔ جن
نیز در عمل آری که این سوره ممدوحه در حق عملیات خود عامل و حاکم تمام جنات است و در تعداد
عمل هرکه سورهٔ جن آشنا باشد گویا آشنائی عمل نیست زیرا که هر عملرا که آغاز کنی در استحکام
چله در هر نماز بهر رکعت سورهٔ جن باید خواند و دور خود حصار باید کرد گویا پادشاه جنیان گرد
خود انداخته با لشکر محافظت خود میکند پس لایقست که این سوره را حفظ باید کرد و بهر وقت
در مواظبت خود و در هر مقصد مهم و هر جلسه پیش باید نمود که فواید کامل بعامل دهد و طریقه زکوة این سوره

بدین نوع دست نگیرند که این سوره اسم موکلات نکنند زیرا که کعبه را احتیاج بسمت
نیست از هر طرف باشی کعبه است میتوان نماز خواند چنانچه این سوره خود در معنی دعوت
همه جنیانست که در کلام مجید بعبارت واضح همین سوره خطاب بتمام جن نموده است
گویا عبارت این سوره اسماء تمام موکلانست پس چه حاجت که اسم موکل را شریک
نمایند الا باید که از عروج ماه زکوة این سوره بدین ترتیب دهد که هر روز غسل کند و
بوقت نماز عشا در یک لباس نازک ظریف پوشیده روبقبله نشسته چهل مرتبه بخواند
و اول و آخر صلوات بفرستد و حصار بگرد خود بکشد همین نوع چله را تمام کند پس عامل شد
هرگاه خواهد شخصی را مسخر گرداند یا امیری را پیش خود طلبد یا پادشاه را پیش خود مسخر کرده
طلب نماید پس بیاورد بوزن پنج تخم باقلای سیاه برابر نخود کابلی میباشد اول دانه را از گل
تر کنند و نزد خود در پارچه طاهر نگهدارد و بر هر پهلوی دانه اسم مطلوب را بنویسد و طرف دیگر
اسم قارون بنویسد و پنج دانه هم در یک پهلو اسم مطلوب طرف دیگر فرعون بنویسد و
دانه هم یک طرف اسم یا هامان بنویسد و بر ده عدد بدستور اسم مطلوب طرف دیگر اسم شیطان
چون تمام شد از انگشت صادق در ظرف طاهر در آتش انداخته بوقت نیم شب و بر روی
جانماز نشسته و دود خوشبو روشن کرده سوره جن را بر دانهای قارون یکبار
خوانده و دم کرده در آن آتش نمانده همین قسم دانها را یکبار سوره بخواند و بدمد
و در آتش اندازند تا آخر دانها و در دل احضار مطلوب را تصور کند که فلان
کس مسخر من شود و در دل تصور کند که گویا او دو دست بسته ایستاده نزد او میباشد
همین نوع تمام کند سه روز بدین منوال عمل کند انشاء الله تعالی بیشک اگر پادشاه
یا حاکم شهر باشد پیش عامل حاضر خواهد شد اگر در مدت سه روز حاضر نشود در
مدت هفت روز بیشک حاضر خواهد شد هر چه مطلب باشد از او بخواهد بجا خواهد
آورد و دائم مسخر خواهد بود و همچنین بسیار خواص دارد و دیگر اینکه آسیب هر نوع که خواهد بگیرد
دم کردن بر روغن سیاه بر پیشانی هر مریض آسیب زده که عامل بمالد و سوره
مذکور بخواند شروع نماید و آنها را حاضر نماید که آنهائیکه با جن آسیب زده حاضر
نباشند اطاعت کنند و اگر آسیب صد ساله در وجود شخص باشد آن روغن را آنکس

درد وجود هر روز بمالد و پرهیز از گوشت ماهی داشته باشد در مدت بیست روز دیگر و در جواب
دم کند و بر روی ریش نه مشکلم سود اینقدر صفحها دارد عامل را سوره جن گویا مرشد است
از طاقت سوره جید و حاکم بوم عملیات و تمام عامل خواهد شد سوره جن از کلام مجید یاد باید
کرد باقی هم نویسم عمل سوره الم نشرح اینعمل از استاد محمد اعظم خان ساکن بانسی حصار یافته
بخیف رسیده مجرب در باب محبت است هرگز خطا نکند اول باید زکوة سوره مذکور بدین ترتیب
دهد که از عروج ماه از یوم یکشنبه تا پنجشنبه غسل نموده بوقت عصر بیک جلسه نشسته چهل و
یکبار سوره را بخواند و هفت مرتبه اسم موکلین این سوره نموده بخواند اسم موکلین اینست
ابرصا منجا صا صا صو رصا چون تمام شود برخیزد و بروز پنجشنبه اول
بها از روی پیچها نمک و روغن خوب و پیچها نمک شکر پاکیزه با آب طاهر از چاه بدست خود
کشیده در ظرف پاک حلوا بپخته و بر جا نماز داشته نیاز حضرت مرتضی علی علیه السلام
داده آنرا خود بخورد و اگر طاقت خوردن زیاده دارد زیاده وزن حلوا بپزد غرض که
چهل روز هر روز چهل مرتبه سوره با موکلات بخواند غرض که در مدت چله مذکور بروز
پنجشنبه حلوا بطریق مذکور پخته و خورده باشد همین نوع چله تمام شود پس عامل شده
هر روز در وظیفه چهل بار الم نشرح را بخواند و هرگاه خواهد کسی را تسخیر دل کند
بروز یکشنبه علی الصباح در یک باغ و گلی خوشبودار در آن فصل باشد برود
یک گل دهان بسته یعنی غنچه نشان خود برای شناخت نشان کند و چهل مرتبه سوره
بخواند و دم کند و بعد تمامی اسم موکلات موصوفه هم دم کند و اسم طالب و مطلوب
و مادر آنها را گرفته و بدین نوع علی حب فلان بن فلانه گفته و برخاسته و در دوم بار
صبح رفته چهل بار به دستور بخواند و بعد باز صبح رفته در مدت سه روز آن گل دهن بسته
غنچه خواهد بود و بروز سوم اول سوره را با موکیل و اسما محبت وغیره بتعداد مذکور بخواند
و بعد وآن گل را شکسته آید و دو برگ سبز و داشته بهر طریق آن گلها را باز کرده در گلهای
دیگر مخلوط و در گلوی مطلوب اندازد یا بدهن بینی معشوق رساند بمجرد بوئیدن مسخر تمام
عمری خواهد شد و این سوره هم بسیار صفات دارد من یک ترکیب نوشته ام و تا بکجا نویسم
و این عمل خواه برای خود کند خواه برای دیگری کند مختار است عمل انا اعطینا و الخ

عمل چنان پر تاثیر است که فلان زکوة دادن او شرط بجشد اگر خواهد دشمن هلاک و
تباه گردد بیاره قدری نمک سنا بهر کنگران برابر سن عدو چیده جمع کند و آن کنگر برابر قامت
باشد کم و بیش نباشد پس بوقت شب اول یکصد و یکمرتبه بر جانماز نشسته بخواند
بعدا آتش زد خود نوشته چهل بار بر یک کنگر دم کرده در آتش انداخته همین قسم
چهل از چهل بار دم کرده در آتش انداخته باشد چهل روز بهمین قسم کند انشاء الله
دشمن تباه گردد یا هلاک شود الا نام عدو بمقام ابتر که رسد سه بار لفظ ابتر
بگوید مجربست خطا ندارد و انا اعطینا بدین ترتیب بخواند اینست
انا اعطینک الکوثر فلان ابتر فصل لربک وانحر فلان ابتر ان شانئک هو الابتر
فلان ابتر هو الابتر هو الابتر هو الابتر هو الابتر و اگر اعداد این سوره را برآورده برای
بغض و هلاک دشمن نقش مربع از خانه اول پر کرده و بر پشت نقش اسم عدو با نام
مادرش او نوشته در آب دریا که روانست بیندازد یا در دو خانه و یک نقش نوشته
در خانه عدو دفن کند یقین است که بامر خدا تعالی در مدت چهل روز عدو تباه و برباد رود
و انا اعداد برآورده نقش را پر کرده برای تو نوشتم که سهل و آسان گردد چنانچه جملهٔ اعداد
این سوره دو هزار و هفتصد و شصت و چهار است نقش آنرا تقسیم نهایت با کوشش کرده
اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۸۳ | ۶۹۷ | ۶۹۴ | ۹۹۰ |
| ۶۹۵ | ۶۸۹ | ۶۸۴ | ۶۹۶ |
| ۶۸۸ | ۶۹۲ | ۶۹۹ | ۶۸۵ |
| ۶۹۸ | ۸۸۶ | ۶۸۷ | ۶۹۳ |

نوع دیگر عمل انا انزلناه اسمعیل عظیم
صاحب است که ساکن هانسی هسار هستند
اگر در صبح و بوقت عصر یکصد و یکمرتبه
هر دو وقت برای هر مهمی و حاجتی تا یک
هفته بخواند بعون الله تعالی حاجت بیشک
بر آید اگر از طرف اعدا اندیشه پیش آید همین نوع بخواند بر عدو فتح یاب گردد خطا ندارد
و اگر نقش این سوره را بنویسد در همه جا بسیار بکار آید و در جنگ هر که نقش عربی را در بازوی
راست بندد و نقش بالا را در بازوی چپ بندد بیشک بر دشمن فاتح گردد و هم
جنگ و قضایا و غیره و پیش حاکم ظالم با فتح و نصرت باز آید و هیچ گزندی نرسد
و اگر مریض دوازده ساله را چهل روز نوشته بنوشانند از هر مرضی که داشته صحت یابد

برای هر مطلب و مرادی که خواسته باشد هفت روز از روز پنجشنبه چهل نقش هر روز
میان عصر و مغرب نوشته در آرد برنج بسته بدریا اندازد بمطلب خود برسد و نقش حرفی و
عددی هر دو را اینجا مینویسم تا بر تو آسان باشد اینها اند چنانچه اعداد همه سوره را جمع نمودم
جمله شش هزار و نود و سه میباشد آنرا قسمت کردم نقش مربع درست آمده است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| اغیثونی بحق اذا جاء | ۱۵۱۵ | ۱۵۳۰ | ۱۵۲۶ | ۱۵۲۲ |
| نصر الله والفتح ورأیت | ۱۵۲۷ | ۱۵۲۱ | ۱۵۱۶ | ۱۵۲۹ |
| الناس یدخلون فی دین الله | ۱۵۲۰ | ۱۵۲۴ | ۱۵۳۲ | ۱۵۱۷ |
| افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا | ۱۵۳۱ | ۱۵۱۸ | ۱۵۱۹ | ۱۵۲۵ |

و نقش حرفی بعد نقش عددی اینست که نوشته میشود باید که این نقش را بسیار عزیز
و گرامی دارند و با خدمت چند ساله این طریق را از اعظم خان صاحب حاصل کردم و بمانعی
بسیار افتاده ام بر در آنحضرت آن وقت از راه عنایت و کرم بمن عطا کردند اینست

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اذا جاء | نصر الله | والفتح | ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | الله |
| نصر الله | والفتح | ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا |
| والفتح | ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح |
| ورأیت | الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد |
| الناس | یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک |
| یدخلون | فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره |
| فی دین | الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره | انه کان |
| الله | افواجا | فسبح | بحمد | ربک | واستغفره | انه کان | توابا |

نوع دیگر شرح سوره الحمد - این سوره معظم را سوره فاتحه و سبع مثانی نامست و فهات
کلام الله هم گویند و سر کلام الله هست و دو مرتبه بر پیغمبر ﷺ نازل شده و هفت آیه دارد اگر زکوة
این سوره مبارک را با ترک لذات در یک چله یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه بخواند بر هر چیز
کردم کند اثر اعظم دهد اگر مریض را بر آب بخواند و بنوشد شفا یابد و اگر کسی را رزقش تنگ باشد
نقش عربی و نقش اعدادی پر کرده تا چهل روز علی الصباح با وضو هر دو نقش را بنویسد و بیست
نقش عددی و بیست نقش عربی هر روز نوشته و در آرد گولی گذارده در دریا اندازد انشاء الله
در مدت چهل روز رزقش فراخ گردد و بار وزگار گردد و صورت دیگر واقع شود و برای هر مرض لد
نوشته بنوشانند در همان روز شفای کلی بخشد اگر برای دوستی نوشته در قند و نبات شربت
کرده بدشمن بخوراند جبیب محب گردد و اگر برای زبان بندی بخوراند زبان دشمنان از بدگوئی
باز ماند اگر بیازوی خود هر دو نقش نوشته ببندد باین نوع که در بازوی راست نقش عربی
و در بازوی چپ نقش عددی نوشته ببندد از هر بلای آسمانی جنگ و آفت محفوظ ماند
این نحیف این نقش را از مرشدی کامل عنایت شد که خطائی ندارد و در مقدمه جهت
طفلان اگر در ایام آبله که قبلاً نوشته شود در گلوی طفلهای صغیر ببندند و یکی هم
نوشته بشویند و باو بخورانند هرگز آبله و سرخک در بنیاورند و بان طفل ایذا نرسد بجز بست
و برای عامل شدن این نقش باری چهل و یک هر دو را نوشته نقشها را در آرد گولی
بسته در آب روان بیندازد ما هر دو نقش را برای فهماندن مینویسیم تا برای هر کس آسان باشد
و این سوره بسیار اثر و خواص عجیب دارد و بیان کردن زبان طاقت قاصر هست خاکی بیان
چه یارا که اوصافش را بر زبان آریم اگر عامل شوی قدری پنداری و انصاف نمائی که چه پرده
از میان برداشته و این دولت عظمی و خزانه اعلی را در صرف و وقف آوردم و آن اینست

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| میکائیل | | بسم الله الرحمن الرحیم | | | | جبرائیل | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| الرحمن | الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین |
| الرحیم | مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت |
| مالک یوم الدین | ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم |
| ایاک نعبد | وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب |
| وایاک نستعین | اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب | علیهم ولا |
| اهدنا الصراط | المستقیم | صراط الذین | انعمت | علیهم | غیر المغضوب | علیهم | ولا الضالین |

| | | |
|---|---|---|
| اسرافیل | نقش عربی | عزرائیل |

نقش دوم عددی مینویسیم عزیز باید داشت که عدد این سوره جمله هزار و دویست یازده صحیح مطلق هستند و آنرا نقش خماسی مقرر است و اینست که در هر مقام اثر خوبی تمام دید بارها بتجربه آمده است و اینست نقش

۲۴۵ ۷۸۶۰ ۱۰۱

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹۵ | ۲۲ | ۰۹ | ۲۳ | ۰۵ | ۲۳ | ۰۲ | ۲۳ |
| ۰۶ | ۲۳ | ۰۱ | ۲۳ | ۹۶ | ۲۲ | ۰۸ | ۲۳ |
| | ۲۳ | ۰۳ | ۲۳ | ۱۱ | ۲۳ | ۹۷ | ۲۳ |
| ۱۰ | ۲۳ | ۹۸ | ۲۳ | ۹۹ | ۲۲ | ۰۴ | ۲۳ |

۳۸۲ بهر چهار گوشه اسماء موکل چهار اند ۳۱۰

نوع دیگر عمل آیات مجرب در باب محبت و بغض و حسد میان دو کس اگر محبت جانبی باشند صورت شافته باید که از عروج ماه بروز یکشنبه اول نماز موکلات این آیات را بدین نوع ده

که دو کس و دو بیشتر انبام تو کلات طعام بخوراند بوقت صبح بعد دو ساعت غسل کند
و چادر سفید پوشیده در سر چهار راه رفته و چهار عدد سنگریزه کوچک بر داشته بی سخن
گفتن در حجره تنها رو بقبله نشسته بر پارچه کاغذ آن سنگریزه را بر داشته این آیات را بیک
عبارت بخواند و بر آن سنگها بعدد اسم آنها و مادر آنها را بگوید و یکصد و هشت مرتبه
بخواند و دم کند چون تمام شود اگر وقت رسیدن بمقام آندو نفر دارد با کسی سخن نکند
و سنگریزها را در مکان و محل آنها انداخته و اگر خود نتواند بدست آدم نماز خوان
بدهد یا بطفل نابالغ و آنها هم بی سخن گفتن در خانه یا محل آنها بینداز ند و بهمین نوع چهار
روز عمل نماید بروز پنجم اگر جدائی و قضایائی در میان آندو نفر پیش آمد فبها و الا در روز
پنجم علی الصباح برخواسته بکنار دریا یا رود خانه رفته قدری خاکستر و استخوان مرده
برداشته در کوزه سوزانیده و در کاغذ بسته و در کهنه گذارده بکنار دریا نهاده غسل
کند و آنرا بر داشته بخانه آورده و بوقت معهود همراه آن سنگریزه قدری از آن برداشته
بدستور پیش بخواند و چون خواندن تمام شود بسته را حوالهٔ آن شخص نماید و بگوید سنگریزه را
زیر پا انداخته دهد و خاکستر را در بین آندو نفر بمالد بهر نوع که شود و اگر مالیدن بدن میسر
نشود بلباس یا پای او و بهمین نوع تا چهار روز همراه سنگریزه عمل خاکستر کند انشاء الله
دشمنی جانبین بوقوع آید مجربست و آیات بتدبیر خواندن گفته ایم باینصورت هستند
وَمَا رَمَیْتَ اِذْ رَمَیْتَ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ رَمٰی کَلَّآ اِذَا دُکَّتِ الْاَرْضُ دَکًّا دَکًّا وَّجَآءَ رَبُّکَ وَالْمَلَکُ
بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه صَفًّا صَفًّا یا قاهر یا فاطر یا قاهر اثر نعم جنگ خصومت
واقع خواهد شد و اگر چه خواهد تا مرگ در میان آندو نفر ملاقات و صفائی نشود باید
که این مجموعه آیات با هر دو اسما جانبین نوشته تعویذ نموده در روز یکشنبه یا سه شنبه
در گور کهنه بر سینه مرده یا بهلوی دستش دفن کنند و بار دیگر همان روز در پارچه چیزی
آندو نفر شوئیده نیلگون رنگ کند در سیاهی و قدری سرکه بر آن ریخته این آیات را با اسم آنها
و مادر آنها نوشته در کوزه نو داشته قدری دانه بر آن انداخته بر لب او یا گند بدست گند بده
دفن کند که قریب آب باشد انشاء الله نعم قاطبة بین هر دو جدائی واقع شود مجربست
یا مُتَحَلِّلٌ یا مُحْلِفٌ اَلْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَآءُ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزَالَهَا

وَاَخرَجَتِ الاَرضُ اَثقَالَهَا وَقَالَ الاِنسَانُ مَالَهَا العَداوَة والبغض بین فلان بن فلانه
و فلان بن فلانه **نوع دیگر** عمل بغض و عداوت از میر امام بخش صاحب پیرزاده حضرت سید
اشرف چهوچهوی بدست این نحیف آمده هر چند که این حقیر گاهی نیاز نموده الا مجربست و
آزموده جهان بزرگ است باید که دو عدد ماهیان که قوم روهو باشند در عروج ماه بروز یکشنبه
بیارد و شکم هر دو را چاک کند و بر دو پارچه کاغذ این آیات با اسم محب با بنویسد با نام مادر
آنها و بگذارد در شکم ماهیان هر دو پارچه داشته باشد از سوزن شکمهای آنها را بدوزد و بر لب
دریا قدری را گودال کرده دفن کند و ماهیان پشت بهم دفن شود و باید و بوقت
سه پهر ده عدد برگ کنیر سبز بیارد و بر آن همان آیات را بدستور بر هر یک بنویسد و قدری
آتش آورده بر پشت ماهیان رفته آتش روشن کند تا بماهیان برسد و آن برگها
جدا جدا دم کرده در آتش انداخته دهی دفن ماهیان تا شش انگشت باشد زیاده نباشد
پس هر روزه تا شدن جنگ در میان محبان رفته ده برگ نوشته دم کرده بسوزاند
انشاء الله تعالی بیشک از جانبین خصومت واقع شود آیات معظم با اسماء مکرم آیت
کَذٰلِکَ الطَّرِیق قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَینِی وَبَینِکَ وَظَنَّ اَنَّهُ الفِرَاقُ اَلحَاقَّةُ مَا الحَاقَّةُ
اَلقَارِعَةُ مَا القَارِعَةُ کَلَّا لَیُنبَذَنَّ فِی الحُطَمَةِ وَمَا اَدرٰیکَ مَا الحُطَمَةُ الفراق والعداوة
بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه **نوع دیگر** عمل عداوت و هلاکی مجرب و آزموده من عنایت
نوازش علیخان صاحب باید که اول زکوة این دعا چهل روز با ترک حیوانی از عروج ماه یعنی
سه هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه هر روز بخواند چون تمام شود عامل خواهد شد الا دعای
چله در یکجا این قدر بخواند که بالا مذکور گذشت و هر روز قدری شیرینی برای نیاز موکلات
طلبیده و دم نموده بود و در این چله در اول و آخر درود نفرستد زیرا که درود رحمت است
و این عمل برای غضب است پس اگر هلاکت دشمن یا تباهی او خواهد دوازده روز چنین نوع
بخواند بوقت دو پهر غسل کند و رو بروی آفتاب بسته چشم بقرص آفتاب مقابل کرده
در تصور بداند که گویا صورت آن هر دو کسان در آسمان پیدا است و در دل تصور
کند و بگوید که فلان کس هلاک شود یا تباه گردد از دست فلان و ذلیل و خوار
شود بعد از آن آن شخص بر دو شیر را طرف آسمان کرده دو نگاهی بسمت آفتاب

این اسماء و دعا یکصد و دوازده مرتبه بر تسبیح که دست خود زیر جبه باشد بخواند
و از این عمل پرهیز کردن و ترک لذات و حیوانات پر ضرور است پس چون خواندن
تمام شود بسوی آسمان دم کرده دهد تا دوازده روز بهمین منوال بکند زود بیشک آن
کس هلاک و تباه شود و آن آیه اینست یَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیْدِ اَنْتَ الَّذِیْ
لَا یُطَاقُ اِنْتِقَامُهٗ یَا قَاهِرُ یَا قَاهِرُ یَا قَهَّارُ خدایا قهر پادشاه بر فلان بن فلانه نازل
گردد مقهور و خراب گردد یَا قَاهِرُ یَا قَاهِرُ نوع دیگر عمل حب مجربست من عنایت
میر منور علی صاحب پیرزاده شاه جهان آباد من آیات کلام الله مجرب و بیشک اگر درمیان
زن و مرد و یا دو برادر یا دو کس باهم اتفاق نباشد این آیات معظم را بنویسد
در کاسه چینی و در آن شهد انداخته بمالد و آن شهد را در طعام انداخته آمیخته همه را باهم بخوراند
بکرم الٰهی باهم محب و متفق شوند شک نیارد و نیز در آیات معظم اعداد بسم الله را هم
شریک نمایند آنرا هم بالضرور بنویسد چنانکه من نوشته ام بدین طریق و تاثیرات بدهند آیات
معظم و مکرم اینست با اعداد بسم الله ۷۸۶ اِنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ
ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ط الحب فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه
۷۸۶ اللّٰهُمَّ احفظنی الجمالده حیات سهدا المودة سلونی ... اذا خوان خفظ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بحق اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ نوع دیگر عمل حب مجرب از
امیر صاحب موصوف الصدر بسر رسیده مجرب آزموده است باید که پارچه هیزم درخت ریٹه
بروز یکشنبه بیارد بوقت آوردن نیت کند که برای حب میبرم پس آن هیزم را شکسته در سایه خشک
کند چنانچه شعاع آفتاب بر او نتابد چون خشک شود یا روز یکشنبه یا پنجشنبه در ظرف گلی نهاده پارچه
کند و کهیعص یکبار این آیات را بر او بدمد و آتش زده خاکستر کند و باز بر آن خاکستر کهیعص و یکبار آیت
بخواند و بدمد اما با وضو آیه معظم را بخواند و آن خاکستر را نزد خود نگاه دارد هر کسی را که در عشق
بیقرار گردانیدن منظور بود قدری برابر یک دانه در شیرینی آمیخته از دست خود بدهد و بخوراند
مطیع و بیقرار گردد و هر کسی که چه شوهر بزن و زن بشوهر اثر تمام بخشد اینست
وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ اَبٰى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ
مِنَ الْكٰفِرِيْنَ نوع دیگر در همین باب از همین میر صاحب موصوف بالا عمل شده

مجرب برای امیری و معشوقی و هر ظالمی که از خود غافل و دشمن باشد پس باید که بروز
یکشنبه یا چهارشنبه روزه بدارد و بوقت شب بعد دو پهر دو رکعت نماز استجابت قربة
الی الله بگذارد و هفت پیپل را از خارج از پیش خود داشته و قدری بخور در آتش
نهد و بر هر پیپل مذکوره هفت مرتبه آیه موصوفه را دم کرده و نام آن کس را گرفته بسوزاند و بروز
دوم که پنجشنبه باشد روزه دارد و بدستور پیپلها یازده بار دم کرده بسوزاند و بروز سوم
که جمعه باشد بدستور روزه بدارد و بر هر پیپل بیست و یکبار دم کرده بسوزاند و بسوی
مطلوب هم دم کند اگر خدا خواهد صبح آن روز مطلوب حاضر شود و اطاعت کند اگر حاضر نشود
چون چهارشنبه دیگر آید سه روز بطریق بالای مذکور بهمان دستور عمل کند مطیع شود و اگر احیانا
مطلوب حاضر نشود بار سوم به دستور مذکور عمل کند بیشک و بر حق مطیع و منقاد شود آیات معظم
مکرم بر پیپل باید خواند اینست وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّيْ وَلِتُصْنَعَ عَلٰى عَيْنِيْ اِذْ تَمْشِيْ
اُخْتُكَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَنْ يَّكْفُلُهٗ فَرَجَعْنٰكَ اِلٰى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ
وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنٰكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنّٰكَ فُتُوْنًا **نوع دیگر** درباب تسخیر خلق و حاجت
روائی آزموده شده بارها خطائی نداده یعنی اگر کسی تسخیر کردن خواهی باید که دو بیست مرتبه بوقت
زوال آفتاب بخواند یقین است که در مدت سه روز خواندن آن کس مطیع گردد و هر حاجتی که
پیش آید روا گردد و آیه معظم و مکرم اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنَا الْمَقْدُوْرُ فَمَنْ يَّنْفَعُ
الْمَقْدُوْرَ اِلَّا الْقَادِرُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ **نوع دیگر** مجرب درباب بندی سفر
اگر کسی آزرده قصد سفر کند باید که سنگی از آن راه که او از طرف آن بخواهد برود برداشته بر آن
سنگ این آیه معظم را بنویسد با نام آن کس و نام مادرش و در چاه اندازد مادامیکه آن سنگ در آن
چاه است هرگز عزم سفر نخواهد کرد اگر آن سنگ را از چاه بیرون آورند میتواند بسفر رود و آیه معظم اینست
۷۸۶ قَالُوْا يٰمُوْسٰى اِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَا اَبَدًا مَّا دَامُوْا فِيْهَا فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا اِنَّا
قَاعِدُوْنَ **نوع دیگر** این آیه معظم درباب دفع درد شکم مجرب و آزموده این فقیر است که بارها
تجربه نموده‌ام که اگر مطلق کسی را بدرد شکم مبتلا باشد این آیه شریفه را بنویسد و بخورد فی الحال درد مرفوع
شود آیه موصوفه نسخه عزیز باید داشت اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْبَاسِطُ وَاَنَا الْمَبْسُوْطُ فَمَنْ يَّدْعُ
الْمَبْسُوْطُ اِلَّا الْبَاسِطُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ **علاج صداع** مجربست از این

مستور علی صاحب اگر کسی رفتن به پیش شخصی قاهر و جابر باشد و خواهد که آن جابر مسخر و مطیع گردد پس این عمل حصار هفت مرتبه بر خود بخواند و بدمد نزد دشمن رود مطیع و مسخر گردد و این عمل عجیب و غریب است و اینست آن اسماء شریفه لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ یَا اِلٰهَ الْاَوَّلِیْنَ هر کرا باید بگوید زبانش بند شود و ضربت عصاء موسیٰ بر جگر او و ارّه که بر سر حضرت زکریا کشیدند بر تن او و کرمهای حضرت ایوب در دهن او و مهر سلیمان بن داود بر زبان او و تیغ رجال الغیب بجان او و قهر خدای قهار بر آن مقهور مجیٖ یَا مَلْدُوْخُ یَا مُسْدُوْحُ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ

**عمل دیگر** در مقدمه نفاق عنایت فرموده جناب میر احمد علی شاه صاحب پیرزاده مجرب است آزموده باید که بروز سه شنبه ابتدای روز بوقت دوپهر سر بشوید نموده و اول غسل کرده و در جای تنهائی نشسته و روی بجانب جنوب نموده و چهل دانه سرشف یا رائی در پیش نهاده و بر هر دانه چهل و یک مرتبه سوره کوثر را خوانده و دم کند یعنی هر بار تف زده باشد چون بجای هو الابتر رسد اسم ببرد فلان ابتر همچنین بهمین طریق تمام کرده و آن دانه ها را کسی که در خانه دشمن انداخته باشد در مدت هفت روز بیشک دشمن تباه گردد بلکه انتقام کرد اشته از جا بر کنده شود اگر در مدت هفت اثر نبخشد فبها و الا در مدت چهارده روز کند و اگر چهارده روز اثر نبخشید جهت دیگر روز کند و خواندن را موقوف نماید پس در جهت دیگر روز خطائی نمارد که مجرب است

**نوع دیگر** سوره انا اعطینا را بر براده استخوان شتر بروز یکشنبه یا سه شنبه یکصد و یکمرتبه بخواند و دم کند و در خانه دشمن اندازد همه تباه و برباد شود اگر در میان او و محب جدائی انداختن منظور باشد بجای هو الابتر نام هر دو ببرد بدین نوع بگیر که در فلان و فلان جدائی و نفاق هو الابتر هو الابتر نشد ان شاء الله تعالی زر انداختن سه روز برابر جدائی افتد و جدائی انداختن منظور باشد این نقش بر خشت خام از سیاهی طیب و طاهر بنویسد و در دریائی هر روز انداخته باشد ان شاء الله تعالی در مدت هفت روز اگر محب جانی باشند بغض و عداوت و جدا واقع گردد که دشمن جانی هم شوند و کمر برای کشتن خواهند نقش اینست

سورۂ القارعۃ

الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ
كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ فَأَمَّا
مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ
خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ نَارٌ حَامِيَةٌ
البغض والنفاق والعداوة بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه

**عمل** نفاق مجرب مأخوذ از سوده جناب شیخ نجف علی شاه صاحب مجرب کامل باید که روز شنبه اول خاک از هفت مسجد و ریگ یک پریه بیارد و پس بوقت نیم شب غسل کند و متصل قبر کسی شهید رفته نماز حضرت پیغمبرؐ دو بعد دوگانه نماز بنیت جدائی دو کس یا تباه کردن دشمن بنیاد شده ادا نماید باین طریق که در رکعت اول بعد فاتحه سوره انا اعطینا ک یازده مرتبه بخواند و در رکعت دوم بعد حمد سوره انا انزلناه یازده مرتبه بخواند و در مقام ابتر سوره کوثر نام عدو گرفته باشد و نماز را تمام کند پس متصل قبر رفته ایستاده هفتصد و هفت بار کلمه طیبه بطریقی که در ذیل نوشته شد بخواند و بر خاک دم بعد اتمام کلمه هر دو دست خود بر قبر زند و بگوید که فلان را تباه کنند یا جدا کنند نیاز شما خواهم داد و بعد آنخاک را هفت پریه سازد و بخانه خویش بیاورد و صبح یک پریه آنرا بدست کسی دهد یا خود ده در بخانه عدو انداخته بیاید و بوقت دوپهر هر روزه یکصد و یک مرتبه همان کلمه را بخواند و بسوی عدو تف زند انشاء الله دشمن تباه شود از شهر بیرون رود جدائی در میان محبان واقع گردد و کلمه که برای خواندن نیست لا الٰہ الا لگا دی لا الٰہ الا اللہ سلگا دی محمد رسول اللہ فلانے سی فلانی کو جلا دی جلا دی

**نوع دیگر** مستفید حسب مجرب از سوده جناب درویش تارک الدنیا کامل

**عمل** اگر خواهی کسی را محب خود گردانی و در عشق خود بیقرار گردانی باید که این سوره مطهر را بر پشته در عبارت آن نوشته است دم کرده باو بخوراند انشاء الله مطیع فرمان گردد و اگر او را خورانیدن نتواند بمیوه چکان بخوراند اثر تمام بخشد سوره مطهر اینست

الم تر کیف بستر خواب مخور فلان افسون بن فلان بر فلان بن الفلانه فعل ربك باصحاب الفیل الم یجعل کیدهم فی بستر خواب مخور فلان بن فلانه ......

فلان بن فلانه علی حب فلان فی تضلیل وّ ارسل علیهم طیرًا ابابیل ترمیهم
بحجارة من سجیل فجعلهم کعصف مأکول بستم خواب و آرام و دل فلان بن
فلانه را علی حب فلان بن فلانه **نوع دیگر مجرب درباب طلب مطلوب**
در حب خویش باید که یک چله اختیار کند در عروج ماه روز اول وقت شب غسل
کند و اول و آخر درود بیست و یکمرتبه بخواند و چهل و یک عدد سیاه مرچ گرفته این
عبارت را بر هر مرچ کلمه طیب دم کرده و همانجا سوخته باشد انشاء الله تعالیٰ در عشره
و هفته مطلوب مطیع و مسخر گردد کلمه که بر مرچها بالا بخواند اینست. لا اله الّا
الّا اللّٰه القهان ملائیں محمد رسول اللّٰه محبه بن فلانے کو چین ندبب
**نوع دیگر برای تخلیص محبوس مجرب و آزموده شده در یوسف ع** که این آیه
معظم است برای قیدی در هر نماز پنجگانه صد مرتبه تا هفت روز بخواند انشاء الله
محبوس بیشک خلاص شود آیه مکرم اینست یا بنی لا تدخلوا من باب واحد
وادخلوا من ابواب متفرقة وما اغنی عنکم من الله من شیء ان الحکم الا لله
علیه توکلت وعلیه فلیتوکل المتوکلون یا خالص یا مخلص
**نوع دیگر عمل آیات برای قبض حمل** باید که چهل و یک رشته سرتا پای زن
پیمون کرده چهل و یک بار ده بر تمام کنده باز آیه موصوف دم کرده موم جامه کند
و در کمر زن نهد و انشاء الله تعالیٰ حمل قائم ماند این عمل جناب میر جعفر علی صاحب ساکن
پاره است مجربست و قدری شکر از این آیت دم کرده و هفت روز بخورد آیه
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها یا حفیظ یا
حافظ یا نصیر یا ناصر یا رقیب یا وکیل یا الله یا الله **نوع دیگر درباب تسخیر امیر**
وزیر باید که این آیه معظم که عنایت فرموده امیر بخش صاحب ۵ بار بر روغن خوشبودار یا عطر
دم کرده بر روی خود ما هر که بمالد و پیش امیر رود نزد او معظم و مکرم خواهد بود با احترام باز گردد
آیه موصوف اینست عسی الله ان یجعل بینکم فلان و بین الذین عادیتم فلان منهم
مودة والله قدیر والله غفور رحیم **نوع دیگر برای ماندن حمل** بعد
بخواند بحکم خدا حمل ماند آیه معظم اینست اذ قالت امرأت عمران رب انی

نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بحق یا ھادی یا ھادی
یا ھادی یا ھادی یا ھادی یا ھادی **نوع دیگر** اگر کسی حمل خام میرود از زن ناچار آیه را نوشته
برای بستن به بدن اگر خواسته حمل قائم ماند آیه اینست یا حفیظ یا مالک یا مالک یا ذو
الجلال یا ذا الاکرام فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ **نوع دیگر** برای جب
سورۃ الم نشرح بنفت بار بر نمک خوانده وقت شام در آتش اندازد انشاء الله تعالی از مرض مبتلا
گردد **نوع دیگر** برای دفع تب هر قسم این ترکیب را نوشته بخوراند یا کنده بر ریسمان سوت
در سوت کرده و به از فضل خدا تعالی تب هر قسم باشد دفع گردد اینست بسم الله
الرحمن الرحیم الٰهی بحرمت شمس الدین تبریزی این تب بخاری بگریزی والا نزد
قاضی رشوتی گرفتاری - لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **نوع دیگر**
عمل آیات عنایت پیر بخش صاحب مجرب آزموده در باب روشنی چشم هر کسی که از
هر نوع در چشم بصارت کم داشته باشد یا عیب شبکوری و پھولی جاله وغیره در چشم بود
باید که این آیات شریف حفظ کند و بعد هر نماز اول و آخر درود هفت مرتبه بخواند و آیتها را
عدد وحد سه مرتبه بخواند و بر هر پنج انگشت جمع نموده دم کرده انگشتان دست راست را بر
چشم چپ بمالد و انگشتان دست چپ را بر چشم راست بمالد سه مرتبه همین طور کند انشاء الله
تعالی از مدت چند روز رفته رفته روشنائی در چشم باز آید و عوارض مذکوره چشم رفع
شد آیات اینست يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ
عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ
الْيَوْمَ حَدِيدٌ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ یا الله **نوع دیگر** عمل آیات در باب مال از دیده باید که این آیه معظم را با چهار
اسماء موکلات یک لک بیست و چهار هزار مرتبه بخواند و لازم است که وقت خواندن یک وقت
مقرر نموده شکر و بودیان و صندل سفید باریک ساخته و دود آن داده باشد و در هفته چهل روز
تمام کند و پرهیز از گوشت و ماهی کرده باشد چون تمام شد عامل گردد هر گاه که اسم دزد را معلوم
کردن منظور باشد باید که بروز شنبه یک استره از حجام گرفته هفت مرتبه آیات و اسماء موکل بر

روی استره دم کرده قدری شنگرف بر ریش مالیده و بر بلندی انگشت چهار بدارد و بوقت صبح
آن را گرفته باز هفت مرتبه آیهٔ معظم دم کرده بنام هر یک مشتبهان بال آن خویش از ده
و جیب تراشد انشاء الله هر دزدی که باشد موی سر ریش خود بخود تراشیده خواهد شد آیهٔ موصوف
با اسما موکلین اینست عَلْيَقَا بَلِيقَا مَلِيقَا خَلِيقَا فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ
الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ نوع دیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیده این آیهٔ معظم که در
سوره واقع است این آیه را هزار مرتبه با طهارت تا چهل روز بخواند هر روزه در وظیفه خود با
روشن کند چون فارغ شود پس حامل شده هر گاه که مقدمه یا دزدی پیش آید این آیه
مبارک را بر نان روغنی که بطهارت ساخته بیک کف دست هر یک مشتبه بخوراند انشاء الله
تعالی هرگز از دهن فرو خورده نشود یعنی از گلوی دزد فرو نرود و دزد صاف پیدا شود
اکثر این فقیر آزموده است اگر بدون زکوة دادن کند هم تاثیر ظاهر خواهد شد آیهٔ
موصوف برای هلاکی دشمن نیز بکار آید اینست فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ
حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ در این آیه ظفریابی بر دشمن نیز هست نوع دیگر اینهم
اگر کسی زن را که حمل نمی ماند چهل روز در پیاله چینی نوشته بخوراند و یکی بر کاغذ نوشته
در کمر آن زن به بندد انشاء الله تعالی بارور شود این عمل از یکی عابد و زاهد که معلم بودند
بدست این ضعیف رسیده است لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ
يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ يَا اللهُ نوع دیگر عمل آیات بنا بر مال دزدیده این
آیهٔ معظم کلام مجید که در سعد شده در خلق خدا مشهور شده است این را در چهار کاغذ از اسما مشتبهان جدا
جدا جدا بخط نویسد و آن هر چهار را گولی بسته در گاه مندگیرا بر وزن کرده در ظرف گل آب
پر کرده هر یکی گولی علیحده علیحده در آن آب بداده هر گولی که بر آب تر شده برخیزد و هرگز غرق نشود
همان کس دزد بیشک باشد مجرب است آزموده است آیهٔ معظم و مکرم مذکوره اینست وَالسَّارِقُ
وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
نوع دیگر هر آن عورت که بدرد زه مبتلا باشد و هرگز بچه پیدا نمی شود باید که این آیت شریفه را یکی
نوشته بر ان جیب بندد و یکی نوشته در قند شربت نموده بنوشاند بحکم الهی زود بچه پیدا

شود مجربست آیات معظم اینست اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا
الارض مدت والقت ما فيها وتخلت لا يستوي اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة
هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون ؁ نوع دیگر آیات کلام الله دعوت
روزی هر کسی که محتاج مطلق باشد این آیه شریفه را در هر نماز پنجگانه یازده بار اول و آخر درود
مقرر نموده مدام بخواند ان شاء الله تعالی در عرصه چند عنقریب رفع عسرت او گردد و از بزرگی این
ضعیف بطریق دیگر مجرب رسیده که این عمل در تجربه آن بزرگ آمده بود اینست آنطریقه از
عروج ماه من یوم یکشنبه علی الصباح برخواسته لنگی پاک بسته غسل کند مع آن
لنگ تر از آب که رسته بسمت عرض آفتاب ایستاده شده آیت این را بیست و یکبار
مع ما شاء الله وهو العلي العظيم بخواند و بطرف آفتاب دست خویش برداشته بگوید
رای آفتاب عالمتاب جهانتاب آنچه از طلوع تست بمن ده بحول و قوة الهی در عرصه چهل
روز آن کس مالک شود بیشک بر صورت امیر کبیر گردد و اگر تواند در ایام امارت هم چنانچه
مقرر بود هم بدستور خواندن دارد و اگر موقوف شود دولت کم گردد مجربست آیه معظم
اینست ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل
على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا این قدر عبارت
از این آیه است ما شاء الله وهو العلي العظيم ؁ نوع دیگر اگر کسی سیل
دوستی داشته باشد این آیه شریفه هر روز چهار بار بر آن اشیا که در آخر نوشته است خوانده بر
شیرینی دم کرده و چهار بار بر آنها دم کرده دهد که آنکس را بخوراند یا بنوشاند بیشک مطلوب مطیع فرمان
گردد مجربست و بطریق نیز بارها دیده بهر سبب اینست فالله المستعان على ما تصفون یا دلیل
یا شفیق بحق یا کل شیء ؁ نوع دیگر بدانکه صفت سورة الم نشرح در باب سابق نوشته ام برای
دفع تب لرزه بنوع دیگر از بزرگان این ضعیف رسیده مجربست عزیز باید داشت چنانچه اگر کسی
مریض مبتلا لرزه داشته باشد باید که قبل آمدن لرزه او را بوقت یکپاس روز برآمده خواه
یکپاس روز باقی مانده مریض را بر زمین استاده کرده بکارد سایه آنرا از سر تا پای تمام
ببرد یعنی ببرد و در هنگام بریدن سایه سوره الم نشرح از زبان خود جاری کند چون

نوبت بر مین تا به چار رسد تمام کند همین نوع تا سه روز تواتر بجا برد انشاء الله تعالی در عرصه دو سه
روز مریض صحت یابد مجرب تر است این سوره محمود حمد خواص بسیار دارد اگر در عمل آرد بکار آید
والا نه چه دون عمل هم اینقدر اثر کند که اگر از دست کسی معاند بدگو و غیبت عاجز باشد برای زبان
بندی سه مرتبه سوره محمود حمد بر دانه گندم خوانده دم کند و در آخر نام آن معاند مع نام مادر
گرفته باشد یعنی باین طریق که بستم زبان فلان بن فلانه از بدگوئی پس آن دانه را پیش مرغان
اندازد که بخورند همانروز زبان او بدگوئی باز ماند اینقدر ترکیب عمل این سوره معظم باین نجیف رسیده
بود که نوشته شد نوع دیگر ترکیب الحمد و نقوش آنچه که باین حقیر رسیده بود سابق نوشته شد
الا ان عمل برای دوستان در این اوراق می‌نویسم که این عمل مجرب از میرزا میر بیگ صاحب بزرگ
باین نجیف رسیده است و در عمل میرزا ممدوح آمده بود اوصاف آن بچشم خود دیدم و این عمل برای
تسخیر است باید که در عروج ماه بروز یکشنبه و اولی اینکه شب جمعه و روز پنجشنبه باشد غسل کند و جامه
پاک پوشد و هر قدر خوشبوها و بخورات که میسر آید ساخته و دو نان روغنی بزیه و دو لڈو شیرین
بر آن نهاده و عطر و از گلهای خوشبودار همراه گرفته بوقت نیم شب بخانه در جای روان رفته
در آن گوشه نشیند که آواز مردم نرسد و کسی متعرض حال نباشد پس تمام اسباب به پیش روی
خود گذاشته و بخورات سوخته گردد خود یا سوره یسین آیة الکرسی حصار کند باین طریق که از انگشت
تر گرد اگرد خویش حلقه کشد بعده یازده مرتبه درود بخواند و یکهزار و یکبار سوره الحمد مع اسما
موکلات که در میان عبارت الحمد است بخواند اگر در میان خواندن صورتی و شئی که بنظر آید
هرگز خوف او در دل راه ندهد و نترسد و آنچه از آن اشیا که نهاده است کسی طلب کند از همه
بیان آنها حواله کند و بعد تمامی وظیفه آنچه که شیرینی و نان و غیره باشد همانجا بخورد انشاء الله
تعالی بروز هشتم یا روز هفتم صورت چار زنان پیش عامل حاضر آیند با حسن و جمال و لباس
آرایش پیش آیند و از عامل انبار کنند هرگز تا تمام شدن وظیفه را غضب و شاق نشود و بعد
تمام نمودن وظیفه هر چه منظور خاطر باشد از همان زنان بگوید و برای خود روزانه هر قدر که عرض خرچ
در کیسه زر تواند مقرر کند همیشه تا عمر خواهند رسانیدن انشاء الله تعالی بصورت اگر در عرصه هفت
روز زنان حاضر نشود در عرصه چهارده روز حاضر خواهند شد والا نه در عرصه بیست و یک روز
حاضر خواهند شد هیچ ترک نکنند خطای ندارد مجرب است و عامل کامل باید که مستقیم

تدبیر کامل کرده خوانده باشد به تدبیر که در وظائف نوشته ایم همان تدبیر باید خواند مشقت
هرگز ضایع نخواهد شد و ترک حیوانات و لذات هم ضرورت است و ترکیب الحمد باین طریق است
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم یا حیُّ یا قیومُ یا رؤفُ یا عطوفُ یا مالک یوم
الدین یا قادرُ یا مقتدرُ یا حکیمُ یا علیمُ غیر المغضوب علیهم و لا الضالین آمین
دیگر آنکه چون در باب دوم اسماء الهی و آیت کلام الله آنقدر که باین ضعیف رسیده
بود نوشته دادم صرف بر خاتمه اسناد بسم الله باقی بود آن هم تحریر مینمایم و
این عمل از مولوی غلام مرتضی صاحب مشهور است باید که از عروج ماه برای هر مطلبی
که بسم الله وظیفه مقرر کند بیشک مطلب بر آید چنانچه دو رکعت نماز اول گذارده و بعد آن
دوازده هزار مرتبه بسم الله و آخر درود فرستد و در یک جلسه بخواند ان شاء الله صبح مراد
بر آید اگر در یک روز مطلب بر نیامد هفت روز بدستور بخواند بیشک مطلب بر آید و اگر
اینقدر خواندن نتواند هر روز دو رکعت نماز گذارد پانزده مرتبه قل هو الله در رکعت
اول و همین قدر در رکعت دوم بخواند یازده بار درود فرستد و هزار و پنجصد بار
بسم الله بخواند و در عرصه هفت روز مطلب آید الحمد لله که این باب مجموعه آیات
کلام الله هر قدر که باین فقیر رسیده و در تجربه خود یا استادان دیگر آمده بودند
بوجه احسن مشرح و جا نوشته دادم که هیچکس عامل این نعمت عظمی را ندیده
بود و این فقیر بطمع دعای خیر نوشته داده امید که مارا بفاتحه فراموش نکنند

## باب سوم که مجموعه نقشیات و علامات و عملیات و ترتیب پر کردن و کشیدن نقش ها اینست

اول ترتیب پر کردن و کشیدن نقش باید دانست که وفق اعداد بر دو نوع است کامل
و ناقص پس لازم است که معرفت مصطلحات که موضوع این فن است پندارد و آن
دانستن شکل بود که در آن اعداد نهاده شود بطریق تام و ناقص و فرد و زوج
و پنداشتن آنکه شکل صحیح است یا نه و دانستن ضلع و قطر و سطر و حواشی بطنی و دیگر
و عدد عدل و عدد طبع وغیره اما شکل کامل تام آنرا گویند که در شکل شکلی مندرج باشد

وناقص آنکه در آن شکل دیگر پیدا نه آید چنانچه مثلث و مربع حقیقی پس در این شکل که منتهاست
باشد بخلاف مخمس که در آن شکل مثلث و مسدس که در آن شکل مندرج است و هر عدد
خاصیت دارد و مسبع و مثمن سه چند علی هذا القیاس آگاه داشتن ثبوت شکل بر این وجه
است ضلع با ضلع و سطر با سطر و قطر با قطر برابر آید بداند که شکل صحیح است و الا نه و در بیان
عدد عدل بر این سند است که عدد بیوت یکسطر را در ذات همان عدد ضرب کنند و یکعدد
بر حاصل ضرب بیفزایند آنعدد عدل باشد و این برای استخراج عدد طبعی لابد است
و ضرور است که عدد بیوت سطر را تنصیف نموده عدد عدل را در آن زنند که حاصل ضرب
وفق طبعی باشد پس قاعده پر کردن هر شکل کم از وفق طبعی هرگز نیاید اگر عدد هفت یکسطر را
در ذات خود زده یکعدد از آن کم نماید باقی را در نصف عدد بیوت سطر زند حاصل الضرب عدد
سطر و حد باشد که از مجموعه اعداد اول طرح باید و باقی را موافق اعداد بیوت تقسیم
مساوی کرده از یکسطر قسمت کردن آغاز کند چنانچه در شکل حقیقی که بیوت یکسطر است و یکسطر
است آنرا تنصیف کردیم یک و نیم آمد و عدد عدل که در آن ده است در یک و نیم ضرب کردیم و بسبب کسر دو و نیم
شدن ده و پنج کردیم پانزده آمد دانستیم که در مثلث حقیقی لابد است که از پانزده عدد کم نباشد اگر
زاید بود روا است و همچنین در مربع حقیقی که عدد بیوت سطر چهار است آنرا در [illegible] زدیم شانزده شد هم
یکعدد عدل افزودیم هفده شد عدد چهار را که اصل عدد بود آنرا النصف کردیم دو آمد پس هفده را در دو
کردیم سی و چهار شد پس این عدد وفق طبعی شد در مربع حقیقی کم از سی و چهار نه آید زیاده را بحساب
نیست عدد سطر و حد در مثلث سه را در سه زدیم و یکعدد کم کردیم هشت ماند هشت را در [illegible]
کردیم بحساب یک و نیم دوازده آمد و در مربع چهار در چهار زده یکعدد کم کردیم پانزده ماند پانزده
را در دو که نصف چهار است زدیم سی آمد دانستیم که در مثلث دوازده و در مربع سی از اعداد
مجموعه طرح باید کرد آنچه باقی ماند در مثلث سه حصه کردیم [illegible] و در مربع چهار نموده بقسمت [illegible]
شروع نماید و یکعدد در هر خانه بیفزاید تا منتهی شود و اگر کسر واقع شود در مثلث اگر
[illegible] دو و بهیچ وجه از هر چهار طرف برابر نیاید و در مربع تنها برآید از برای کسر
از خانه که مخصوص برای کسر است یکعدد دیگر افزاید پس کسر از سه واقع شود خانه
خانه [illegible] و اگر دو بود از نهم و اگر یک بود از سیزدهم یک عدد افزاید و در مثلث برای

دو از چهارم و جهت یک از نهم یعدد دیگر افزاید تا راست آید و تفصیل اشکال
اینکه اشکال بر سه قسمند اول فرد دوم زوج الفرد سوم زوج الزوج شکل فرد آن باشد
که عدد بیوت سطر بنصف صحیح نداشته باشد چنانچه که نصف سه کان یک و نیم و نصف
که نصف آن دو و نیم آید و هم برین قیاس آن شکل را شکل فرد گویند و اگر نصف
صحیح کسر نداشت پس نصف را باید نگریست اگر فرد بود مثل شکل مسدس که نصف
آن سه بود که فی نفسه و فی ذاته فرد است چرا که زوج هم دارد مثل آن شکل را زوج الفرد
گویند و اگر نصف را باید نگریست اگر آن زوج است مثل مثمن پس آن را زوج الزوج
گویند و چون این عقد گذارش نمودیم بهمین طور شکل مرتب نموده بر ضلع و قطر و حواشی
و طبعی و ما بای بفهم و حواشی نقاط یعنی خیالی گذاشتم تا در ایام تعلیم دریافت کنی و هر اسم
که خواهی تا تکسیر کنی و در شکل حساب نموده پر کنی پس اول در مثلث باید رفت بعینه
بسبب شکلهای مجهول کامل و ناقص
مثال و عدد شکل مثلث حقیقی را پیدا

| ضلع | ⁝ | | ⁝ | | ضلع |
|---|---|---|---|---|---|

قطر چهارم — سطر آخر — قطر سوم

کنم یعنی عدد خانه یک سطر که سه باشد در سه ضرب کنیم نه آمد و یک عدد برای ضابطه
افزودیم ده حاصل عدد بر آمد چون این عدد را در نصف حاصل یعنی یک سطر که یک و نیم باشد
زدیم پانزده عدد دقیق طبعی شد پس آن پانزده را از هر ضلع باین طور پر کردیم
که دوازده عدد سطر و عدد طرح دادیم سه ماند آن را سه حصه کردیم یک ماند است

پس هر چهار قطر گذاشته از هر ضلع که خواهد آغاز نماید بدین

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۷۸۶ | | | ۷۸۶ | | | آتشی | | ۷۸۶ |
| بادی | ۴ | ۳ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۶ | ۱ | ۸ |
| | ۹ | ۵ | ۱ | ۷ | ۵ | ۳ | ۷ | ۵ | ۳ |
| | ۲ | ۷ | ۶ | ۶ | ۱ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ |
| | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | خالی | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۵ |

قانون که بیت (دو اسب و رخ دو فرزین از رخ گیر شده آخر مثلث راست بدین) دی باید که چون عدد
در خانه اول پر کنند یکبار بگوید اطططیائل و در خانه

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | ۷۸۶ |
| آبی | ۸ | ۳ | ۴ |
| | ۱ | ۵ | ۹ |
| | ۶ | ۷ | ۲ |
| | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ |

دوم چون عدد پر کنند دو بار بگوید بططهیال و درخانهٔ سوم سه بار و بوقت عدد دو نوشتن
بگوید جططهیال و درخانهٔ چهارم چهار بار بگوید دططهیال و درخانهٔ پنجم پنج بار بگوید
هططهیال و درخانهٔ ششم شش بار بگوید وططهیال و درخانهٔ هفتم هفت بار بگوید
زططهیال و درخانهٔ هشتم هشت بار بگوید حططهیال و درنهم نه بار بگوید طططهیال
و هر روز چهل و پنج بار نقش همین طور نوشته باشد تا چهل و پنج روز طریق زکوٰة است و
طریق شاه مغرب همین بود اما طریقه پر کردن مربع چار در چار زدیم شانزده شد یک عدد
بر آن افزودیم هفده شد آنرا در دو که نصف سطر اول بود زدیم سی و چهار شدند پس
عدد وفق طبعی حاصل شدند پس از این شانزده یک کم کردیم پانزده شدند آنرا دو چند
کردیم سی گشتند آنرا از سطر و چند داشتیم طرح دادیم باقی ماندند چهار چهار را چهار حصه نمودیم
یکی حاصل گشت از یک نقوش پر کردیم اما از این شانزده خانهٔ مربع را خاصیت جداگانه است
که در بیان نه کوه دادن مثلث و مربع در بیان خواهد اینجا نقش می‌نویسیم خاصیت ها هم می‌نویسیم
و طریقه پر کردن نوشته و هم بدین صورت است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسب | فیل | رخ | فیل |
| فیل | اسب | فرزین | فیل |
| فرزین | فیل | شانزدهم | اسب |
| فیل | رخ | اسب | فیل |

اسب و فرزین و رخ باز اسب و فرزین اسب [illegible]
فیل دارد هر مربع هر طرف دوری پذیر
و این چار خانه یکی آتشی و یکی خاکی و یکی بادی
و آبی است و از هر چار را آغاز همین تسلسل است
پس برای هر کار از خانهٔ آغاز نمایند تا بمقصود رسد و این نقوش را نقش اجل گویند و شش را
نقش چار و ترکیب کسر دادن اول مذکور شد فاما طور مثال نمایندن مر ترا یک نقش اینجا می‌نویسیم
و آن مثال این است پس هم برای این طریق تا صد و لک و کرور پر کنند و در خانهٔ ترکیب پر کردن این خانهٔ
اول برای تن درستی و صحت و محافظت است
و این خانهٔ آتشی است نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۷ | ۱۴ | ۱۰ |
| ۱۵ | ۹ | ۲ | خانهٔ کسر سوم ۱۶ |
| ۸ | خانهٔ کسر دوم ۱۲ | ۱۹ | ۳ |
| ۱۸ | ۴ | خانهٔ کسر اول ۷ | ۱۳ |

خانهٔ اول برای صحت ۷۸۶ — خانهٔ دوم برای محبت ۷۸۶ — خانهٔ سوم برای دولت ۷۸۶

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ | ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ | ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ | ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ | ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ | ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ | ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ | ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ | ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |

خانهٔ چهارم آبی برای تحفظ امان از دشمن — خانهٔ پنجم آتشی برای امان از غرق شدن — خانهٔ ششم خاکی برای بیماری یا دسخ

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ | ۴ | ۹ | ۷ | ۱۴ | ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ | ۱۵ | ۶ | ۱۲ | ۱ | ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ | ۱۰ | ۳ | ۱۳ | ۸ | ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ | ۵ | ۱۶ | ۲ | ۱۱ | ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |

خانهٔ هفتم بادی برای زیادتی مال — خانهٔ هشتم آبی برای جدائی — خانهٔ نهم آتشی برای فتح یابی جنگ

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۱۶ | ۲ | ۱۱ | ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ | ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |
| ۱۰ | ۳ | ۱۳ | ۸ | ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۱۵ | ۶ | ۱۲ | ۱ | ۸ | ۱۳ | ۳ | ۱۰ | ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۴ | ۹ | ۷ | ۱۴ | ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۵ | ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ |

خانهٔ دهم خاکی برای حصول علم و عزت — خانهٔ یازدهم بادی برای وصل دوست — خانهٔ دوازدهم آبی برای صلح و مغلوبی دشمن

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۵ | ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ | ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ |
| ۸ | ۱۳ | ۳ | ۱۰ | ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ | ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ |
| ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ | ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ |
| ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ | ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ | ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ |

| خانه پانزدهم هوائی برای عشق و آوردن معشوق | | | | خانه چهاردهم خاکی برای افزونی زراعت و ستر عورت | | | | خانه سیزدهم آتشی برای رفع مردمان کرم‌گشت | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ | ۵ | ۱۰ | ۱۵ | ۴ | ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ | ۱۶ | ۳ | ۶ | ۹ | ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ | ۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۷ | ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ | ۱۱ | ۸ | ۱ | ۱۴ | ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |

خانه شانزدهم آبی برای پیش‌رفتن و بهروزی پادشاه و حرکت و عاقبت کار و سلامتی نفس و ذات و خوبی تدبیر و صلاح کار و بهتری رسیدن و بهتری امور بیان

## شکلهای مخمس که منسوب بزهره است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |
| ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |

چون حاصل آن مخمس بود پس پنج را در پنج زدیم بیست و پنج حاصل شد یک عدد اضافه کردیم پس بیست و شش شد پس آنرا در سطر اول که چون پنج را مضعف کنی دو نیم میشود این بیست و شش را آن دو نیم شصت و پنج شد دانستیم که در مخمس کم از شصت و پنج نخواهند آمد و چون خواستیم که اعداد سطر و ستون از بیست و پنج کم کردیم بیست و پنج با خانها شده آنرا در دو نیم زدیم شصت و پنج شد پس با این طرح کردیم باقیمانده پنج را نیز پنج حصه کردیم از یک حصه نقش پر کردیم و ترتیب روش مخمس اینکه در آن شکل [illegible] قرار واقعی باید کرد که یک و هفت و سیزده و بیست و چهار و پنج و شش و دوازده برابر خواهند بود و سیزده و نوزده و بیست و پنج برابر و بیست و ده و چهارده برابرند و در سطر و با ضلع حواشی قاعده مدور هر شکل و باقی اعداد در بیوت حواشی انضباط به روش مزبور خوب یاد کند و مخمس ناقص بی تامل صحیح پر کند و ترتیب بگرا اینکه شش مربع که روش نهاده یعنی طول و اسب و رخ و دو اسبه و غیرها چنانچه من یک شکل بنویسیم این است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴ طول | ۲۲ | ۱۰ طول | ۱۸ |
| ۲۵ | ۸ | ۱۶ رخ | ۴ طول | ۱۲ طول |
| ۱۹ | ۲ اسب | ۱۵ اسب | ۲۳ | ۶ رخ |
| ۱۳ دواسبه | ۲۱ اسب | ۱۹ اسب | ۱۷ | ۵ اسب |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | دو سه | ۴۰ | ۳ | ۱ ب | ۱۱ ۰ طول | ۲۴ |

و در این شکل چهار ضلع و چهار قطر واقع شدند بدین ترتیب که ضلع فوق یعنی ضلع بالا و ضلعی مقابل آنست از آن ضلع تحتی گویند و ضلع که در دست راست ضلع یمینی گویند و ضلع که سمت چپ است ضلع یساری گویند و در هر ضلع سه خانه پیدا شدند که مجموع آن دوازده خانه شدند و چهار قطر واز قطر را دو گوشه هست همه شانزده شد پس باقی نه خانه ماندند و این نه خانه مثلثات چهار سمت برابر آید پس بهمین ترتیب از هر خانه خانه ۱ نقش ابتدا کنند و من برای مثال چند نقوش می نگارم اینست خانه ۴

| | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲۵ | ۱۹ | ۱۳ | ۷ | | ۷ | ۱۳ | ۱۹ | ۲۵ | ۱ |
| ۱۴ | ۸ | ۲ | ۲۱ | ۲۰ | | ۲۰ | ۲۱ | ۲ | ۸ | ۱۴ |
| ۲۲ | ۱۶ | ۱۵ | ۹ | ۳ | | ۳ | ۹ | ۱۵ | ۱۶ | ۲۲ |
| ۱۰ | ۴ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۱ | | ۱۱ | ۱۷ | ۲۳ | ۴ | ۱۰ |
| ۱۸ | ۱۲ | ۶ | ۵ | ۲۴ | | ۲۴ | ۵ | ۶ | ۱۲ | ۱۸ |
| ۱۹ | ۱۸ | ۲۱ | ۴ | ۳ | | ۳ | ۴ | ۲۱ | ۱۸ | ۱۹ |
| ۲ | ۱۶ | ۹ | ۱۴ | ۲۴ | | ۲۴ | ۱۴ | ۹ | ۱۶ | ۲ |
| ۱ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۵ | ۲۵ | | ۲۵ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۱ | ۱ |
| ۲۰ | ۱۲ | ۱۷ | ۱۰ | ۶ | | ۶ | ۱۰ | ۱۷ | ۱۲ | ۲۰ |
| ۲۳ | ۸ | ۵ | ۲۲ | ۷ | | ۷ | ۲۲ | ۵ | ۸ | ۲۳ |
| ۷ | ۲۲ | ۵ | ۸ | ۲۳ | | ۴ | ۱۹ | ۲۱ | ۱ | ۲۰ |
| ۹ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۲۰ | | ۲۴ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۲ |
| ۲۴ | ۹ | ۱۳ | ۱۷ | ۲ | | ۲۳ | ۹ | ۱۳ | ۱۷ | ۳ |
| ۲۵ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۲ | ۱ | | ۸ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۸ |
| ۳ | ۴ | ۲۱ | ۱۸ | ۱۹ | | ۶ | ۷ | ۵ | ۲۵ | ۲۲ |

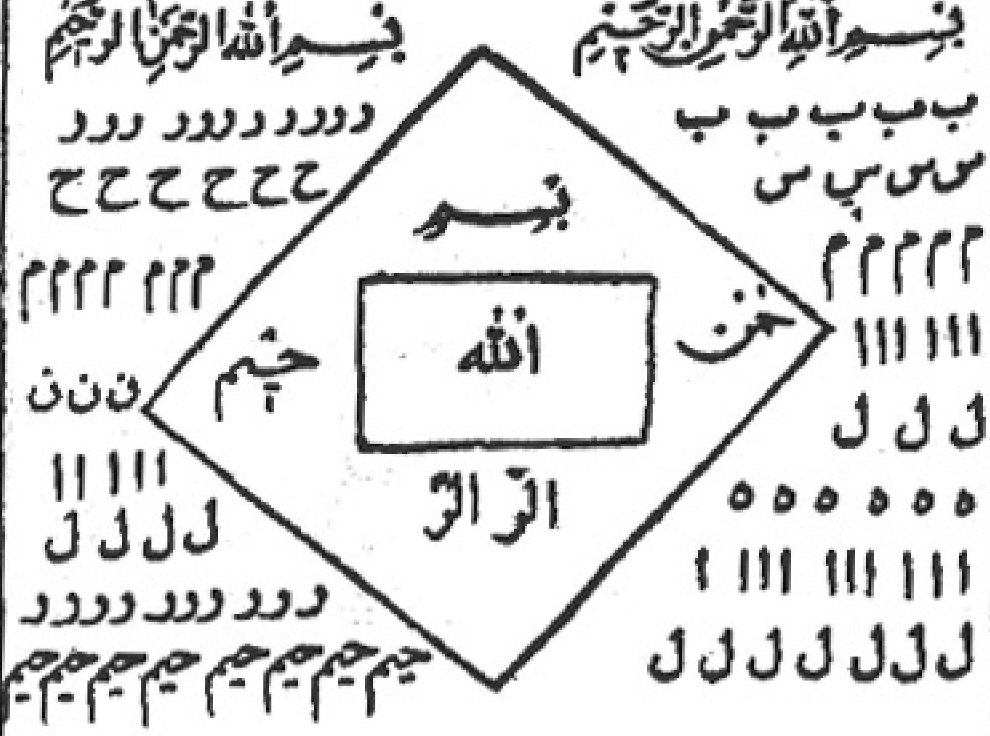
خانه ۲     خانه ۶

برای همین نقوش از خانه های مختلف نوشته دادم که بدین روش از هر خانه که خواهد نقش تمام و بر این ترتیب و عدد وفق طبعی بر آورده سه من شکل سازد و عدد سطر و عدد مراد و ده طرح دهد باقی را برابر حصه نماید و از تکمیل نقش را پر نماید مثلاً مسدس که اصل نقش بست و شش است و از سی و شش زدیم سی و شش شد که عدد عدل افزودیم سی و هفت شد آنرا سه حصه نمودیم زیرا که سطر اول

چون نصف ای سه خواهد شد پس سه چند کردم یکصد و یازده شد و آنست که از این عدد کم در
مسدس خسته آمدند یازده را اضافه نمودیم پس عدد مسطور چی آنکه از سی و شش یک نقصان
کردم سی و پنج شد آنرا سه حصه کردم یکصد و پنج شد آنرا طرح کمیه نقش پر کردم و نظر در شان
همچو مثلث دو منسبه است پس باین تدبیر نقش مسبع و مثمن نیز پر کنند اما ترتیب و طریق دعوت
هر نقوش آنکه نقوش مثلث نوشته با اداد دعوت بر عناصر است یعنی هر چهار نقش را تا ۶۰ روز
با ترک لذات حیوانات پانزده بار هر یکی را بنویسد و آتشی را در آتش گذارد و بادی را در باد پانزده
نوشته پانزده روز گذارد و آبی را در آب نوشته اندازد و خاکی را در خاک پانزده روز گذارد و
گذشتن چهار روز نقش هر روزه نوشتن معمول کند پس در عقد محبت و تسخیر و فتوح و صحت
بیماری آتشی را اجرا دارد و در عقد جنگ و فتح و خرخشه و دفع بیماری و آسیب جن و قتل
و حاضرات و بیماری کهنه و غیره را اجرا دارد و در عقد محبت زن و مواصلت کنیزان چاه و
تیاری باغ و رفتن پیش امیر و تسخیر عالم نقش آبی را اجرا دارد و در عقد نفاق و جدائی
و کسر زبان شبی و دفع حسد حاسدان و تحصیل مال و ساختن عمارت و رفتن بسفر
و تیار ساختن نقره و طلا و کیمیا و غیره از خانه خاکی اجرا دارد که اثر تمام و اکثر جابجا در عملیات
استادان این هر یک نقش را بنوع بنوع طریقه زکوة نوشته اند و جدا آنکه هر کس را بهر حکمت
و جگر از استادان خویش رسیده آن طریق نوشته و صحیح است آنچه که خاصیت باشد
باعث استجاب غیبت زیرا که عجائب گنج مخفی در این هر دو نقش اجل خواهند
و استادان تراکیبش را مخفی داشته اند از این نقوش زر نقد و زر نقره تیار شدن
این فقیر بچشم خود دیده است باید دانست که نقش آتشی را موکل عزرائیل است
و نقش بادی را موکل جبرائیل است و نقش آبی را موکل میکائیل است و نقش
خاکی را موکل اسرافیل است و همین طور موکلات هر خانه در مربع همین موکل اند و
ترکیب کوه مربع آنکه آتشی نقش را سی و چهار نوشته در آتش کند و بادی را در باد و بادی را
و نقش علیحده و ترکیب مخمس آنکه در ساعت زهره ۶۵ نقش نوشته بخورات روشن
کرده نقش پر سازد پرهیز ترک لذات و حیوانات ضرور است پس اینقدر شرح نقوش کردم
و دوم که بکار دوستان آید و نقوش که از بزرگان ابن خفیف رسیده بر می نگارد از

ناظرین کتاب طمع دارد که فقیر را در حلبه خلوت لی مع الله وقت یاد نمایند بدعاء خیر آمرزش این نحیف دست اجابت بر دارند بالله التوفیق ونقوش را از نقش بسم الله آغاز نمایم که بسم الله سر کلام است و آغاز هر کار ازین بهتر است نقش بسم الله عجیب نقشی است اگر کسی این نقش را از قاعده عربی نوشته بدارد از قاعده اعداد چهل در چهل از همین ترتیب پر کند که چهل در بر نقش عبارت و چهل و یک نقش اعداد هر روز علی الصبح با وضو در یک حلبه نوشته در آرد گولی بسته بدریا رسانیده باشد حامل این هر دو نقش گردد در هر معرکه که بنویسد اثر تمام بخشد خصوصاً در معرکه مریض اگر هر روزه هر دو نقش نوشته شسته بنوشاند زود صحت یابد اگر کسی را مرض خونی که از دهن خون بر میآید یا از شکم خون آمده باشد نوشته سه روز متواتر بنوشاند شفای مطلق یابد واگر بسفر وجنگ وخصومت برود هر دو نقش نوشته بر بازوی خویش ببندد بفتح ونصرت باز آید و این نقوش بسیار استاد دارند اگر حامل باشد بظهور آید نقوش عربی و عددی

و هر دو این است

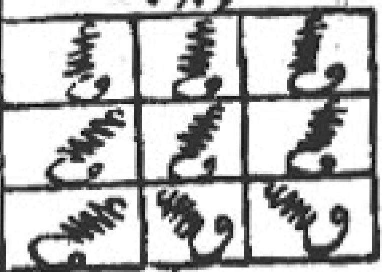


و نقش عددی آن بصورت اعداد چنین است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۶۵ | ۲۵۸ | ۲۶۳ |
| ۲۶۰ | ۲۶۲ | ۲۶۴ |
| ۲۶۱ | ۲۶۶ | ۲۵۹ |

۷۸۶



نوع دیگر نقش سوره یس هر چند که در باب دوم صفت این سوره را بسیار کرده ام ولی آن اسناد آیات بود که در آن باب توصیف نمودم و چون این باب سوم باب نقشیات است و ابتداء از نقش بسم الله الرحمن الرحیم شروع نمودم و نقوش الحمد و اذا جاء نصر الله و الفتح و انا اعطینا بضرورت و مناسبت ذکر و عبارت در باب دوم نوشته شده است اما این نقش سوره یس را بهزار مشقت و زحمت و تلاش پیدا کرده و صحیح نموده برای عاشقان این علم نوشتم که مطول نباشد در باب دوم شرح آیات سوره مذکوره شد ولی این نقش تمام سوره بر حسب مقابله مثل دریا در یک کوزه است باید نوشته برای صفت کردن آن زبان بنده عاجز است مختصر آنکه باید اگر چهل روز بکنار دریا رفته غسل کرده این نقش را پر کنده در شکر و آرد گندم گولی بسته با ماهیان دهد چون چله تمام شود آنروز شیر برنج یک گوسفند تیار کرده نیاز موکلان و نیاز پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم داده و قدری بقدر اشتهای خود بخورد و باقی را بدریا تا ماهیان رفته بگذارد و اگر دریا نباشد در رود خانه هم جایز است همان روز عامل این نقش خواهد شد پس هر مقدمه که این نقش بنویسد اثر عظیم بخشد و اگر این نقش را در میان کنوره بنویسد بنام دزد کنوره جاری شود و اگر این نقش را نوشته با خود دارد و حضور شاه و امیر رود اگر خون کرده باشد معاف شود و پادشاه و امراء مواخذه نکنند و اگر این نقش را بنویسد و با خود دارد در هر جنگی برود فاتح شود و نصرت یابد اگر کسی مثلاً پنجاه سال بمسافرت رفته باشد و از او خبری نیامده باشد این نقش معظم را نوشته و جامه طاهر پوشیده بعد از نماز عشاء در زیر سر گذارد و در پشت این نقش اسم غایب را با مادرش بنویسد

و بخواب رود آن غایب بخواب او آید و از او سوال نماید و اگر این
نقش بزرگوار را برای آمدن غایب زیر سنگ گران گذارد آن غایب
بیقرار شده از آن مکان حرکت کرده بیاید جهت احضار معشوق در
روز پنجشنبه با طهارت و جامه طاهر این نقش را با مشک و زعفران
بنویسد و فتیله نموده در چراغ بگذارد و روی چراغ بجانب خانه معشوق باشد
و روغن خوشبو و عطریات در چراغ ریخته روشن کند معشوق حاضر شود
اگر کسی با کسی دشمنی داشته باشد سه نسخه از این نقش معطر نوشته با قند حل
کند و شربت نموده باو بخوراند دوست شود و اگر زنی بار نگیرد چهل روز
هر روز یک نقش نوشته و در گلاب و کیوره شسته باو بخورانند بار ور گردد
اگر اگر بچه مریض این نقش را نوشته با آب طاهر و پاکیزه شسته بمریض
بخورانند انشاء الله تعالی شفا یابد و برای منع الرجال اگر کسی را بسته باشند
این نقش را بر ظرف چینی با گلاب و کیوره نوشته بعد شسته هفت روز از
آن آب بخورد باز شود اگر کسی این نقش را بنویسد و بر ران بندد و با وضو
باشد راه طی کند در سفر اگر پنجاه فرسنگ راه برود خسته نشود اگر این نقش
را نوشته و شسته آب آن را به جن زده سه روز بنوشانند خوب شود و جن را بسوزد
اگر جنیان در مکانی باشند این نقش بکرم را نوشته در آن مکان بدیوار
بچسبانند جنیان از آن مکان بروند اگر جنیان در مکانی کلوخ اندازند
این نقش را نوشته و در چهار طرف دیوار آن خانه بچسبانند دیگر کلوخ نیندازند
اگر کسی برای هر حاجتی این نقش را نوشته با خود دارد حاجتش بر آورده
شود و بمقصود و مطلب خود برسد اگر مابین زن و شوهر اختلافی روی دهد این
نقش را نوشته و شسته آب آن را با طعام یا با شربت بخورد آنها دهند با هم دوست
و مهربان شوند اگر مال کسی را دزد برده باشد این نقش را نوشته شب زیر سر گذارد
و بخواب رود صورت دزد در خواب صاف نظر آید و برای مارگزیده نوشته اثر
تمام بخشد و اگر نوشته در زراعت خود دفن کند زراعت جید شود و اگر عامل خواهدش

وارد مال او چیز کم نگردد و دزد راه نیابد و برکت زیاده شود و این نقش و این ترکیبات
فقیر را از بزرگی ذوکمال بهم رسیده است استاد او بسیار است اینجا نوشتن
کتاب مطول میگردد لهذا باختصار کوشیدم و باید که در هر مقصد اسمای موکلات
هر چهار که بر چهار گوشه نقش نوشته اند بر ضرورت باید نوشت و اعداد این چهار
موکل که جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بر آورده بر گوشه نقش
نوشته شود که هر چهار موکل حاکم این نقش اند و بدون هر چهار گواهان اجرای کلان این
نقش دشوار است و اعداد تمام سوره موصوف دو لک و یازده هزار و شش
صد و پنجاه و سه اند و کامل اعداد هستند و عدد اسمای موکلات بر این عدد مزید هستند
و بیرون این نقش اند و این سوره جان تمام قرآن و این نقش جان سوره ممدوح است
زیرا که عبارت قرآن مثل تن است و عدد آن حروف شکل روح در قالب هستند پس
بزرگی زیاد از تن باشد عزیز باید داشت و نقش معظم اینست

جبرائیل ۷۸۶ میکائیل

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۴۳۱۱۸ | ۴۳۱۴۳ | ۴۳۱۳۷ | ۴۳۱۳۱ | ۴۳۱۲۴ |
| ۴۳۱۳۲ | ۴۳۱۲۵ | ۴۳۱۱۹ | ۴۳۱۳۹ | ۴۳۱۳۸ |
| ۴۳۱۴۰ | ۴۳۱۳۴ | ۴۳۱۳۳ | ۴۳۱۲۶ | ۴۳۱۲۰ |
| ۴۳۱۲۷ | ۴۳۱۲۱ | ۴۳۱۴۱ | ۴۳۱۴۵ | ۴۳۱۲۹ |
| ۴۳۱۳۶ | ۴۳۱۳۰ | ۴۳۱۲۳ | ۴۳۱۲۲ | ۴۳۱۴۲ |

اسرافیل عزرائیل

**نوع دیگر** نقش آیة الکرسی مجرب و آزموده و در صفت آیه بعدد حد نقش هم
رسانیده ام زبان من در صفت این نقش قاصر است که آیه شریفه حصار هفت فلک
و هفت زمین است **خاصیت** نقش عددی و عربی از حد زیاده است اندکی از آن

بنویسیم اول اینکه هر زنی را حمل ساقط میشود یا بچه پیدا فوت میشود این نقش معظم را
بر لوح نقره بساعت مشتری در گلوی بچه بر بندد انشاء الله تعالی از هر مرض
محفوظ ماند و چیچک وام الصبیان و آسیب و تشنگی دهن و تشنج عروق و آزار کردن
نمودن چشم آنچه امراض که بطفلان لاحق میشوند مصئون و محفوظ مانند و اگر بر کاغذ
با مشک و زعفران نوشته در کمر حامله بندد هرگز حمل او سقط نشود و اگر گنده چهل گره
با آیة الکرسی خوانده مع آن نقش بکمر بندد حملش تا تمام ماند و اگر انگزه کشاید بچه
پیدا نشود و اگر در بازوی مرد طرفی عددی هر دو نوشته به بندد در هر جنگ و قضایا
که رود در حفظ حافظ ازلی باشد و اگر زن حامله بندد و بالغرض از بام بیفتد حملش ساقط
نگردد و چون هشت ماه حمل شود گنده بگشاید و بر آرد وقتی که بچه پیدا شود نیاز پیغمبر ع
دا بینه در گلوی بچه بیندازد محفوظ از هر مرض که سر بروز شسته بخواند صحت یابد
و در دل هر کسی که از طرف خود دشمنی و نشاق باشد نقش عددی جدا نوشته و
بر پشت نقش این عبارت بنویسد فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه و آن
کس بنوشاند جنگ از خاطر آن کس و دشمنی بدر رود و نقش عددی اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٣٥١٠ | ٢٥٢٣ | ٢٥٢٠ | ٣٥١٧ |
| ٣٥٢١ | ٣٥١٦ | ٣٥١١ | ٣٥٢٢ |
| ٣٥١٥ | ٣٥١٨ | ٣٥٢٥ | ٣٥١٢ |
| ٣٥٢٤ | ٣٥١٣ | ٣٥١٤ | ٣٥١٩ |

و بعد نقش عددی آیة الکرسی نقش حرفی نگاشته میاید و نقش
حرفی هر آن خاصیت که عددی دارد این هم دارد بلکه اکثر از آن است و
نقش عددی نوشته سهل است که در مطالب باطنی بکار میاید و نقش
حرفی مطول و دشوار است و در ظاهری مقدمات مثل جباری و جنگ
وغیره بکار میاید و آنچه صفات عددی نوشته ام این را هیچ در آن کار
جاری خطائی ندارد باید عزیز داشت نقش در پشت صفحه است

جبرائیل — بسم الله الرحمن الرحیم — میکائیل

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| الله لا اله الا هو الحی | القیوم | لا تأخذه سنة | ولا نوم | له ما فی السموات | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم |
| القیوم | لا تأخذه سنة | ولا نوم | له ما فی السموات | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون |
| لا تأخذه سنة | ولا نوم له | ما فی السموات | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون | بشیء من علمه الا بما شاء |
| ولا نوم له | ما فی السموات | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون | بشیء من علمه الا بما شاء | وسع کرسیه السموات والارض |
| ما فی السموات | وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون | بشیء من علمه الا بما شاء | وسع کرسیه السموات والارض | ولا یؤده حفظهما |
| وما فی الارض | من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون | بشیء من علمه الا بما شاء | وسع کرسیه السموات والارض | ولا یؤده حفظهما | وهو العلی |
| من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه | یعلم ما بین ایدیهم | وما خلفهم ولا یحیطون | بشیء من علمه الا بما شاء | وسع کرسیه السموات والارض | ولا یؤده حفظهما | وهو العلی | العظیم |

اسرافیل — عزرائیل

نوع دیگر نقش قل هو الله عددی و عربی اینست چنانکه

عمل قل هو الله در باب دوم با نقش معکوس و ترتیبات مجرب و نقش حاضرات
آنچه که باین فقیر رسیده بود نوشته دادم چون این باب از زیور نقشیات شان آراسته است
از اینجا از اینجه نقش عربی و عددی که عطا فرموده حضرت شاه حسینی ساکن بحر و بیا
است بر می نگارم و صفت این هر دو نقش عربی و عددی که عطا فرموده حضرت

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| ق ۶۶۷۲ | ح ۶۶۱۳ | و ۱۶۵۲ | ع ۴۴۷۰ |
| ی ۶۶۲ | ر ۱۳۹۲۱ | ۳۵۹۰۱ | ۷۶۷۶ و |

این نقش بسیار سریع التاثیر و مجرب و آزموده است اگر زکوة بدین نوع باری
چهار روز دهد عامل هر دو نقش باشد و در هیچ مقدمه هیچگاهی خطا نکند
و طریقه زکوة دادن این است که از عروج ماه زاید النور چهل نقش
عربی خواه عددی با وضو بنویسد و هر روزه در آرد گولی بسته بدریا
رسانیده باشد و هر روز تمامی شیر برنج پخته از دست خود باحتیاط تمام خانچه داده
بدریا رسانیده و اندکی از آن خود بخورد پس عامل شود نقش ممدوح که اکنون او را بنهایت
کوشش و جان فشانی گیرفته بیان کردم قابل یاد داشت است

| جبرائیل | بسم الله الرحمن الرحیم | | | | | | میکائیل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بسم | هو | الله | احد | الله | الصمد | لم | یلد |
| هو | الله | احد | الله | الصمد | لم | یلد | ولم |
| الله | احد | الله | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد |
| احد | الله | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم |
| الله | الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن |
| الصمد | لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | له |
| لم | یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | له | کفواً |
| یلد | ولم | یولد | ولم | یکن | له | کفواً | احد |
| اسرافیل | | | | | | | عزرائیل |

ونقش ۵ روی قل هو الله که بهر زارات پیر ا ستما ست هیئت باید نگاهداشت مراورا

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۳ | ۲۵۶ | ۲۵۳ | ۲۵۰ |
| ۲۵۴ | ۲۴۹ | ۲۴۴ | ۲۵۵ |
| ۲۴۸ | ۲۵۱ | ۲۵۸ | ۲۴۵ |
| ۲۵۷ | ۲۴۶ | ۲۴۷ | ۲۵۲ |

نوع دیگر: نقش قل اعوذ برب الفلق از بزرگی بهم رسیده مجربست و آزموده اگر کسی در خواب بترسد یا خواب به بنظر بیاید یا در مکان خوف پیدا میشود باید که این نقش را نوشته در گلو بندد از خواب بد و خلاف نجات یابد اگر بازوی خود بروز پنجشنبه بندد مجبوس زود خلاص شود و هر کسی را که وسوسه شیطان مثل خفقان در مزاج باشد سه عدد نوشته وشسته بخورند صحت یابد و هر کسی را که احتلام زیاده میشود این نقش را بر دل دارد از وسوسه احتلام محفوظ ماند و هر کسی را که سحر کرده باشند یازده نقش نوشته یازده روز بنوشانند و یکی در بازوی مریض به بندد صحت یابد و نیز همچنین مجنون را چهل روز نوشته بنوشانند صحت همگی یابد مجربست و نقش هذا این است و صحت تمام

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۶ | ۲۶۰ | ۲۵۷ | ۲۵۴ |
| ۲۵۸ | ۲۵۳ | ۲۴۷ | ۲۵۹ |
| ۲۵۲ | ۲۵۵ | ۲۶۲ | ۲۴۸ |
| ۲۶۱ | ۲۴۹ | ۲۵۱ | ۲۵۶ |

نوع دیگر این نقش کلمه طیب که پر از نور وحدت الوجود ایمان کل المومنین است واذن این عمل نقش باین فقیر در خواب از طرف بزرگی شده است؟ این ایمان ذا وجان قرانست و فعل

جنت چنانچه در حدیث آمده من قال لا اله الا الله محمد رسول الله
دخل الجنة پس بدان ای عزیز که اینچنین نعمت آشکار شده برای هر مسلمان داخل
این کتاب کرده‌ام بگیر و این فقیر را بدعای خیر یاد کن و توصیف این نقش چگونه یاد کنم که صفات این
نقوش هر دل عزیز خاطر فیض آثر هر امیر و فقیر واضح و لایح اند و آنچه که لذت ایمنی در دل صوفی
جا یافته خداندیش آگاه باشد و خدایتعالی نصیب مؤمن کند و عدد تمام کلمه طیب شش
صد و بیست اند و بروایتی بسمع این فقیر آمده که پیش هر کسی که این نقش باشد ششصد
بیست ملائکه همراه آن کس باشند و مدام آنکس فراخ روزی و کامل الایمان باشد
و هیچ نوع دخل شیطان برو نه آید و در هر مرض مریض را نوشته بنوشاند صحت یابد و در
هر جنگ که در دارنده این نقش زخم هرگز نخورد و با فتح و نصرت باز آید و آنکه میگویند
که مهر نبوت بر پشت پیغمبر ص بود ای عزیز بیشک همین نقش بر پشت آنحضرت ص بود که مهر نبوت
مشهور است و هر که این نقش را هر روز چهل عدد نوشته در شکر و آرد گندم گولی بسته
بدریا رسانیده باشد بیشک جناب رسالت مآب ص را در خواب زیارت کند و هم از فقه عامل این
نقش محرم گردد و برای هر مطلبی که این نقش چهل روز بنویسد و در آرد و شکر آمیخته گولی
بسته بدریا افکند مطلبش برآید و در دل هر کسی که دشمنی باشد که این نقش نوشته باو
بنوشاند بیشک آن دشمن محب مطلق گردد و اگر درمیان زوجین الفت نگردد یکی نوشته
زن پیش خود دارد و یکی نوشته در گلاب و قند شسته هر دو بنوشاند و نام هر دو بقاعده و
دستور بر پشت نقش نوشته و بشوهر بخوراند شوهرش مطیع گردد و هر معتقد
که بعمل آرد اثر تمام بخشد هر که شک آرد کافر گردد و من نقش عددی
و حرفی هر دو را نوشته‌ام که هر دو خاصیت یکی دارند آن این است

میکائیل ۷۸۶ جبرئیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵۴ | ۱۵۸ | ۱۶۱ | ۱۴۷ |
| ۱۶۰ | ۱۴۸ | ۱۵۳ | ۱۵۹ |
| ۱۴۹ | ۱۶۳ | ۱۵۶ | ۱۵۲ |
| ۱۵۷ | ۱۵۱ | ۱۵۰ | ۱۶۲ |

عزرائیل اسرافیل

نقش عربی این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| لا | اِلٰهَ | اِلَّا | اَللّٰهُ |
| اِلٰهَ | اِلَّا | اَللّٰهُ | مُحَمَّد |
| اِلَّا | اَللّٰهُ | مُحَمَّدٌ | رَسُوْلُ |
| اَللّٰهُ | مُحَمَّد | رَسُوْلُ | اَللّٰه |

نوع دیگر - نقش عجیب و غریب حامل هفت زمین و آسمان برای صفت این نقش و نوشتن استاد آن زبان ملائکه و قلم قدرت می باید که بیان نماید این ذره بی مقدار را چه یارا که توصیف بر زبان آرد و خواص اسماء الهی که در میان این نقش با موقع و مناسب عدد مطابق هستند و حروف مقطعات کلام الهی مشحون برکت عظمت تمام تر هستند داخل این نقش اند و آیات کلام الله که چهار آیات معظم هستند و آن آیات اینچنین هستند که اگر از این یک آیت بدست کسی هیا باشد و آنرا در انگشتری بکند و پیش خود بدارد هرگز محتاج نشود و زیاده صفت این نقش چه بیان نمایم الا از زبانی بزرگی شنیدم که این نقش را مشکل گشا میگویند امتحانش در گلوی گوسفند شمشیر زند یقین است که زخم نیافتد و هر کسی که خون کرده باشد و خونی مقید باشد اگر بر بازوی آن خونی بسته باشد مدعی خویش بخشیده دهد و اگر مسافر در کمر بندد اگر در یک روز صد فرسنگ راه برود مانده نشود و در مقدمه محبوس و روزگار بهر ترکیب که عامل از عقل خود راه دید یقین است که تیر بهدف باشد ای برادر نقش مشکل گشا را بسیار عزیز و پوشیده داری و از قدر کیمیا زیاده قدر پنداری اگرچه قابل نوشتن کتاب این نقش نبود الا بهر نعمت که داخل این کتاب کرده ام سبب این نقش چه بخل نمایم بناچاری نوشته دارم اگر صاحب علم و عمل باشی خود همان صاحب قدر این نقش پنداری و از نااهل پوشیده داری و زکوة این نقش اینکه چهل روز با صوم باشی و افطار با شربت نمائی و هر روز آنقدر طعام پخته خالی که خود بخوری

دیگر درویش انیاز و مشکلات این نقش داده بخوراند پس بعد چهل روز حاصل شود نقش اینست

[illegible]

| یا جامع | | ن ق حم | حمعسق |
|---|---|---|---|
| بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم | بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین | بسم الله الرحمن الرحیم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد | بسم الله الرحمن الرحیم حسبنا الله ونعم الوکیل علی الله توکلنا |
| ۳ ۶ لا عه | ۱۶۲۱ | ۱۲۶۹ | ۳۹۳۳ |
| ۳۹۳ ل | ۳ لا لا ۲۱ | ۱۲ ل ل | ۲۶۷ عه |
| ۱۳ ل ۶ | ۲ ۶ لا ۶ | ۳۹۳۶ | ۳ لا لا لا |
| طس یس ۲۱ | ص حم | عسق ق | ن الم |

[illegible]

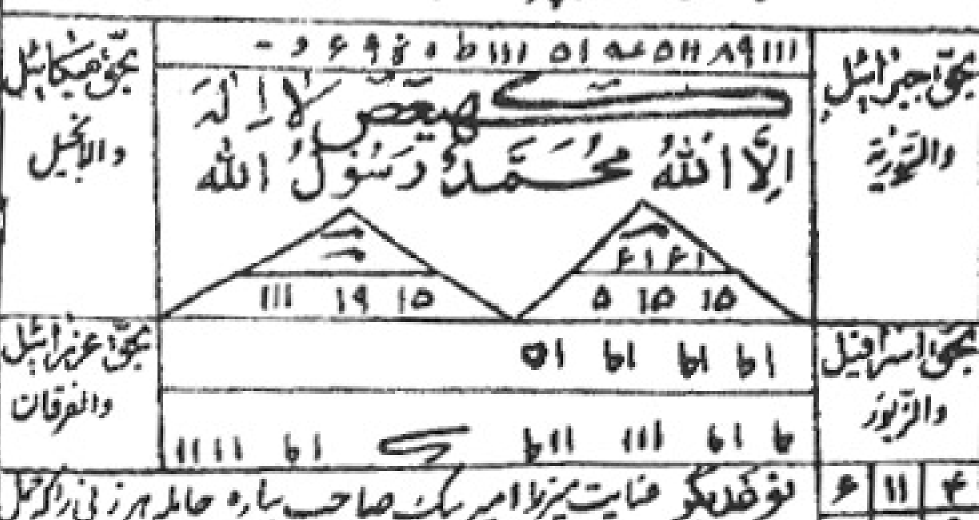
نوع دیگر نقش تسخیر دست غیب و کشایش رزق این با اسماء الهی قبل از طلوع آفتاب از عروج ماه اول زکوٰة بدین طریق دهد که چهل نقش هر روز تا یک چله نوشته در آرد گندم گولی بسته بدریا رسانیده باشد و هر روز بیک صد و هشتاد بار این اسماء الهی را قبل از نقش نوشتن میخوانده باشد و پرهیز با ترک حیوانات صرف داشته باشد چون برین مثال چهل روز تمام کند حاصل شود پس هر روز یک نقش نوشته در جیب یا همیون زر یا در غله هر قسم که باشد میدارد و از یکصد و هشتاد مرتبه این اسم هر روز وظیفه دارد ان شاء الله تعالی همیشه کیسه او از زر پر ماند هر چند که صرف کند خالی نشود هر چند غله که در اخراف آید تمام نشود و هر روز نو داخل شده باشد تمام عدد این اسم یکهزار و هشتصد و هفتاد و یک عدد اند و این نقش بابن فقیر از امیر امام بخش صاحب پیرزاده اولاد سید اشرف جهانگیر قدس الله سره در مقام قسم که بهم رسیده و آزموده شده است الا بغیر دادن زکوٰة بعمل نباید اسماء که قبل نوشتن نقش خوانند

ونقش در پشت صفحه پیدا باشد

## یا مفتح فتح یا خبیر

| | ۷۸۶ | | |
|---|---|---|---|
| ۴۶۷ | ۴۷۰ | ۴۷۴ | ۴۶۰ |
| ۴۷۳ | ۴۶۱ | ۴۶۶ | ۴۷۱ |
| ۴۶۲ | ۴۷۶ | ۴۶۸ | ۳۶۵ |
| ۴۶۹ | ۴۶۴ | ۴۶۳ | ۴۷۵ |

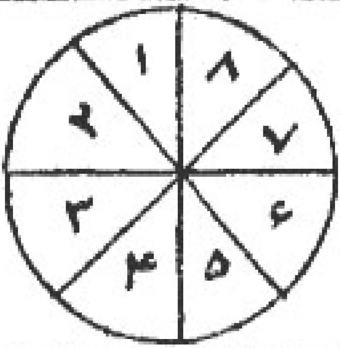
نوع دیگر نقش در باب گریخته هر کس که باشد خواه برده یا کنیزک و من هر چند که
در باب دوم از آنچه که آیات کلام الله شریف بود در این مقدمه نوشته در این باب دشمنان
و خاص کرده به نقشیات [illegible] لهذا این نقش نوشته میشود چنانچه این نقش اگر غلام یا کنیزک
گریخته باشند یا هر کسی که آزرده خاطر خویشان شود و رفته باشد نوشته از درخت بید یا [illegible]
ابریشم جنبد و چون باد خاص آن نقش الجنبانند آنکس که رفته باشد بیشک پریشان [illegible]
شده باز گردد ان شاء الله تعالی نزد مالک یا پیش والدین آید این نقش مجرب و آزموده است
و این نقش از عنایات مهربانی شخصی هستند بزرگ محل و افضل بیمثل زمانه و علامه که در مقام [illegible]
پور ساکن بوده است و بارها در چند جا آزموده شده است چون آنکس باز آید زیر آن درخت
که نقش آن بسته بوده چیزی نیاز بفرماید آنچه که میسر باشد و نقش مذکور اینست




نوع دیگر عنایت میرزا امیر بیگ صاحب بار حامله هر زنی را که حمل
نمی ماند یا خام میافتد باید که این نقش نوشته در کمر بندد بکرم الهی [illegible]

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۱۱ | ۴ |
| ۵ | ۷ | ۹ |
| ۱۰ | ۳ | ۸ |

حاضر گردد وقائم ماند و نقش ذیل که پر اعداد است هم پر ضرر در باید نوشت کسی که ضرر
مزاحمت میرساند بآب شسته بروش زند فوراً بحکم الهی دفع گردد و اسم چهار ملایک مقرب
مع نقش عددی که در چگر است بر پشت نقش بنویس اینست




| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| یا الله | یا الله | یا الله | یا الله | یا الله |
| یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم | یا حکیم |
| یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع | یا مطیع |
| یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم | یا رحیم |
| یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن | یا رحمن |

نوع دیگر در مقدمه زبان بندی کسی که حاسد و بدگو باشد این نقش از اسم الهی است
عددش استادی برآورده نوشته مجرب است و صفت این نقش در باب اول آنچه باین فقیر رسیده
بود بوجه احسن نوشته ام پس این نقش در باب اول به زبان ماهی نهاده دهانش بند کرده
و بسوزن دوخته بدریا اندازد انشاء الله تعالی زبان آن تمام بسته گردد نقش مکرم و واضح اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۹ | ۳۲ | ۳۶ | ۳۴ |
| ۳۵ | ۲۳ | ۲۸ | ۳۳ |
| ۲۴ | ۳۸ | ۳۰ | ۲۷ |
| ۳۱ | ۲۶ | ۲۵ | ۳۷ |

نوع دیگر
نقش اسم شافی عنایت امیر خدا بخش صاحب
مال در باب مریض بهر نوعی که مرض داشته باشد
یکی نوشته در گلویش بندد و چهار نقش
نوشته بنوشیدن دهد در عرصه چهار روز صحت
یابد نقش مکرم معظم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ی | ف | ا | ش |
| ۲ | ۲۹۹ | ۱۱ | ۷۹ |
| ۸۲ | ۸ | ۲۹۸ | ۳ |
| ۲۹۷ | ۴ | ۸۱ | ۹ |

نوع دیگر برای دفع چیچک مجرب
عنایت فرموده میر بهادر علیشاه هر بچه را
که در موسم چیچک اندیشه برآمدن چیچک
در وجود آن کودک مستولی شده باشد پس دو
نقش نوشته یکی در چاه پائین سمت سر بندد و یکی در بازوی بچه ببندد یکی نوشته بنوشاند

بکرم الٰہی ہرگز چیچک در نیاورد و اگر برآید ہرگز بآن بچہ ایذا بہم نرسد مطلق آسان کردہ خطا ندارد تعویذ

| | | | |
|---|---|---|---|
| الحمد للہ رب العالمین | یا رحمٰن | یا رحیم | یا کریم |
| یا حنان | یا منان | یا دیان | یا برہان |
| یا سلطان | یا حی | یا قیوم | برحمتک |
| یا ار | حمٓ | الٓرٓا | جیٓن |

نوع دیگر در مقدمہ تسخیر فتوح من عنایت میر بہادر علی شاہ صاحب ساکن قاشی حصار مجرب و آزمودہ مطلق اگر این نقش در ساعت مشتری با مشک و زعفران بطہارت تمام بنویسد و در کیسہ نقد بدارد انشاء اللہ ہر روز در آن کیسہ نو زر داخل شود و ہر چند کہ اصراف کند زیادہ ترآید و اگر در غلہ بدارد ہر روز در غلہ حق جل و علا برکت فراوان ارزانی فرماید یعنی اگر غلہ صرف شود باز آنجا جمع گردد و اگر در میان زمین زراعت دفن کند غلہ بسیار پیدا شود و اگر در دست خود بجائی کلان ببندد دوست ہر روز ماند مجرب و آزمودہ است و این است

۲۴۶   ۷۸۶   ۶۱۲

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ا | س | ط |
| ۱۱ | ع | ع | ۶ |
| ھو۱ | ۱۳ | عو | اھو |
| ع ۴ | ۸ | ۳ | ۱۴ |

۳۸۲   ۳۱۹

نوع دیگر نقش در مقدمہ بغض و حسد اگر کسی را تباہ کند یا ویران کند سہ روز متوالی بہیئت یک نقش بنویسد و در پشت نقش مذکور اسم او و مادر او را بنویسد و ہر روز بوقت دوپہر در جای نشستہ ہر نقوش را در آتش تیز یعنی بر آتش ساکھو بسوزد و انا اعطینا خواندہ باشد و بجای لفظ ابتر بار بگوید کہ فلان ہو الابتر ہو الابتر ہو الابتر در عرصہ سہ روز بوجود دشمن آنچہ خواہد افتاد و تباہ خواہد شد اگر ہمین نوع سہ روز نوشتہ بوقت دوپہر بکنار دریائی روان ایستادہ باشد و انا اعطینا بطریق مذکور بخوانند و یک یک نقش را بدریا روان کردہ باشد بیشک در عرصہ ہفت روز آن کس از خانہ

خود ویران و تباه گردیده آواره دشت حرمان گردد و مجربست و غایت مهیبا در
علیشاه هست چون بمطلب خود برسد یکبار یرود فن و شکر نیاز حضرت عزرائیل
دهانده در همان آتش بسوزد خواه بدریا اندازد والا نه وبال بر خود خواهد افتاد
بسیار فهمیده است بر د نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۷ | ۹ | ۴ |
| ۱ | ۱۲ | ۶ | ۱۵ |
| ۸ | ۱۳ | ۳ | ۱۰ |
| ۱۱ | ۲ | ۱۶ | ۵ |

نوع عدی دیگر نقش حرفی معروف از بزرگی مجرب و آزموده در هر مقدمه بکار آید و این
نقش را بروایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت میکنند از بزرگی باشد بسیار عالی
نیک هست عزیز باید داشت و مع عبارت عربی و اسما موکل مینویسند و بکار میبرند در مقدمه
حب و بغض و تباهی دشمن و تسخیر عالم بعبارت مختلف نویسد بدین ترتیب که من نوشته ام اینست

۷۸۶

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| م | ح | م | د | ص | ی | ح | ت |
| ت | م | ح | ح | ی | م | ص | د |
| د | ت | ص | م | م | ح | ی | ح |
| ح | د | ی | ت | ح | ص | م | م |
| م | ح | م | د | ص | ی | ح | ت |

عزمت علیکم واقسمت علیکم یا دردمائیل و درجائیل دیا اجیبون اسعوا فلان بن فلانه
بحق اسم اعظم المجیب العظیم المقتدر حب فلان بن فلانه فی قلب فلان بن فلانه و در
صورت حب عبارت مذکور بنویسد و در صورت بغض بجای حب این بنویسد
ابغضوا فلان بن فلانه بحق اسم اعظم المجیب العظیم ابغضوا علی بغض فلان بن فلانه
فی قلب فلان بن فلانه و برای عالم این عبارت بنویسد مسخر فی قلب فلان بن فلانه
و برای تسخیر نیز حد این کلمات نوشته میشود برآرد قد شغفها حبا انا لنریها فی

مبتنی وازاین اعداد یک صد و بیست طرح دهد از باقی چهارم صد و شش برآوردم جمله دو هزار و هشت صد و نود و سه شدند ازاین یکصد و بیست و یک طرح دادم باقی ماندند دوهزار و هشتصد هفتاد و سه حصه چهارم آن گرفتم شش صد و نود و سه شدند یک باقی ماندند پس در هر چهار چهار افزوده کرده بدین صورت نقش پر کردم و اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۲۱ | ۷۳۳ | ۷۴۶ | ۶۹۳ |
| ۷۴۲ یک افزودم | ۶۹۷ | ۷۱۷ | ۷۳۷ |
| ۷۰۱ | ۷۵۴ | ۷۲۵ | ۷۱۳ |
| ۷۲۹ | ۷۰۹ | ۷۰۵ | ۷۵۰ |

پس دراین بشمارید که جمله اعداد باوجود افزودن چهار چهار در هر خانه دوهزار و هشتصد و نود و سه اند که همین اعداد آیهٔ مذکور بالا اند .

**نوع دیگر فتیله** و نقش در باب محبت کسی که بر شخصی میل و محبت داشته باشد بروز یکشنبه خواه پنجشنبه خواه سه شنبه این نقش را نوشته در روغن خوشبودار روشن کند روی چراغ را بجانب خانه مطلوب کند بحول الهی معشوق حاضر شود و اتفاق کند مجرب است مع اعداد زیرین بطوری که نوشته است بنویسد اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| سمح | سلع | هو | سلح |
| سمع | بلاع | سلح | اهو |
| اسلح | سلح | سلح | طلس |

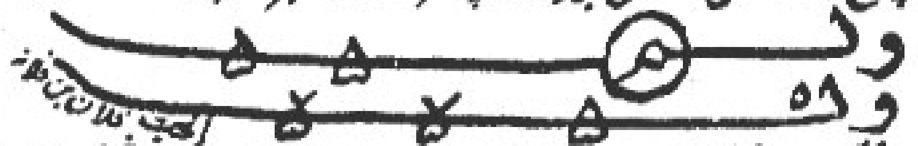
فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه بمحبت فلان

ط ۹۱۱۱۷۹۱۷۱۱۹۱

ط ۵۱۸۱۹۹۲۴۱۱۷۹۱۱۱۶۹۱

ط ۱۱ احمر ۵۷۱۱۹۱۷

نوع دیگر این علامت هم برای محبت در پارچه معشوق که کهنه باشد بنویسد
و در چراغ نو روشن با روغن کنجد بسوزد پر ضرور زود دلبر حاضر شود علامت اینست



نوع دیگر این نقش مجرب در مقدمه تپ لرزه بسیار مفید است باید که این نقش بطهارت
نوشته برای نوشیدن دهد و یک نقش نوشته بر بازو یا در گلوی مریض ببندد انشاء الله
تعالی در اندک مدت صحت مطلق یابد و باید نقش را با بسم الله نوشته بکار برد
نقش معظم و مکرم این است

| قلنا یا نار کونی بردا ۷۳۶ | و سلاما علی ابراهیم ۵۰۷ | و ارادوا به کیدا ۲۶۰ | فجعلناهم الاخسرین ۱۲۳۱ |
|---|---|---|---|
| ۲۶۱ | ۱۲۳۰ | ۷۲۷ | ۵۰۶ |
| ۱۲۲۹ | ۲۵۸ | ۵۰۹ | ۷۳۸ |
| ۵۰۸ | ۷۲۹ | ۱۲۲۸ | ۲۵۹ |

ای برادر این نقشها که بدون دادن زکوة نوشته ام پس زکوتش
همین است که اگر جا بکثرت تمام نوشته می دهی و کثرت درود خواندن
مینمائی و هر کسی که با تقوی و طهارت باشد و همه مصروف با نماز
و روزه باشد و عبادت گذارد احتیاج در دادن زکوة با هر نقش نباشد و عابد و زاهد بودن
شرط است نوع دیگر این نقش مجرب آزموده برای گریه کودک است
اگر کسی کودک بسیار گریه و ناله کند و شب و روزی نالد باید که این نقش
معظم نوشته در گلوی آن طفل ببندد بفضل الهی گریه آن کودک موقوف
شود نقش معظم مکرم رابع اعداد بسم الله و ترکیب آیه شریف بر آن نوشته
است بنویسید و این خیال دارید در این نقوش مکرر نقش آن درست نباید و نفسه کم نکنند

## نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۳ | ۳۴ | ۷ |
| ۳۴ | ۶۱ | ۳۴ | ۱۷ |
| ۱۲۳ | ۷۱ | ۱۳۴ | ۱۷ |
| ۱۲ | ۹ | ۹ | ۴ |

لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا ٥

**نوع دیگر** این نقش باسماء الٰهی برای هر مرض و آسیب عضو بکار آید بهر ترکیب که نویسید اثر تمام بخشد شک نیاورد و چندبار در مقعد مریض آزموده این نحیف است و در مقعد رعشت نیز بکار آید نقش معظم مکرم اینست بهمین ترکیب نویسید

بسم الله الرحمن الرحیم

یا غفور یا غفور یا غفور امرع ف ح ح ج ا ا ع یا سید اشرف

جهانگیر بحق اسماء هذا والجبرئیل

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶ | ۲۹ | ۲۶ | ۲۳ |
| ۲۷ | ۲۲ | ۱۷ | ۲۸ |
| ۲۱ | ۲۴ | ۳۱ | ۱۸ |
| ۳۰ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۵ |

**نوع دیگر** نقش مجرب در مقعد مرد و زن و عورت اگر زنی در درد گرفتار باشد و بچه از رحم وی پیدا نمیشود بهر گاه این نقش نوشته در ران چپ بندد فوراً بحکم الٰهی بچه پیدا شود لیکن بعد وضع حمل از ران وی بکشاید و نیز اگر کسیرا بول بند شده باشد این نقش را نوشته در شکم وی بسته آن بسته بفضل الٰهی بول کشاده گردد این نقش را بسیار عزیز باید داشت و اگر قیدی گردد قید شده باشد بر بازوی خویش بندد انشاء الله تعالیٰ زود رهائی یابد

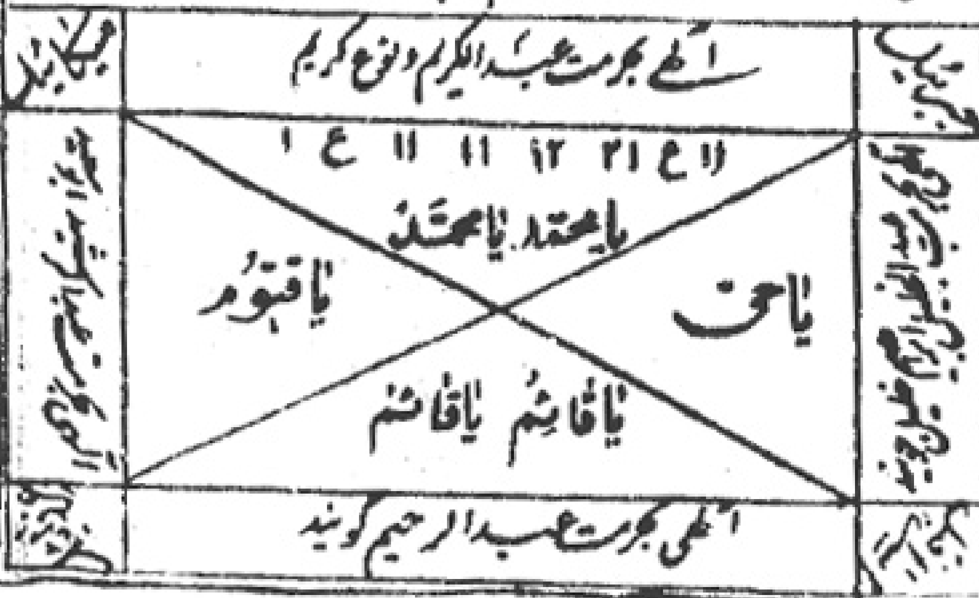
| عزرائیل | | جبرائیل |
|---|---|---|
| و ۶ | ا ۱ | ج ۸ |
| ز ۷ | ه ۵ | ج ۳ |
| ب ۲ | ط ۹ | د ۴ |
| اسرافیل | | میکائیل |

نقش معظم مکرم اینست

نوع دیگر صورت این علامت برای دفع تب لرزه بسیار مجربست باید که بر برگ پیپل این علامتها بر هفت برگ بنویسد همه را لیاند تب لرزه دفع گردد و اگر این علامت برای مصروع از خون مرغ سپید بر برگ پیپل نوشته در سر مصروع بندد بحول و قوت الهی جن تشانه و اعظم نواله صرع دفع و دور گردد و این نقوش مجرب و آزموده شده است و از استادی باین فقیر رسیده اینست



نوع دیگر نقش مجرب در مقدمهٔ کودک و حمل خام که هر زنی را حمل خام میرود و یا حمل در حقیقت قائم نمیماند باید که این نقش نوشته بنوشیدن دهد و دیگری را در گلو بندد و یا این نقش را نوشته در کمر بربندد نقش معظم مکرم بطوری که نوشته است بیسنده اینست



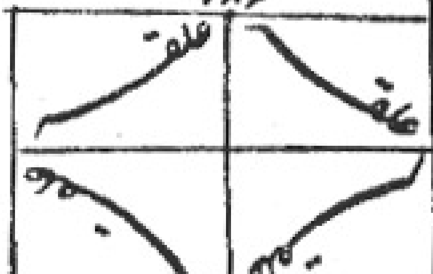
**نوع دیگر** نقش برای آنکه هر کسی را که کودک گریه بسیار کند هرگز قرار نگیرد باید که این نقش را چهار عدد نوشته یکی در گلوی کودک ببندد و سه عدد و شسته بنوشاند بفضل الهی طفل قرار گیرد و از هر آسیب و سحر و نظر بد و غیره محفوظ و سالم ماند و این نقش را مضاعف اهل گویند هزار خواص دارد هر که عامل باشد قدرش داند اگر وقت ولادت بعد تولد فرزند نقش نوشته موم جامه کرده در گلوی طفل ببندد هرگز آن طفل بحکم خدای تعالی در مرض ام الصبیان و جگر و غیره مبتلا نگردد و مادرش اگر آنرا نوبانده بر دیوار از طرف سر بچه بکرم الهی از هر آفت محفوظ ماند نقش بکرم این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۹ | ۲۲ | ۱ |
| ۲۱ | ۲ | ۷ | ۲۰ |
| ۳ | ۲۴ | ۱۷ | ۶ |
| ۱۸ | ۵ | ۴ | ۲۳ |

**نوع دیگر** این الفاظ را بطوری که نوشته شده بهمین صورت بنویسید برای آماس گلو و ماسیکه در زیر گوش میشود برای آن ورم بر برگ پیپل نوشته آن برگها را بر آن آماس ببندد انشاء الله آماس و درد هر دو موقوف شوند الفاظ ممدوحه که بسیار مجرب آزموده‌اند با این تدبیر این است

۷۸۶




**نوع دیگر** در مقصد تر حتب مجرب و آزموده عنایت میر بهادر علیشاه صاحب ساکن بانسی حصار هر کسی که بر شخص عاشق باشد یا اینکه تسخیر مرد یا زن خواهد پس باید که این نقش را که نوشته در بهشت است در برج ۱۲۶ ابتدا روز دوشنبه یکبار در دریا روان رفته با وضو غسل نموده دو زانو نشسته چهارده نقش بنویسید و همانجا آرد و شکر گولی بسته در دریا بماهیان دهد و باید که هر نقش با اسم طالب و مطلوب بنویسید تا سیزده روز متواتر همین طور نوشته در بحر اندازد و چون روز چهاردهم رسد بخانه خود غسل نموده قدری برنج تنها پخته در ظرف گلی که نو باشد گرفته برابر آن شکر و زیره و روغن زرد و برابر آن میوه و مرغ سفید همراه گرفته و کسی سخن نگوید یکبار در دریا رفته اول مرغ را با تکبیر بسم الله الله اکبر گفته ذبح شرعی کند و تمام اسباب با مرغ زرد و بر گوشته فاتحه بنام موکلان این نقش و بنام پیغمبر ص و بعد بدستور نقش نوشته و هر نقش را گولی بسته تا سیزده نقش یک مثل خود دارد و بدریا در

دریا اندازد و نیز بران اسماء نقش طالب و مطلوب نوشته باشد و چون از نوشتن و گولی بستن فارغ گردد آن را بسه باب فاتحه یا برنج وغیره همانجا دفن کند اگر نگذارد هر که بجوزد بیشک دیوانه خواهد شد و کار سائل برآرد لهذا دفن کند و گولیهارا در دریا انداخته باقی نقش را گرفته بجا نه آید و آن نقش را طالب بر بازو بندد انشاء الله تعالی بیکساعت مطلوب پیش او حاضر شود و اطاعتها کند و اگر نه آید دیوانه شود و مجنون گردد و در عرصه چهارده روز پرهیز جلالی و جمالی کند تا راست آید نقش معظم مکرم اینست

جبرئیل ۷۸۶ عزرائیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲۰ | ۳۲ | ۴۰ | ۸۰ |
| ۴۸ | ۷۲ | ۱۲۸ | ۲۴ |
| ۹۶ | ۵۶ | ۱۶ | ۱۰۴ |
| ۸ | ۱۱۲ | ۸۸ | ۶۴ |

میکائیل ۲۷۲ اسرافیل

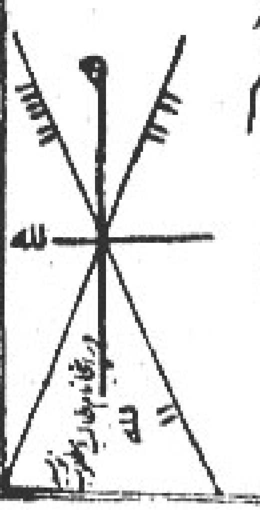
**نوع دیگر** نقش در مقدمهٔ تحبب عنایت میر ببر علی صاحب و او شانرا از درویش و کمال صحرانشین حصول شده بود پس باید که اول بوقت عشا این فتیله بنویسد و یک تخته از چوب بینه بزرگ تیار کرده بران چراغ نو نهاده در روغن چنبیلی خوشبودار روشن کند و هرچه خوشبو و گلها وغیره مهیا باشد بهتر است و چراغ سهی اگر تیار کند و دران روغن کند نهایت بهتر و خود پیش وی چراغ نشیند و در روشنی آن که در آخر لله نوشته ام بنویسد چنانچه فتیله که روشن خواهد شد اینست

۷۸۶

| | |
|---|---|
| ۱۰ | ۱۵ |
| ۱۵ | ۱۰ |
| اسم مطلوب | اسم خود |

اسم مادر مطلوب — اسم پدر خود

پس در روشنی همین فتیله نقش لله و اله با اسماء طالب و مطلوب بنویسد و گولی بسته در آتش که بوهان در آن سوخته است بیندازد همین طور ریقش بسوزد و آن نقش مذکور بدین صورت ذیل است




پس بعد سوختن نقش یکعدد و یکعدد مرچ در دست گرفته بر مرچ قل هو الله خواند و دم کرده در آتش بیندازد و در هنگام انداختن مرچ بگوید الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل بگردان زبان و دل فلان بن فلان واشغفه لحبی فلان بن فلان و همه مرچها را بهمین نوع بسوزاند چون فتیله تمام شود برخیزد چهارده روز همین کند مطلوب مسخر و مطیع شود مجرب است **نوع دیگر** طریقه دعوت نقش بسم الله بقاعده دیگر از استادی بهم رسیده نقش مربع که

باین قاعده نوشته ام باید نوشت پس عامل بسم ۷۸۶ خواهی شد و این قاعده از همه بهتر است
پس باید که بروز پنجشنبه یا دوشنبه در ایام زائد النور عشرهٔ اول آغاز نماید و در شب بعد از نماز شام
یکهزار و هفتصد مرتبه باین نوع بخواند اجب یا جبرائیل بحق بسم الله الرحمن الرحیم و صبح بعد
از نماز فجر دوازده نقش بر کاغذ سفید بنویسد همه را جمع کرده در دریای روان بیندازد و عزلت
اختیار کند و در حجره نشسته باشد چون ضرورت باشد بیرون آید و نیز ترک حیوانات جلالی و
ترک لذات کند یک چله بعد تمام شدن عامل شده در هر مقصد که نقش نوشته بکار برد آن
تمام بخشد و اگر چیزی که از زبان هفت مرتبه دم کند شفا بخشد چون عدد بسم الله جمله هفت
صد و هشتاد و شش است از آن عدد نقش مربع که از استادی در دعوت بدین صورت
مقرر است اینست

نوع دیگر بدانکه نقش حبیت در حبیت در جهان
بهزار ترکیب مشهور است لیکن بصحت نرسیده که کدام صحیح
تر است و نقش حبیت در حبیت عدد اسم بدوح است
واکثر مردم مثلث بچند ترکیب مینویسند چون چند سه طور باین
فقیر این نقش بهم رسیده است و اکثر استادان
معتبر نیز داشته اند لهذا درینجا مندرج کردم را نوشتم

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۶ | ۱۹۹ | ۲۰۲ | ۱۸۹ |
| ۲۰۱ | ۱۹۰ | ۱۹۵ | ۲۰۰ |
| ۱۹۱ | ۲۰۴ | ۱۹۷ | ۱۹۴ |
| ۱۹۸ | ۱۹۳ | ۱۹۲ | ۲۰۳ |

اگر کسی بنویسد اثر به جای استجاب نیست طریقه اول اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۰ | ۹ | ۱ |
| ۶ | ۲ ۷ / ۸ ۳ | ۱۴ |
| ۴ | ۱۱ | ۵ |

و طریقه دوم اینست فافهم

در باب این نقش معروف حبیت در حبیت
از شاه حسین صاحب گوپامئو باین فقیر رسید

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| | ۴ | |
| ۸ | ۰ | ۳ |
| | ۶ | |

مجربست و اینست

در حبیت چهار گوشه دار در چراغ مسی کنند را
باشد و نیز کننده گناه چیزی نیاز جناب پیغمبر
روشن کند انشاء الله مراد رسد نقش ممدوح

و دیگر آنکه نقش حبیت
تمام طلب بچه کرده نوشته
یا امام رضا ع نموده چهل روز

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۸ | ۲ | ۱۰ |
| ۹ | ۷ | ۴ |
| ۳ | ۱۱ | ۶ |

طریقه دعوت اسم بدوح

نقش حبیت در حبیت یکهزار و پانصد و چهل و پنج بار باین طریق بخواند
اجب یا جبرائیل بحق یا بدوح و بعد از نماز فجر چهل نقش باید
بنویسد و یک یک را در دریا اندازد تا چهل روز بهمین طور چله کند

۷۸۶

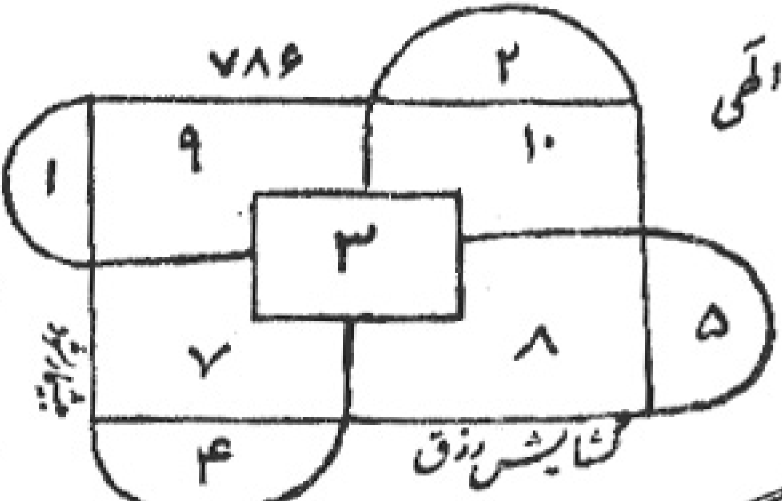
| | | |
|---|---|---|
| ۷ | ۶ | ۷ |
| ۸ | بدوح | ۴ |
| ۵ | ۶ | ۹ |

بعد نصاب حج یازده بار وظیفه نوشتن نقش مدام و همیشه دارد و هر کرا جمع کرده در دریا باید که چهل از پنجشنبه در عشرهٔ اول شروع و آغاز کند پس چون بعمل آید هر معتقد را آسیب و فتوح نویسد اثر تمام بخشد و نقش این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب ۲ | د ۴ | و ۶ | ح ۸ |
| ح ۸ | و ۶ | د ۴ | ب ۲ |
| د ۴ | ب ۲ | ح ۸ | و ۶ |
| و ۶ | ح ۸ | ب ۲ | د ۴ |

**نوع دیگر** در نقش بیست در بیست که مجرب و آزموده است باید که این نقش بدین ترتیب بعمل آورد که تا بیست و یک روز به کنار دریای روان نشسته بنویسد هر روز با خوشبویات و با طهارت تام تمام بیست و یک نقش نوشته در آرد گولی بسته بیست نقش در دریای روان اندازد و یک نقش باقی مانده را بر بازوی خویش ببندد پس بروز دوم آن نقش را که بر بازوی خویش بسته است باز نماید یعنی از بازوی بگشاید و در آرد گولی بسته بدریا بیندازد و باز بیست و یک نقش بنویسد و بیست را در آرد گولی بسته بیندازد و یک را بر بازوی خویش ببندد و همچنین بطریق مذکور تا بیست و یک روز عمل کند روز آخر نقش آخری را بر بازوی خویش بسته دارد انشاء الله تعالی زر بسیار و بیشمار بدست آرد و فتوح در هر مقصد

در هر قسم رود هد د برای هر کار که بنویسد اثر ده مجربست واجبست




نوع دیگر نقش حب مع آیات کلام هد اگر کسی پیش امیر ظالم رفتن خواهد پس مرا ورا باید که آیهٔ معظم را نوشته مثل تعویذ سیاهی باد کرده در موم پیچیده زیر زبان بقام کرده بارت نهاده رود و کلام کند بیشک آن امیر ظالم حاکم مسخر شود و رحیم گردد و همین آیه موصوف عدد برآورده نقش مربع پر کند و اگر آن نقش نوشته مع اسم پدر مطلوب هر که را بنوشاند آن مطیع گردد و اگر آن نقش را بر بازوی خویش بسته دارد عزیز خلایق گردد آیت

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وچون عدد نقش برآوردم دو هزار هشتصد و هفتاد و شش عدد شد آنرا حصه کرده نقش پر کردم به این طریق ایست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۱۸ | ۷۶۲ | ۷۲۵ | ۷۱۱ |
| ۷۲۴ | ۷۱۲ | ۷۱۷ | ۷۲۳ |
| ۷۱۳ | ۷۲۷ | ۷۲۰ | ۷۱۶ |
| ۷۲۱ | ۷۱۵ | ۷۱۴ | ۷۲۶ |

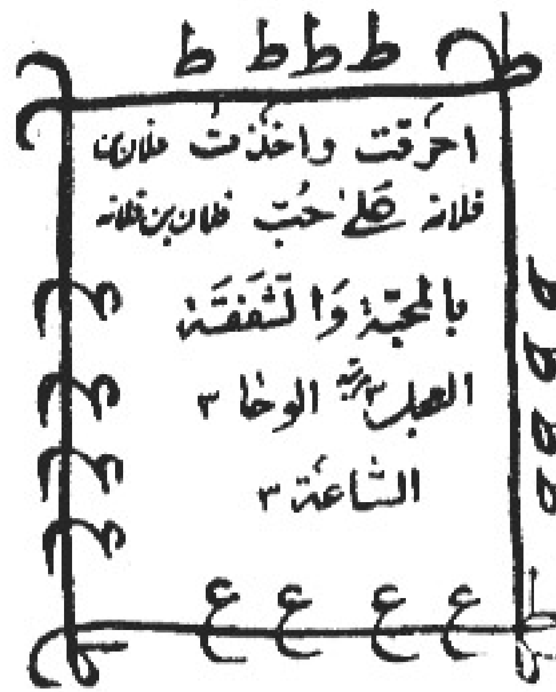
نوع دیگر اگر کسیرا اطلاق حمل بود او را امید فرزند بود پس این تعویذ را که بخشیده جناب محمد باقر شاه معتقد حضرت والو من شاه درویش مرحوم آله بباید بدست و تعویذ را بر نگار ند یکی را بر شکم زن به بندد و دیگری را در آب شسته

بنوشانند بفضل خدا تعالی مطلبش حاصل خواهد شد نقش معظم و مکرم
این است عزیز باید داشت و از نا اهل پنهان باید داشت اینست

۷۸۶

| | |
|---|---|
| بسم الله الرحمن الرحیم | الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم |
| مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین | انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین |

نوع دیگر از شیخ بهاء الدین محمد آملی علیه الرحمه منقولست که این طلسم را هر کس
بر برگ زرد شده باشد بنویسد و در آتش اندازد مطیع میشود مطلوب آن اجنت




نوع دیگر این نقش آیه شریفه
رب لا تذرنی فردا
و انت خیر الوارثین
است هر که را اولاد نباشد
این نقش معظم مکرم را
۸ روز بمقصد و گیرند
نوشته در آرد گندم
گولی بسته بدریا رساند

انشاء الله فرزند نرینه درخانه آن کس پیدا شود و نقش اعداد این هزار صحیح است

**نوع دیگر** این نقش جناب فضیلت مآب مولانا سید ... صاحب سکنه بهانی است و حضرت مولانا صاحب مغفور و مرحوم فرزند سید محمد حسین صاحب بودند مولانا صاحب را در عالم خواب بزرگی این نقش را بخشیده و مبشر به بشارت کرده

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۰۵ | ۸۱۸ | ۸۱۵ | ۸۱۲ |
| ۸۱۶ | ۸۱۱ | ۸۰۶ | ۸۱۷ |
| ۸۱۰ | ۸۱۳ | ۸۲۰ | ۸۰۷ |
| ۸۱۹ | ۸۰۸ | ۸۰۹ | ۸۱۴ |

که این نقش ذو نعمت متکاثره است و صاحب دولت وافره هست که هرکه نزد خود دارد صاحب دولت شود و تسخیر قلوب هر کس نماید نقش محدود هم اینست عزیز باید داشت

**نوع دیگر** برای برده گریخته این نقش نوشته زیر سنگ گران نهند بحکم الٰہی گریخته باز آید نقش معظم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۲۴ | ۲۱ | ۱۸ |
| ۲۲ | ۱۷ | ۱۲ | ۲۳ |
| ۱۶ | ۱۹ | ۲۶ | ۱۳ |
| ۲۵ | ۱۴ | ۱۵ | ۲۰ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۷ | ۶ |
| ۹ | ۵ | ۱ |
| ۴ | ۳ | ۸ |

**نوع دیگر** نقش برای زبان بندی باید که این طلسم را نوشته بر بازوی خود به بندد از بدگوئی حاسدان محفوظ ماند نقش اینست

ھ صہ حادع ع ع ع ما فیہ

لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ۵

**نوع دیگر** این نقش را هرکه نزد خود دارد حقتعالی اورا از وبا و بیماری طاعون محفوظ دارد و نیز صاحب این امراض این نقش را اگر نوشته در آب تازه بشسته بنوشاند از کرم الهی آن مریض شفا یابد و نیز صاحب این نقش از نظر بد و آسیب در حفظ خدا تعالی بوده باشد اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۷۲ | ۳۷۵ | ۳۷۹ | ۳۶۵ |
| ۳۷۸ | ۳۶۶ | ۳۷۱ | ۳۷۶ |
| ۳۶۷ | ۳۸۱ | ۳۷۳ | ۳۷۰ |
| ۳۷۴ | ۳۶۹ | ۳۶۸ | ۳۸۰ |

**نوع دیگر** این نقش بواسیر خونی و بادی مجرب و عنایت فرموده میرزا باقر ساکن محله جامه بافان است هرکه نوشته در تعویذ نقره نهاده در دست ببندد بکرم الهی از بواسیر ایذاء نرسد اگر تعویذ نقره ممکن نبود دو تار نقره پیچیده ببندد اثر تمام بخشد اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۷ | ۲ | ۹ |
| ۸ | ۶ | ۴ |
| ۳ | ۱۰ | ۵ |

**نوع دیگر** این نقش معظم برای بواسیر مجرب و کاملست طریقی که اول مذکور شده است بفضل حقتعالی از بواسیر خونی یا بادی هر قسم شفا یابد و غلبه و ایذاء بواسیر مطلق نماند بکرم الهی نقش ممدوح اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۹۸ | ۱۹۱ | ۱۹۶ |
| ۱۹۳ | ۱۹۵ | ۱۹۷ |
| ۱۹۴ | ۱۹۹ | ۱۹۲ |

**نوع دیگر** این نقش از عزیزان معروف و مشهور است هزارها کس ازین مرض صحت پذیر شده اند برای بواسیر کامل تر است هرکه ببندد بکرم الهی

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۳۸ | ۱۳۴۲ | ۱۳۴۵ | ۱۳۳۱ |
| ۱۳۴۴ | ۱۳۳۲ | ۱۳۳۷ | ۱۳۴۳ |
| ۱۳۳۳ | ۱۳۴۷ | ۱۳۴۰ | ۱۳۳۶ |
| ۱۳۴۱ | ۱۳۳۵ | ۱۳۳۴ | ۱۳۴۶ |

صحت یابد نقش ممدوح در پشت صفحه است

نوع دیگر نقش بواسیر از موده قدیم باید که بروز چهارشنبه اول وقت نوشته صحت یابد خونی یا بادی لیکن در نقره پیچیده ببندد امیست مجربست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲ | ۱۵ | ۱۸ | ۵ |
| ۱۷ | ۶ | ۱۱ | ۱۶ |
| ۷ | ۲۰ | ۱۳ | ۱۰ |
| ۱۴ | ۹ | ۸ | ۱۹ |




نوع دیگر این نقش را برای دفع درد سر بنویسید و بر سر ببندد انشاء الله تعالی درد بهر نوع که باشد زود دفع گردد امیست

نوع دیگر برای درد زه این نقش معظم نوشته در پای چپ زن ببندد بفضل خدا تعالی زود بچه پیدا شود زود نقش را گشاده در چاه بیندازد غفلت نکند نقش امیست

۷۸۶

یا بدوح یا بدوح یا بدوح

وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلٰى أَمْرِهِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

یا کبیکج یا کبیکج

یا کبیکج

نوع دیگر

برای محبت و بی تابی این طلسم را در شب جمعه بر پارچه جامه مطلوب بنویسد و فتیل کرده در چراغ نو با روغن خوشبو دار و بسوزد و روی چراغ را بجانب خانه مطلوب کند مجرد روشن کردن

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| لوع لو | لوع لو | لوع لو |
| لوع لو | لوع لو | لوع لو |
| لوع لو | لوع لو | لوع لو |

| قید سطلوب سعد شو ابت تعلیم بدون وشش و دفی است | | |
|---|---|---|
| لعادحم | | |
| ۱۱ ۱۱ ۱۱ احص ۱۱ ۱۱ عام ۱۱ ۱۷ ۱۹ د ۱۱ | | |
| ۱ | ۱۶ | ۱ |
| ۱۹ | ۱۹ | ۹ |
| ۶ | ۹ | ۱ |

**نوع دیگر** عمل و نقش بغض و جدائی جانبین عاشق و معشوق صد سال بحرد آورد عمل دشمن جانبین شوند و از استاد کامل بهم رسیده است باید که اول نقوش بدین نوع دهد که از عروج ماه از ابتدای روز یکشنبه غسل کند و ترک حیوانات اختیار کند و هفتاد و دو نقش بر کاغذ پر کند و در میان نقش خالی دارد فقط نقطه اگر اسم مدوح هم نویسد مضایقه نیست پس تا بیست و یک روز به دستور هر روز نوشته هر روز گولی در آرد بسته بدریا رسانیده باشد چون بیست و یک روز تمام شود آنکه عامل خواهد شد بعد آن روز یکشنبه آید در صحرا رفته در یک شیشه آب پر کرده نقش نام هر دو کس نوشته است زیرا که زیر جفندی نهاد در شیشه نهاد و شب بماند آید صبح آن رفته آن شیشه مذکور بیاورده در رهگذر آن هر دو محبان برده اند بحق تعالی فوراً قاطبة دشمنی شود نقش مدوح این است

| | ۷۸۴ | |
|---|---|---|
| ۲ | ۱۴ | ۴ |
| ۱۵ | بحق یا بدوح<br>فلان بن فلانه<br>جدا شوند | ۵ |
| ۳ | ۶ | ۱۱ |

**نوع دیگر** قاعده عمل نقش جوا بطرز و طریق دوم از استادی بهم رسیده است و نهایت معتبر است یعنی نقش آتشی خوارا که بروش اسپ و پیک چال فرزین تمام کند نقش بطوریکه زرد و چال اسپ و فرزین تمام کند نوشته باشد پس باید که بکنار دریای روان علی الصباح غسل کند بعد رو بقبله نشسته چهل نقش بنویسد و هر یکرا در روغن زرد و شکر آرد گولی بسته

جدا جدا بدریا انداخته بعد عزیمت نقش را بخواند یازده تسبیح چنانچه عزیمت اینست بدین طریق قائم

اِنَّ اللّٰهَ عَرَضَ کُلَّ ظِلٍّ عَطَاءِ الْمَطْلُوْبِ

چون چهل روز بدستور تمام کند شخصی موکل حاضر آید و غرض پرسد هرچه مطلب باشد غرض نماید اگر در عرصهٔ چهل روز موکل حاضر نیاید دو سه روز باز رفته آن نقشها را کنار دریا دفن کند پس موکل زود حاضر شود اگر دست غیب طلب کند بدست آید اگر سوال جواب نماید عمل جواب آید الا منع منکرات و زنا تمام عمر است فقط

نوع دیگر ترکیب همین نقش آتشی که ذکر رفته بطریق عمل دیگر بدست آمده که این اهم معتبر بسیار و اکثر است باید که از عروج ماه تا چهل روز چهل نقش باین ترتیب بنویسد یعنی هر روز چهل نقش بمحافظت عدد و اسم بنویسد یعنی بمقام عدد الف اسم موکل ططهیال گوید و بجای عدد (ب) که دو عدد دارد باططهیال گوید و بر عدد (ج) که سه عدد دارد اسم خططهیال گوید و بر عدد چهارم (د) دططهیال گوید و در عدد پنجم که (ه) است هططهیال گوید و بر عدد ششم که (و) است وططهیال گو و زیر نقش اول اسم یا حفیظ فودش بنویسد بدین طور که شکم هر چشمه گشاده نماید و روز پنجشنبه هشتم گولی بسته بدریا انداخته باشد برای فتوح و حسب هر مطلب که بعد زکوة جاری کند بلا شک اثر تمام بخشد چنانچه نقش آتشی که برای هر دو طریقه گفته ام اینست

نوع دیگر برای نان خوردن دزد این آیه شریفه را بنویسد

فَلَوْلَآ اِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ وَاَنْتُمْ حِيْنَئِذٍ تَنْظُرُوْنَ

باید که آیت مجسم ننویسد که بی ادبی است این

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۱ | ۸ |
| ۷ | ۵ | ۳ |
| ۲ | ۹ | ۴ |

نقش مرکبهٔ آیهٔ مذکور هست خواه تعوید در برنج خواه نقش برآن بنویسد تا بی ادبی نشود

نوع دیگر رد جموگه دعوت معتبر بته بر بهر طفل که خوانده دم کنند یا نوشته دهد بفضل تعالی رفع شود و بار دیگر در گلوش چیند بحکم خدا تعالی هرگز نشود دعوت مذکور اینست

علیما ملیما خالقا مخلوقا کافیا شافیا ادخلی مرتضی بحق یا بدوح و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا ابجوا انا سانما لاما لوسا بحق کهیعص بحق حمعسق یا الله یا الله یا الله

نوع دیگر برای رد جموگه بر لوح مس یا آهن یا نقره یا بر زمین این نقش یا بر کاغذ نوشته در گلوش بندد انشاء الله تعالی جموگه دفع شود بکرم الٰهی بازخلل آن نشود نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۳ | ۳۳۳۵ | ۳۳۳۷ | ۳۳۴۴ |
| ۳۳۴۱ | ۳۳۴۰ | ۳۳۳۴ | ۳۳۳۱ |
| ۳۳۳۶ | ۳۳۲۹ | ۳۳۴۳ | ۳۳۳۸ |
| ۳۳۳۹ | ۳۳۳۲ | ۳۳۴۲ | ۳۳۳۲ |

نوع دیگر چند نقوش دست غیب یا نقش باسط مجرب بنهایت معتبر تجربه نموده و آزموده زبری نگاه دارم اگر اینهمه نقوش را بالمنقش چهل و یکروز در چهل و یکمرتبه هر روز با ترک حیوانات بنویسد و در آب روان جیند از دو خوراک نان گندم یا آرد جو بی نمک بخورد و بعد از مدت مذکور هر وقتیکه بخواهد نقش مذکور را پر کند بفضل او حاصل گردد و دوازده روپیه از غیب یا دو رسد نقشهای مکرم و معظم اینند عزیز باید داشت اجب یا دردائیل بحق یا باسط اجب یا جبرائیل بحق یا واجب

۷۸۶

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۳ | ۸ | ۱ | ۱۸ | ۴۸ | ۶ |
| ۲ | ۴ | ۶ | ۱۲ | ۲۳ | ۳۶ |
| ۷ | خانه مطلب و جب | ۵ | ۴۲ | خانه مطلب و جب | ۳۰ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۷ | ۹ | ۳۱ | ۱۵ |
| ۳۲ | ۱۴ | ۱۸ | ۸ |
| ۱۳ | ۲۹ | ۱۱ | ۱۹ |
| ۱۰ | ۲۰ | ۱۲ | ۳۰ |

۷۸۶

| باسط | فتاح | رزاق | منعم |
|---|---|---|---|
| ۳۰۹ | ۱۹۹ | ۷۳ | ۴۸۸ |
| ۱۹۸ | ۳۰۶ | ۴۹۱ | ۷۴ |
| ۴۹۰ | ۷۵ | ۱۹۷ | ۳۰۷ |

نوع دیگر برای بسته شدن حمل رفته اگر خون اسقاط جاری باشد بر رشته سرخ برابر قد کرا ز انگشت پای چپ تا کاچک سر پیموده باشد بر آن منعقد سه این اسم با کلمه طیبه

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | د | و | ح |
| ح | و | د | ب |
| د | ب | ح | و |
| و | ح | ب | د |

خوانده گره بزند و بهر گره هفت بار بخواند و در کمر زن به بندد از کرم الهی حملش برقرار ماند و هرگز نیفتد اینست

الصبور لا اله الا الله محمد رسول الله

نوع دیگر برای خلاصی محبوس اول و آخر درود فرستد و یکصد و چهار مرتبه این دعوت بخواند محبوس زود رهائی یابد اینست

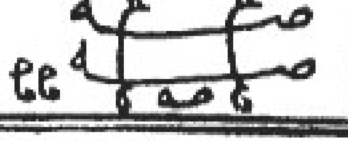
یَا غِیَاثِی عِنْدَ کُلِّ کُرْبَةٍ وَ مُجِیْبِی عِنْدَ کُلِّ دَعْوَةٍ وَ مَعَاذِی عِنْدَ کُلِّ شِدَّةٍ وَ رَجَائِی حِیْنَ مُنْقَطِعِ حِیْلَتِی فقط (نوع دیگر) این اسما را با طهارت

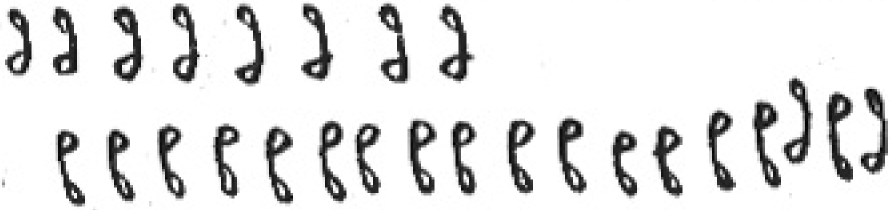
تمام چهل روز چهل و یکمرتبه بخواند شش تکرار عیب او را بر سد اسمای مذکوره اینست
اسا موسی عیسے طوسی لا سا نمرود شداد هامان اوبا ولا و منوالا و منوا بجق
( بلا رو بلالا عبد دو ) واین عمل از اسفل است

نوع دیگر اگر در خانه کسی هر بار متولد میشده باشد و خواهد که پسر تولد شود پس باید که در ماه
اول یا دوم یا سوم ماههای حمل زنان این آیه معظم نوشته در کمر زن ببندد انشاء الله تعالیٰ
فرزند نرینه در خانه آنکس پیدا شود آیه شریفه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ
وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ فَاَوْجَسَ مِنْهُمْ خِیْفَةً قَالُوْا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوْهُ بِغُلٰمٍ عَلِیْمٍ فَاَقْبَلَتِ
امْرَاَتُهٗ فِیْ صَرَّةٍ فَصَکَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ ءَاَلِدُ وَاَنَا عَجُوْزٌ عَقِیْمٌ قَالُوْا کَذٰلِکِ
قَالَ رَبُّکِ اِنَّهٗ هُوَ الْحَکِیْمُ الْعَلِیْمُ نوع دیگر اگر ایام رضاعت طفل شیر زن
کم بود پس باید که این آیه شریفه را نوشته در گلوی زن ببندد یا بر پستان او انشاء الله تعالیٰ
شیر زیاد شود آیه شریفه اینست اَللّٰهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثٰی وَمَا تَغِیْضُ الْاَرْحَامُ وَمَا
تَزْدَادُ وَکُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهٗ بِمِقْدَارٍ عٰلِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الْکَبِیْرُ الْمُتَعَالِ بِرَحْمَتِکَ
یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ نوع دیگر عمل شکت وایذا دادن دزد را باید که این
طلسم اول بر پارچه کاغذ بنویسد و مع آیه شریفه و باید که اول بجماعت مردمان گوید که
هر که کالائی من برده است باز دهد اگر نه دهد این عمل کند چنانچه آیه و طلسم اینست
اَفَرَاَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰاهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰی عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهٖ وَ
قَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰی بَصَرِهٖ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ
حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ
لہ لہ لہ لہ لہ لہ ک ک ی ی ی ی ی ی ی
الا الا الا الا الا الا الا الا الا الا اللّٰهم فتح البطن السارق
من هو سارق بحق لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ج احد جیا لمرا اجبرئیل اجب یا ابیض اجب اجبلنا بحکو رهاسه



بقیه پشت صفحه



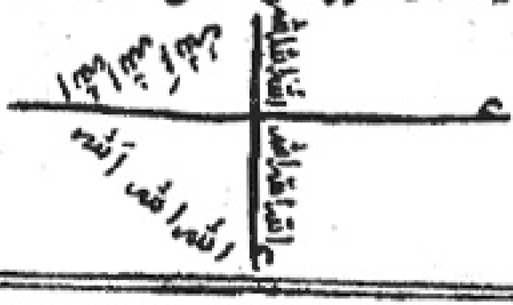


در اینجا دزد را نام بنویسد و اندرون
مشک نهاده مشک را پر از باد کند و دهن مشک را از ریسمان که موی
زنان از آن ببندد مشک را به بندد و بجای که کالا بدزدی رفته است
در آنجا مشک را بیاویزد و از چوب درخت انار سه بار بر مشک مذکور
آهسته بزند و بگوید که شکم دزد مثل این مشک پر باد شود انشاء الله
تعالی شکم دزد مانند مشک بیاماسد و چون کالای گم شده باز دهد
دهن مشک را وا کرده دهد و دزد را شکم به شود این عمل آزموده خیلی
پر تعظیر نیست ۴ الحجب برای محبت در شب یکشنبه هفت عدد این
این طلسم بنویسد از مشک و زعفران و گلاب در وقت مشتری
نویسد در ساعت آفتاب بر کاغذ نوشته فتیله کند در روغن خوشبو دار بسوزد
و محبوب اگر نزدش آید سخن نگوید مطیع و فرمان دار گردد و نزد کسی دیگر نرود و از عشق
تو دیوانه و بی قرار گردد ا حیث

۱۱۹ ۸۲ ۱۱۹ ۱۱ ی اصبط ۱۱۸۱۸۱۱ ۹ ۱۱ ۷ ۱۸۷ ۱۱۱۶ ۱۸ ۸۸۱۸ ۱۱ ط

فلان بنت فلان — فی حب فلان بن فلانه

دیگر مبغض برای جدائی نوشته در گور کهنه دفن کند و در میان ظرف گل نهاده دهن کند
و زیر نقش این آیه معظم بنویسد و باید که آنچه در آخر ماه بتاریخ نحس در عمل آورد نقش و آیه معظم
بدین صورت و شکل



قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَیْنِیْ وَبَیْنِکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

الحب مجرب کہ بر سفال آب نارسیدہ سہ بار یا ہفت بار نوشتہ آن سفال را از روغن خوشبودار پر کردہ روشن کند و یا بر کاغذ فتیلہ کردہ از روغن مادہ گاو و یا روغن پھلیل بسوزد انشاء اللہ تعالی مطلوب بیقرار شدہ حاضر آید و آن این است

ط ۱۶۱۱۶ ط ۱۶۱۹۱۱۶ ح

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان بیقرار گردد

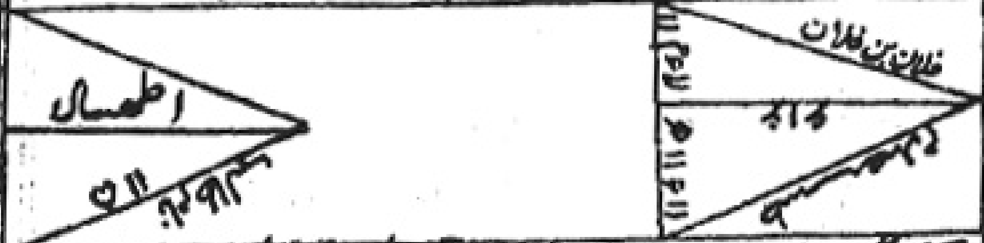
الحب این الفاظ را بر پارچہ کاغذ نوشتہ زیر سنگ گران نہد و ہر پنج وقت نماز بر آن کاغذ پنج پنج کفش زند از قدرت خدا بر آن کس کہ نام او بر وقت کفش زدن گرفتہ باشد بر آن ہم کفش خواہند افتاد و ہر پنج وقت این اسماء را ہم خواندہ باشد و بعد از صد بار یک بعش از زیر سنگ بر آوردہ کفش زند این عمل از کتب مقدس نوشتہ شدہ آزمودہ حیت این است

سوسا ابرصا وسا دسا سلطای آخر دما

و اگر نام مطلوب اسمای بزرگ نباشد بنویسید

دیگر الحب بر سفال آب نارسیدہ نوشتہ روغن خوشبودار پر کردہ روشن کند و یا بر کاغذ فتیلہ کردہ در چراغ نو روشن کند و روی چراغ جانب خانہ مطلوب کند و در خانہ کہ نام طالب خواہد نوشت باین طور بنویسید کہ علی حب

فلان بن فلان مجرب است و طلسم ممدوح است فافهم




نوع دیگر عمل حب و تسخیر چون خواهی که کسی را حاضر کنی دائره بکش چنانچه نموده شد بمشک و زعفران بر پوست آهو بنویسد و میخی کوچک بر سر حروف فرو برد این اسم از مجربات است و باید که اینهم بخواند یا بدوح ان شاء الله تعالیٰ مطلوب بیقرار شود و حاضر شده اطاعت کند نقش ممدوح است

| | | | ۷۸۶ |
|---|---|---|---|
| ح | و | د | ب |
| ۲ | ۴ | ۶ | ۸ |
| ۶ | ۸ | ۲ | ۴ |
| ۴ | ۲ | ۸ | ۶ |

نوع دیگر چون برده کسی گریخته باشد باید که هفت مرتبه سوره یٰسین بخواند چون بآیه مِنَ المکرمین رسد نام گریخته یاد کند و بر قفل نفس خود ببندد و قفل را در هوا اندازد و او سرگردان شده باز آید مجربست و آزموده

نوع دیگر برای عقد حمل تا هفت روز مرد و زن هر دو روزه بدارند و وقت افطار این مربع را بمشک و زعفران نوشته بخورانند امید است که در عرصه هفت روز حامله شود انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم

۷۸۶ یا جبرائیل بحق یا اسطا ۷۸۶ یا جبرائیل بحق یا ما یا

| | | | |
|---|---|---|---|
| ط | س | ا | ب |
| ۱۲ | ۳ | ۳۸ | ۱۹ |
| ۲۳ | ۴ | ۲۷ | ۱۸ |
| ۲۸ | ۵ | ۶ | ۳۳ |

نوع دیگر برای محبت در قند سفید گولی بسته در آتش بسوزد وفق اینست فافهم
وفق ۹۹۳۲ و با دیگر برای محبت این هر دو نقش بهم نوشته گولی در قند مذکور
بسته بگدازند محبت و الفت از طریقه اوّل بسیار زیاده شود و چون در آتش نهادن
نتواند صرف وفق را بسوزاند اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۵ ۲۴ | ۸۹ ۲۴ | ۸۶ ۲۴ | ۸۲ ۲۴ |
| ۸۷ ۲۴ | ۸۱ ۲۴ | ۷۶ ۲۴ | ۸۸ ۲۴ |
| ۸۰ ۲۴ | ۸۴ ۲۴ | ۹۱ ۲۴ | ۷۷ ۲۴ |
| ۹۰ ۲۴ | ۷۸ ۲۴ | ۷۹ ۲۴ | ۸۵ ۲۴. |

نوع دیگر اگر خواهد کسی را مسخر کند پس این شکل را بنویسد و در هر قطب عدد این هر چهار اسم ثبت کند آنچه که در آن وقت اسماء طالب و مطلوب باشند و این اعداد را در خانه های بطریقی که اضلاع و اقطارش راست باشند تمام کند و نزد خود نگاه دارد مطلوبش مسخر شود اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۹۹ ۱۲ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۱ ۹۹ |
| ۶ | ۹ | ۹۹ ۱۴ | ۳ |
| ۹۹ ۱۳ | ۴ | ۵ | ۱۰ |

۷۸۴

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| نام طالب طالب ۴۳ | ۱۰۵۲ | ۱۴۲ | ۱۸ | مادر طالب فاطمه ۱۳۵ |
| ۱۹ | ۱۳۶ | ۴۳ | ۱۰۴۸ | ۱۴۳ |
| ۱۰۴۹ | ۱۳۹ | ودود ۲۰ | ۱۳۷ | ۴۴ |
| ۱۳۸ | ۴۵ | ۱۰۵۰ | ۱۴۰ | ۱۶ |
| نام مطلوب الم ۱۴۱ | ۱۷ | ۱۳۴ | ۴۶ | مادر مطلوب ضیرا ۱۰۵۱ |

نوع دیگر نقش سوره الناس مضطر و مکرم برای فتوح در هر چهار کنج خانه دفن کند اثر تمام

فتوح بسیار شود و اگر کسی از زن بود که او را دوست نداشته باشد و هر وقت که جنگ میدارد پس این نقش را در پیش خود نوشته دارد زنش مطیع شود اینست

٧٨٦

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٣١٦٤٧٠ | ٣٠١٦٤٨٤ | ٣١٦٤٨١ | ٣١٦٤٧٨ |
| ٣١٦٤٨٢ | ٣١٦٤٧٢ | ٣١٦٣٧١ | ٣١٦٤٨٣ |
| ٣١٦٤٧٦ | ٣١٦٤٧٩ | ٣١٦٤٨٦ | ٣١٦٤٧٢ |
| ٣١٦٤٨٥ | ٣١٦٤٧٣ | ٣١٦٤٧٥ | ٣١٦٤٨٠ |

نوع دیگر جهت اندیاد دوستی و مبتلا کردن و کسی را نزد خود طلبیدن باید که این طلسم را بر کاغذ بنویسید و در میان دل گوسفند دارد دلبر فی الفور حاضر آید اینست

٩١١ ١٨٨ ١١١٨٨٦ ١١ ١٣

[illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| عم اط ٥ له | البلاد | جمع | |
| به لو ١١١ | هع | رودحواد | |
| هصرع | وصاالسلحسرا | هیطن | |

فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلان هرلی ای ادلد حرلنا الذ اولد کونا بن سواها
این الفاظ زیر جدول بنویسید چنانچه که نوشتیم

نوع دیگر اگر کسی را در عشق خود مبتلا کنی باید که یک نعل اسب بیاید و لیکن شش سوراخ درست داشته باشد و نام مطلوب و نام مادرش و نام طالب و مادرش را با این نقش بنویسید و زیر آتش دفن کند مدام آتش بر آن نعل تیز مانده تا مقصود برسد اینست

نوع دیگر برای پیدا کردن دزد و گریخته بنویسید این شکل را بر سفینه مرغ و نام دزد یا رفته یا گریخته را نوشته نزدیک آتش دفن کند چون گرمی آتش بوی رسد آن رفته باز گردد و در محل دفن بگوید ا بجمع بیعی و تیز فلان و شکل مذکور.

٧٨٦

| | | |
|---|---|---|
| ٢<br>٢٠٠١٠٢٦٠٠ | ٩<br>١١٨ | ٤<br>اح ٤ |
| ٧<br>٢٠٠١٠٢٢٠ | ٥<br>٢٠٠١٠٩٠٢ | ٣<br>٨٠١٠٩٣٠ |
| ٦<br>١٠٢٠٠١٢ | ١<br>١٩ | ٨<br>٢٠٠١٠٣١٠٠ |

بر جبهه نوشته شود اینست

۹ ﻫ ۱۱ ۱۱ ۹ الحی ۱۱۱ ه

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۹ | ۴ |
| ۷ | ۵ | ۳ |
| ۶ | ۱ | ۸ |

تایف بهما الله

ه ۱۱۱ صراط ۱۱ ۱۱ ﻫ ۶    ه ۱۱۱ صراط ۱۱ ۱۱ ﻫ ۶

ه ۱۱۱ صراط ۱۱ ۱۱ ﻫ ۶

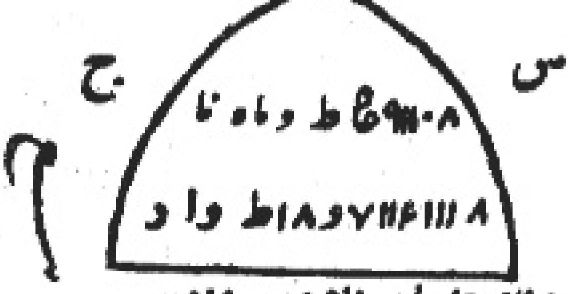
نوعی دیگر هرگاه این نقش را در بارهٔ عداوت بنویسید و بر پارچه کاغذ نوشته بشوید و آب میان هر دو بریزید یا بخورانید چون آن شخص بخورد در میان هر دو جدائی افتد و تا قیامت دشمن قائم ماند و اینست

۷۸۶

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۲۵ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۱ | ۵ﻫ | ۹ |
| لا | د ه | ۶۴ | ۳۹ | ۷۵ | ۷ |
| ۴۲ | [illegible] | ۶ | ع | ﻫ | ۹۳ |

نوع دیگر این طلسم برای محبت بسیار مجربست باید که این را در ساعت آفتاب بر شانه گوسفند بنام هر کس نوشته در زیر تنور یا دیگدان دفن کنند و در آتش بسوزد در همان ساعت مطلوب بیقرار گردیده حاضر شود طلسم اینست

۱۸۵۰۰۲۵۱۷    ۲۷۳۳ ط ۶



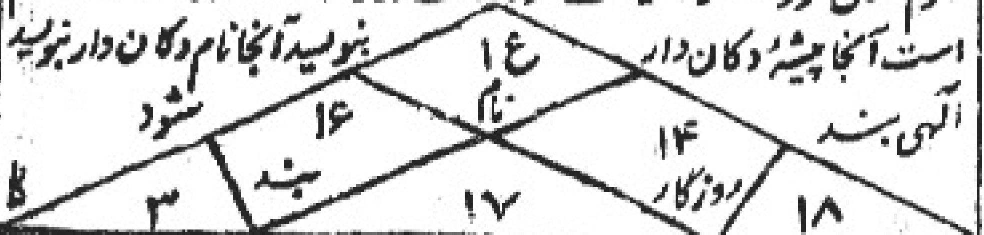

علی حب فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه

نوع دیگر این نقش درباب حب بسیار مجرب و آزموده است اگر مطلوب از او ناراضی گردیده است یا محبت و التفات با و نمیکند پس باید بساعت زهره یا مشتری و غیر آن این نقش معظم بر پارچه کاغذ باحتیاط بنویسید و تعویذ موصوف با دربیان مجرد است داده طالب بربازوی خویش به بندد انشاء الله مطلوب مطیع فرمان گردد

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۴۳۲ | ۴۳۹ | ۴۳۴ |
| ۴۳۷ | ۴۳۵ | ۴۳۳ |
| ۴۳۶ | ۴۳۱ | ۴۳۸ |

نوع دیگر برای خرابی دکان اگر خواهد که دکان کسی از خرید و فروخت کردن بند کند پس این صورت را نوشته بدکان او که اراده بدی نسبت آن دارد دفن کند دکان او مسدود خواهد شد بفضل و کرم تعالی صورت مذکور اینست درخانه لفظ روزگار است درخانه که لفظ نام است آنجا چشه دکان دار بنویسید آنجا نام دکان دار بنویسید




نوع دیگر عمل حب مجرب و آموزده باید که بروز پنجشنبه در اول ساعت مشتری این نقش نه صد و بنویسید و در آرد گندم گولی بسته در دریا اندازد و روز جمعه سی و هشت گولی بسته در دریا روان انداخته باشد دلبر بیقرار گردد و نقش اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۴۰ | ۳۲۶ | ۱۲۳ |
| ۲۴۴ | ۱۶۳ | ۸۰ |
| ۲۰۳ | نام مطلوب فلان بن فلان امحبت فلان بن فلان | ۲۸۶ |

نوع دیگر اگر خواهی که کسی را درعشق خود بیقرار گردانی این نقش را بر شانهٔ گوسفند بروز یکشنبه بنویس و به شانه گرمی آتش

برسان بر وقت گرمی شاز مطلوب بیخبر از خواهد انشاء الله تعالی نقش اینست

نوع دیگر برای زبان بندی این طلسم را نوشته در کلاه خود بدارد از فضل خدای تعالی زبان جمیع بدگویان بسته شود و آن کس مطیع شود و طلسم موصوف اینست فافهم

۷۸۶

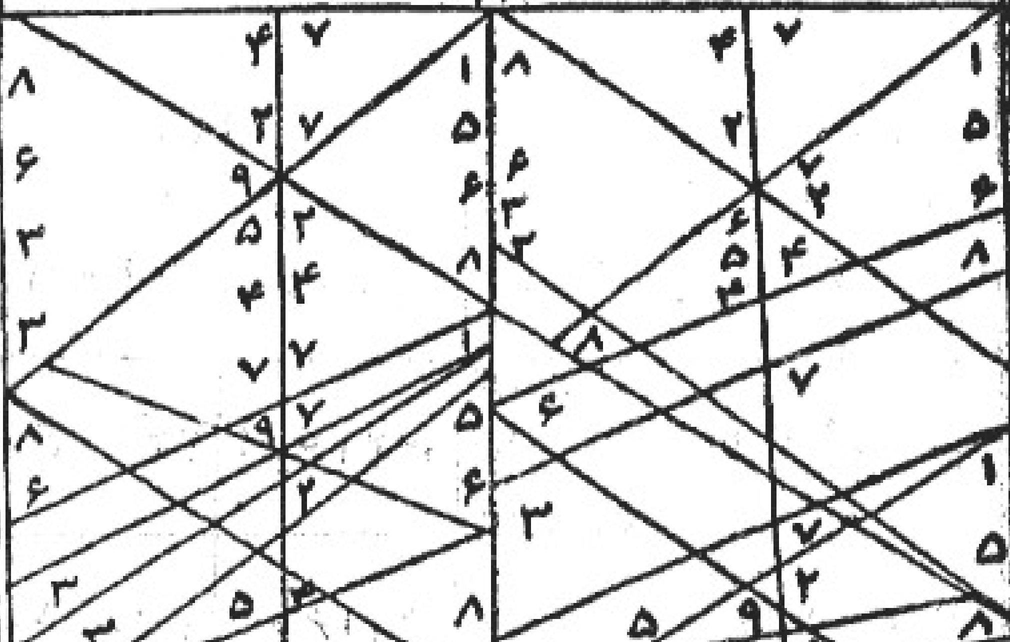
| | | |
|---|---|---|
| ۲ | ۷ | ۶ |
| ۹ | ۵ | ۱ |
| ۴ | ۳ | ۸ |

۱۱ ۸ ۱۱۱ ۸ ۹ ۱۱۱ ۱۰ ۱ ط ۱ ط ۲ ۱۱ ۸ ح

ح د ر س ص ط ع ک م

نوع دیگر از امیر شاه علی صاحب باب گنجینه و گمشده مجرب و آزموده است این نقش نوشته در زیر سنگ گران بر بند جنیکه گنجینه باز آید نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶



نوع دیگر این نقش معظم با گرز کوته ده قدرش چندارده و هزاران خواص دارد برای صورت دیدن دزد در خواب بسیار مجربست باید که اول یک لک و بیست و پنج هزار نقش نوشته در آرد گولی بسته بدریا رساند تا عامل شود هرگاه که دزد دریافتن منظور باشد

این نقش نوشته بر کف دست است نهاده بخسبد هر که دزد باشد صورتش را در
خواب ببیند نقش معظم مکرم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۸۸۹۱ | ۳۸۸۹۴ | ۳۸۸۹۷ | ۳۸۸۸۴ |
| ۳۸۸۹۶ | ۳۸۸۸۵ | ۳۸۸۹۰ | ۳۸۸۹۵ |
| ۳۸۸۸۶ | ۳۸۸۹۹ | ۳۸۸۹۲ | ۳۸۸۸۹ |
| ۳۸۸۹۳ | ۳۸۸۸۸ | ۳۸۸۸۷ | ۳۸۸۹۸ |

نوع دیگر این نقش برای عشق مطلوب عنایت فرموده میر علی پناه صاحب اگر خواهی
که کسی را در عشق خود بیقرار کنی این را بنام چهار کسان نوشته در زیر آتش دفن
کند انشاء الله تعالی مطلوب بیقرار شود نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۲۱۶۸۰ | ۳۲۱۶۸۳ | ۳۲۱۶۸۶ | ۳۲۱۶۷۳ |
| ۳۲۱۶۸۵ | ۳۲۱۶۷۴ | ۳۲۱۶۷۹ | ۳۲۱۶۸۴ |
| ۳۲۱۶۷۵ | فلان بن فلان صاحب<br>۳۲۱۶۸۸<br>فلان بن فلان | ۳۲۱۶۸۱ | ۳۲۱۶۷۸ |
| ۳۲۱۶۸۲ | ۳۲۱۶۷۷ | ۳۲۱۶۷۶ | ۳۲۱۶۸۷ |

نوع دیگر این نقش معظم و مکرم از اعداد سوره یس علیه السلام است هر کاری که بنویسید
اثر تمام بخشد سابق از این نقش مخمس نوشته ام این به دیگر طور هم رسید اعداد جمله در ما نحن

## نقش آیت ۲۱۵۰۶۵۲

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۳۹۰۵ | ۵۳۹۱۹ | ۵۳۹۱۶ | ۵۳۹۱۳ |
| ۵۳۹۱۷ | ۵۳۹۱۲ | ۵۳۹۰۶ | ۵۳۹۱۸ |
| ۵۳۹۱۱ | ۵۳۹۱۴ | ۵۳۹۲۱ | ۵۳۹۰۷ |
| ۵۳۹۲۰ | ۵۳۹۰۸ | ۵۳۹۱۰ | ۵۳۹۱۵ |

نوع دیگر نقش سوره یسین ؐ عنایت فرموده جناب حافظ زین العابدین صاحب و از حافظ صاحب ارشاد است که در این نقش استاد آن در اعداد اختصار اکثر کرده اند اما مجرب تر است در هر مقصد مثل حب و بغض و شفای مرض و علو مراتب و دفع سحر اثر تمام دارد چنانچه اعداد سوره از طریقه خود جمله ۶۷۹۲۳ نوشته اند نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۹۷۳ | ۱۶۹۸۷ | ۱۶۹۸۳ | ۱۶۹۸۰ |
| ۱۶۹۸۴ | ۱۶۹۷۹ | ۱۶۹۷۴ | ۱۶۹۸۶ |
| ۱۶۹۷۸ | ۱۶۹۸۱ | ۱۶۹۸۹ | ۱۶۹۷۵ |
| ۱۶۹۸۸ | ۱۶۹۷۶ | ۱۶۹۷۷ | ۱۶۹۸۲ |

نوع دیگر چون این نقش ها زیر بالین خود نهاده بخسبد صورت دزد را در خواب ببیند نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۷ | ۴ | ۸ |
| ۵ | ۷ | ۲ | ۶ |
| ۶ | ۲ | ۹ | ۳ |
| ۸ | ۴ | ۵ | ۳ |

۷۸۶

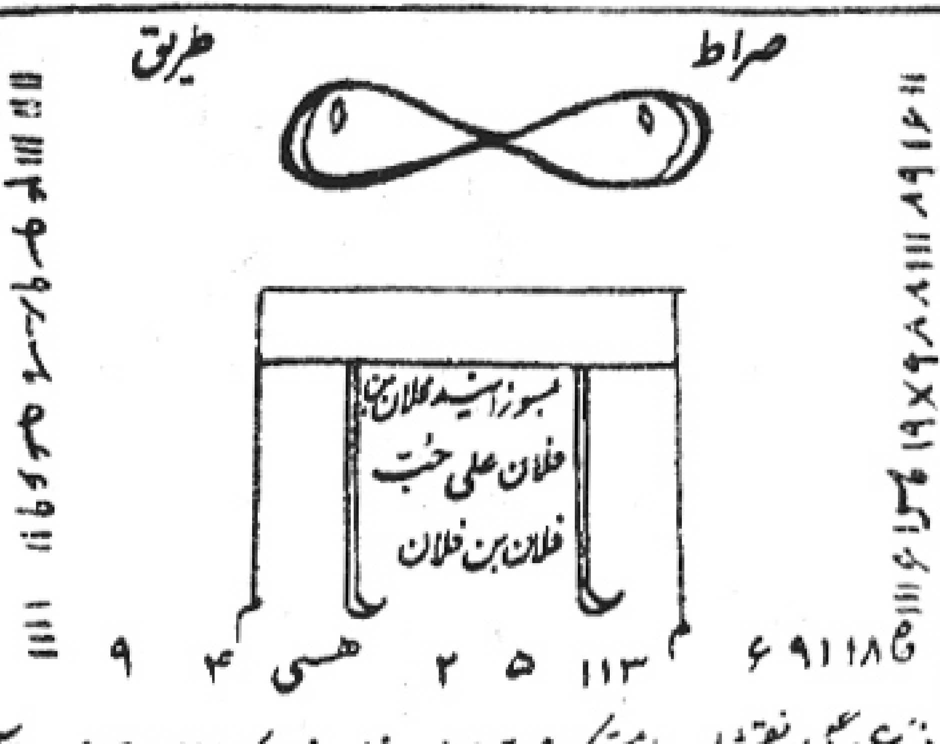
| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۷ | ۴ | ۸ |
| ۵ | ۷ | ۲ | ۶ |
| ۶ | ۲ | ۹ | ۳ |
| ۸ | ۴ | ۵ | ۳ |

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۴ | ۷ | ۱ |
| ۶ | ۲ | ۷ | ۵ |
| ۳ | ۹ | ۲ | ۶ |
| ۳ | ۵ | ۴ | ۸ |

| ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۴ | ۷ | ۱ |
| ۶ | ۲ | ۷ | ۵ |
| ۳ | ۹ | ۲ | ۶ |
| ۳ | ۵ | ۴ | ۸ |

نوع دیگر عنایت میرزین العابدین صاحب بطریق فتیلہ در ساعت عطارد یا مشتری نوشتہ بروغن خوشبودار روشن کند و روی چراغ بجانہ مطلوب کند یقین است در سر فتیلہ مطلوب و دبیقر گردیده آید فتیلہ اینست

ا۱ لم ۷ا ااا لمدا ا اا ااا لاا ۷ لاا ۷




نوع دیگر این نقش بسیار مستحکم و مجرب بجهت زبان بندی کامل الطریق عنایت جناب میرزین العابدین صاحب باید کہ این نقش مجرد ححرا بر پارچہ کاغذ سیاه نوشتہ بر چهار سهم را زیر سنگ گران بند بشکند زبان حاسدان بند گردد و نقش

معظم و مکرم این است

نوع دیگر عنایت فرموده لالا چندن صاحب

در باب ایذا دادن دزد و دزدی وغیره باید
که این نقش را سه عدد یا هفت عدد مثل فتیله
ساخته در چراغ روشن کند صاحب مال
یا سه تعویذ نوشته در آتش بسوزاند یا در

٧٨۶

| | | |
|---|---|---|
| ۱۶۵۶ | ۱۶۵۱ | ۱۶۵۸ |
| ۱۶۵۷ | ۱۶۵۵ | ۱۶۵۳ |
| ۱۶۵۲ | ۱۶۵۹ | ۱۶۵۴ |

سکوره نوشته در آتش دفن کند بیشک دزد را ایذا چنان برسد که مال دزدیده
پس هر دو گرآید و بیمار مطلق خواهد شد نقش مذکور و معظم این است

در صورت اگر بر اینصورت مال بدست
نه آید باید که سورهٔ انا اعطینا را
بیست و یکمرتبه اول بر سرسون یا رائی
دم کند و بدستور بیست و یکمرتبه
سه بار دم کند و در لوبان سرسون
سلامت آمیخته در خانهٔ صاحب مال
دود کند سه روز بیشک دزد را

٧٥۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱۸ | ۱۲۱ | ۱۲۴ | ۱۱۱ |
| ۱۲۳ | ۱۱۲ | ۱۱۷ | ۱۲۲ |
| ۱۱۳ | ۱۲۶ | ۱۱۹ | ۱۱۶ |
| ۱۲۰ | ۱۱۵ | ۱۱۴ | ۱۲۵ |

ایذا رسد و لیکن بجای هوا چنین گوید هو السارق مال فلان ابتر ابتر ابتر
و اگر بدین صورت سه روز تا تاریخ ۲۷ - ۲۹ بر خاک دم کرده در دکان و مکان دشمن
اندازد بیشک دشمن و دکان و خانه اش ویران گردد مجرب است

نوع دیگر ختم سورهٔ اذا زلزلت الارض زلزالها بر بنوله چهل و یکمرتبه بر هر بنوله یکمرتبه
خوانده دم کرده بدین تدبیر و هر که در آخر سوره هر بار گفته باشد که در فلان علی ختم
من بقرار شود با بسم الله هر بار خوانده باشد پس هر مرتبه بنوله را در آتش بنیدازد پس انشاء الله
تعالی در عرصهٔ بیست و یکمرتبه بیشک دشمن حاضر شود

نوع دیگر برای
فتوحات این نقش را نوشته هر روز دو نقش را در دریا اندازد انشاء الله
در عرصهٔ هفت روز خانهٔ آن بیند و ترکیب دوم این نقش را یکیک هر روز نوشته

با اسم در چراغ روشن کند یقین در عرصه سه روز فایده آن ببیند نقش این است

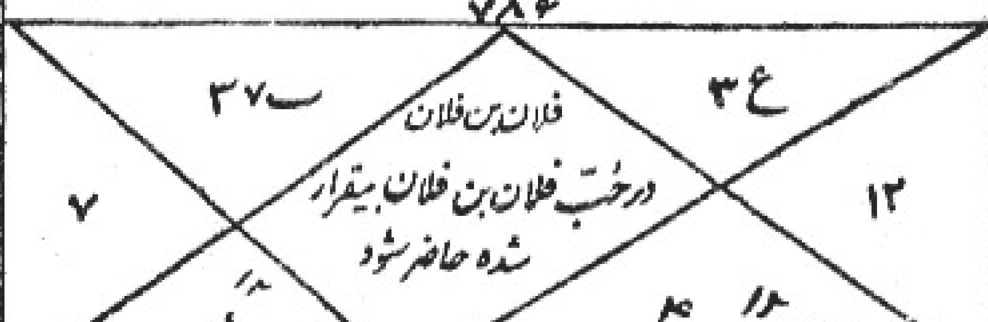
۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ب | ۳۲ | ۲۲ | ۱۶ |
| ۲۴ | ۱۴ | د | ۳۰ |
| ۱۲ | ۱۸ | ۳۶ | و |
| ۳۴ | ح | ۱۰ | ۲۰ |

**نوع دیگر عمل بغض مجرب** باید که هفت عدد کنگر نمک طعام گرفته بنام هر دو کسان با اسم مادران آنها و این آیۀ معظم خوانده دم کند و در آتش بیندازد بیشک جدائی افتد باید که بر هر کنگر هفت مرتبه دم کند و هر بار در آتش افگند مگر روز سه شنبه یا شنبه بود مجرب است و این است وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۵

**نوع دیگر** در باب حب چند بار آزموده شده باید که بروز یکشنبه یک گنجشک نر طلبیده ذبح کرده از خون او این نقش بنویسد و همان روز او را ابریشم سرخ بسته بدرخت بیاویزد اگر خواسته خداست معشوق آزرده چند سال حاضر شود نقش این است

۷۸۶




**نوع دیگر** برای حب که بروز یکشنبه گل از خاک بیارد که از کلال باشد و از آن گل لوح سازد و بر آن لوح مذکور نقش بر سازد و صورت مطلوب هم کشد و آتش انگشت بسوزاند و چهل و یک قفل گرفته چهل و یکمرتبه قل اعوذ برب الناس بخواند و اگر نتواند هفت مرتبه بخواند و در آخر سوره گفته باشد که سوختم دل و جان فلان بن فلان را و دل فلان بسوزان و چشم گری

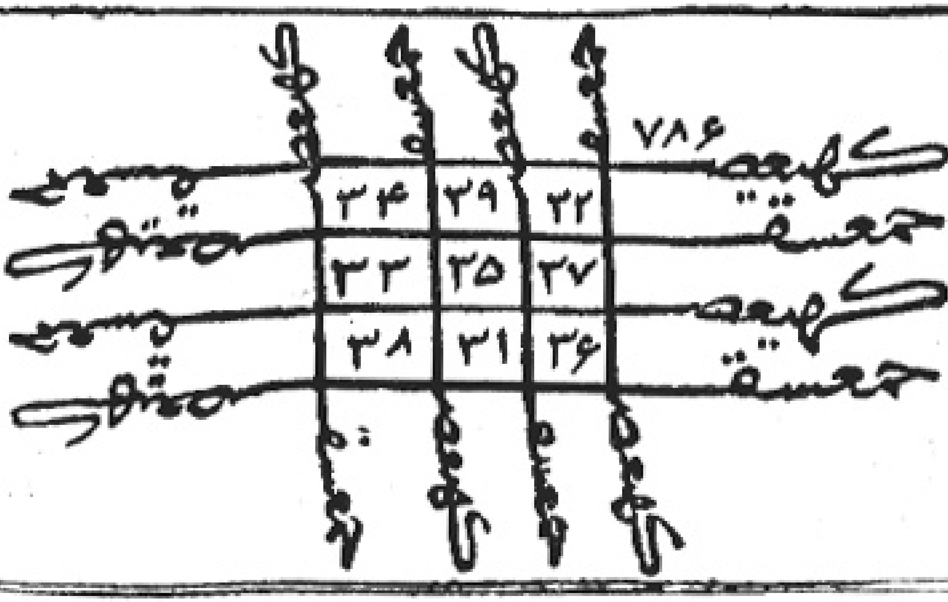
کنان تا آنکه فلان مراد ببیند قرار او را نباشد پس حرفا فعل را در آتش انداخته باشد دلوح را زیر آتش چنان نهند که بر جگر نقش آتش باشد خرخره نباشد انشاء الله تعالی مطلوب حاضر شود و اطاعت کند نقش بر لوح نوشته میشود این است

| | | |
|---|---|---|
| ۱۱۷ | ۱۱۶ | ۱۲۱ |
| ۱۲۲ | نام مطلوب اینجا بنویسد و لوح را بسیار کلان ۱۱۸ باید ساخت | ۱۱۴ |
| ۱۱۵ | ۱۲۰ | ۱۱۹ |

نوع دیگر نقش برای زبان بندی مجرب و کامل تر است باید کرد و نقش نوشته یکی را در قبر بجانب دست راست مرده دفن کنند و یکی بر بازوی خود بندد زبان بدگویان بسته شود انشاء الله

| | | |
|---|---|---|
| ۲۳ | ۱۸ | ۲۵ |
| ۲۴ | ۲۲ | ۲۰ |
| ۱۹ | ۲۶ | ۲۱ |

نوع دیگر برای زن که فرزند نشود باید که تعویذ از مشک و زعفران بروز یکشنبه بنویسد و از شب جمعه در شیر شسته تا سه روز مرد و زن بنوشند و هر سه روز با هم مواصلت نمایند انشاء الله تعالی بچه صحیح و سالم پیدا شود مجرب و آزموده است و بارها بتجربه رسیده نقش این است



نوع دیگر برای دفع درد شکم آدمی و اسب وغیره بنویسد و بشتر بپوشانند بفضل خدا تعالی درد زود دفع شود نقوش هر دو این اند

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| یا احد | یا قیوم | یا حی | یا خبیر |
| یا لطیف | یا نصیر | یا عزیز | یا صمد |
| یا قریب | یا جلیل | یا باری | یا کریم |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| م | ی | ح | ر |
| ۷ | ۲۰۱ | ۳۹ | ۱۱ |
| ۲۰۲ | ۱۰ | ۸ | ۳۸ |
| ۹ | ۳۷ | ۲۰۳ | ۹ |

نوع دیگر این ترکیب برای بستن خواب مجرب است باید که بر کاغذ نوشته یک میخ آهنی پیچیده زیر بالین خود بدارد و بخسپد خواب مطلوب بند شود ترکیب مذکور این است فافهم بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیۡمِ اَلۡحَمۡدُ لِلّٰهِ بستم رویش رَبِّ الۡعٰلَمِیۡنَ بستم مویش و بستم لبها الرَّحۡمٰنِ بستم لبانش الرَّحِیۡمِ بستم گوشش مٰلِكِ یَوۡمِ الدِّیۡنِ بستم سینه اش علی حب فلان بن فلانه اِیَّاكَ نَعۡبُدُ بستم شکمش اِیَّاكَ نَسۡتَعِیۡنُ بستم زبانش اِهۡدِنَا الصِّرَاطَ الۡمُسۡتَقِیۡمَ بستم دستهایش صِرَاطَ الَّذِیۡنَ بستم پایش اَنۡعَمۡتَ عَلَیۡهِمۡ قفلش غَیۡرِ الۡمَغۡضُوۡبِ بستم هوشش عَلَیۡهِمۡ وَلَا الضَّآلِّیۡنَ آمین از ریسمان دیوان و پریان من بستم شما نیز ببندید تا من نگشایم شما هم نگشائید بحرمت اهیا شراهیا فلان فلان العجل العجل العجل العجل الیوم الیوم الیوم نوع دیگر

برای دفع جوگر روز تولد فرزند در گلوی فرزند و یکی در گلوی مادرش ببندد و تا چهل روز در گلوی او بسته باشد الفاظ مذکوره موصوفه این اند و مجرب فافهم بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیۡمِ

حلیوس ملیوس مرلوش دلوس حبوش معلوش مرطوس ملیو مالیشا یقا
دریا فرویا احیون احیو نون
نوع دیگر برای حب بروز یکشنبه بر نان نوشته بسگ بخوراند چون سگ هرگاه بانگ
کند آنکس بیقرار گردد و فریفته و فرمانبردار شود و اگر برای محبت زن کند بسگ ماده
نان را نوشته بخوراند این است

لاع یدع لاع حسم حا همه

نوع دیگر برای زبان بندی دشمن
این عمل نوشته با خود دارد جاییکه برود
از بدگوئی محفوظ ماند آیه اینست فانهم
یا ئی هُر ذوا البطش الشدید انك
الذی لا یطاق انتقام رو عقد
اللسان فلان بن فلان

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۱ | ۱۶ | ۶ |
| ۴ | ۱۸ | ۹ | ۳ |
| ۱۰ | | ۷ | ۱۷ |
| ۱۹ | ۵ | ۲ | ۸ |

نوع ثالث برای زبان بندی این اسم ابقید چهار اسم نوشته با خود زبان او بند شود

اه اه اه اه الله الله الله الله مهمهم مهمهم مهمهم
اهیا شراهیا اذ دنی اشاوه لفال سغرعال شری ماه ماه
ماه زبان فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان اتم المومنین
بحق ایاك نعبد و ایاك نستعین

نوع دیگر این نقش برای دزد بر کاغذ بنویسید و درمیان برنج
نهاده بخوراند هر که دزد باشد از حلق فرو بردن نتواند و این را اگر بر
پارچه نان نوشته بخوراند نان هم زیر حلق فرو بردن نتواند اینست

ط ۱۱۱ ســ ا ســ
لا ۲ ط کلیطعث لاحها

حا ۷۹ ح ط ج مر صو

نوع دیگر این نقش را بساعت نیک نوشته بطهارت تمام در کیسه خود بدارد حق تعالی در مال او برکت کرامت فرماید که کیسه اش خالی نماند نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ف | ی | ط | ل |
| ل | ط | ی | ف |
| ی | ف | ل | ط |
| ط | ل | ف | ی |

وهمراه نقش مذا این نقش را هم بدارد اینست

نوع دیگر این طلسم را بر پارچه کاغذ مهردار با زعفران و مشک نوشته در طعام آورده و مخلوط کرده بمطلوب بخوراند و یکی نوشته پیش خود دارد انشاء الله تعالی

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ف | ت | ا | ح |
| ح | ا | یا لطیف یا فتاح | ف |
| ت | ف | روزی از غیب برسد ح | ا |
| ا | ح | ف | ت |

مطلوب مطیع او گردد اینست

او ۱۱ ۵ ۶ ۵ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ف ۶ ۱۱ ۶ و م ۱۱ ۱ و ھ ۹

داح ۱۱ و دم ۱۱ ۱۱ ۵ ۱۱ ۹ ۶ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹

علی حب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان

## نوع دیگر

این طلسم را بر جامهٔ مطلوب نوشته در چراغ فتیله موفه بسوزاند مطلوب او بیقرار و بی تاب شود هم این است

لم ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۳ ۶ ۱۱ ۱۱ ۹ ۱۰ م ھ ع ع ع

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان

نوع دیگر این طلسم را بروز دوشنبه بساعت اول نوشته در آتش جنبانند انشاء الله
تعالی مطلوب بیقرار شده حاضر شود اینست

ک ۱۱ ۱۲ ۱۱ ۲ ۶ ۶ ۱۱ ه ســـــ ه

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان

نوع دیگر این طلسم را بر کاغذ نهر دار نوشته فتیله نموده در چراغ روشن کند و دودی
چراغ را جانب خانه مطلوب کند مطلوب بیقرار شود اینست

۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱ ۵ عـ ط ط ع م

نوع دیگر برای گشایش رزق مجرب و آزموده است که هرگز خطا ندارد
باید که هر ماه بتاریخ هفتم بوقت نماز صبح غسل کند و یک نیم پاؤ آرد گندم
را بطهارت دو نان بپزد و آنرا از روغن زرد چرب کند و در یک نان شکر
بدارد و در دیگر نان قدری جزات و قدری نمک و چهار مرچ سیاه بدارد
چنانچه هر دو نان پیش جانماز بهر دو کناره جانماز بدارد و چهار رکعت
نماز نفل ادا کند بعد فاتحه بارواح حافظ خدا یار خان مغفور بر نان
بکند بعد از آن بوقت نماز فجر که آفتاب طلوع نکند این نقش را
هفت عدد بنویسد و نگاه بدارد چون بوقت نماز ظهر آید نقوش نوشته را
رفته بدریا اندازد بفضل الهی چهار آنه روز او را بهر صورت میسر آید
و باید که وقت نوشتن کلام نکند و درود شریف در دل بخواند این عمل
در قبضهٔ خدا یار خان صاحب مغفور و مرحوم بوده ایشان از توجه باطنی
باین فقیر بخشیدند و این خاکسار عاملان حسبتہ للہ برای جمیع
برادران ایمانے در این اوراق برمے نگارم که هر که از
این فائده بردارد او را اجازت است که ما را بدعای خیر یاد
فرماید که ایزد منان بر من رحمت نازل کند چنانچه نقش
موصوف در پشت صفحه است

| | | | ۷۸۶ | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰ | ۴۵ | ۴۴ | ۷ | ۱۱ | ۱۲ | ۴۶ |
| ۹ | ۱۹ | ۳۴ | ۱۷ | ۲۰ | ۳۵ | ۴۱ |
| ۸ | ۱۸ | ۲۴ | ۲۳ | ۲۸ | ۳۲ | ۴۲ |
| ۴۹ | ۳۷ | ۲۹ | ۲۵ | ۲۱ | ۱۳ | ۱ |
| ۴۸ | ۳۶ | ۲۲ | ۲۷ | ۲۶ | ۱۴ | ۲ |
| ۴۷ | ۱۵ | ۱۶ | ۳۳ | ۳۰ | ۳۱ | ۳ |
| ۴ | ۵ | ۶ | ۴۳ | ۳۹ | ۳۸ | ۴۰ |

نوع دیگر اگر این نقش را نوشته در بازوی خود به بندد هرگز باذن خدا تعالی مفلس نگردد خرج او از غیب پیدا شود

هُوالرَّزَّاقُ عَلَی الاطلاق ۱۱۱ ۹ ابطح ۱۱ ۱۱ ها

وبعه

نوع دیگر برای محبت بقید چهار اسم بر برگ هر درختی که باشد بنویسید و زیر آتش نهد

طحیح و عحیح و علحیح و صلحیح و سلحیح

اجب یا تنکفیل بحق یا قیوم

یا حی لا الٰہ الا هو الحی القیوم ۵ ۵ ۵

نوع دیگر برای درد پستان این نقش معظم را نوشته بنوشاند و یکی هم در گردن

۷۸۶ اندازد دفع شود نقش اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۲ | ۱۵ | ۱ |
| ۱۴ | ۲ | ۷ | ۱۳ |
| ۳ | ۱۷ | ۱۰ | ۶ |
| ۱۱ | ۵ | ۴ | ۱۶ |

**نوع دیگر** برای تپ لرز این نقش مکرم را نوشته در بازویش به بندد و یک نقش نوشته بوقت آمدن تپ دود شود نقش مذکور اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۵۷ | ۸۶۰ | ۸۶۳ | ۸۵۰ |
| ۸۶۲ | ۸۵۱ | ۸۵۶ | ۸۶۱ |
| ۸۵۲ | ۸۶۵ | ۸۵۸ | ۸۵۵ |
| ۸۵۹ | ۸۵۴ | ۸۵۳ | ۸۶۴ |

**نوع دیگر** برای دفع درد سر این نقش معظم را بنویسد و در سر بندد وا این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲ک | ۲ع | ۲۸ | ۱ع |
| زک | ۱۶ | ۲۱ | وک |
| ۱۷ | ۳۰ | ۳ک | ک |
| ۲۴ | ۱۹ | ۱۵ | ۲۹ |

**نوع دیگر** برای دفع درد نیم سر این نقش را نوشته هر روز در آب تازه شسته بوقت بنوشد انشاء الله تعالی درد مذکور دفع گردد اینست

**نوع دیگر** برای درد نیم سر این نقش معظم مکرم را بساعت بنویسد و در شرعیه بکرمه تعالی

| | | |
|---|---|---|
| مولویس | صلح | |
| یابدوح | بابدوح | بابدوح |

درد مذکور دفع گردد اینست

جبرائیل ۷۸۶ عزرائیل

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۴۴ | ۱۶۴۷ | ۱۶۵۲ | ۱۶۳۷ |
| ۱۶۵۱ | ۱۶۳۸ | ۱۶۴۳ | ۱۶۴۸ |
| ۱۶۳۹ | ۱۶۵۴ | ۱۶۴۵ | ۱۶۴۲ |
| ۱۶۴۶ | ۱۶۴۱ | ۱۶۴۰ | ۱۶۵۳ |

میکائیل اسرافیل

نوع دیگر برای دفع آسیب این نقش نوشته در گلو به بندد باذن خدا تعالی آسیب از مریض دفع شود این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴ | ۳۷ | ۳۱ | ۱۷ |
| ۳۰ | ۱۸ | ۲۳ | ۲۸ |
| ۱۹ | ۳۳ | ۲۵ | ۲۲ |
| ۲۶ | ۲۱ | ۲۰ | ۳۲ |

نوع دیگر هر زنی که حمل او ساقط میشود باید که این نقش نوشته در زمان حمل در کمرش ببندد بفضل خدا تعالی حملش قائم ماند و فرزند نرینه پیدا شود نقش مذکور این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۲ | ۷۵ | ۷۸ | ۶۵ |
| ۷۷ | ۶۶ | ۷۱ | ۷۶ |
| ۶۷ | ۸۰ | ۷۳ | ۷۰ |
| ۶۴ | ۶۹ | ۶۸ | ۷۹ |

نوع دیگر برای محبت اگر این نقش را نوشته در شربت شسته مطلوب را بخوراند در محبت بیقرار شود که ابدا آرام نگیرد نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲ | ۱۵ | ۱۸ | ۵ |
| ۱۷ | ۶ | ۱۱ | ۱۶ |
| ۷ | ۲۰ | ۱۳ | ۱۰ |
| ۱۴ | ۹ | ۸ | ۱۹ |

نوع دیگر برای گشادن بول خواه مرد خواه حیوان باشد این طلسم را بر چهار دست و پا بنویسد بولش گشاده گردد اینست عطست بر پای راست عطوساد بر پای چپ عطش چون بول روان شود نقوش را محو کند مجرب است عزیز باید داشت و از گوشش اینکه ببر کس باید داند

نوع دیگر برای بردهٔ گریخته این نقش معظم نوشته بساعت سعد بدرخت کلان
بمقام بلند ببندد که باد او را بجنباند و اگر سمت گریختن معلوم بود روی نقش بهمان
سمت کند انشاء الله تعالی گریخته زود برگردد نقش مکرم معظم اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۹ | ۲۵۲ | ۲۵۷ | ۲۴۲ |
| ۲۵۶ | ۲۴۳ | ۲۴۸ | ۲۵۳ |
| ۲۴۴ | ۲۵۹ | ۲۵۰ | ۲۴۷ |
| ۲۵۱ | ۲۴۶ | ۲۴۵ | ۲۵۸ |

نوع دیگر برای بردهٔ گریخته این نقش را نوشته بر چرخ ببندد
و منقلب گردش گریخته سرگردان شده باز آید نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۵۹ | ۲۶۲ | ۲۶۷ | ۲۵۲ |
| ۲۶۶ | ۲۵۳ | ۲۵۸ | ۲۶۳ |
| ۳۵۴ | ۲۶۹ | ۲۶۰ | ۲۵۷ |
| ۲۶۱ | ۲۵۶ | ۲۵۵ | ۲۶۸ |

نوع دیگر برای بردهٔ گریخته این نقش معظم را نوشته در چاه بیندازد چون
نقش گداخته شود گریخته بیقرار گردد و زود بسمت خانه منعطف گردد و باید
که آمدن او نقش در چاه انداخته باشد در پشت صفحه است

نوع دیگر این نقش را برای دفع جمو گر بنویسد و در گلوی کودک ببندد بتجربت انشاء الله تعالی مرض مذکور دفع خواهد شد نقش این

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۷ | و |
| ۶ | دع | د |
| ۸ | س | ۴ |
| دست | ۲ | ع |

نوع دیگر هر کس را ناف رفته باشد این نقش هم را نوشته در کمر ببندد ناف رفته اش برای خویش آید نقش این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳ | ۹ | ع | ع |
| ۱۵ | ع | بدد | ۴ |
| ۱۷ | رد | صرع | ۱۲ ۳ |
| بر | ۱۸ | الا | علی |

نوع دیگر برای خرید و فروخت و اجرای دکان بروز قمر یا شمس خواه مشتری خواه زهره قبل از طلوع آفتاب این نقش را بنویسد و در دکان خود بدارد البته انشاء الله تعالی خرید و فروخت آن دکان بسیار شود نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| د | ج | ب | ۰ |
| ی | ا | و | د |
| ۴ | ۵ | حد | د |

نوع دیگر

برای درد گلو و اماس گلو این نقش را نوشته بجای اماس ببندد انشاء الله که درد و ورم موقوف شود اینست

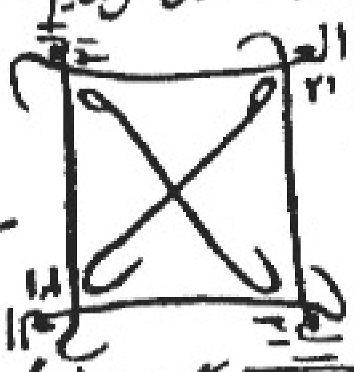
۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۲۷ | ۱۳۰ | ۱۳۴ | ۱۲۰ |
| ۱۳۳ | ۱۲۱ | ۱۲۶ | ۱۳۱ |
| ۱۲۲ | ۱۳۶ | ۱۲۸ | ۱۲۵ |
| ۱۲۹ | ۱۲۴ | ۱۲۳ | ۱۳۵ |

| | |
|---|---|
| سوطل | وطل |
| وطل | موطیل |

نوع دیگر برای استحکام حمل و دفع درد شکم حامله را برای خون حامله را بسته کردن باید که بر برگ تنبول این طلسم را نوشته برای خوردن دهد

انشاء الله تعالی حمل قایم ماند اینست




نوع دیگر اگر بچه شیر نخورد این آیه شریفه نوشته در گلویش ببندند انشاء الله تعالی شیر خواهد خورد اینست آیه شریفه اِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى اصوامانا هوبا اثرهونا اهيا اشراهيا

نوع دیگر برای دفع گلو درد این طلسم را بنویسد و بر موضع درد ببندد انشاء الله تعالی تصور دردی نشود اینست




نوع دیگر برای محبت وعشق بر نعل اسپ برنگ نوشته در آتش بنهد انشاء الله تعالی مطلوب بیقرار شده طلسم این است

| |
|---|
| اللهم احرقت قلب فلان بن فلان علی حب فلان بنت فلان حاضر شده مسخر گردد |

نوع دیگر اگر این نقش که از اعداد سوره الم نشرح است بنویسد برای درد جگر بر روز شسته بر مریض بنوشانند بفضل الٰهی جل شانه شفا یابد و اگر الم نشرح را بر آب یا بر برگ تنبول دم کرده بر مریض بخوانند شفا یابد نقش اینست فافهم

نوع دیگر اگر کسی در دکان جهتیات یا خبثیات سنگ انداخته باشد باید که این نقش در دکان خود در دکان آن محجوب بسته بلند سازد خریدار آمدن موقوف خواهند بخوبت شفا

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۹۸ | ۴۰۱ | ۴۰۵ | ۳۹۱ |
| ۴۰۴ | ۳۹۲ | ۳۹۷ | ۴۰۲ |
| ۳۹۳ | ۴۰۷ | ۳۹۹ | ۳۹۶ |
| ۴۰۰ | ۳۹۵ | ۳۹۴ | ۴۰۶ |

۲۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۰ | ۱۳ | ۱ |
| ۳ | ۱۵ | ۸ | ۶ |
| ۹ | ۵ | ۴ | ۱۴ |

نوع دیگر این نقش را از اعداد اسم الله که همین اسم اعظم است و اگر این نقش را بلک و عبید و بجز از نوشته در آرد گندم گولی بسته بدریا برساند عامل نقش معظم گردد و پس هر کاری که نویسد بیشک نیز بهدف باید و اگر برای دریافت مقصد نزد حل نشده در بالین نهاده بخسبد جواب هر سؤال از غیب در خواب باید خطا ندارد مجرب است این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶ | ۱۹ | ۲۲ | ۹ |
| ۲۱ | ۱۰ | ۱۵ | ۲۰ |
| ۱۱ | ۲۴ اینجا سوال خویش بنویسید | ۱۷ | ۱۴ |
| ۱۸ | ۱۳ | ۱۳ | ۲۳ |

نوع دیگر در باب زائیدن طفل بآسانی و سهولت بسرعت تمام تر این اسماء اصحاب کهف که هفت اسم از همه را بمضمونیکه نوشته ام در کمر زن ببندد فی الفور بچه از شکم بیرون آید چون خلاص شود تعویذ را باز نموده این اسما در گلوی بچه ببندد که طفل از هر بلا محفوظ ماند این است

آلهی بحرمت تملیخا مکسلمینا کشفوططیونس ازرفطیونس یوانس بوس

نوع دیگر اگر مرد را سرعت انزال باشد اینعمل بکار آید که این نقش را در کسوف قمر خواه شمس در آب تا کمر استاده بنویسد خواه بر تختی نشسته بکند و بر پشت خویش ببندد و منزل نشود و چون بر ناف نقش را آرد انزال خواهد شد نقش معظم این است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۳۶۶ | ۲۰۲۶۰۲ | ۲۷۵ |
| ۳۲۵ | ۳۳۰۱ | ۲۵۲ |
| ۲۴۷ | ۴ | ۲۷۶ |

نوع دیگر اگر خواهد مرد دیگر بر زن قادر نشود باید که این مهر در حین قمر در عقرب در میان آب تا کمر استاده بر نشان کرده بیاید و بعد از آن آنرا بکند پس بر فرج هر عورت که مهر کند بسته گردد و لیکن از زوج خود منزل نشود و چون خواهد بگشاید این مهر را رخش سندیل کرده بجانی دیگر مهر کند یعنی اگر اول

میر منور علی صاحب است و آزموده است اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| بسگ بخوراند | بگربه بخوراند | بسگ بخوراند | بگربه بخوراند |
| مجس | محصلب | علیه | وهلاء |
| بسگ بخوراند | بگربه بخوراند | بسگ بخوراند | بگربه بخوراند |
| هوکار | سطرون | باهی اا | محار |
| بسگ بدهد | بگربه بدهد | بسگ بدهد | بگربه بدهد |
| مها | سرافقا | سسهه | محلسا |
| سگ را بدهد | | | گربه را بدهد |
| | محلو | مسلسع | |

نوع دیگر نقش جدا بروش و طرز دیگر بمزاج بادی ارباب بغض و نفاق مجرب اگر درمیان دو کس یا دو خانمان یا چند کسان جدائی و نفاق منظور باشد این نقش را در کاغذ بنویسد مع اسم گرداگرد او و در گور کهنه دفن کند بیشک جدائی افتد مجرب عنایت فرموده میر منور علی صاحب است

| یافتاد | یافتاد | یافتاد |
|---|---|---|
| ۶ | ۷ | ۲ |
| ۱ | ۵ | ۹ |
| ۸ | ۳ | ۴ |
| ابجهزط | بهزط | ابجهزط |

[illegible]

ونقش دیگر بروش ثانی بنویسد و گرداگرد آن بدین طریق بنویسد تمام زیر نشستن

در ضرور اما نقش بروش دیگر بنویسیم عبارت طالب بگرداد و حسب دستور بنویسید
انیست پس مثل نقش اول عبارت بگرد نقش ثانی هم بنویسید

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۴ | ۳ | ۸ |
| ۹ | ۵ | ۱ |
| ۲ | ۷ | ۶ |

**نوع دیگر عمل نقش مجرب عطیه بزرگی قاسم علی شاه**
معرفت میان آلهی بخش پیر سیده در باره اعدا داد ان
و هلاک نمودن دشمن تیر بهدف نشست باید کرد بی
در خروج ماه عدد آیه معظم و مکرم و فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم
عذاب الیم و عدد اسم آن کس که با وی خصومت دارد و برآورده در مربع پر کند و عدو را
بیمار داشتن منظور دارد و نقش مذکور الذکر را از خانه ششم پر کند و اگر هلاکت عدو را
منظور باشد از خانه هشتم پر کند و در گور کهنه دفن کند اما بروز سه شنبه باشد و خود از
همان روز آیه موصوفه را بقدر تعداد عدد برآورده بخواند بوقت نصف النهار انشاء الله
تعالی در عرصه چهل روز عدو بیمار شود یا هلاک گردد مجرب است عدد آیه مذکور چهار هزار
سی دو عدد و عدد اسم دشمن در آن وقت هرچه باشد در آن اعداد ادغام کند
و نقش مربع پر کند چنانچه مثال آنرا مینویسیم تا بفهم نزدیک باشد اینست
عدد آیه مذکوره ۴۰۳۲ عدد اسم فدا حسین
حصه چهارم ۱۰۵۳ کسر ۳ نقش آن

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۰۵۸ | ۱۰۵۶ | ۱۰۶۸ | ۱۰۶۳ |
| از این خانه هلاکت ۱۰۶۴ | ۱۰۶۷ | از این خانه برای بیماری ۱۰۵۳ | ۱۰۶۱ |
| ۱۰۵۴ | ۱۰۶۰ | ۱۰۶۵ | ۱۰۶۶ |
| ۱۰۶۹ | ۱۰۶۲ | ۱۰۵۹ | ۱۰۵۵ |

پس از هر خانه اعداد ادغام شود سه هزار و هفتصد و پنج درست آمد همین طور
نقش پر کند و آنچه اعداد از ادغام کردن اسم عدو در آید حاصل شوند مقدار
آیه بخواند و اگر فرصت و وقت نداشته باشد مبتدا اسم عدو بخواند نیز بقدر هم بود

و بعد و صرف بیمار خواهد شد
نوع دیگر اگر خواهد که از نظر دشمن محفوظ ماند باید که این نقوش را بدین صورت
بنویسد که بر نقش بجانب پشت از نقش دیگر بنویسد و بر بازوی راست بسته
هر جا که خواهد برود از فضل ستار العیوب از نظر دشمن محفوظ ماند این
نقش تجربه نموده میرزا مغل صاحب اند و آزموده دیگر اشخاص هم اند و اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۸۵ | ۹۸۸ | ۹۹۲ | ۹۷۸ |
| ۹۹۱ | ۹۷۹ | ۹۸۴ | ۹۸۹ |
| ۹۸۰ | ۹۹۴ | ۹۸۶ | ۹۸۳ |
| ۹۸۷ | ۹۸۲ | ۹۸۱ | ۹۹۳ |

و نقش دیگر بر پشت این نقش بنویسد چنانچه پشت اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۸۷ | ۱۹۰ | ۱۹۴ | ۱۸۰ |
| ۱۹۳ | ۱۸۱ | ۱۸۶ | ۱۹۱ |
| ۱۸۲ | ۱۹۶ | ۱۸۸ | ۱۸۵ |
| ۱۸۹ | ۱۸۴ | ۱۸۳ | ۱۹۵ |

نوع دیگر برای افزودن شیر زن این نقش معظم نوشته
سرا ایام بخواند از فضل الهی شیرش زیاد شود اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴۶۷ | ۱۴۷۱ | ۱۴۷۴ | ۱۴۶۰ |
| ۱۴۷۳ | ۱۴۶۱ | ۱۴۶۶ | ۱۴۷۲ |
| ۱۴۶۲ | ۱۴۷۶ | ۱۴۶۹ | ۱۴۶۵ |
| ۱۴۷۰ | ۱۴۶۴ | ۱۴۶۳ | ۱۴۷۵ |

# باب چهارم در باب عزیمت دفع اسیب واحضار و حصار و فتیلهای مجرب وغیره امکت

آنچه که طالب دراین امر طلب کند دراین باب تلاش کند و بسیار عملیات و فتیلها و آیات از جابجای بهم رسانیده مجرب نوشته ایم یقین است که اگر در تمام کتب ازین اعمال جمع کند ازاین باب بیرون نباشد امید که ازاین کتاب بهره یافت عاصی مصنف کتاب را بدعای خیر یاد نمایند چنانچه ابتدای این باب از حصار کرده ام که در حاضرات کردن بروقت عمل خواندن آنچه که اول کرده شوند حصار گرد خود کنند اینست حصار که در هر عمل بکار آید باید که این حصار را حفظ کند و چهل هزار مرتبه در یک چله بخواند و پرهیز از خوردن گوشت بز و گوشت ماهی بکند پس عامل حصار خواهد شد هرگاه که برای خواندن و دادن زکوة نشیند حصار گرد خود بکند و در هر مقام خطرناک و هر جلسه خوفناک و رفتن روبروی پادشاه ظالم و امیر جابر و در جنگ و جدول هم مفید است حصار کرده برود انشاء الله تعالی فتحیاب گردد و هیچ خطرات او را نرسد و هر روزه هر صبح بعد نماز یکبار خود دم کرده باشد از هر بلا محفوظ و این حصار عنایت فرموده میر تمیز علی صاحب ساکن کونن جیسر است و مجربست عزیز باید داشت و حفظ باید نمود این است

بسم الله الرحمن الرحیم پیش محمد ﷺ پس علی ع دست راست امام حسن ع و دست چپ امام حسین ع کلید داود ع قفل سلیمان پیغمبر نگهبان ذات پاک لا اله الا الله محمد رسول الله یا حافظ یا حفیظ یا ناصر یا نصیر یا رقیب یا وکیل یا الله یا الله علیماً ملیقاً خالقاً مخلوقاً کافعاً شافعاً مرتضی بحق یا بدوح وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین صالالوسا درضان دود عوه رد بلیند دود خال الیعب بحق محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم کهلا کهلا ادم ادم ادم ترحم عقد عقدتم هو فیس یا الله کو سلیمان بن داود ع ۵ ۵ ۵ ۵ ۵ ۵

| | | | |
|---|---|---|---|
| بند شو | بند شو | بند شو | |

حصار درود وصلوة منجیا از هزار حصار بهتر که در هر جلسه و هر وظیفه و در هر دعوت

وسوخته گردد و دفع گردد وزود زود زود زود

ﮬ ۏ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ ﮬ ﻣ

نوع دیگر فتیله عنایت بزرگی مجرب معرفت میان الهی بخش صاحب درست آمده است باید که این علامت را بر کاغذ سپید طاهر نوشته بدهد که نظر بجای عطر کند پس اگر آسیب در حقیقت در وجود آن هست بیشک بر سرش خواهد آمد و حاضر شده کلام خواهد کرد و دفع خواهد شد و عامل را باید حصار گرد خود و بر خود کند و در این امورات هرگز هرگز خوف را بر خاطر خویش راه ندهد و نترسد و نیاز موکلات و گلهای خوشبو دار آنچه که آن مریض را ممکن است طلب نموده پیش خود نهاده نیاز اول جناب رسالت مآب پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم رسیده و فتیله بدست

مریض داده چون آسیب بر سرش

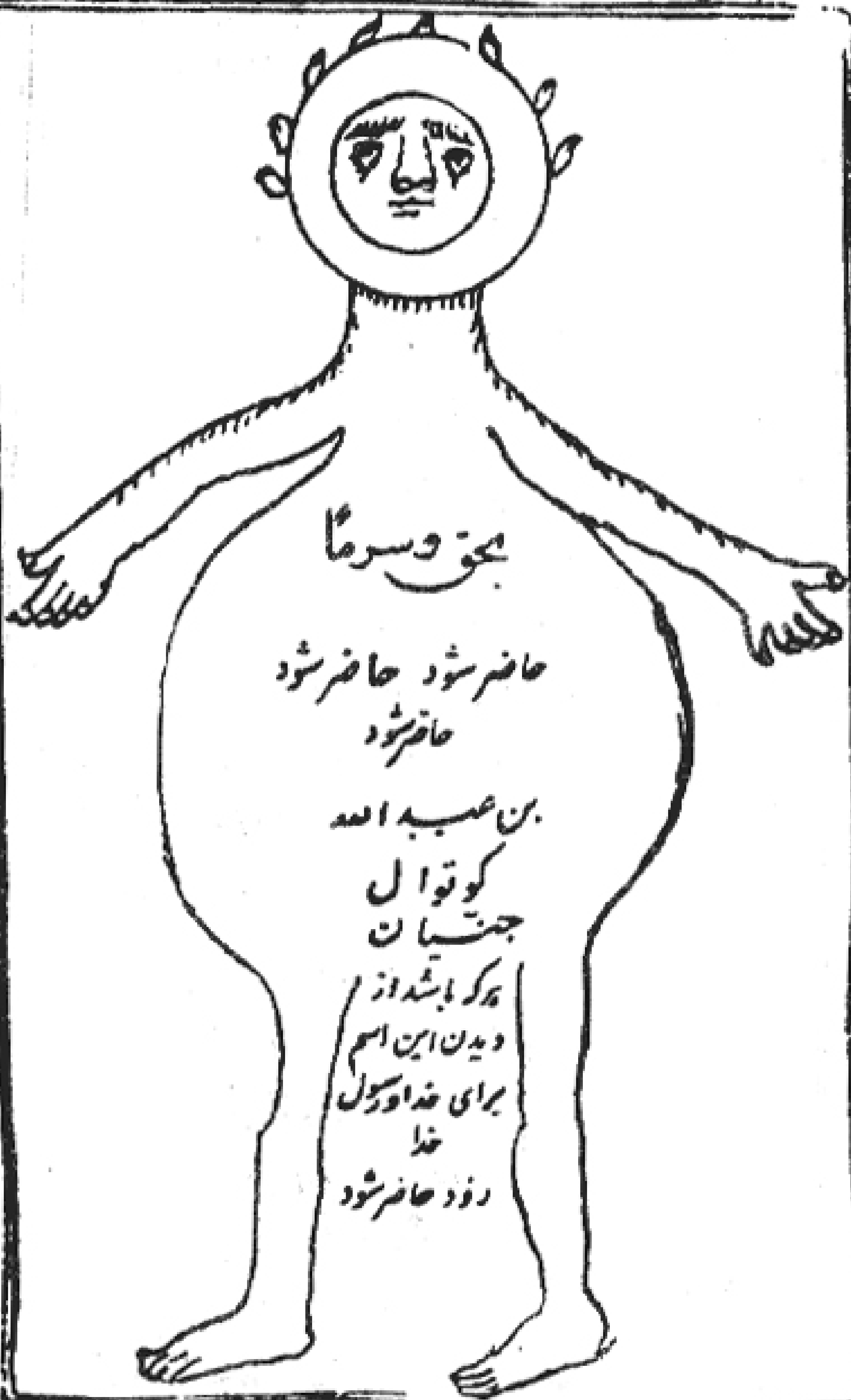
حاضر آید حصار مستحکم ابرسا

سیر سا را آنچه نوشته ام

و با هر چهار قل و آیه

مذکوره بالا گرد

او گرد دهد تا آسیب گریختن نتواند بعد از آن از او قول و قرار گیرد اگر رها کردن آسیب منظور باشد اجازت رفتن دهد و علامت این است


بحق وسرمّا
حاضر شود حاضر شود
حاضر شود
بن عبد الله
کوتوال
جنیات
هرکه باشد از
دیدن این اسم
برای خدا و رسول
خدا
زود حاضر شود

فتیلہ جو حاضرات عنایت فرمودہ پیرزادہ دولی اولاد حضرت شاہ عبدالحق قدس سرہ العزیز مجرب و آزمودہ کہ این حاضرات با پیرزادہ ممدوح حاکم مطلق بودند بعنایت باطنی باین نحیف بخشیدند و اکثر در تجربہ فقیر ہم آمدہ است باید کہ اول این نقش را بر چراغ نو بنویسد بعد فتیلہ کہ ہمراہ این چراغ است باید نوشت نقش چراغ اینست فافہم

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۹ | ۳۴۳ | ۳۴۶ | ۳۳۲ |
| ۳۴۵ | ۳۳۳ | ۳۳۸ | ۳۴۴ |
| ۳۳۴ | ۳۴۸ | ۳۴۱ | ۳۳۷ |
| ۳۴۲ | ۳۳۶ | ۳۳۵ | ۳۴۷ |

امہ ہہ ہمعی اشرہیا اہیا اہیا

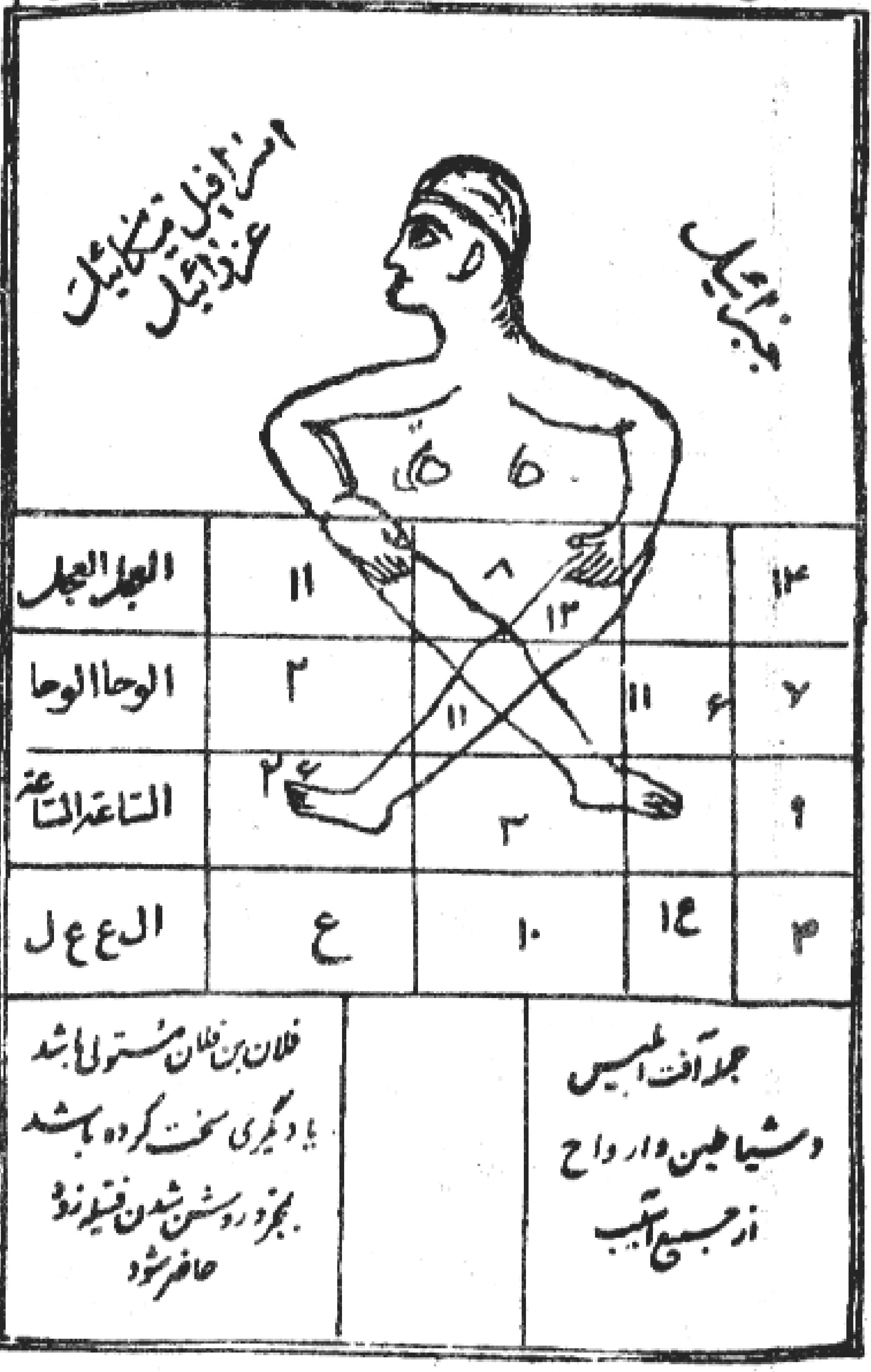
ہر بلا و آسیبی و غیرہ کہ در وجود فلان بن فلان مستول

شدہ باشد یا دیگری سخت کنانیدہ باشد بمجرد روشن شدن بحرمت نقش معظم و مکرم در چراغ در آید و نماید و خاکستر شود بحق

کہیعص کہیعص حمعسق

پس بعد نوشتن چراغ این فتیلہ را

بر کاغذ بنویسد فتیلہ اینست


اسرافیل میکائیل
عزرائیل
جبرائیل
العجل العجل
۱۱
۸
۱۳
۱۴
الوحا الوحا
۲
۱۱
۱۱
۶
۷
الساعة الساعة
۳
۹
ال ع ع ل
ع
۱۰
۱۴
۴
فلان بن فلان مستولی باشد
یا دیگری سخت کرده باشد
بمجرد روشن شدن فتیله نزد
حاضر شود
جمله آفت ابلیس
و شیاطین و ارواح
از جسم آسیب

چون فتیله نوشته تیار کند سه شاخ از درخت انار طلبیده و زمین را از گل
پاک ساخته بخورات مهیا نموده بسوزاند و آنچه شیرینی وغیره باشد بر آن
نیاز حضرت غوث الاعظم قدس سره داده اگر مریض قابل غسل دادن
باشد غسل دهانیده پارچه پاک پوشانیده عطریات مالیده حصار
گرداگرد چراغ که نوشته است شاخ انار را بطور تکئی بسته بر آن
چراغ داشته فتیله را در روغن خوشبودار روشن کند و همان عزیمت
که تعویذ نوشته است خواندن شروع کند و بر ماش دم کرده بر
مریض ماش را بزند انشاء الله تعالی زود بر سر مریض آسیب بسیار
سخت هیاشد باید که بروز دوم هم این حاضرات بکند موکلان

او را بسته عامل حاضر کند اگر در مزاج
عامل آید بسوزاند یا قید
کند یا اقرار گرفته رها
کند اختیار دارد

والله اعلم بالصواب

فتیله چندکه از هر فرد بزرگ با جن بحفیظ رسیده و بر کار در مقدمه آسیب زده خوف خورده دود دادن
جنی آسیب نفع ده در چراغ بر روغن تلخ و شیرین روشن کند در مقدمه آسیب زده و خبیثه و جنیان
وغیره بهمه کار می‌آید و می‌باید که در هر مکتب فتیله بخورات هر قدر که میسر شود پیش فتیله دارد و خواهد
بر سر مریض آسیب را بطلبد خواه در روشنی فتیله طلب کند و هر نوع که حکم خواهد کرد بعمل خواهند آورد
تجربه است و این فقیر این فتیله را آبیاری تلاش و سعی فراوان بمشقت با پایان بهم رسانیده
عزیز یافته داشت و دیگر اینکه اگر شوق عملیات داشته باشی از کسی استاد کامل شاگردی اختیار
کرده از او اجازت گرفته بسیار احتیاط نموده بر آن کار دست انداز شود زیرا که اگر قدری
بترکیب نوشته فرق خواهد افتاد یا در چله کشی پرهیز وغیره سهو کند هم جان در

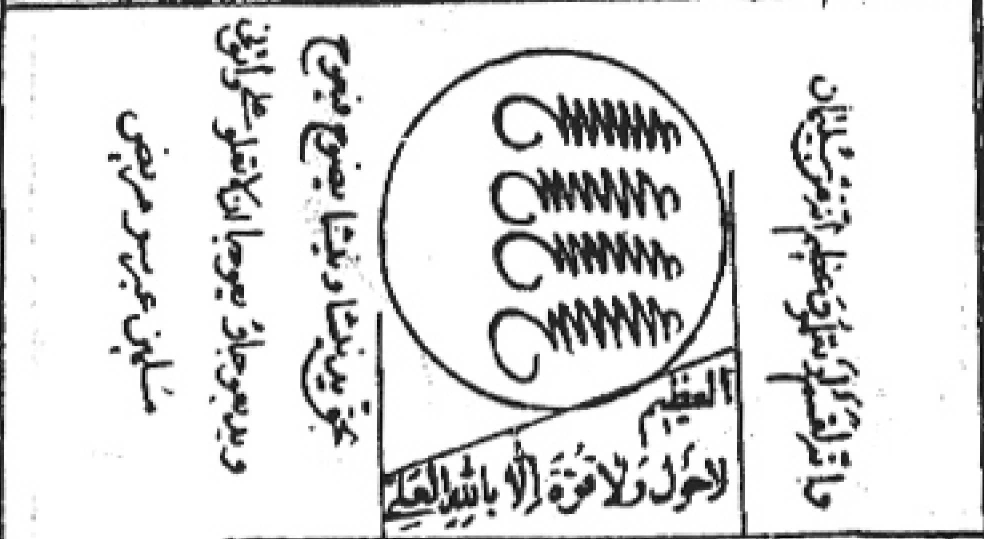
دیوانگی است پس احتیاط لازم است فتیله این اند




| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ح | عا | ٥ | ٢ | ص |
| ص | و | ٩ع | و | ح |
| ے | ح | ص | ٢ | و |
| ے | م | ے | ٣ | عا |



| | | |
|---|---|---|
| ۴ | ۹ | ۲ |
| ۳ | ۵ | ۷ |
| ۸ | ۱ | ۶ |




یا خادم هذا البطش تنبا انت التبع لا یطاق

انتقام حاضر شود البرق الخاطف ، تند برق بسرعت آسیب

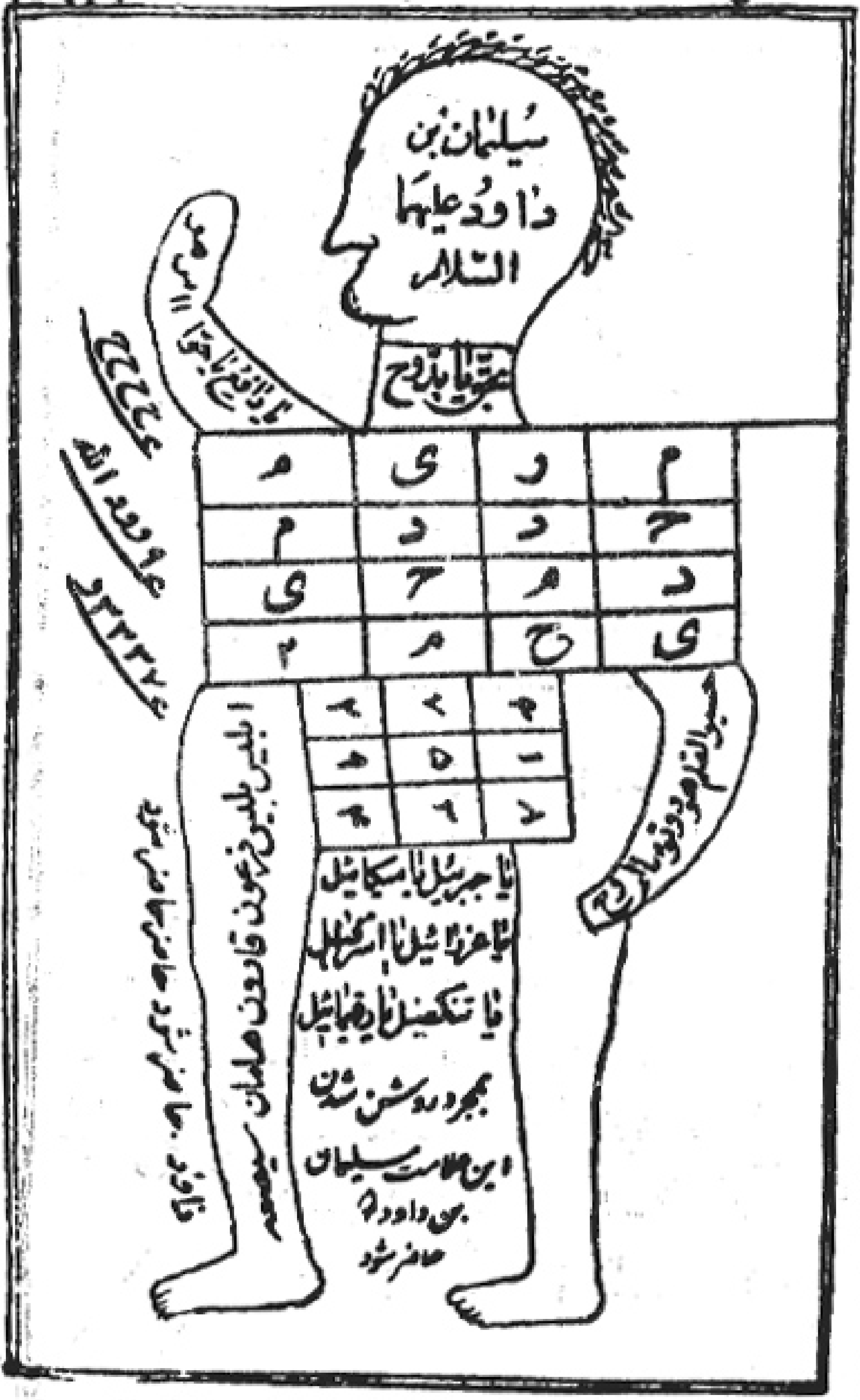
| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۶ | ۹ | ۱۶ | ۳ |
| ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |

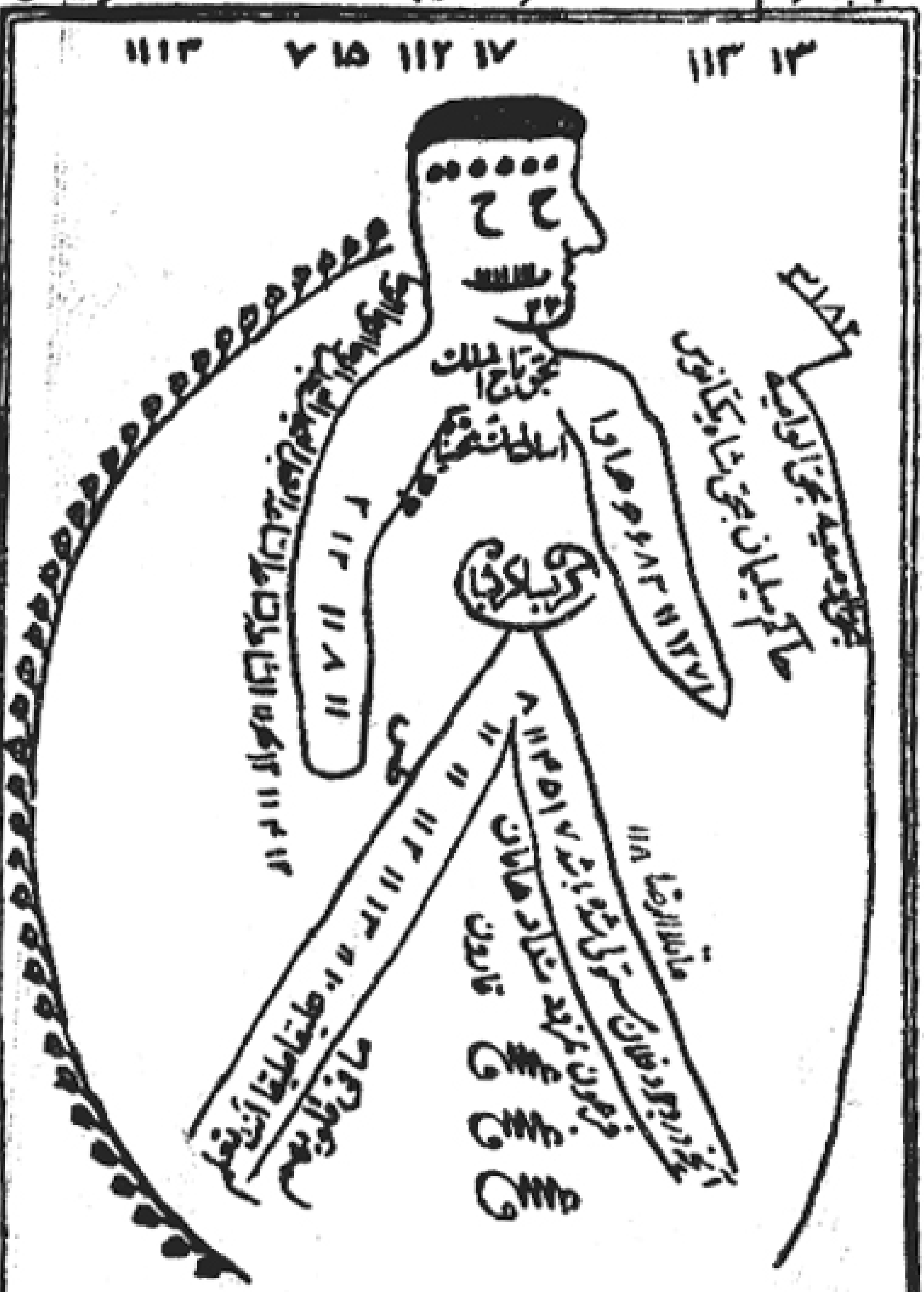
حان وتا ب س م
الاح ی م

| | | |
|---|---|---|
| ۳ | ۱۱ | ۶ |
| ۹ | ۷ | ۴ |
| ۸ | ۲ | ۱۰ |

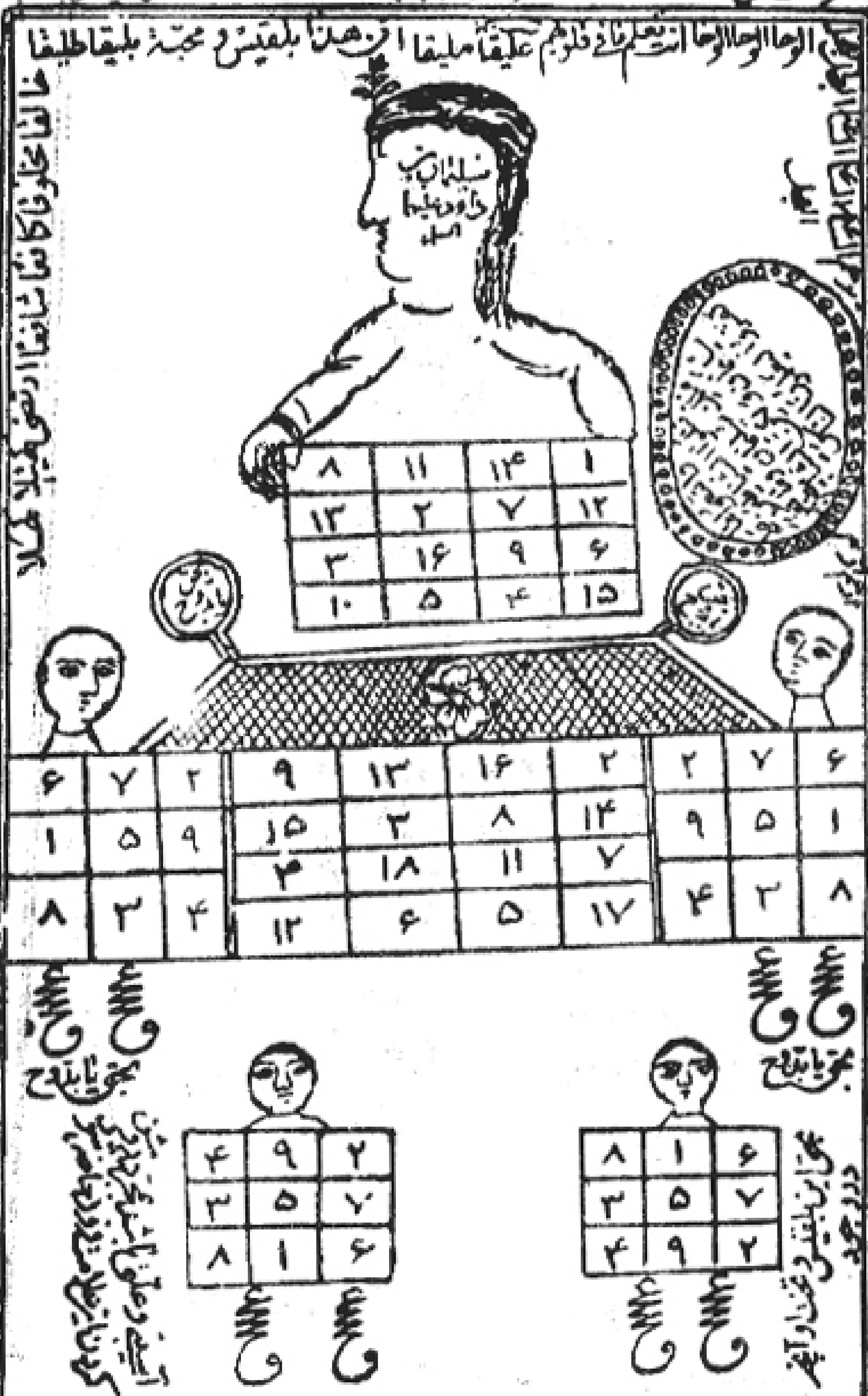
ال ع د ح
ا ۱ ن ل

العفريت من الجن


سلیمان بن
داود علیهما
السلام
یا جبرئیل یا میکائیل
یا عزرائیل یا اسرافیل
حاضر شود




در این طلسم بدود حاضر شود و حکم حاکم بر او باشد


۸ ۱۱ ۱۴ ۱
۱۳ ۲ ۷ ۱۲
۳ ۱۶ ۹ ۶
۱۰ ۵ ۴ ۱۵
۶ ۷ ۲
۱ ۵ ۹
۸ ۳ ۴
۹ ۱۳ ۱۶ ۲
۱۵ ۳ ۸ ۱۴
۴ ۱۸ ۱۱ ۷
۱۲ ۶ ۵ ۱۷
۲ ۷ ۶
۹ ۵ ۱
۴ ۳ ۸
۴ ۹ ۲
۳ ۵ ۷
۸ ۱ ۶
۸ ۱ ۶
۳ ۵ ۷
۴ ۹ ۲



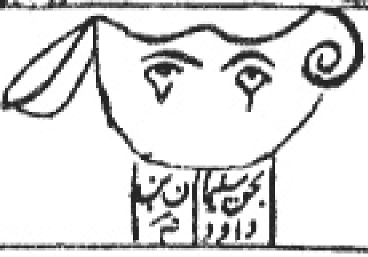
| | | | |
|---|---|---|---|
| ٨ | ١١ | ١٤ | ١ |
| ١٣ | ٢ | ٧ | ١٢ |
| ٣ | ١٦ | ٩ | ٦ |
| ١٠ | ٥ | ٤ | ١٥ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١٦٧٩ | ١٦٨٣ | ١٦٨٦ | ١٦٧٢ |
| ١٦٨٥ | ١٦٧٣ | ١٦٧٨ | ١٦٨٤ |
| ١٦٧٤ | ١٦٨٨ | ١٦٨١ | ١٦٧٧ |
| ١٦٨٢ | ١٦٧٦ | ١٦٧٥ | ١٦٨٧ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١٥ | ٢ | ٥ | ١٠ |
| ٤ | ٦ | ١٤ | ٢ |
| ١٣ | ٨ | ٢ | ١٣ |
| ١ | ١٤ | ١١ | ٧ |



بحق
البراق
یا بدوح
بحق میکائیل
بحق جبرائیل
یا بدوح
یا بدوح
یا بدوح
بحق پادشاه
یکتانوس
بحق پادشاه سلیمان
نمرود
شداد
قارون لعین
لعین و هر دود
هامان لعین
فرعون لعین
لعین صنفو
ابوجهل لعین
جالوت لعین
خبیث لعین
سقیانوس لعین
بحق آصف برخیا
هر بلائی و هر نظری که در وجود
فلان بن فلان و هر آسیبی و هر
دیوی و هر پری و چڑیل و هر شئی
که در وجود فلان بن فلان داخل کرده
و مزاحمت رسانیده باشد



سالا سالو سارور نضائن ورد رجال الغیب

بحق یا بدوح علیقا ملیقا انت تعلم ما فی قلوبہم
ملیقا انا ظر ونہا علیقا ملیقا الوحا الوحا
الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا
حضرت برھنا الساعۃ
الساعۃ الساعۃ الساعۃ
الساعۃ الساعۃ
الساعۃ
الساعۃ

بن الصاد کرمود
یا مان حمود بن یمون شداد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ع | ص | س د | ا |
| ع۵ | ۶ | د | ۳ |
| ص | مع | ط | ۸ |
| هو | ۵ | د | ع |

مستولی شدہ باشد بمجرد روشن شدن
فتیلہ بحق مدا

بحق سلیمان بن داود ؑ

بحق یا بدوح و بحق آصف بن برخیا اصحاب سلیمان ؑ

یا رقاہ

یا ہائی

یا ہا ہا ئیل

بحق یا اسرافیل

بحق یا جبرائیل

بحق یا عزرائیل

فرعون

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۹۴ | ۴۹۷ | ۵۰۰ | ۴۸۶ |
| ۴۹۹ | ۴۸۷ | ۴۹۳ | ۴۹۸ |
| ۴۸۸ | ۵۰۲ | ۴۹۵ | ۴۹۲ |
| ۴۹۶ | ۴۹۱ | ۴۸۹ | ۵۰۱ |

نمرود — شداد — ہامان — جالوت

علیقا ملیقا طلیقا انت تعلم ما فی
قلوبہم
آنچہ در وجود فلان بن فلان یا فلان بنت فلان
الجنیس و جن و بھوت و دیو و پری باشد
در درد غن فتیلہ در آمدہ حاضر شود
و بسوزد

[illegible]

[illegible]

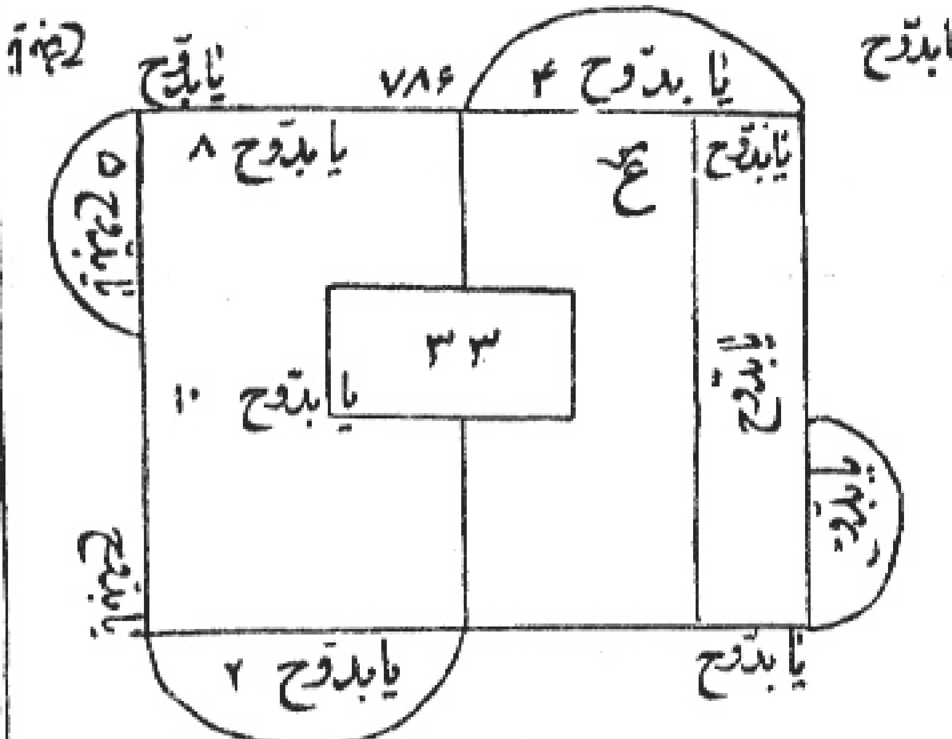
فتیله‌های ثانی — درباب آسیب‌زده عنایت فرموده میر جامی صاحب مجرب باید که این فتیله را نوشته و بر ریسمان نیلگون پیچیده باشند و باید که ریسمان یازده تار باشد پس یک سبوچه را سرنگون داشته بر آن گل تازه نهاده در چراغ نو فتیله انداخته بر آن گذاشته روشن کند و مریض را قریب نشانیده بگوید که نظر بر چراغ کند پس دفعتاً آسیب حاضر آید و کلام کند از او قول و اقرار نموده اگر خواهد او را قید کند یعنی فتیله روشن دارد آسیب سوخته گردد - اگر عامل پیش مریض نرود این فتیله نوشته بدهد که بدستور مذکور روشن کند و دو فتیله علی التواتر روشن کند در عرصه سه روز تا که در روغن شیرین خون پدید آید و هرگاه که خون پدید آید آسیب قتل شده و دیگر فتیله که بی صورتست اگر خواهد که آسیب مریض را زحمت میرساند و بر سرش بصورت مهیب حاضر آید و خود را بنماید همین نقوش اسماء مذکور نوشته در روغن شیرین ده بروغنش روشن یقین است که بسیار جلد بلایات فتیله خید و آن فتیله‌ها را چون روشن نهاده دارد و بلایات بسوزد و دفع شوند و مریض صحت یابد پس بعد صحت مریض حاضرات کند یعنی گلهای خوشبو دار و شیرینی آنچه ممکن بود از مریض طلب کرده و جای از گل پاک نموده مریض را غسل داده آنجا نشانیده بر شیرینی نیاز موکلان داده بطفلان و آنچه که ورثای مریض عامل را دهند شیر مادر است در صرف خود آرد او را حلالست باید که دانست که آنچه در حاضرات عامل را از مریض ممکن بود بی تامل در صرف خویش آرد الا در حرام نه اصراف کند و قدری نیاز موکلات ضرور است هر چه باشد این فتیله‌ها بسیار مجرب‌اند و از مودود میر صاحب موصوف اند عزیز باید داشت اگر بوقت نوشته این عمل خواهی نمود و نهار خواهی یافت و این فقیر حرف بطمع دعای خیر اینچنین نعمتها برای برادران ایمانی نوشته داد پس بمقتضای (محبت) هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بنده گنه کارم فتیله‌های مذکور آنچه که گفته ام ببیند فافهم

| | | | |
|---|---|---|---|
| فرعون لعین | ابلیس لعین مردود | ہامان لعین | ہواا |
| ابلیس ہمنا | | | عنت ہواا |




| | | | |
|---|---|---|---|
| ہواا | فرعون | ابلیس قارون | ہامان لعین |
| ہواا | ابلیس لعین | ہامان | فرعون |
| ابلیس لعین | فرعون | ہواا | ابلیس لعین |
| فرعون | ہامان لعین | ہواا | ابلیس لعین |
| ہواا | ابلیس لعین | فرعون لعین | ہامان لعین |

**عمل دیگر** در باب آسیب زده باید که این نقش را نوشته در زیر دندان مریض
بجانب چپ نهد آسیب بر سرش حاضر آید و کلام کند و اگر نیاید طرف راست
زیر دندان نهد بیشک آسیب حاضر آید و کلام کند قول و قسم گرفته دفع
کند و اگر زود فتیله این نوشته مع اسماء هر چهار موکلان روشن کند
آسیب بسوزد چنانچه نقش که برای زیر دندان نهادن گفته ام اینست خافهم



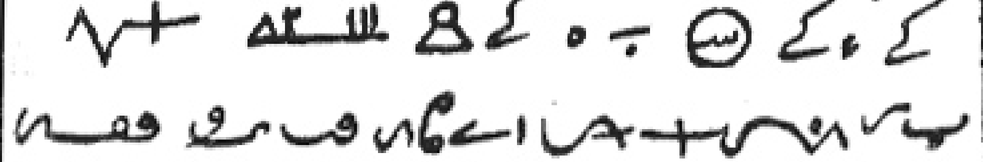

که گفته ام برای سوختن اینست بطریق مذکور روشن کند

ابلیس بوجهل هامان فرعون لعین قارون ملعون

شداد مردود نمرود ملعون

یا جبرائیل یا میکائیل
یا اسرافیل یا عزرائیل

عمل ثانی برای معروف نورتی برای دفع آسیب مجربست اگر
صحیح مطلق نوشته کرده بدهد که بروی مریض روشن کنند انشاء الله تعالی
آسیب دفع شود حروف اینست



فتیله دیگر از بزرگی کامل باین نحیف رسیده اول باید که وضو
بکند بعد از آن دو رکعت نماز ادا کند و جائی از گل نقره آراسته
کرده سوی فتیله روشن کند و مریض را بگوید که جانب چراغ
نظر کند و خود عامل بخواند حاضر شوید عینیان یا حضرت شیخ محی الدین
بعد با عبارت فتیله هذا که در او روشن میکند اینست بنوشت

در این فتیله و چراغ دان دیوان

چاریان و جعفریان دیات

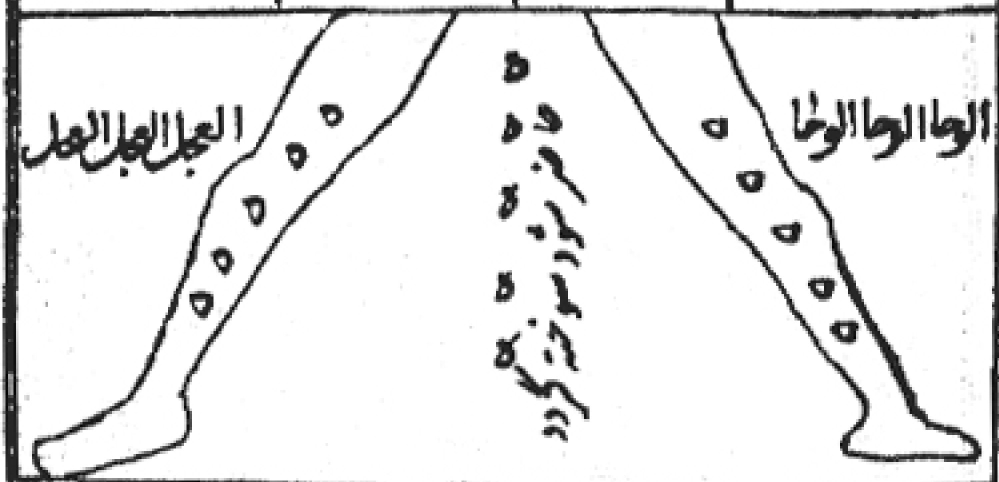
کافران و عورتان

و جوگیان

وکفاران بیابانی سار و سمر سرهان ماکیان جمیع سر شیطان شیاطین
فلان بن فلان مستولی شده است و در این فتیله و در این چراغدان آمده بسوزد
و خاکستر شود و زود بیاید نوشتن این عبارت فتیله بنویسد اینست




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | ۱ | ۸ | ۱۱ |
| ۷ | ۱۲ | ۱۳ | ۲ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۱۶ |
| عہ | ۱ع | ۱۰ | ع |



## عمل ثانی

درمقدمۂ آسیب وغیرہ ہرکہ این عزیمت را برخود نگاہ دارد یا درگلوی بچہ اندازد یا درگردن نابالغ اندازد از جادو آسیب دیو و پری و غیبت و گفتار ایمن باشد و ہیچ زیان او را گاہی نرسد عزیمت این است

ط ہ ۱۸۸۱ م ا ت ی ک اص ہ

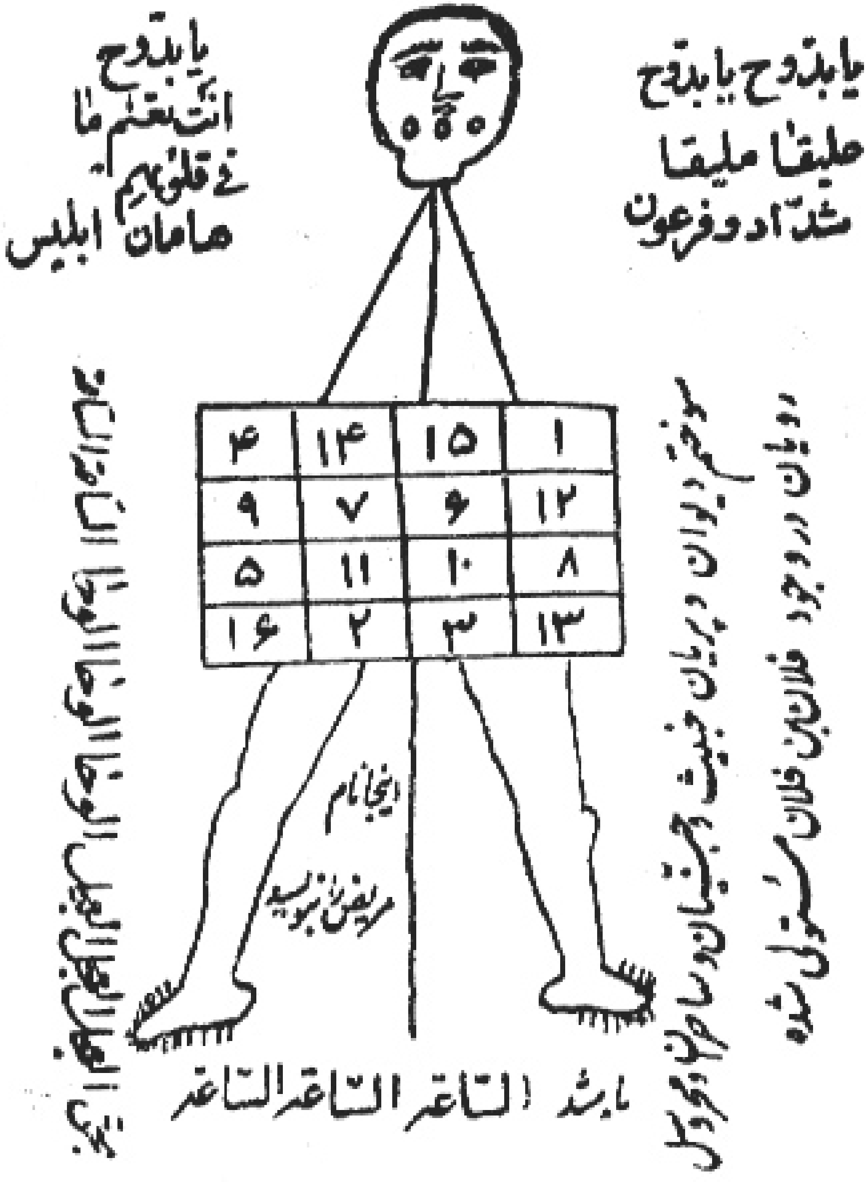
ح ۱۱۱ و ا م ھ ص لا ا ط ط د ا دیا حافظ

یا حیّ یا قیوم لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَیْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَكَّرُوْنَ اَللّٰھُمَّ اَشْفِ مِنَ الْبَلَاءِ لِصَاحِبِہٖ بِحَقِّ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا کہلا کہلا کہلا ارحم ارحم ترحم ترحم عقدتم عقدتم

فرقیس فرقیس العجل العجل

**نوع دیگر** فتیلہ از جانب حضرت قدس سرہ باید کہ این فتیلہ پیش مریض آسیب زدہ در چراغ نو روشن کند و در چراغ روغن تلخ بیندازد روغن خوشبودار کنجد بسوزد کہ شیرینی و نیاز حضرت ممدوح ممکن باشد بدہد بعد از آن فتیلہ روشن کند جن و دیو و پری و ہر بلائی کہ باشد دفع گردد و خود عامل در ہنگام روشنی فتیلہ این عزیمت بخواند

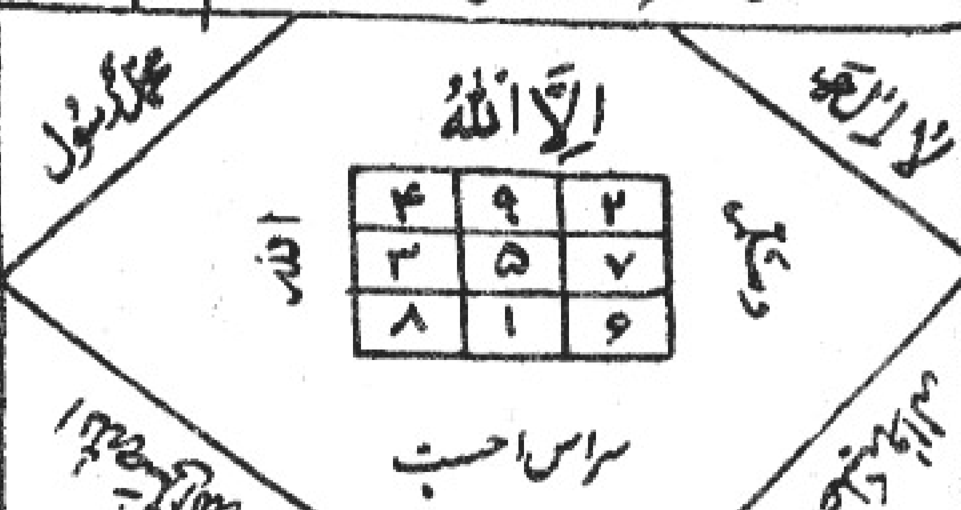
عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا عبد الصمد یا عبد الرحمن یا عبد
الواحد زود حاضر شوید حضرت شیخ محی الدین قدس سره این عزیمت دم کرده
میباشد بخواند و ما شما را بر مریض بزنند انشاء الله تعالی هر چه بر سرش
باشد در فتیله آمده بسوزد و خاکستر خواهد شد چنانچه فتیله کرد ذکرش فرموده
این است و عجیب است




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴ | ۱۴ | ۱۵ | ۱ |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۱۲ |
| ۵ | ۱۱ | ۱۰ | ۸ |
| ۱۶ | ۲ | ۳ | ۱۳ |

و ترکیب زکوٰة این عزیمت و در عمل آوردن اینست که در یک چله
گوشت ماهی را ترک کرده یک هزار و یکصد بار هر روز بیکوقت معین
نموده با خوشبوئیات و عنبر و بان هر چه میسر میخوانده باشد و بروز
آخری نیاز موکلات داده تمام کند پس عامل گردیده این اسماء که
فتیله هستند اسم موکلانند

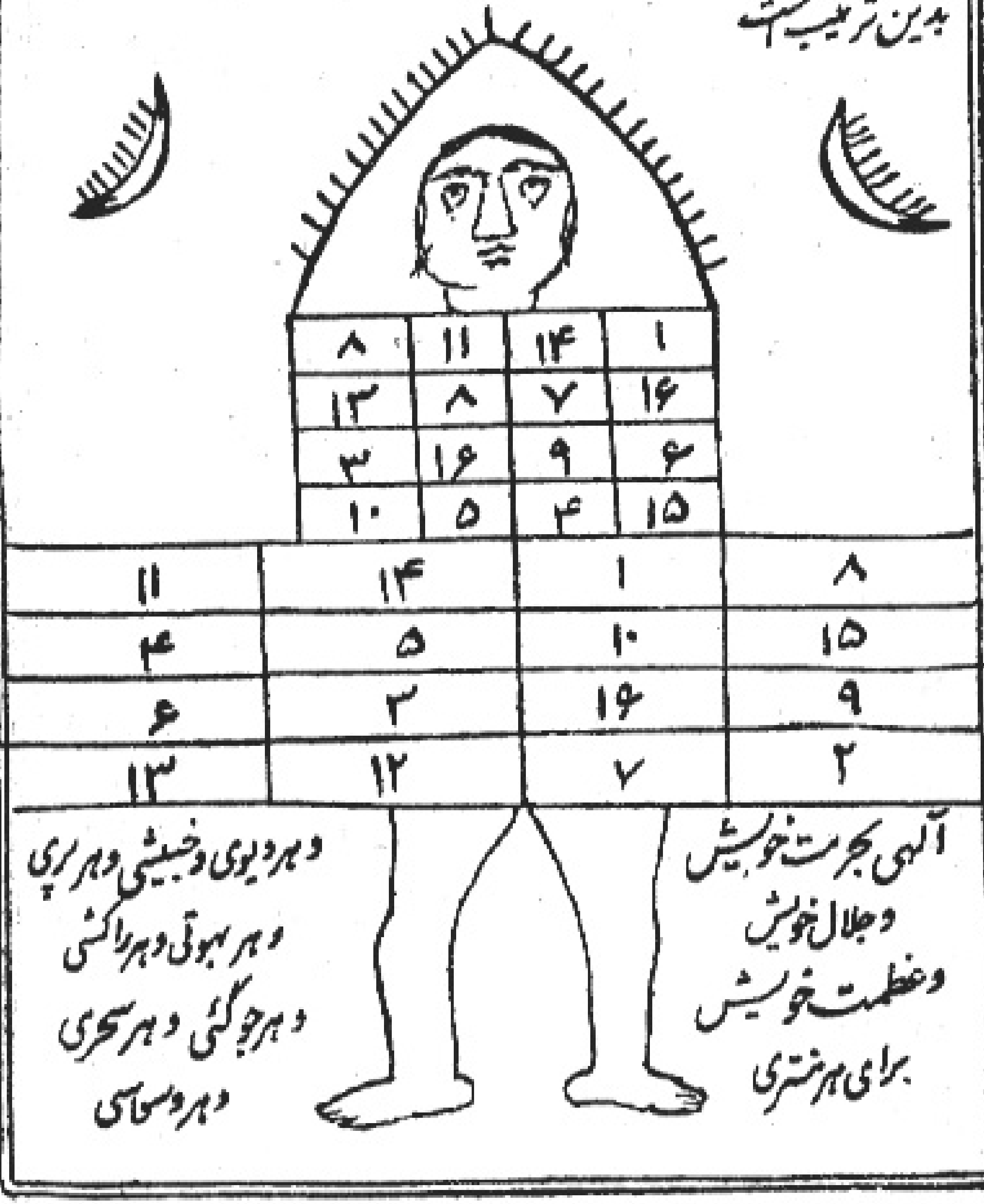
نوع دیگر برای دفع دیو و پری و مرگی و دفع ام الصبیان و
دفع مرض مهلکه که منسوب بجود کاسنت این علامت معظم بنویسد
و در گلوی مریض به بندد تا اثر آن مریض نیاید علامت معظم و مکرم اینست




| | | |
|---|---|---|
| ۴ | ۹ | ۲ |
| ۳ | ۵ | ۷ |
| ۸ | ۱ | ۶ |

نوع دیگر فتیله از حضرت غوث قدس سره العزیز باید که این فتیله
بنویسد و پنج روپیه چهار آنه یا هر قدر که میسر شود شیرینی طلبیده
با خوشبوئیات نیاز حضرت ممدوح دهد و فتیله را در پنبه پیچیده و مریض را
بجانب شمال و جنوب بخواباند و این فتیله را چهل و نه کرت از سر
تا قدم مریض بگردانیده در سفال نو نهاده بر روغن سرشف
انداخته روشن کند و اول گرد مریض چراغ آیة الکرسی و چهار قل

با آیہ ہای دیگر خواندہ اذکار و سندل کشد ہر جا کہ خطش تمام کنند استادہ
کند و فتیلہ روشن کند و مریض بجانب چپ چراغ نگاہ کند و دو سہ
کس دیگران بہ نیروز حصار برای نگہبانی مریض بنشنند تا در
چراغ مریض دست درازی و بی اعتدالی نکند بحول و قوت الٰہی
ہر بلائی کہ باشد سوختہ گردد و تمام عمر باز نیاید چنانچہ فتیلہ کہ ذکر رفت
بدین ترتیب ست




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۸ | ۷ | ۱۶ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |

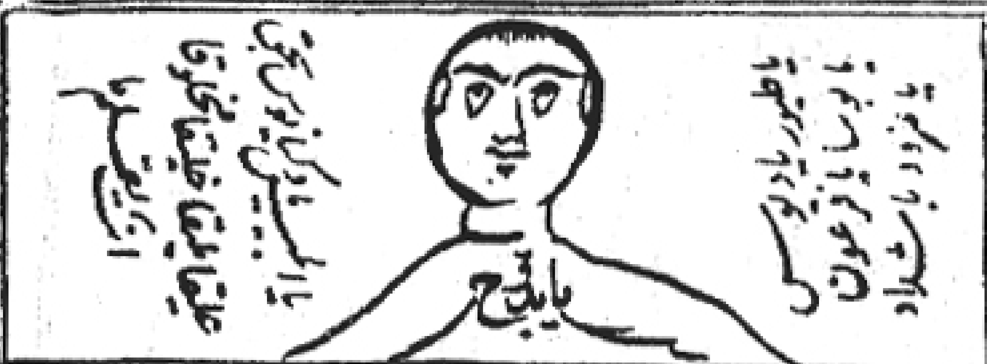
| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۱۴ | ۱ | ۸ |
| ۴ | ۵ | ۱۰ | ۱۵ |
| ۶ | ۳ | ۱۶ | ۹ |
| ۱۳ | ۱۲ | ۷ | ۲ |

وبهر باد و بهر بیماری وخون و سودا وام الصبیان که در وجود فلان بن
فلان سخت شده باشد یا دگیری سخت کرده باشد در این فتیله درگیرد
وبسوزد وبحرمت سلیمان بن داود و بحرمت این نامهای بزرگ
العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة
الوسواس الوسواس الوسواس علیها ملیقا وانت تعلم ما فی قلوبهم ملیقا
ا ن ل و ت ن ج ل ا ن ص ر ص ا ن ل د ر و ص ی ذ
س و س ی ی ذ ل ا س ا ن خ ل ا س ا و س
و ل ا د ش ن م س ا ن ل ا ه ل ا س ا ن ل ا ك
ل م س ا ن ل ا ب د و ع ا ل ق
وبهر تاثیر اسماء هذا اللعینان ابلیس شداد ثمود نمرود فرعون
هامان قارون وابوجهل وجمیع بلاء وامراض که در وجود فلان بن
فلان در این فتیله وچراغ درآوردم و سوزانیدم و دفع کردم بحرمت
آهیا اشراهیا اول کافور در تمام جسم مریض مالیده این فتیله بسوزد فقط

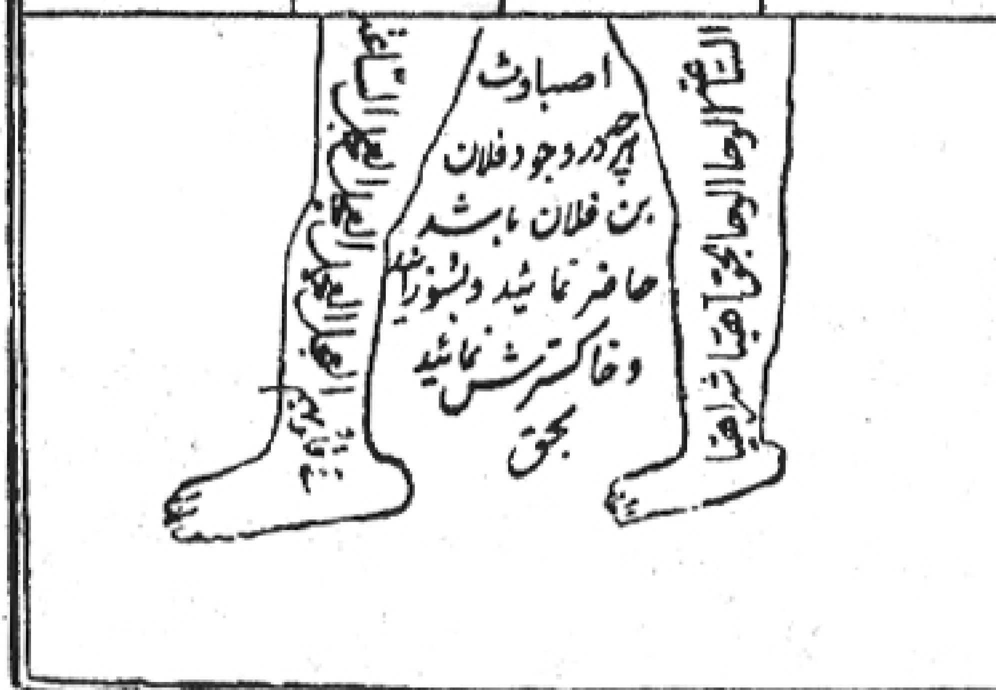
نوع دیگر قاعده حاضرات وفتیله مجرب وآزموده وعمل بزرگان
معروف باید که اول طفل اشرف که زیاده از دوازده سال نباشد غسل داده بروی
از گل پاک کند و بهر خوشبویات و شیرینی وغیره میسر آید بهم رساند و آن طفل را جای نزدیک
که نو باشد بنشاند و مریض اگر طاقت غسل دارد غسل دهد و جامه پاک بپوشاند
و نیاز جناب پیغمبر ص و حضرت غوث قدس سره داده و طفل و مریض هر دو را بنشا

بعد ازآن فتیله را باروغن تلخ روشن کند و طفل را بگوید که بجانب فتیله نظر بکند و عامل اول طفل و مریض و چراغ را این عزیمت بخواند و حصار بکشد عزیمت مذکور اینست

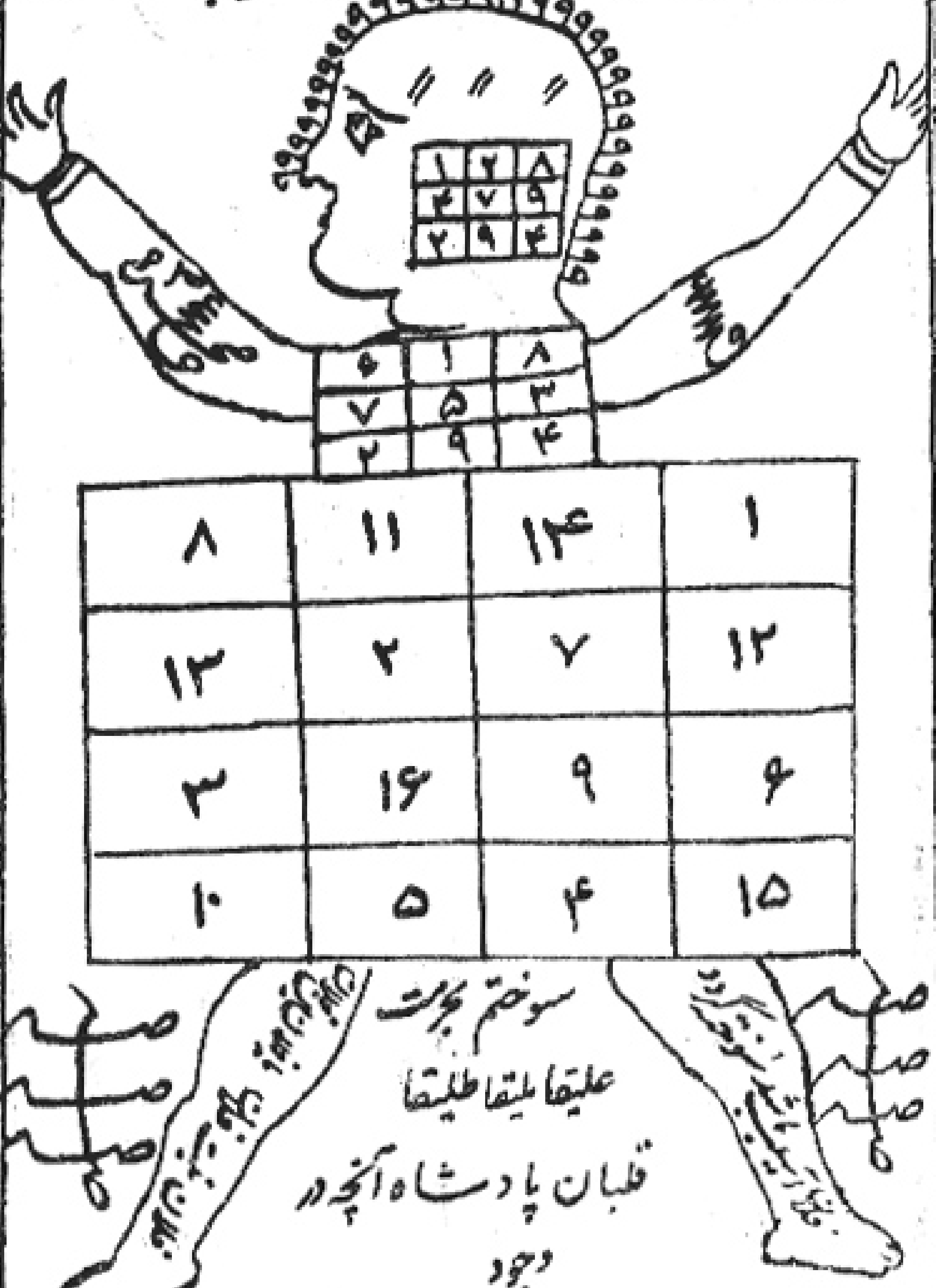
عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ مَلِكَانَ سُلْطَانُ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اُحْضُرُوْا مِنْ جَانِبِ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ وَالْجُنُوْبِ وَالشِّمَالِ بِحَقِّ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاؤُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ ازاین عزیمت هفت بار حصار کند و بر ماش بخواند و ماشها را هر سمت منتشر کند و بر طفل هم ماش بزند و هر دم درود بخواند پس طفل را در فتیله جاروب کش و فراش و سقا معلوم خواهند شد پس آن وقت عامل بنا کند بر یا فتاح یا فتاح گفتن تا آنکه پادشاه حاضر شود بیاید وقتی که پادشاه جاضر شد نام خود و بنشان خود سلام گوید یعنی این فقیر مرید و شاگرد فلان سلام میگوید بعد ازآن از طفل مطلب بپرسد که فلان کس را چه آزار است و کیست که باین آزار رسانده اگر پادشاه بطفل گفت که آزار است یا از سحر است آنطفل بزبان گوید که سواران را بفرستید که آزار گرفته و بیارندش دو و سه مرتبه تکرار کند که این آسیب را گرفته زنجیر ش کنند و بیاورندش پس پادشاه حکم خواهد کرد و موکلانش آسیب را گرفته خواهند آورد طفل بگوید که این را قتل کنند قتل خواهند کرد و بس آنها را رخصت رفتن دهند و نیاز و سامان حاضرات خود بگیرد و فتیله که ذکر شده هست این است




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۲۹۷ | ۲۹۴ | ۸ |
| ۲۹۵ | ۷ | ۲ | ۲۹۶ |
| ۶ | ۲۹۲ | ۲۹۹ | ۳ |
| ۲۹۸ | ۹ع | ع | ۲۹۳ |



نوع دیگر این فتیله مجرب عنایت بزرگ باید که این فتیله را روبروی آسیب زده بوقت شام روشن کنند و آنچه بخورات مهیا باشد پیش فتیله بسوزد عامل هر عزیمت یاد داشته باشد بخواند آسیب سوخته گردد و هیبت




| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۱۰ | ۵ | ۴ | ۱۵ |

این فتیلہ عنایت میر زین الدین است در حال بکار بیاید ایست



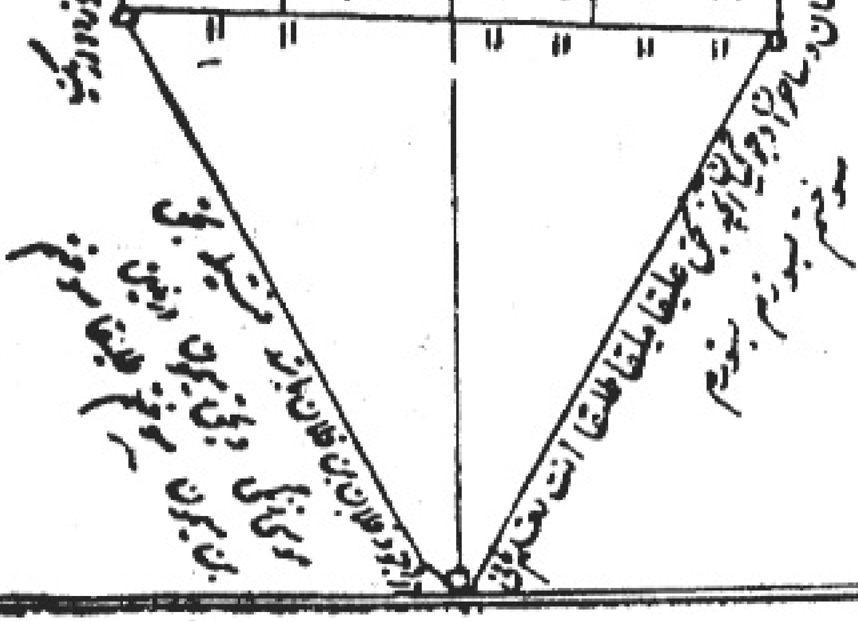
نوع دیگر این نقش بوز قطب الله عالم شاه است باجازت بنویسد و در نمک
یک پاؤ و اسپ سیاه داشته بنهد و در آتش هاندی نهند چون او را نوبید آن
را سر و آتش داده جائی دفن کند و باید کر ماشها هفت بار آیة الکرسی میدم
از جسم مریض مس کند و در هاندی گذارده و فتیله بخیت و اجلیس و اتفاقه




۳۰۷۷

۸ ع ۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| | فلان بن فلان | ۱۶ | ص/۷ |
| ۱۶۶ ۲۵ | ۱۷۹ ۲۵ | ۱۷۶ ۲۵ | ۱۷۳ ۲۵ |
| ۱۷۷ ۲۵ | ۱۷۲ ۲۵ | ۱۶۷ ۲۵ | ۱۷۸ ۲۵ |
| ۱۷۱ ۲۵ | ۱۷۴ ۲۵ | ۱۸۱ ۲۵ | ۱۶۸ ۲۵ |
| ۱۸۰ ۲۵ | ۱۶۹ ۲۵ | ۱۷۰ ۲۵ | ۱۷۵ ۲۵ |
| ۷۲ و | ع ه | ۲۸ ح ب | ب |



نوع دیگر این هر سه نقوش در مقدمه آسیب معین کرده اند اگر فتیله را احتیاج نباشد این نقوش نوشته در دو بینی مریض و در تمام جسم ایض بدید و نیز تعویذ نموده در گلویش اندازد و هم نوشته بخوراند باو ان شاء الله تعالی مفید خواهد افتاد و این نقوش اکثر در مقدمه آسیب و غیره بکار میآید الا چهل روز در چله چهل نقشها نوشته باری در دریا بیآرد گولی بسته بیندازد که عامل نقشهای مذکور گردد و این نقوش در حاضرات بکار آمیند

بسیار مجربند وآن نقوشها اینند

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۵۹۲۳ | ۵۵۹۳۱ | ۵۵۹۳۴ | ۵۵۹۳۱ |
| ۵۵۹۳۸ | ۵۵۹۲۲ | ۵۵۹۳۲ | ۵۵۹۳۲ |
| ۵۵۹۲۳ | ۵۵۹۳۴ | ۵۵۹۲۹ | ۵۵۹۳۴ |
| ۵۵۹۸۰ | ۵۵۹۲۵ | ۵۵۹۳۴ | ۵۵۹۲۵ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۴ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ | ۷ | ۱۲ |
| ۳ | ۱۶ | ۹ | ۶ |
| ۱۰ | ع | ۴ | ۱۵ |

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | ۱ | ۸ |
| ۷ | ع | ۳ |
| ۲ | ۹ | ۴ |

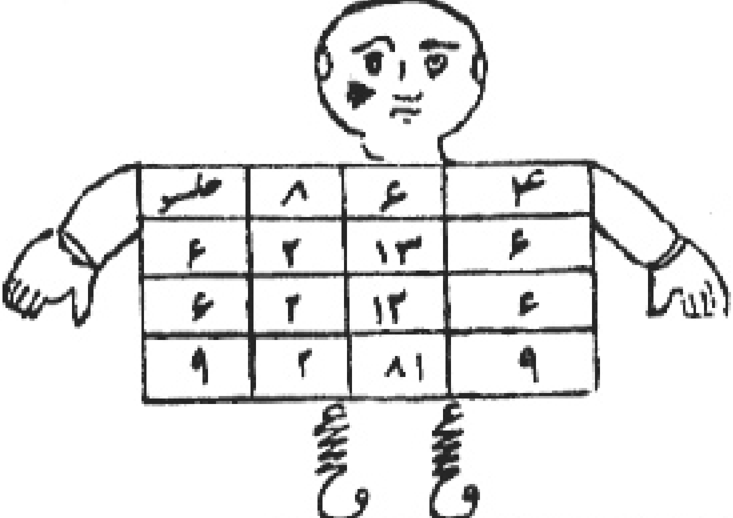
نوع دیگر درمقدمه آسیب اگر قبل از تولد شدن فرزند این نقش را بنویسند
در دیوار مکان بچسباند هرگز در چله زن را نظر و آسیب و کودک را ام
الصبیان وغیره دخل نده و این نقش از اعداد سوره الم ترکیف
است شان قهاری این را میگویند در هر مقدمه بکار میآید اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۶۷۹ | ۱۶۸۳ | ۱۶۸۶ | ۱۶۷۲ |
| ۱۶۸۵ | ۱۶۷۳ | ۱۶۷۸ | ۱۶۸۴ |
| ۱۶۷۴ | ۱۶۸۸ | ۱۶۸۱ | ۱۶۷۷ |
| ۱۶۸۲ | ۱۶۷۶ | ۱۶۷۵ | ۱۶۸۷ |

نوع دیگر مقدمه آسیب در کسی مکان خشت یا سنگ میاندازند
این فتیله نوشته روی بجانب کعبه شریف کرده بدیوار بچسباند هرگز
سنگها باز نیاید این اند - بجهت این سنگها باز نه آید نقش و شکل این

۷۸۶



نوع دیگر برای اینکه آسیب کسی جا آتش میدهد یا خشتها میاندازند باید که این نقش معظم نوشته کوزهٔ نو آب انداخته و آن نقش را شسته در مکان و بام و هر جا که مناسب باشد بیفشاند هرگز باز خلل و آسیب نشود نقش معظم مکرم اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| دی | ع | ۲ل م ۱ ع | ب |
| ے | ک | ل | ٹ |
| ق | مر | د | ک |
| بدوح | مدوح | ی | ۰ح ۱ |

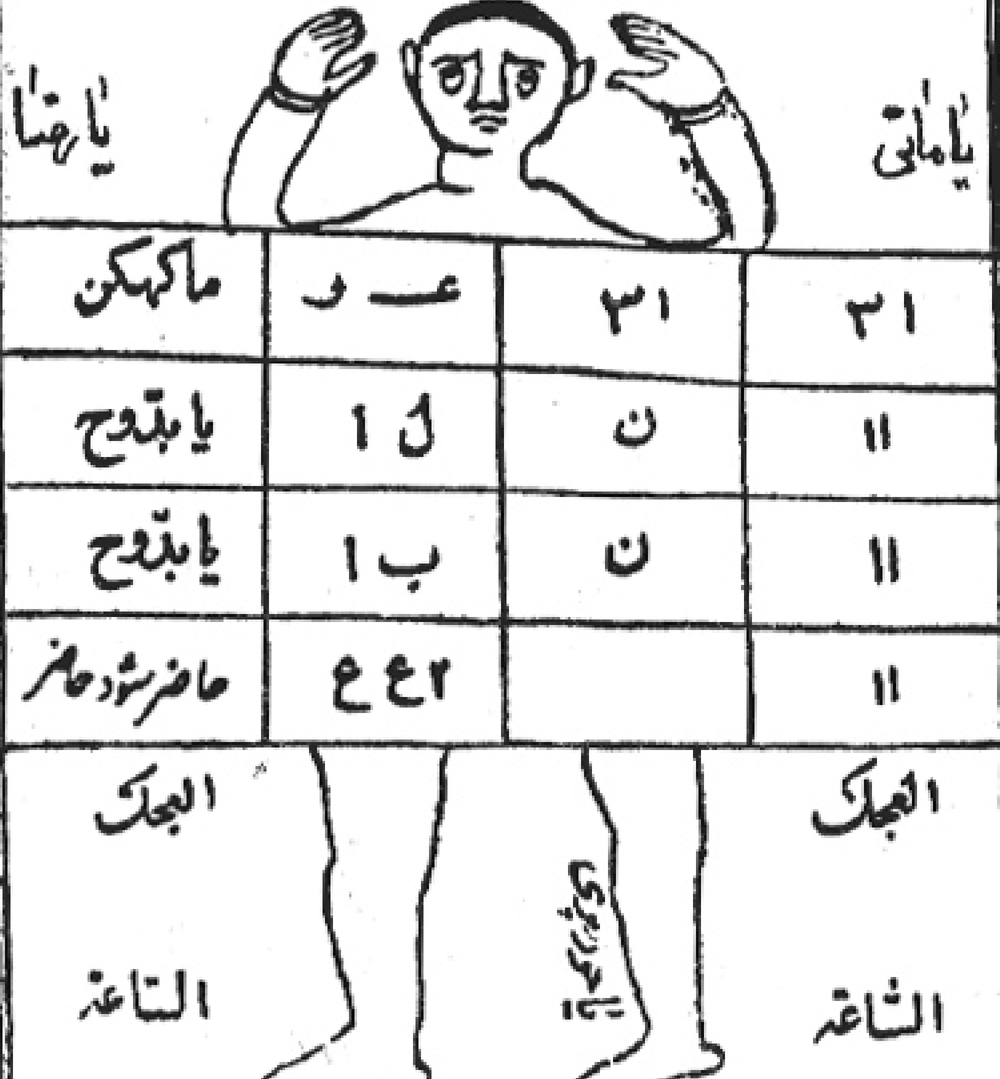
## نوع دیگر حاضرات کردن جنات بنظر میایند

باید که اول جای از گل چیده و مریض آسیب‌زده را غسل دهد اگر هوشیار و لایق غسل باشد و گر مطفل را وکیل او کنند نابالغ زاده دوازده سال نباشد پس آنرا غسل داده و جامه طاهر پوشانیده بر چادر نشانیده آنچه بخورات خوشبو باشد بسوزانند و گرد خود و مریض و کودک حصار ابرضا بر آنچه که بالا مذکور شد بکنند و نیاز شیرینی آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و این فتیله نوشته بدست طفلک بدهد آنجا که سیاهی پر است نگاه کند و عامل این عزیمت را میخوانده باشد و هرگز بیم را در دل راه ندهد پس آن عزیمت را خوانده بر ماش دم کنند و بر سر کودک و مریض بزنند ان شاء الله تعالی مدد سیاهی با بر سر مریض یا کودک حاضرات خواهند شد عامل مختیر است در قید کردن خواه قول

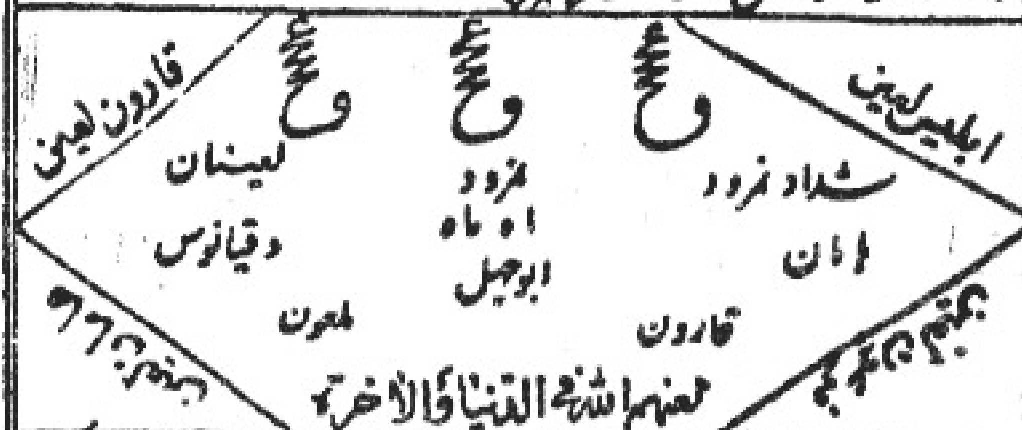
قرار گرفته را کند خواه بسوزد چنانچه عزیمت که برای خوردن
گفته ام اینست

یا صابت الصفا یا جامع الاشتات ومخرج البنات
یا منشئ الرقاب یا شاه پری یا بدیع الجمال حور پری داج من
الاعظم

وفتیله که بدست طفلان میدهند اینست



**نوع دیگر** رونمائی برای شناخت آسیب اگر این علامت را نوشته بر مریض آسیب زده بنماید اگر آسیب را خلل است بدیدن این علامت بگریه درآید اگر خلل خبیثه است چند کند و اگر مریض را مرض هست خواهش خواهد آن علامت اینست




**نوع عمل دیگر** حاضرات روشنی که با فتیله مجرب و تیز تر است هرگز خطا نمیکند و همچنین فتیله اگر پیش عامل باشد هیچ جن و خبیث و دیو از این فتیله سوای گریز کردن چاره ندارند که موکلات فتیله بسیار زبردست و قوی هستند و نقش حاضرات نیز چنین قوی تر است که پادشاه جنیان حاضر میشود هرگز قائل نمی سازد پس باید که اول این فتیله را با این هردو نقش نوشته ریسمان نیلگون پیچیده قدری کافور در روغن شیرین و یا خوشبو آمیخته در یک سفال آب نرسیده روغن مذکور پر کرده چراغ نور برهیزم سه عدد درخت انار مثل مسکی تیار کرده بدارد و قدری بخورات و میوه و عطر و گلهای خوشبو مهیا نموده پیش روی چراغ نهد و فرش نو مقابل چراغ و اینهمه اسباب نهاده خود هم لباس پاکیزه پوشیده و طفل بدست آن نقش روشنی دادن منظور باشد پوشاک پاکیزه و اگر ممکن باشد نو پوشانیده و عطر بروی و پیشانی طفلک مالیده نقش روشنی بدست آن ... دهد که هر کسی که جن و آسیب زده باشد نیز قریب نشاند و رو بقبله نشسته

عزیمت خواندن شروع نماید چنانچہ او را فتیلہ برای روشن کردن کنند ام بنویسیم و آن مع عبارت این است

منزایولز دمی جوسامنوعا غالمنا طیوسا نا ملیخا مسیلیخا ملقونا بحق یا ۵۲ ۹۰۷۰۱ و بحق ۱۰۰ ۱۰ ۶ ۴۰ بحق یا بلدح یا طیود یا دیوسا الا یعنی در مدح اسدا صلے حلقوم عہ ولا طور واطوان العین وبان واهرب یا طیطوا ما یا طیوسا فتها وسلہا یا طیطوسا فتو یا طیوا یا طیطوسا فتو فرعون نمرود شداد هامان قارون عاد ابن جہل ابلیس تلبیس ضحاک دقیانوس درما کنها بھیرون ھنومت کلوا و غیرہ وعہ شیاطین لعنہم اللہ تعالیٰ وَالنَّاس اجمعین ؛ عزمتُ علیکم واقسمتُ علیکم یا برخیا یا غفصائیل یا صدعائیل یا عینائیل یا خطائیل یا دردائیل یا دفتمائیل بحق سام سما سوم و اودوم سانوم شد منوس حجمروس هومال یا همکیائیل بحق همکیائیل یا ۱۰ ۱ ۵ ۲۰۰ یا بدوح بمجرد روشن شدن فتیلہ جلدتر من البرق الخاطف ومثل ریح العاصف احضروا من جانب المشارق والمغارب والجنوب والشمال

در نظر بیننده روشنی با چراغ او صاف در آیینده کلام بکنند و جواب بگویند و ہمہ پادشاہان حاضر کردہ

هرچه آسیب در وجود فلان بن فلان باشد او را گرفتار کرده
بیارند خصوصاً شیخ سدو و زین خان را مع مادر او بسته و توابعان
ولواحقان او بدون او حکم بر سر مریض آمدن نیایند و اگر
بیایند زبون و رام شده خراج بردار کرده آرند و در صورت آمدن
بر سر مریض کلام سخت از عامل کردن نتوانند و هرچه عامل گوید بکنند
و هدیه بزور نگیرند و اگر ندهند نفع نیایند و او را ایذا نرسانند
و شرشف خوانده برو بزنید و بسوزید و حکم ما بجا آورید
و هرکه بجا نیارد بر او شیر مادر حرام و سه طلاق و قسم پنجتن
و چهارده تن و جمیع انبیاء و اولیاء خصوصاً سلیمان بن
داود علیهما السلام و پ ی غ ب ر ص قسم شرعی
هرچه هست بشمال ا ن ه ف و ق ل ن ل ذ ی ع ل
م ع ل ی م

چون فتیله نوشته تمام کند این هر دو نقش زیر آن فتیله
بنویسید و اگر بر پیشانی فتیله نقوش بنویسید اولی است
و زیر آن عبارت
مرقومه بنویسید

سع اسماء سر کلان بہرتن کودنہ اجب یا کلکائیل

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۵۹۲ | ۵۸۷ | ۵۹۵ |
| ۵۹۴ | ۵۹۱ | ۵۸۹ |
| ۵۸۸ | ۵۹۶ | ۵۹۰ |

علیکم یا جبرائیل

[illegible]

[illegible]

یا بدوح علیکم یا اسرافیل

علیقا ملیقا طلیقا نقلرما حقیقا

فی قلوبہم ملیقا طلیقا دقیقا

اجب یا عصقائیل

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۵۲۴ | ۶۵۲۷ | ۶۵۳۰ | ۶۵۱۷ |
| ۶۵۲۹ | ۶۵۱۸ | ۶۵۲۳ | ۶۵۲۸ |
| ۶۵۱۹ | ۶۵۳۲ | ۶۵۲۵ | ۶۵۲۲ |
| ۶۵۲۶ | ۶۵۲۱ | ۶۵۲۰ | ۶۵۳۱ |

علیکم یا جبرائیل

[illegible]

بحق ابجد ہوز علیکم یا عزرائیل حقی جمیع اسمائک

اسمائک بعد نوشتن فتیلہ و ہمہ شروط مسطورہ بجا آوردن بر کاغذ نقش پورشی نوشتہ در آئینہ نہند و عطر در خانہ کرسیاہی پر کردہ است مالد چنانچہ تیرہ گردانند و بدست طفل مذکور آن آئینہ را بدہد کہ نظر کند و خود در خواندن عزیمت مصروف گردد و دمش بر سر طفل بریزد تا پردہ حجاب از چشم طفلک برداشتہ و جنات را

مع پادشاهان متقدمین بنظر آیند پس همه احوال از زبان طفل بگویاند و جواب بگیرد و نقش درششی که بکمال صحت آمده اینست

٧٨٦

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ١ ١٥٢٩٤ | ١٩ الله الله الله / ٣ الله الله الله / ١٥ الله الله الله | ١٩ ١٥٣١٢ | ١٣ ١٥٣٠٦ | ٧ ١٥٣٠٠ |
| ١٤ ١٥٣٠٧ | ٨ ١٥٣٠١ | ٢ ١٥٢٩٥ | ٢١ ١٥٣١٥ | ٢٠ ١٥٣١٣ |
| ٢٢ ١٥٣١٥ | ١٦ ١٥٣٠٩ | ١٥ ١٥٣٠٨ | ٩ ١٥٣٠٢ | ٣ ١٥٢٩٦ |
| ١٠ ١٥٣٠٣ | ٤ ١٥٢٩٧ | ٢٣ ١٥٣١٧ | ١٧ ١٥٣١٠ | ١١ ١٥٣٠٤ |
| ١٨ ١٥٣١١ | ١٢ ١٥٣٠٥ | ٦ ١٥٢٩٩ | ٥ ١٥٢٩٨ | ٢٤ ١٥٣١٦ |

بعد آئینه دادن بدست طفل عامل گرد خود و گرد طفل حصار کند بر سامیر سنا آنچه که نوشته شد بعد عامل هر عزیمتی که یاد داشته باشد بخواند یازده بار و بعد از آن یازده مرتبه این عزیمت بصحت تمام بخواند اینست

عزمت علیکم یا معشر الجن والانس واصحاب الارواح تحون فعون حبیبك حبیبك اللهم اللهم صفکا السا السا بلسا بلشام طلسا طلسا سودا سودا کهلا کهلا کهلا کهلا کهلا سهلا سهلا خاضر خاضر شمخا شمخا سکی سد سلیمان بن داود ؑ و بعد این عزیمت را یازده مرتبه این الفاظ بخواند

هادهاد مالك الیك ادتحی مرتجی جلس تبرکی ازمرمین و بعد این یازده بار این عزیمت را بخواند احضروا یا اصحاب الجن والشیاطین والسحر والوسواس من جانب المشارق والمغارب

والجنوب والشمال بحق خاتم سلیمان کجز نافذة و بحق لا اله الا
الله محمد رسول الله ص و بعد این درود بخواند اللهم صل علی
محمد و علی آل محمد بعدد الجن والانس باسمائه الحسنی

و این درود معظم را باید که قبل از خواندن عزیمتها هم بخواند و بعد از تمام هم بخواند انشاء الله تعالی پرده‌های حجاب از چشم طفل برداشته خواندن تمام احوال بعامل بیان خواهد کرد عامل را اختیار است بهر طوری مناسب داند بعمل آورد خواه قید کند یا از آن پادشاه سوخته گرداند

نوع دیگر برای آسیب زده بسیار مجربست اگر آسیب زده مرض هرگز کناره نمیکند مریض را نوبت بجان رسیده است پس باید که بروز پنجشنبه بطور حاضرات آنچه سامان بالا مذکور گشته مهیا کرده مریض را آنجا بخسپاند و این نقش را نوشته در تمام جسم آن بدمد و نقش دیگر که بعد از این نقش است نوشته بهر طوری که ممکن شود بنوشانند و نقش سوم را فتیله کرده خواه نه نقش مذکور نوشته روشن کند و مریض را همانجا خسپیده مبادا احتیاط کند که دست درازی در چراغ نکند نقوش هر سه مجرب و آزموده فقیر ضرور باید داشت

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۵۴۷۴۹ | ۳۵۴۷۵۲ | ۳۵۴۷۵۶ | ۳۵۴۷۴۲ |
| ۳۵۴۷۵۵ | ۳۵۴۷۴۳ | ۳۵۴۷۴۸ | ۳۵۴۷۵۳ |
| ۳۵۴۷۴۴ | ۳۵۴۷۵۸ | ۳۵۴۷۵۰ | ۳۵۴۷۴۷ |
| ۳۵۴۷۵۱ | ۳۵۴۷۴۶ | ۳۵۴۷۴۵ | ۳۵۴۷۵۷ |

نقش دیگر که برای نوشیدن گفته ایم هیبت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۵۳۱۷ | ۱۵۳۳۰ | ۱۵۳۲۷ | ۱۵۳۲۴ |
| ۱۵۳۲۸ | ۱۵۳۲۳ | ۱۵۳۱۸ | ۱۵۳۲۹ |
| ۱۵۳۳۲ | ۱۵۳۲۵ | ۱۵۳۲۲ | ۱۵۳۱۹ |
| ۱۵۳۳۱ | ۱۵۳۲۰ | ۱۵۳۲۱ | ۱۵۳۲۶ |

و نقش سوم که فتیله کنند یا در چراغ بسوزانند هیبت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۸۵۳۶ | ۱۶۵۵۰ | ۱۸۵۴۷ | ۱۸۵۴۳ |
| ۱۸۵۳۸ | ۱۸۵۴۲ | ۱۸۵۳۷ | ۱۸۵۴۹ |
| ۱۸۵۴۲ | ۱۸۵۴۵ | ۱۸۵۵۲ | ۱۸۵۳۸ |
| ۱۸۵۵۱ | ۱۸۵۳۹ | ۱۸۵۴۱ | ۱۸۵۴۶ |

بدان ای عزیز آنچه که مقدمهٔ عزیمت و نقوش و فتیله و غیره در بارهٔ آسیب بودند در این باب نوشته دادم انصاف فرما که چقدر برای طالبان راه عملیات صاف و روشن کرده ایم که هیچ عامل گاهی چنین دولتهای و نعمتها نمی بخشد پس این نحیف را دعای خیری شید فرمایند و نجانحه ها یاد کنند که حق بر تو همین است

## باب پنجم مشتمل بر کیفیت ساعات و وقت نوشتن و دادن گونه نقوش

و شرح بیانیه جلالی اجمالی تسخیر کواکب و شناختن طالع و غیره برای صفا ضیاء علوم
سماوی مخفی که بر سماوات هفت کوکب و دوازده بروج هستند چنانچه من
اول برای فهم مبتدیان دایرهٔ بروج مینویسیم و آن اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل ۱ میکھ | ثور ۲ برکھ | جوزا ۳ متھن | سرطان ۴ کرک |
| اسد ۵ سنگھ | سنبله ۶ کنیان | میزان ۷ تلا | عقرب ۸ برچھک |
| قوس ۹ دھن | جدی ۱۰ مکر | دلو ۱۱ کنبھ | حوت ۱۲ مین |

و همچنین هفت کواکب که آنرا سبع سیاره گویند و دو کوکب سطیح با خواص زحل
و مریخ و آنرا راس و ذنب گویند و تفصیل کواکب اینست

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| زحل | مشتری | مریخ | شمس | زهره | عطارد | قمر |
| فلک هفتم | فلک ششم | فلک پنجم | فلک چهارم | فلک سوم | فلک دوم | فلک اول آسمان دنیا |

راس متعلق زحل و ذنب متعلق مریخ و بعض این تفصیل را چنین گفته اند بعض کواکب
فوقی اند و بعض تحتی و آن تفصیل چنانست فافهم شمس فلک چهارم مالک و خسرو سیارگان
و سیاره اولست پس فلک پنجم و ششم و هفتم بر بالای فلک چهارم شده اند لکن این افلاک مریخ
مشتری زحل سیاره فوقی اند و فلک سوم و دوم و اول تحت الفلک چهارم شده اند لکن آن
زهره و عطارد و قمر سیاره تحتی اند پس تمام متعلقات دنیا بر گردش این سیارگانست
و معیت اینها با عناصر چهار و در هر فعل و امر بسیار با خواص این کواکب است زیرا که ایزد تعالی در کلام
مجید خویش این بروج آسمان را و کواکب را یاد فرموده که بمصداق والسماء ذات البروج
و در یکجا فرموده که جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر والبحر و یکجا ارشاد
فرموده که تبارک الذی جعل فی السماء بروجا و جعل فیها سراجا و قمرا منیرا
پس ادراک رسیده که در ساعت بروج که کواکب هستند لهذا عامل شایق باید که ساعات
کواکب یا بروج را دریافت نماید و هر امر که آغاز نماید در ساعت کواکب موافق
مزاج نقش بکند تا راست آید و هرگاه که نشیند برای عوت عمل ساعت نیک و بد

دیده دریافت کرده که خطا نیفتد پس ۲ مدم بر سر مطلب باید دانست که این دو کواکب یعنی اول شمس دوم قمر از همه سیاره سریع التاثیر و همه روز تابع اینند چنانچه تفصیل روزها

| روز آفتاب | روز قمر |
| --- | --- |
| یکشنبه و سه شنبه و شنبه | دوشنبه و پنجشنبه و جمعه و چهارشنبه |

و بعضی باین حساب رفته اند که تفصیلش اینست و این حساب ظاهری است و بیان کردن او را حاجت نیست و آن اینست

| نام ستاره | زحل | مشتری | مریخ | شمس | زهره | عطارد | قمر |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| نام ایام | شنبه | پنجشنبه | سه شنبه | یکشنبه | جمعه | چهارشنبه | دوشنبه |

و دریافت باید کرد که این علم مثل دریاست و عامل ناخدا و کشتی و جهاز تقوی و طهارت و راه ناپیدا کنار در این امر پس ناخدا بجز شناختن کواکب کشتی پریشان است مثل باد تند موج کلان عمل هستند و بمصداق بمعنی آیه شریفه کلام الهی است که عملیات ج و با معجم حرم هیبند لهذا لازم افتاد که در عملیات حساب نجوم عامل یاد کند عامل اهم کلام گردد و در این عمل حکمای یونان بسیار تالیف و تصنیفات فرموده اند ما را نگویا که شرح دهیم اما بقدر ضرورت عملیات نویسیم که طالب در تلاش وقت نگردد و آن اینست که اگر هر کار که آغاز نماید پس دوره آفتاب را یاد کند و آن دوره از ابتدای برج حمل تا برج حوت ستاره در هر برج دوره میکنند چنانچه دایره سیر کواکب اینست
ابتدای سال حساب کند تا از کواکب هر روز و ساعتها شب روز دریافت کرده

| نام کواکب | زحل | مشتری | مریخ | شمس |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد روز | دو سال و ششماه | سیزده ماه | چهل و پنج روز | یک ماه |

| نام کواکب | زهره | عطارد | قمر |
| --- | --- | --- | --- |
| تعداد روز | بیست هشت روز | یک ماه | دو روز و چند ساعت |

واین هر یک جوگ هم خاصیت دارد والا بیانش باعث طول کتاب است و عاملان را در عملیات چندان دورخیست الا اینقدر ضرور است که ساعت نیک به بینید و طالع سائل و مسئول نگاه کنند و ما تفصیلش را آینده خواهیم نوشت انشاء الله تعالیٰ الحال قاعده باهم بیان نمایم **قاعده** در دانستن سنکرات و چون اینهم گفته شد که دوره آفتاب در هر برج بمدت یکماه چیزی کم و بیش میشود پس چون آفتاب را تحویل از برج در برج دیگر باشد آنرا سنکرات خواهد شد بدین طریقست که سال شمسی را بر چهار حصه تقسیم کند هرچه از چهار باقی ماند آنرا در جدول به بینید مثلاً کسی پرسید که امسال بکدام وقت سنکرات شده است پس سال عیسوی را چهار حصه کردم و طرح دادم یعنی چار و چهار حساب کردم باقی ماند یک پس در جدول دیدم ماه اپریل که ماههای شمسی است انگریزان همین ماهها را مقرر کرده اند مردمان واقف ازاین ماهها خوبند ماه فروردین ماه اردی بهشت را کم دانند ازاینجه گفتم که در ماه اپریل بتاریخ یازدهم بعد ۲۲ گهری و ۲ سنکرات حمل یعنی میکیرد خواهد شد همین قیاس کنند و چون چهار حصه کنند و جدول هر خانه تا چهار است در آن نگاه کنند اگر یکعدد باقی ماند در خانه اول بینید و ماه را خیال کنند در هر گاه که خواهش باشد آنرا نگاه فرمود گهری وپل و تاریخ دریافت کنند و چون دو عدد باقی بماند در جدول دوم نگاه کنند و چون سه عدد باقی ماند آنرا در خانه سوم نگاه کنند و تاریخ و وقت دریافت نمایند و در صورت چهار عدد باقی ماندن در جدول خانه چهارم نظر کنند و اوقات نگاه دارند که او در حساب ساعت بسیار مفید خواهد افتاد زیرا که اگر خواهند که بدانند که دراین وقت آفتاب در کدام برج و در کدام درجه و دقیقه است پس از سنکرات حساب کنند تا راست و درست افتد جدول اینست

حضرت طوسی علیه الرحمه بابیه دریافت

## ابیات

آنچه از ماه شد مضاعف کن — پنج دیگر فزای بر سر آن
پس ببرجی که آفتاب دراوست — بدهش آغاز پنج پنج بر آن
هر کجا منتهی شود عددش — ماه آنجا بود یقین میدان
آنچه از پنج کسر می ماند — بر سرش میروی از وج بخوان

وقاعده این ابیات چنانست که ابتدا از پرداد وج که هندوان تاریخ سلخ هرماه پرداد وج میشود میکنند مثلاً کسی پرسید که امروز قمر کجاست پس تاریخ ماه را خیال کردم از پرداده روز گذشته بود ده دیگر برا او افزودم بیست شد پنج دیگر برا او افزودم بیست و پنج شد آنوقت آفتاب را دیدم که بکدام برج است معلوم شد که در سنبله است پس اعداد مرقومه بالا را تقسیم کردم پنج سنبله را دادم و پنج میزان را و پنج عقرب را و پنج جدی را دادم بیست و پنج تمام شد پس جواب گفتم که قمر در آخر درجه برج جدی است لهذا همین طور قمر را حساب بگیرد ولیکن ابتدا از پردا ضرور کنند ورنه غلطی خواهد بود و اینطریق برای دریافت مقام قمر بود بیان سیرش آنکه قمر را منازل مقرر کرده اند و هر منزل را اخا حقیقی داده اند و نام منازل نچهتر است و هر نچهتر را چرن داده اند که از این جدول اسمای نچهتر و تعداد چرن مفهوم خواهد شد

## جدول سیر قمر در هر برج

| حمل | ثور | جوزا | سرطان |
|---|---|---|---|
| اسنی بهرنی کرتکا | کرتکا روهنی مرگسرا | مرگسرا اردرا پنربس | پنربس پکهه اشلیکهه |
| ۱۴۴ | ۲۴۳ | ۲۴۲ | ۲۴۱ |
| شرطین بطین | ثریا دبران هقعه | هنعه و ذراعه | ذراعه نثره طرفه |
| ثریا ۱۴۴ | ۲۴۳ | ۲۴۲ | ۲۴۱ |

| اسد | سنبله | میزان | عقرب |
|---|---|---|---|
| مگها پوربا اترا | اترا هابکی هست چترا | چترا سواتی بساکها | بساکها انرادها پیشور |
| ۱۴۴ | ۲۴۳ | ۳۴۲ | ۴۴۱ |
| طرفه جبهه زبره | زبره صرفه عوا | عوا سماک غفره | غفره زبانا اکلیل |
| ۱۴۴ | ۱۴۳ | ۱۴۲ | ۴۴۱ |
| قوس | جدی | دلو | حوت |
| مول پوربا کهاد اتراکهاد | اترکهاد سرون دهنشا | دهنشا سطبها پوربا بهادرپد | پوربا بهادرپد اترا بهادرپد ریوتی |
| ۱۴۴ | ۲۴۳ | ۳۴۲ | ۴۴۱ |
| ۱۴۴ | ۲۴۳ | ۳۴۲ | ۴۴۱ |
| اکلیل قلب شوله نعایم | نعایم بلده ذابح | ذابح بلع سعود | سعود اخبیه مقدم مؤخر رشا |

پس این سیر قمر بود که بترتیب رفت فاما خواصات نچهتره و خواصات سیارگان را ترک نموده که در کتب منجمان بسیار خواص ایشانند و عاملرا ضرور آن نیست دیگر هر همه نچهتر را جوگ منجمان هند مقرر کرده اند و اسماء جوگ بدین تفصیلند از این جدول دریافت باید کرد فافهم

## اسمای جوگ

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| سوبهن ۱ | اتگند ۲ | سکرن ۳ | دهرت ۴ | سول ۵ | گند ۶ | برده ۷ |
| دهروه ۸ | بیاگهات ۹ | هرکهن ۱۰ | بجر ۱۱ | سده ۱۲ | بتی پات ۱۳ | بریان ۱۴ |
| پرکر ۱۵ | سدّه ۱۶ | سیو ۱۷ | سادو ۱۸ | سده ۱۹ | شکل ۲۰ | ایزند ۲۱ |
| بیدهرت ۲۲ | بشکهنبه ۲۳ | پریت ۲۴ | ایوکهمان ۲۵ | سوبهاگ ۲۶ | | |

اما پنج ستاره که زهره عطارد مریخ مشتری زحل را خمسه متحیره گویند زیرا که ایشان گاهی عقب آفتاب باشد گاهی پیش آفتاب باشد و از برج رجعت و استقامت دارد ازاین جهة حساب سیراین سیاره بدون زیج در یافت شدن ناممکنست برای دریافت کردن آن بوقت ضرورت عامل زیج و تقویم را بجوید و آفتاب و ماهتاب را بسیار ضرورت در این عمل است بنابراین سیراین هر روزه بتصریح تمام بنویسیم چنانچه در بروج دوازده دیده و آفتاب چنان میشود ازان دایره آفتاب را دریافت باید و بر سیر آفتاب

| | | |
|---|---|---|
| حمل آتشی<br>ماه بیساکه ۳۱ یوم چهار نیم لا | ثور خاکی<br>ماه جیٹھ قدم ۶ و نیم ۳۱ یوم | جوزا بادی<br>ماه اساره قدم دو نیم<br>۳۲ یوم لب |
| سرطان آبی<br>ماه ساون قدم یک نیم<br>۳۱ یوم لا | اسد آتشی<br>ماه بهادون قدم دو نیم<br>۳۱ یوم لا | سنبله خاکی<br>ماه کنوار قدم سه نیم ۳۱<br>یوم لا |
| میزان بادی<br>ماه کاتک قدم چهار نیم ۳۰<br>یوم ل | عقرب آبی<br>ماه آگهن قدم ۶ نیم ل ۳۰ یوم | قوس آتشی<br>ماه پوس قدم هفت نیم یوم<br>۲۹ یوم کط |
| جدی خاکی<br>ماه ماگه قدم دو نیم ۲۹ یوم کط | دلو بادی<br>ماه پهاگن قدم ۸ ۳۰<br>یوم ل | حوت آبی<br>ماه چیت قدم ۶ نیم ۳۰<br>یوم ل |

و استادان سیر آفتاب را ازین بیت حساب گیرند لا لا لب لا لا لا لا شش مهات لل کط وکط لل شهور کوتر است پس دوره آفتاب چنین باشد که نوشته شد
فاما قمر در یکماه بروج سماوی را طی میکند بدین حساب دوازده برج در هر ماه بر هر برج
ماه هر دو روزه و چند ساعت میماند پس طریق دانستن این امر که امروز قمر کدام
برج است اینعفی را ازاین ابیات که بحر زخار در کوزه است مصنف خواجه نصیر الدین

# جدول برای دریافت سنکرانت

## خانہ اول ۱

| نام ماہہائے انگریزی | شمارۂ ماہ | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی | پل |
|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۲۲ | ۲ |
| مئی دوم | ۲ | ثور | برکھبہ | ۱۲ | ۱۹ | ۴ |
| جون سوم | ۳ | جوزا | متھن | ۱۳ | ۴۵ | ۳ |
| جولائی چہارم | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۲۲ | ۵۳ |
| اگست پنجم | ۵ | اسد | سنگھ | ۴ | ۵۲ | ۶ |
| ستمبر ششم | ۶ | سنبلہ | کنیان | ۱۴ | ۵۲ | ۳۱ |
| اکتوبر ہفتم | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۱۷ | ۵۰ |
| نومبر ہشتم | ۸ | عقرب | برچھیک | ۱۲ | ۱۰ | ۲۳ |
| دسمبر نہم | ۹ | قوس | دھن | ۱۷ | ۳۹ | ۱۳ |
| جنوری دہم | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۱ | ۴۷ | ۳۵ |
| فروری یازدہم | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۹ | ۴۵ |
| مارچ دوازدہم | ۱۲ | حوت | مین | ۱۱ | ۵۹ | ۵۴ |

## خانہ دوم ۲

| نام ماہہائے انگریزی | شمارۂ ماہ | نام سنکرات | | تاریخ | گھڑی | پل |
|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۳۷ | ۳۴ |
| مئی دوم | ۲ | ثور | برکھ | ۱۳ | ۳۴ | ۳۵ |
| جون سوم | ۳ | جوزا | متھن | ۱۴ | ۸ | ۳۵ |
| جولائی چہارم | ۴ | سرطان | کرک | ۱۵ | ۳۸ | ۳۵ |
| اگست پنجم | ۵ | اسد | سنگھ | ۱۵ | ۳۸ | ۳۵ |
| ستمبر ششم | ۶ | سنبلہ | کنیان | ۵ | ۸ | ۳ |
| اکتوبر ہفتم | ۷ | میزان | تلا | ۱۴ | ۳۴ | ۲۲ |
| نومبر ہشتم | ۸ | عقرب | برچھیک | ۱۳ | ۱۶ | ۵۰ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| جنوری | دہم | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۰ | ۵۸ | ۶ |
| فروری | یازدہم | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۲ | ۳۵ | ۱۶ |
| مارچ | دوازدہم | ۱۲ | حوت | مین | ۱۳ | ۵ | ۲۶ |

## خانہ سوم (۳)

| نام انگریزی | ماہ | شمار | نام سنکرات | | تاریخ | گھری | پل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | اول | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۵۳ | ۵ |
| مئی | دوم | ۲ | ثور | برکھ | ۱۲ | ۵۰ | ۶ر |
| جون | سوم | ۳ | جوزا | متھن | ۱۳ | ۱۶ | ۶ |
| جولائی | چہارم | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۵۳ | ۵۶ |
| اگست | پنجم | ۵ | اسد | سنگھ | ۱۵ | ۲۳ | ۹ |
| ستمبر | ششم | ۶ | سنبلہ | کنیان | ۱۵ | ۲۳ | ۳۴ |
| اکتوبر | ہفتم | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۴۸ | ۵۳ |
| نوامبر | ہشتم | ۸ | عقرب | برچھک | ۱۴ | ۴۱ | ۳۵ |
| دسامبر | نہم | ۹ | قوس | دھن | ۱۴ | ۱۰ | ۱۶ |
| جنوری | دہم | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۳ | ۱۲ | ۳۸ |
| فروری | یازدہم | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۴۰ | ۴۸ |
| مارچ | دوازدہم | ۱۲ | حوت | مین | ۱۷ | ۳۰ | ۵۸ |

## خانہ چہارم (۴)

| نام ماہ | انگریزی | نام سنکرات | | تاریخ | گھری | پل | شمار |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اپریل | ۱ | حمل | میکھ | ۱۱ | ۸ | ۲۸ | اول |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مئی | ۲ | ثور | برکھ | ۱۲ | ۵ | ۳۸ | دوم |
| جون | ۳ | جوزا | متھن | ۱۲ | ۸ | ۳۸ | سوم |
| جولائی | ۴ | سرطان | کرک | ۱۴ | ۹ | ۲۸ | چهارم |
| اگست | ۵ | اسد | سنگھ | ۱۴ | ۳۸ | ۴۱ | پنجم |
| ستامبر | ۶ | سنبله | کنیان | ۱۴ | ۳۹ | ۶ | ششم |
| اکتوبر | ۷ | میزان | تلا | ۱۵ | ۴ | ۲۵ | هفتم |
| نوامبر | ۸ | عقرب | برچھک | ۱۷ | ۴۷ | ۹ | هشتم |
| دسامبر | ۹ | قوس | دهن | ۱۷ | ۳۵ | ۴۸ | نهم |
| جنوری | ۱۰ | جدی | مکر | ۱۱ | ۲۹ | ۹ | دهم |
| فروری | ۱۱ | دلو | کنبھ | ۱۰ | ۵۶ | ۱۹ | یازدهم |
| مارچ | ۱۷ | حوت | مین | ۱۲ | ۴۶ | ۳۰ | دوازدهم |

## قاعده دربیان دریافت لگن

پس چون سنکرات بدریافت رسید اگر دریافتن لگن باشد به جنبد که آفتاب بکدام برج است لهذا برجی که شمس را باید تا کیا یعنی تا تحویل در برج دیگر هر روز بوقت طلوع شمس لگن همان برج خواهد شد و چون شبانه روز از شصت گهری میشود ازین جهة لگن شش لگن در روزی شوند و شش لگن در شب میشوند پس حساب آغاز از طلوع شمس کند مثلاً آفتاب در برج حمل تحویل کند پس تا تحویل برج ثور هر صبح لگن برج حمل خواهد شد پس اول لگن حمل دوم ثور تا سنبله در روز تمام کند و بعد از آن شش برج که باقیمانده آنرا بر شب قسمت کند تا آنکه در آخر شب تا صبح لگن برج خواهد شد و میباید که این امر را خیال کند گاهی شب و روز کم و بیش یعنی گاهی شب و روز گاهی یوم و درازی شود پس این کمی و بیشی را در حساب ملحوظ خاطر دارد مقدار دوازده لگن کم و بیش کند و من برای کمی و بیشی لگن دائره بنویسیم تا بدین طور لگن را حساب کند و طالب را در قیام کردن تعداد لگن دقت نباشد دائره اینست

| | | |
|---|---|---|
| حمل خانه ۱ گهری ۲ پل | خانه ۲ ثور روز اول ۴ گهری ۱۱ پل | خانه ۳ جوزا روز اول ۵ گهری ۳ پل |
| خانه ۴ سرطان همان روز ۵ گهری ۲۳ پل | خانه ۵ اسد همان روز ۵ گهری ۲۸ پل | خانه ۶ سنبله همان روز شب ۵ گهری ۲۸ پل |
| خانه میزان ۷ اول شب همان روز ۵ گهری ۲۸ پل | خانه ۸ عقرب همان شب ۵ گهری ۳۷ پل | خانه ۹ قوس همان شب ۵ گهری ۴۳ پل |
| خانه ۱۰ جدی همان شب ۵ گهری ۱۳ پل | خانه ۱۱ دلو همان شب ۵ گهری ۱۱ پل | خانه ۱۲ حوت تا طلوع سحر ۳ گهری ۴۱ پل |

## قاعده دانستن آغاز روز

در حمل و عقرب و دلو و حوت در این چار برج آفتاب بوقت طلوع تا تمام شب قائم میماند و در قوس و سرطان و ثور در این سه برج از نیم آخر شب شروع میشود و به تا نیم شب تمام و در میزان و جدی و جوزا و اسد و سنبله در این پنج بروج باز طلوع آفتاب از روز میشود از این وجه بشب و روز کم و بیشی میشود چنانچه دوازده کمی و بیشی بدین صورتست

| | | |
|---|---|---|
| حوت و حمل هر روز هفت و نیم پل کم | دلو و ثور هر روز هفت و نیم پل کم | جدی و جوزا هر روز ۱۰ پل کم |

سرطان و عقرب و اسد و سنبله و میزان هر روز زیاده پل کم می شود

| قاعده دانستن منسوبه بروج | | | |
|---|---|---|---|
| حمل و عقرب<br>خانه مریخ | ثور و میزان<br>خانه زهره | جوزا و سنبله<br>خانه عطارد | سرطان<br>خانه قمر |
| قوس و حوت<br>خانه مشتری | جدی و دلو<br>خانه زحل | اسد<br>خانه شمس | |

ما دراین علم یک جدول عریض و طویل بنویسیم تا طالب از او بهره دانی گیرد و منسوبات بروج و سیارگان بیشتر از آن جدول مفهوم خواهند شد و بسیار مختصر جدول است اما علامت شناخت مقام جدول از حروف تہجی اند چنانچه این ابیات اول یاد گیرد بعد از آن جدول را ببیند ابیات

ز حمل صفر والف ز ثور نشان — ب ز جوزا و جیم از سرطان
از اسد دال ها ز سنبله — و ز میزان و ز بعقرب خوان
قوس ح است جدی ز طا است — دلو را ی و یا ز حوت نشان

جدول منسوبات سیارگان و بروج اینست

| تعداد | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱ | ۱۱ | ۱۲ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بروج | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت |
| حروف تہجی | ۰ | ا | ب | ج | د | ه | و | ز | ح | ط | ی | یا |
| صاحب خانه | مریخ | زهره | عطارد | قمر | شمس | عطارد | زهره | مریخ | مشتری | زحل | زحل | مشتری |
| وبال سیارگان | زهره | مریخ | مشتری | زحل | زحل | مشتری | مریخ | زهره | عطارد | قمر | شمس | عطارد |
| شرف سیارگان | شمس | قمر | راس | مشتری | ۰ | عطارد | زحل | ۰ | ذنب | مریخ | ۰ | ۰ |

## بقیہ جدول

| حروف تہجی | ل | م | ب | ج | ک | ہ | د | د | ح | ۰ | ب | ی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| درجات | ۱۹ | ۳ | ۲ | ۱۵ | ۰ | ۱۵ | ۲۱ | ۰ | ۳ | ۲۸ | ۰ | ۲۷ |
| ستارگان ہبوط | زحل | ۰ | ذنب | مریخ | ۰ | زہرہ | شمس | قمر | راس | مشتری | ۰ | ۰ |
| تذکیر و تانیث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر | مؤنث |
| لیلی و نہاری | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلی | نہاری | لیلے | نہاری | لیلے |
| ستارگان حار و بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد | حار | بارد |
| رطب و یابس | یابس | یابس | رطب | رطب | یابس | یابس | رطب | رطب | یابس | یابس | رطب | رطب |
| امزجہ | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی | صفراوی | سوداوی | دموی | بلغمی |
| اثبات انقلاب | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین | منقلب | ثابت | ذوجسدین |
| فصول | ربیع | ربیع | ربیع | خلیع | خلیع | خلیع | خریفی | خریفی | خریفی | شتوی | شتوی | شتوی |
| جہات | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | شمالی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی | جنوبی |
| مدت قیام شمس | ۳۱ | ۳۱ | ۲۲ | ۳۱ | ۳۱ | ۲۰ | ۳۱ | ۲۹ | ۲۹ | ۳۰ | ۳۰ | ۳۰ |
| ساعات طلوع | الدار | ۶۱۲ | ۰ | ۰ | ۰ | توحج | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | السولو |

بقیه جدول

| حروف تهجی | ۰ | ا | ب | ج | ک | ۰ | و | ۰ | ح | ۵ | ب | ا |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| برج اوج سیاره | ماله | زهره | ۰ | شمس | مریخ | مشتری | ۰ | ۰ | عطارد عطارد | زحل | ۰ | ۰ |
| درجات اوج | [illegible] | ۰ | ا ب | معه معه | یط ب | یج یج | نو نو | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |

پس ای عزیز قاعده های همه سیارگان بطور اختصار در جدول نوشته دادم و نیز شمس و قمر بتصریح بقید گهری و پل بیان نمودم الحال قاعده دور سبع سیاره که در تمام روز و شب میباشد و خواص خود نیک و بد را بیان نمایم بر همه قاعده منکشف گردد و بخوشی خاطر در فاتحه خیر که بیان عملیات عامل ما آنچه قاعده و برای دانستن ساعات نیک و بد موافق دور سبع سیارات وغیره

واین حساب از روز شنبه گیرند و هر ستاره را دو گهری و چندپل ساعت میباشد و در هر ساعتی هر یک خواص خود بخشد اگر نیک است خواص نیک دهد و اگر نوشته ام منظور است خواهم کرد الحال دائره های ساعت اینست

| | | |
|---|---|---|
| اول ساعت زحل ۱۲ گهری | دوم ساعت مشتری ۲۰ گهری | سوم ساعت مریخ ۱۲ گهری |
| چهارم ساعت شمس ۲۰ گهری | پنجم ساعت زهره ۲۰ گهری | ششم ساعت عطارد ۲۰ گهری |
| هفتم ساعت قمر ۲۰ گهری | هشتم ساعت زحل ۲۰ گهری | نهم ساعت مشتری ۲۰ گهری |
| دهم ساعت مریخ ۲۰ گهری | یازدهم ساعت شمس ۲۰۰ گهری | دوازدهم ساعت زهره ۲۰ گهرکد |

بروج آفتاب باشد و کار و تفصیلش بدین طریق است

## قاعده و دانستن خاصیت بروج

| | | |
|---|---|---|
| چون لگن اول<br>برای هر کاری بسیار خوب | بهتر لگن دوم<br>بدرجه وسط نه نیک و نه بد | دستبهاد لگن<br>بسیار بد در هر کار |

| | |
|---|---|
| حمل سرطان میزان جدی<br>اگر آفتاب در این بروج باشد لگن چه بسیار خوبست | ثور اسد عقرب دلو<br>اگر آفتاب در این بروج باشد بهتر لگن اوسط است |

جوزا سنبله قوس حوت

اگر در این بروج آفتاب باشد دستبهاد لگن بد است

## قاعده

بدانکه بعضی بروج با بعضی دوستی دارند و بعضی با بعضی دشمنی دارند و بعض بروج با هم متساویند نه دوستاند و نه دشمنند پس باید که این همه سعد مر را نگاه کند و وقتیکه برای دوستی و حب عملرا ابتدا کردن خواهد اجتماع طالع باشند ابتدای عمل کند تا راست آید و بروج کواکب هر دو را دوستی و دشمنی شرح دهم تا تو سهل گردد

| | | |
|---|---|---|
| حمل و اسد<br>با هم دوست بدرجه مبالغه | ثور و عقرب<br>با هم دوست بدرجه اوسط | جوزا و قوس و دلو<br>هر سه با هم دوست بسیار |
| سنبله و حوت<br>با هم دوست | میزان و حمل<br>با هم دوست بدرجه اوسط | ثور و سنبله<br>دوست بدرجه مبالغه |

| | | |
|---|---|---|
| جوزا و میزان<br>باهم دوستند بدرجهٔ وسط | سرطان و عقرب<br>باهم دوستند بدرجه وسط | اسد و قوس<br>باهم دوستند بدرجه مبالغه |
| سنبله و جدی<br>باهم دوست بدرجه وسط | اسد و حوت<br>باهم دوست بدرجه وسط | حمل و سنبله<br>باهم دوست بدرجه وسط |
| حمل و عقرب<br>باهم دشمن بدرجه وسط | ثور و میزان<br>باهم دشمن بدرجه وسط | حمل و ثور<br>باهم دشمن بدرجه وسط |
| | ذکر دوستی و دشمنی کواکب | |
| آفتاب و مریخ<br>باهم بسیار دوست | زهره و زحل<br>باهم بسیار دوست | عطارد و آفتاب<br>باهم بسیار دوست |
| عطارد و مریخ<br>باهم دوست بدرجه وسط | قمر و مریخ<br>باهم دوست بدرجه وسط | شمس و زحل<br>باهم دشمن متوسط |
| مشتری و قمر<br>باهم بسیار دشمن | عطارد و زحل<br>باهم دشمن بدرجه وسط | عطارد و زهره<br>باهم دشمن بدرجه وسط |

پس اینهمه قواعد حاضر را باید که از بر یاد کند و ما رنگ لون و طبع هم نویسیم تا طالب

| | | | |
|---|---|---|---|
| حمل ۱<br>رنگ زرد و سرخ و شیرین<br>طبع جهة مشرق | ثور ۲<br>رنگ سیاه و سبز و تلخ<br>و تیز طبع جهة جنوب | جوزا ۳<br>رنگ سفید با گل بریانی<br>تلخ و شور طبع جهة مغرب | سرطان ۴<br>رنگ سفید مطلق شیرین<br>طبع جهة شمال |

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسد ۵<br>رنگ زرد و سرخ و شیرین<br>طبع جهة مشرق | سنبله ۶ مطلق<br>رنگ سیاه و سبز و تلخ<br>و تیز طبع جهة جنوب | میزان ۷<br>رنگ سفید و سبز و شور<br>و تلخ طبع جهة مغرب | عقرب ۸<br>رنگ سفید مطلق چرب<br>طبع جهة شمال |
| قوس ۹<br>رنگ زرد و سرخ شیرین<br>طبع جهة مشرق | جدی ۱۰<br>رنگ سیاه و سبز تلخ مطلق<br>تیز طبع جهة جنوب | دلو ۱۱<br>رنگ سفید و سبز و شور<br>و تلخ طبع جهة مغرب | حوت ۱۲<br>رنگ سفید مطلق چرب<br>طبع جهة شمال |

سمت طبع و رنگ بروجها برای این جهة نوشته‌ایم که عامل را بوقت نوشتن نقش که آتشی باشد سمت مشرق نشسته بنویسد و بهمین طریق بهر مزاج که نقش نویسد آن جهة نشیند و موافق رنگ بروج سیاهی یا سرخی نوشتن نقش باشد تا راست آید موجب لذت او رنگ خواه اشیای تلخ و شیرین و غیره در دهن خویش داشته باشد و نقش شد و همچنین هر کواکب با طبع و حبالت ایست

| | | |
|---|---|---|
| آفتاب ۱<br>طبع گرم جهة مشرق لذت<br>شیرین جلالی سعد اکبر | قمر ۲<br>طبع سرد جهت شمال لذت<br>شیرین مشترک سعد اکبر | مریخ ۳<br>سرخ مطلق طبع گرم<br>جهة لذت نمکین نحس<br>اصغر جلالی |

| | | | |
|---|---|---|---|
| عطارد ۴<br>رنگ سبز سیاهی مایل طبع<br>سرد و لذت دو جهة<br>سعد و نحس ممزوج در هر دو مغرب | مشتری ۵<br>رنگ زرد مطلق گرم طبع<br>لذت شیرین جهة<br>مشرق سعد اکبر جلالی | زهره ۶<br>رنگ زرد و سبز آتشی طبع<br>سرد جهة مغرب لذت<br>شیرین سعد منقلب | زحل ۷<br>رنگ سیاه مطلق طبع گرم<br>لذت شور جهة جنوب<br>جلالی نحس اکبر |

این دائره مختص بجهة تفهیم طبع طالبان نوشته‌ایم که از هر خاصیت آگاه باشند و اجرای کار خود نمایند و باید که طالع سائل و مسئول هر دو دریافته کار کنند اگر طالع سائل منسوب ببروج و کوکب آتشی و مقدمه حب بود در عمل آرند و نیز بحوزات

هر کواکب منقسم و موسومه کواکب بر آن اشیاء که سفر زند بسوزانند جدا جدا برای هر کواکب غذا و بخورات پس این اشیاء را هر قدر که تواند ملحوظ خاطر داشته بکار بپردازند درست افتد چنانچه دائره بخورات هر کواکب اینست فافهم

| | | | |
|---|---|---|---|
| زحل ۱ | عود | رالی | گوگل |
| مشتری ۲ | عطر و عنبر و مشک و زعفران | صندل سرخ و صندل زرد | اگر و لوبان حب الغار و شکر |
| مریخ ۳ | عود و قرنفل | لوبان و سپندور | جوز و گوگل |
| شمس ۴ | عود و صندل سفید سرخ و عطر | جوز و عنبر و اگر و شکر | لوبان و اسپندور |
| زهره ۵ | عطر سهاک و مشک | صندل سرخ و سفید زعفران لوبان | شکر و جوز و اگر و گلهای خوشبودار |
| عطارد ۶ | عود و صنوبر | لوبان و بخ | تشور و الکند |
| قمر ۷ | کافور | عطر و عطر گلاب | لوبان و عود |

باید که در وقت فتیله سوختن و خواندن عمل موافق طالع طالب و مطلوب از این بخورات دود کند اگر ستاره طالب و مطلوب هم برعکس باشند یعنی ضدیت دارند یکی آتشی طالع و دیگری آبی طالع است در این صورت عدد هر دو اسم برآورده دوازده گانه طرح دهد آنچه باقیماند بر بروج تقسیم کند هر جا که عدد منتهی شود آن برج و آن ستاره که با آن برج منسوب باشد بخورات روشن کند و چون بروز اول ابتدای دعوت اسم و عمل باشد شیرینی و میوه و هرچه غذای موافق طبع نقش و عمل و دعوت و موافق طبع کواکب او باشد بنهند تا راست آید و بعضی عمل چنان هستند که هر روزه آرد گولی آن نقش بسته بدریا بیندازند و بعضی در عمل آن چنانند که هر روزه دعوت در هنگام خواندن عمل پیش موکلان نهند و بعضی عمل چنانند که هر روزه دعوت بدرویشان و تصدق اجرای دارند و بعضی چنانند که خود آن غذای موافق طبع عمل در استعمال خود دارند پس باید که اینهمه ترکیبات غذا و تصدق و دعوت موکلات و نذرها حاکم آن عمل بموجب مزاج بروج و کوکب که حاکم آن عمل و دعوت باشد و مالک نقش بود از این قاعده دریافت نماید مثلاً عمل حب و طبع او آتشی بازای آن

کوکب مشتری و عطارد و آفتاب یا زهره مانند لهذا موافق غذای این کواکب اگر اختیار کرده است نذورات و صدقه و غذای اجرای کار نماید تا آنکه بزودی مسخر حاصل شوند و دائره اغذیه و کواکب که برای تصدق وغیره است اینست

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ زحل | برنج زرد و شیرین | میوه های ولایتی | شیرینی خوشبودار | دال نخود و گلاب | عطر و صندل خالص |
| ۲ قمر | برنج سپید و شکر سفید | شیر برنج از شیر خالص | روغن زرد و دوغ ماست | میوه هائیکه شیر باشد | پیوزه و گلاب |
| ۳ مریخ | گوشت نان و کباب | برگهای ساگ سرخ و مرچ | روغن سرشف | دال عدس و میوه های ترش | خوشبوی تند و تیز |
| ۴ عطارد | برنج و دال مونگ | میوه های هندی ولایتی | پسته سبز چهار مغز | انگور و انار و پر انها نان | خوشبوی مجموعه |
| ۵ مشتری | شیر برنج و زرده | میوه های ولایتی شیرین | عسل مصری خالص | شهد و شکر نان شیرینی | عطر و گلاب و عبیر |
| ۶ زهره | شیر برنج و زرده سفید | لوزیات وغیره | حلوای عسل | دال نخود و برنج | عطر سهاگ |
| ۷ زحل | کهچری ماش | کنجد سیاه | بادنجان | میوه های تلخ | عطر گل مینی بنی |

## قاعده دانستن برج مطابق ماه جلالی

اول در دایره سیر کواکب ماه هندی نوشته ام الحال برای خاطر طالبان این فن ماه جلالی را دائره بنویسم که بسیار بکار میاید یعنی اگر طالع شخصی از حروف ابجی عدد برآرد و دریافته لهذا این قواعد از کتب علمای دینست که موافق طالع آتشی بادی آبی خاکی نام بطالع دریافت نمود آغاز تسخیر و دعوت و زکوة دادن با بقاعده عربی بسیار آسان افتد و تلاش از ماههای هندی مطابق کردن با ماههای عربی نه افتد ابتدای حساب ماههای جلالی در هر سنه مراد از ماه محرم میباشد و علمای متقدمین در غره ماه محرم را نیروز نوروز گویند کیفیت سال از همین روز گرفته اند و این سنه مقدسه هجری پیغمبر است

موافق نوروز اکثر حالات مطابق هم بیاید پس برای آسانی ماه جلالی دایره نوشته شد
دایره مذکور پایین اینست فافهم

| | | |
|---|---|---|
| محرم الحرام منسوب برج حمل طالع آتشی و نر است | صفر المظفر منسوب برج ثور طالع خاکی ماده است | ربیع الاول منسوب برج جوزا طالع بادی نر است |
| ربیع الثانی منسوب برج سرطان طالع آبی ماده است | جمادی الاول منسوب برج اسد طالع آتشی نر است | جمادی الثانی منسوب برج سنبله طالع خاکی ماده است |
| رجب المرجب منسوب برج میزان طالع بادی نر است | شعبان المعظم منسوب برج عقرب طالع آبی ماده است | رمضان المبارک منسوب برج قوس طالع آتشی نر است |
| شوال المکرم منسوب برج جدی طالع خاکی ماده است | ذیقعده الحرام منسوب برج دلو طالع بادی نر است | ذیحجه الحرام منسوب برج حوت طالع آبی ماده است |

پس باید که عاشق حمل بر طبایع بروج کند اگر معشوق آبی طبع باشد در ماه آبی عمل آغاز کند و اگر مطلب تسخیر امیر و حاکم است هرچه طالع آبی آتشی و خاکی و بادی افتد بر آن عمل کند اثر تمام بخشد اما از هر ماه بحدیث پیغمبر صلعم و نیز بقول منجمان تاریخهای نحس و سعد در آن تاریخ کار آغاز کردن خطا است پرهیز باید کرد و ابتدای هر کار مثل آغاز نمودن دعوت عمل و دادن زکوة و آغاز وظائف و دعا نوشتن و نقش پر کردن و رفتن بدریا در تاریخ نحس بهتر نبود اگر در اثنای چله تاریخهای نحس افتد مضایقه نیست اما ابتدای کارها نباید کرد چنانچه حسب ارشاد مخبر صادق در تمام سال بیست و چهار تاریخ نحس اکبر اند چون کسی در آن تاریخ متولد شود زنده نماند و اگر زنده ماند ببدی زندگی کند و اگر بیمار شود بهتر نگردد و اگر بر جنگ رود کشته گردد و اگر تجارت

کنند تاراج گردد اگر درخت نشاند بار ور نگردد اگر زراعت کنند آفت رسد اگر آغاز عمارت کنند تمام نشود اگر بر سواری شود بر زمین افتد اگر کار نیک مثل دعوت بعمل آرد کار نیک نیاید اگر سفر دریا کنند جهاز و کشتی غرق شود بتاریخ آن بهر صورت نیک نباشد و آن تاریخهای نحس اینند باید فهمید و بر آن تاریخ کاری شروع نماید و باید آگاه شدن تا که عملیات راست آید دائره تاریخ منحوس کاری نماید و منحوس از ابتدا بپرهیزد

| محرم | صفر | ربیع الاول | ربیع الثانی |
|---|---|---|---|
| ۱۴ ۱۱ | ۱ ۳ | ۱۰ ۲۰ | ۱ ۱۸ |
| جمادی الاول | جمادی الثانیه | رجب | شعبان |
| ۲ ۱۱ | ۲ ۴ | ۱۲ ۱۵ | ۳ ۴ |
| رمضان | شوال | ذیقعده | ذیحجه |
| ۹ ۲۰ | ۶ ۷ | ۳ ۵ | ۲ ۷ |

قاعدهٔ دیگر از کتب فضلای عصر چنانچه علمای متقدمین این تاریخ ها را نیز نحس اکبر میگویند

| محرم | صفر | ربیع الاول | ربیع الثانی |
|---|---|---|---|
| ۱۲ ۱۱ ۱۴ | ۳۰ ۱۲ ۱۰ | ۴ ۱۰ ۲۰ | ۱ ۱۱ ۲۸ |
| جمادی الاول | جمادی الآخر | رجب | شعبان |
| ۱۰ ۱۱ ۲۸ | ۱ ۱۱ ۱۲ | ۱۱ ۱۲ ۱۳ | ۱۴ ۲۰ ۲۶ |
| رمضان | شوال | ذیقعده | ذیحجه |
| ۲ ۲۰ ۲۴ | ۲ ۶ ۸ | ۶ ۱۰ ۸ | ۸ ۲۰ ۲۸ |

## قاعده دیگر در شناختن تاریخ نحوس

یعنی مطابق بروج طالع ایام منحوس در هر ماه که طالع هر دانست در آن تواریخ هر یک شخص موافق اسم خود را دریافته پرهیز در هر کار نمایند که آن تواریخ هر طالع منحوس است هیچ کار را نه آید و رنج بخود ندهد هیچ دعوت و زکوة و نکاح و عمارت کارهای نیک در آن ایام نباید کرد که آن روزها دشمن طالع خود داند چنانچه آن ایام مذکور را بتفصیل بدین صورت است

| | |
|---|---|
| برج طالع حمل را | برج طالع ثور |
| ۶ و ۱۱ و ۲۰ و ۲۹ و ۲ | ۴ ۹ ۲۴ ۲۵ ۲۸ |
| برج طالع جوزا | برج طالع سرطان |
| ۴ ۱۳ ۱۷ ۲۸ ۳۰ | ۸ ۱۳ ۱۸ ۲ ۲۸ |
| برج طالع اسد | برج طالع سنبله |
| ۹ ۱۳ ۱۶ ۲۱ ۲۵ | ۱۶ ۱۷ ۱۳ |
| برج طالع میزان | برج طالع عقرب |
| ۲۲ ۲۳ ۲۸ | ۴ ۹ ۱۳ ۱۵ ۲۴ ۲۸ |
| برج طالع قوس | برج طالع جدی |
| ۴ ۹ ۱۳ | ۱۷ ۲۲ ۲۴ ۲۵ |
| برج طالع دلو | برج طالع حوت |
| ۱۲ ۱۷ ۲۳ ۲ | ۲۴ ۲۹ ۱۳ |

## قاعده دانستن دوازده ماه ثابت و منقلب و ذو جسدین

بدان که ماههای سعد و نحس و منقلب و ذوجسدین در جدول طویل نوشته‌ام اما تفصیل آن از آن جدول بفهم مبتدی نخواهد آمد و بنابر آغاز هر کار دانستن آن پر ضرور است چه برای حب و بغض و برای گشایش رزق و افزونی جاه و مرتبه در آن ایام بهر یک قسم آغاز کنند پس چه باشند که در کدام ماه آغاز کنند لهذا آگاه شوند که دوازده ماه در یکسال و دوازده برج باهم اند پس از این تفصیل آن را مفصل کرده اند ثابت و منقلب و ذو جسدین لهذا برای اثبات دولت و افزونی جاه و عزت برای خود یا دیگری عمل کنند آنوقت که آفتاب در برج ثابت باشد و برج ثابت چهار اند چنانچه از اینطور بینند

| | |
|---|---|
| دائرهٔ ثابت و منقلب و ذو جسدین بروج ثابت مطابق ماه ثور جلیه اسد بهادون عقرب اگهن دلو ثیاکن برای گشایش رزق و افزونی جاه و مراتب در این روزها عمل کنند | بروج منقلب مطابق حمل بیساکه سرطان ساون میزان کاتک جدی ماگه برای مقهوری عدا و بغض و نفاق در این ایام عمل کنند |

## بروج ذوجسدین

جوزا اساره سنبله کنوار قوس پوس حوت جیت

برای حب و تسخیر مطلوب اگر عمل کنند در این ماهها کنند

## قاعده در دانستن جهات رجال الغیب

باید دانست که رجال الغیب مردان غیبند که در هر کار حرکت و سکونت شریک کار میباشند پس در هر مقصد مثل سفر رفتن و آغاز کارهای نیک و خواندن وظائف و نشستن در چله و مراقبه و نوشتن تعویذ وغیره اگر رجال الغیب روبرو افتد بد باشد هرگز آن کار را آغاز ننمایند زیرا که اگر برای دوستی کنند دشمنی شود هرگاه برعکس بود اگر برای شکار رود زخمی شود اگر بملاقات سلطان رود مغضوب و مقهور شود پس این قاعده را بوجه احسن بخاطر ضبط نمایند و این ضعیف برای همین همه را یکجا نموده که موجب نفع در عمل آرند و در مقصد رجال الغیب جیت عربی از استادان مقرر است و آن جیت ایمانی در جهات رجال الغیب است یعنی هر حرف منسوب بطرفیست از اول تا آخر و نیز دائره هم برای این مقرر است چنانچه اولاً جیت این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| کنجغ | بامش | کنجغ | بمش |
| ۱ ۲ ۳ ۴ | ۵ ۶ ۷ ۸ | ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ | ۱۳ ۱۴ ۱۵ |
| کنجغ | بامش | کنجغ | امش |
| ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ | ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ | ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ | ۲۸ ۲۹ ۳۰ |

بدانکه قاعده این جیت بدین گونه است که هر حرف منسوب بجهتیست و در این قاعده آته جهت هستند مشرق مغرب جنوب شمال اگنی نیرت بائب ایسان اول در جا تند و این گوشه‌ها پس هر جیت منسوب بحرف شعر بالاست بهر گوشه نیز نسبت است چنانچه ک اول منسوب به اگنی و ن منسوب به نیرت و ج منسوب بجنوب و غ اول منسوب بمغرب و ب منسوب به بائب و الف منسوب بایشان و م منسوب بمشرق و ش منسوب بشمال علی هذا القیاس از تاریخ اول بروز سلخ تمام ماه بر همین سی حرف

| | | |
|---|---|---|
| افسون بند بدانائی باید فهمید دائره چکر چوگنی اینست بر این عمل کنند عزیز باید داشت | | |
| اگنی<br>۱-۹-۱۶-۲۴<br>آتش سوار برای عداوت | مشرق<br>۷-۱۴-۲۴-۲۹<br>فیل سوار برای خواب بندی | ایسان<br>۶-۲۱-۲۸<br>خرسوار برای محبت آخر روز |
| جنوب<br>۱۳-۱۱-۱۸-۲۶ | چکر چوگنی | شمال<br>۱۸-۱۵-۲۳-۳۰<br>اسب سوار برای محبت |
| نیرت<br>۱۰-۱۷-۲۵<br>سگ سوار برای محبت | غرب<br>۱۴-۱۲-۱۹-۲۷<br>گاو سوار برای محبت و تسخیرات | باشب<br>۵-۱۳-۳۰<br>تخت سوار برای علو درجات |

دیگر آنکه قواعد دانستن رجال الغیب از این ابیات معلوم نمایند بهر تاریخ بهر سمت خواهد بود

## منظومه رجال الغیب

اگر تو می نمائی بقول اهل کمال — بدین طریق شناسی جواب ابدال
بروز اول و نهم و شانزده و بیست و چهار — میان شرق و جنوب اند ای خجسته خصال
بدوم و دهم و هفدهم و بیست و پنج — میان غرب و جنوب اند ای نکو افعال
سه و یازده و سیزده و بیست و شش — سوی جنوب بقول صحیح بر همه حال
بچارم و دهم و نوزده و بیست و هفت — چه ماه نو بد مغرب بند حلقه مثال
به پنج و سیزده و بیست گر نشان طلبی — میان غرب و شمالند مردم فعال
بشش و بیست و یک و بیست و هشت گر جوئی — مقام مردم غیبی میان مشرق و شمال
بهفت و چارده و بیست و پنج چو میخواهی — بسوی شرق نشسته ز روی استقبال
بهشت و پانزده و بیست و دو سی باشد — سوی شمال چو صبح دوام و صبح وصال

پس ای برادر قاعده ابیات و از قاعده شعر دائره وغیره به ترکیب رجال الغیب را بیان کردم اگرا نند

عقرب با راه و ماهی مقسیم آن قریب تر است چون این قاعده دریافتی حال قمر در عقرب دریافت کردن باید دنیز دوره سبع سیارات را دریافتن چندان ضرور نیست و دیگر اینکه باعث طول کتابت اگر طالب آگاه باشد نقصانی در عملیات نیست اگاه نباشد اگر آگاه شود اینقدر فائده است مشتری انگشتری نقش بکند و پر کردن نقش هم نافع تر است اگر برای عداوت در شرف مریخ نقش نویسد مؤثر خواهد بود پس دیگر قاعده برای عامل نیست منجم را برای حکم کردن باید که علم نجوم بخواند و این نسخه که بر عملیات است همین قدر عامل را بس بود که نوشته دادم از قمر در عقرب هم در کار نقصان میدهد بدین جهت نوشته میشود و عامل را ضرور تر است یاد کردن آن زیرا که در زمان قمر در عقرب که دو روز و چند ساعت در آن برج میماند هیچ کار آغاز نباید مثل دعوت و زکوة و چله هیچ عمل را در پیش کردن خطا است اگر در میان چله افتد نیست و باید که علاوه آغاز کردن عمل سفر هم نکند و نکاح هم نباید کرد و همچنین بنای عمارت و زراعت کردن هم نباید کرد لهذا این قاعده را هم استادان بطریق نظم بیان کرده اند و قمر در عقرب بجز شراکت مشهور هندی و مشهور فارسی مفهوم نمیشود و صورتش اینکه در نظم تاریخ ماههای عربی داند و ماه را هندی فهم کند مثلاً مصرع آن ابیات مع یازده اندر اساره هشت اندر ساونست چنانچه بتاریخ یازدهم ماه عربی در آن زمان که ماه اساره باشد علیهذا القیاس هم برانیطور بداند ابیات

عقرب آمد هر مهی دو تیم روز آرد گران
هر که کاری میکنی در وی به آزار زیان

یازده اندر اساره هشت اندر ساونست
شش به بهادون به آسن و یک بکاتک امتحان

بیست و هشت آمد باگهن بیست و شش آمد بپوس
بیست و سه در ماگهه باشد بیست و یک بهاگن بدان

ایجده در چیت و شش را نزده بیساکه دان
سیزده در جیٹهه باشد نه گر اساره آی بدان

قاعده دانستن طالع هر شخص به نوع در هندی و فارسی که بسیار مفید و بکار آمد هست بدانکه طالع هر شخص دریافتن در علم عملیات ضرور تر افتاد زیرا که بدون دریافتن طالع هیچ اثر راست نه آید اگر تمام سعدیات تسخیر و نفاق و مرض هر اسم ظاهری مقرر کند تا موافق افتد زیرا که اسم را قیام نیست اکثر مردم اسما خود را تبدیل میکنند چنانچه بعضی در روز کار کردن بدل

کنند بعضی در مقامات دیگر اسم اصلی پنهان کنند مثل اینکه دختر در خانهٔ مادر
نام دیگر دارد و در خانهٔ دیگر خطاب دیگری یابد اسم او بدل شود لهذا حقیقت اسم
ظاهری عامل بداند و طالع را بطور خود استخراج کند و عمل آغاز نماید و آن اینست که اول
طالع معتبر و متین آن باشد که اسم مادرش میگفت یا پدرش اسم داشته باشد عدد آن اسم
بقاعدهٔ حروف تهجی بر دارد و جمع کند و دوازده دوازده طرح دهد آنچه باقی ماند به بروج تقسیم کند
بر هر برج که عدد منتهی گردد و همان طالع او باشد و اینرا طرح بروجی گویند مثلاً نقطهٔ عدد
بر سرطان تمام شد طالع او سرطان است و مزاج آنکس آبی است پس هر کسی مزاج خاکی
داشته باشد محبت تمام باشد و عمل حب اثر کند زیرا که آب و خاک با هم موافقند هر
تعویذ که نویسد از خانهٔ خاکی نویسد و ساعت ستارهٔ آبی یا خاکی گیرد تا در مزاج اثر
تمام دهد دوم طالع اینکه هر شخصی که در ساعت هر کوکب متولد شود یعنی بساعت زحل
یا مشتری یا مریخ پیدا شده باشد همان ستاره که ساکن برج باشد طالع آنکس باشد
و اینمعنی را بوجه احسن از بزرگان دریافت نماید که بکدام روز و بکدام پاس اینشخص متولد
شده است یا از جنم کندل و زائچه رمل و تقویم که داشته باشد و دریافت کند آنهم طالع
معتبر است و اگر وقت نا معلوم شود باید که اسم اسم مادرش را عدد از قاعدهٔ تهجی بر آورده همه را
جمع کرده هفتگانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر ستاره ها تقسیم کند هر جا عدد منتهی شود همان ستاره
مر طالع اوست و اینطریق را طرح کواکب میگویند پس عمل و دعوی کند که در مزاج و ساعت آن
دریافته آغاز نماید درست و مطابق خواهد افتاد و باید که عدد اسم مطلوب هم بر اینطریق
مذکوره بر آورد و طرح داده طالع را استخراج کند مزاج هر دو ببیند اگر یکی مزاج آبی
و دیگری خاکی و از یکی آتشی و دیگری بادی دارد عمل اثر بسیار خواهد کرد و اگر یکی آبی است
و دیگری آتشی طالع را ضدیت است بغض و جدائی را عمل بر این کسان مؤثر نیز خواهد شد
سوم طالع را دریافتن اینکه هر کس که از نام خویش شهرت تمام دارد و از خواب بیدار میشود و
عزت و ذلت و شوکت از همین نام می یابد و گواه آن اسم و در جهان هزار ها آمد آن اسم
از قاعدهٔ نجوم بر این ببیند از هر اسمی که اسم منسوب بود آن اسم به برج و ستاره
که نسبت دارد همان برج و طالع او باشد و منجمان طالع را بر نامند و حروف اسم مطابق

بروج بقاعدہ نجوم از اسم ہر کس کہ مطابق آید آنرا بطور تمام بہ خیند و طائف بروج را نماید و این قاعدہ بوجہ احسن می‌نویسیم تا خاطر آتلاش نیفتد چنانچہ دائرہ راس مع نجھتر بتصریح و تعریف اینست مطابق حرف اسم راس نجھتر را معلوم کند اینست

| ترتیب بروج | حرف چرن | نام نجھتر | ترتیب بروج | حرف چرن | نام نجھتر | ترتیب بروج | حرف چرن | نام نجھتر |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| برج حمل | چو، چے، چو، لا | اسنی | برج اسد | ما، مے، مے، مو | مگھا | برج قوس | یے، یو، بھا، بھی | مول |
| | لی، لو، لی، لو | بھرنی | | ٹا، ٹی، ٹو، ٹے | پوروا | | بھو، دا، بھا، ڈھا، بھی | پوروا کھاڈ |
| | آ | کرتکا | | ٹو، پا، پی | اترا | برج جدی | بھے، بھا، جی | اترا کھاڈ |
| برج ثور | ای، او، ای، او | کرتکا | برج سنبلہ | پو، شا، ڻا، ٹھا | ہست | | کھی، کھو، کھے، کھو | سرون |
| | وا، وی، وو | روھنی | | پے، پو، را، ری | چترا | | گا، گی | دھنشٹا |
| | وے، وو | مرگسر | | | | | | |
| برج جوزا | کا، کی | مرگسر | برج میزان | رو، رے، تا | چترا | برج دلو | گو، گے، سا | دھنشٹا |
| | کو، گھ، ڈا، چھا | اردرا | | رو، رے، تا | سواتی | | سی، سو، سے، سو | ست بکھا |
| | کے، کو، ہا، ہی | پنربس | | تی، تو، تے | بساکھا | | دا، دی | پوربھادر |
| برج سرطان | ہی | پنربس | برج عقرب | تو، نا، نی، نو، نے | انورادھا | برج حوت | دو، تھا، جھا، نا | پوربھادر |
| | ہو، ہے، ہو، ڈا | پکھ | | نو، یا، یی، یو | جیشٹا | | دو، دی، جھا | اترابھادر |
| | ڈی، ڈو، ڈے، ڈو | اشلیکھا | | | | | دی، دو، چا، چی | ریوتی |

و باید دانست که هر راس الاین کلمات شرکت هستند در این دایره فاما علیحده نوشته شد یعنی
الامیکه راس او بابر که راس کوکن راس کا چهاکرکه رانس نالی سنگه راس بها تها کنیا راس
بها و بها رهن بر راس بها تهی مین راس این قدر الفاظ و کلمات زاید برای احتیاج نوشته شد
پس ضرور باید که بغیر دریافت طالع هیچکس را تعویذ نوشته نه دهد و هیچ کار آغاز نکند مثلاً برای
کشتن عدو اگر عدو زحل طالع بود بعمل سیفی مشغول شود که معکوس شد در ساعت مریخ و شمس عطارد
باید کرد که این کواکب دشمن زحل اند و اگر برای دوستی طالبست و مطلوب زحل طالع باشد عمل در ساعت
زهره باید کرد که زهره دوست زحل است اثر تمام خواهد بخشید و درمیان مردم که دوستی و دشمنی
میشود بیشک از خواص کواکب میشود و اینکه گاهی بر الخلاف چون دوستی کمی میشود اغلب که در
ساعت تحویل آن هر دو اتفاق کواکب شده است یا در اسم آن هر دو فرقت باطن دالانه
در مخالفت کواکب دوستی نا پایدار است و در اکثر اتفاق معامله دنیوی مثل نکاح و تجارت و غیره
نفاق آخر بظهور میرسد و اگر گاهی مجمع سبع سیاره در یک برج افتد و سیر با هم اشیا ناموافق
افتد در آن سال آفت در جهان ملک پیدا میشود و فتنه و طوفان ظاهر گردد
و پادشاه ملک پیدا میشود و پادشاه ملک و امرا همه تباه شوند و با آنچه
علی الخصوص اگر مریخ و زحل در یک برج سیر کنند و همقران شوند امرا و سلاطین
بمیرند و خلق بآفاق رسد و قحط افتد و کشت و زراعت بزیان رسد و چارپایان را
خطر جان بود و در این شش بروج قران زحل و مریخ بسیار است و سنبله
حوت اسد ثور عقرب باقی بروج را قران اینقدر نحس نبود
الحاصل اینهمه امور دقایق برای طالبان نوشته دادم تا بر عملیات حزم و
احتیاط از دست نه دهند و نیز آنچه که ذکر کرده ام که در بعض عملیات پرهیز جلالی
کنند و در بعض عملیات پرهیز جمالی مینمایند فی الجمله شرح پرهیز جلالی و جمالی
با شرایط تمام و ترک حیوانات و ترک لذات مطلق و ترک حیوانات جلالی و جمالی
همه را مینویسم تا بکار عامل آید و کسی در مقدمه عاجز نشود و فقیر را در جلسه و خلوت
بدعای خیر یاد نمایند و به روحم فاتحه و ثوابی برسانند و انصاف کنند
والله اعلم بالصواب

## قاعده داشتن پرهیز جلالی و ترک حیوانات وغیره

بدانکه اگر آیات جلالی و عملیات جلالی بخوانند اینقدر پرهیز کنند که گوشت و ماهی و بیضه و عسل و مشک و بوی چربی و جامه پشمینه و ابریشمی و هر چیزیکه از حیوانات پیدا میشود و کارد و دسته دندان فیل و دسته شیر ماهی و دسته شاخ و کفش و مشوره نپوشند و موی نتراشند و ناخن نگیرند و جماع نکنند و بعض استادان دال عدس و برگ تنبول را خوردن منع کرده اند و بر بستر غیر ننشینند و از دیگری مس نشوند و سرکه و پیاز و ترب و انگور و نمک علی و خرما وغیره هیچ نخورند و همه وقت باوضو باشند و اگر قوت داشته باشند هر روز اختیار کنند و هیچ میوه نخورند زیرا که مگسها بمیوه می نشینند و چرکین میکنند و روغن سرشف نخورند الا بشرط آنکه بحضور خود روغن با احتیاط تمام از روغنگری مسلمان باشد باین نوع بکشانند که کنجد گرفته در آب جنبانند و هر کنجد که در آب غرق نشود و بر بالای آب بایستاد آنرا دور بریزند زیرا که آن کنجد را کرم خراب کرده است پس باقی را روغن کشانیده اگر استعمال کنند مضایقه نیست و هر کس را که در زمان چله برای خدمت بگیرند آن کس مرد پرهیزگار و نمازی باشد و گاهی حرام نکرده باشد و خود دائم الغسل باشد و جامه بغیر دوخته بپوشند و نگاه دارند که خون گاهی از جسم بر آید و درختی که شیر از آن بر میاید برگ آنرا نشکنند و شاخ گل و میوه از دست خود نشکنند و بعضی نوشته اند که موی صفت مثل بغل و لبها و پای و ناخن نتراشند و باقی موی را نگیرند و بر اسب و فیل سوار نشوند اینقدر پرهیز جلالی بود که نوشته داده شد و پرهیز جمالی اینکه گوشت ماهی و سرکه و پیاز و ثوم نخورند و جماع

(شرح پرهیز جمالی) نکنند و طهارت جامه هر وقت جدا زنند و شیر و خضرات هم نخورند و دیگر میوه و روغن کنجد و سرشف اگر استعمال عند الضرورت کنند مضایقه ندارد و برنج و دال عدس و مونگ نمک در استعمال خود دارند و حجامت کنند و ناخن تراشند و جامه دوخته بپوشند و بر اسب و فیل سوار شوند این بود پرهیز جلالی و جمالی که گفته شد الحال طریقه خواندن عملیات که گفته ایم که بتصریح خواهیم نمود یا دیگر بنده آن خواسته که اول عامل بداند که کدام وکلام ماه و روز عمل بخوانند و برای حب چه باید کرد و برای بعض و هلاکی دشمن کدام ستاره و وقت باید کرد چنانچه

نهم صراحت منزوم ان جان باید که عمل تسخیر کواکب که هر روز و ساعت آن میشود کردن هر روز از
الشمس وانشرح تمامتر منسوب است واضح اینست که مدون بجا آوردن همه شروط عملیات عامل
را نشست میباید اول این همه اقوال را داند بعد از آن قدم در این راه نهد چنانچه قاعده
تسخیر کواکب و قاعده نشستن در چله برین ترتیب است که اول آیات کلام الله که مسخر
هفت زمین و هفت آسمان است با تسمیه اسم کوکب و اسم موکل حاکم کوکب هفت ایام با
ترک حیوانات جلالی بخواند و آیات معظم و مکرم برای خواندن اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَیَانَ اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ
وَالشَّجَرُ یَسْجُدَانِ وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِیْزَانَ اَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیْزَانِ
وَاَقِیْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِیْزَانَ وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ فِیْهَا فَاکِهَةٌ
وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَکْمَامِ پس باید که بروز جمعه بوقت شب یکصد و یک مرتبه اول درود بخواند بعد از آن با
این آیه با کوکب زهره نام موکلان بخواند و بعد تمام بیست و یک مرتبه درود بخواند
آنقدر اسماء زهره که همراه آیه اینست اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا زُهْرَه یَا خَطِیْج یَا اَمُوْفَائِیْل
بعد آن صبح بروز شنبه روزه بدارد و بعد نماز عشاء بدستور درود بخواند و همراه
آیات مذکوره با اسم زحل و کوکب با موکل که هست بخواند اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا زُحَل یَا اِکْ
قَائِیْل یَا اَطْلَیْخ باز بروز یکشنبه روزه بدارد بوقت عشا درود مع آیه شریفه بخواند
بعد از آن آیه کریمه با نام کوکب و موکل آن بخواند اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا شَمْس یَا کَلْیَائِیْل
یَا طَغْشَت روز چهارم نیز روزه بدارد بعد نماز عشا درود بخواند بعد آیه شریفه همراه
اسم کوکب و موکل بتعداد مذکور بخواند اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا قَمَر یَا لَقْوَائِیْل یَا نَقْد روز پنجم
نیز روزه داشته بوقت مذکور بطریق اول همراه آیه کریم بخواند اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مِرِّیْخ یَا
هَیَائِیْل عصر روز ششم که چهارشنبه بود نیز روزه داشته بوقت نماز بعد درود بخواند اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا عَطَارِد یَا اَشْکَائِیْل یَا فَکْوَه روز هفتم که پنجشنبه باشد روزه بگیرد بعد نماز درود
همراه آیه بزرگ نام مشتری و موکلش بخواند اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُشْتَرِی یَا عِجْرَائِیْل یَا عَلِیْم یَا کَرِیْم

پس تمام شد تسخیر کواکب چیزی نیاز سعینه و همه موکلات با بخورات با همه کوکب جهت لهذا بعد از
این هر عمل در دعوت که ادا نماید و نقش در هر ساعت که پر کند اثر ببخشد و بانصرام خواهد رسید
و بلحاظ در هر کار به شطور که گفته میشود کند مثلاً شخصی هلاکت دشمن میخواهد پس برای خواندن عمل
(قاعده دانستن شروط همه عمل) زبان بندی و تخریب عدو و بغض و نفاق و برای مقابله حریف
و دفع آسیب و هر چیزی که تعلق بدی دارد اینهمه را حاکم کواکب زحل و مریخ اند چه زحل خاک کون
و نفاق آرد و مریخ را قتل و قمع و جنگ و جدال و خونریزی و خون برآوردن از شکم است
و همه آفت ارضی و سمائی را تعلق باشد و کوکب اند پس برای اینهمه مقدمه اول او را آفتاب ببیند
که در کدام برج است یعنی آفتاب در بروج منقلب باشد و ماهتاب در آنروز که از نظرات طالع برج
از خود و از عدوی در هشتم و دوازدهم و ششم باشد و مریخ در هفتم بر ساطع دشمن خود باشد و او را
هفتم خانه نکبت و وبال است و کوکب زحل یا مریخ را از طالع خویش شرف باشد یا این از طالع
خویش در خانه قوی باشند و از طالع عدو بخانه ضعیف یا بنظر دشمنی باشد که خانه ششم
و هشتم و دوازدهم است و یوم شنبه یا سه شنبه باشد و ساعت زحل باشد و آفتاب را لگن حل
بود و همه اسباب بخورات زحل مهیا باشد و جا نماز پوشاک عامل سیاه مطلق باشد
و اندک اشیا تلخ و نیز عامل در دهن بدارد و مثل مریخ سیاه و آلو خشک و برگ زیت و در
بخورات گوگل و عود و ران باشد و تاریخ از تاریخهای ماه عربی از دائره سابق الذکر مخالف
بطالع عدو باشد و اغذیه مطابق دائره اغذیه برای نیاز موکل زحل رو بروی عامل بنهاده باشد
و ماههای جلالی نیز مخالف عامل و عدو بود و دوری بجانب رجال الغیب نکند آنرا پس پشت
بگیرد و قمر در عقرب نباشد و از طالع عدوی خود قمر در عقرب بود بهتر است یا قمر از طالع
ششم و هشتم و دوازدهم باشد پس اینقدر شرایط بجا آورده اول تسخیر زحل و مریخ کند
بعد استخاره برای عمل آغاز نماید اگر راه دهد دعوت و زکوة شروع نماید هر عمل که برای
نفاق بدین ترتیب کند تیر بهدف آید و اگر بدین صورت نکند عمل را چه گناه (شرایط عملهای
محبت و تسخیر) اگر کسی برای اتصال مطلوب و برای تسخیر عمل خواندن یا نقش پر کردن خواهد
ادا و اینهمه شرطها بجا آرد یعنی آفتاب در برج ذوجسدین باشد کواکب زهره یا عطارد و قمر
از نظرات طالع مروجی خود دهم از طالع معشوق در خانه دوازدهم و نهم و پنجم و سیم باشد و نیز مریخ

و زحل بنظر دوستی از طرفین بجای نیک در بروج سوم و پنجم و یازدهم باشند و اگر کواکب زهره
با قمر یا عطارد در اشرف بوده بهتر است و آفتاب در الگن چهارم باشد پس آن وقت ساعت زهره بگیرد
و در روز جمعه یا چهارشنبه یا پنجشنبه و دوشنبه بود و تواریخهای ماه عربی سعد باشند از حساب
طالع محبوب مطابق بوند از دائره تواریخ و بحساب حدیث هم تاریخ سعد اکبر بود و رجال الغیب
رو برو و دست راست نباشد و ماه جلالی باشد و قمر در عقرب نباشد و پوشاک و جانماز و دیگر
اسباب عامل سبز باشد یا صندلی یا سفید مطلق و غذاء کواکب برای نیاز موکلات رو برو نهد
چنانچه در دائره اغذیه برای عطارد و زهره و قمر نوشته ام مهیا بود و بخورات این کواکب بسوزانند
و استخاره کند و برای محبت و غیره عمل آغاز کند اثر دهد و دوستی پیدا آید و اگر استطراق را فرو گذاشته
باز عمل و نقش را الحمن اثر نمیدهد خطای عظیم و غلط فهمی خود است عمل را چه گناه است هر گاه
در تدبیر فرق شده است

## شرایط عملیات علو درجات
## و فتوح و تسخیر کردن امراء و سلاطین را و برای دفع امراض

پس اگر کسی عملیات فتوح و نعمت و مال زیاده شدن و پادشاه را تسخیر کردن و زبان امراء را بستن
خواهد و همچنین قسم عمل خواندن و زکوة دادن و نقش نوشتن میخواهد یا دفع امراض مهلکه را علاج
از عمل جوید او را اول باید که شرایط عملیات بجا آرد یعنی اول آفتاب را ببیند اگر در بروج ثابت باشد
اولی است و مهتاب هم در بروج ثابت باشد و از ماههای جلالی ماه نیز باشد و آفتاب و قمر و مشتری
از طالع خود و طالع آن امیر که تسخیر او میخواهد از نظر بروجی با هم و پنجم و نهم و یازدهم باشند
و کواکب نحس مثل زحل و مریخ و راس و ذنب از نظرات طالع عامل یا آنکس که تسخیر او میخواهد
بنظر دوستی در بروج نشسته باشند یعنی در پنجم و نهم و یازدهم بوند و آفتاب و مشتری در اشرف باشند
بهتر است پس اول ساعت آفتاب یا مشتری گرفته در روز یکشنبه یا پنجشنبه که در الگن چهارم بود و تاریخ
سعد باشد از طالع خود بحساب حدیث رجال الغیب بر دست راست و رو برو نباشد
برای عمل خوانی نشیند و پوشاک و جانماز عامل صندلی و زرد رنگ باشد و میوه
جنس و غیره مطابق اغذیه آفتاب و مشتری باشد برای نیاز موکلات رو برو نهد و
بخورات کواکب آنچه مذکور شد بسوزانند بعد این شرایط بجا آوردن عمل آفتاب
و مشتری بخوانند با آیات مذکوره بالا و من بعده استخاره کند اگر بهتر آید هر چه عمل

دولت و فتوح غیبی باشد آغاز نماید اثر عظیم بخشد و زودتر کنیزانش عوت بانجام
رسد پس اینقدر تشریح در عملیات برای طالبان کرده شد اگر از نوشته من عمل کنند
گاهی خطا نخورند و هیچ محنت ضایع نخواهد شد و اگر مطابق اینطور نکنند خطا باید بخورند
زیرا که عمل بر دانستن و وقوف عامل محتاجست چنانچه عمل حب اگر بساعت مریخ و زحل
نمایند بجای حب بغض بساعت زهره و عمل تسخیر بساعت زحل کنند بجای بغض
حب پیدا کنند و بجای تسخیر ذلت شود خدارا چنین ننمایند و برای اینهمه طریقه را در این
کتاب ذکر کردم احتیاج شاگردی بکسی نیست زیرا که شاگردی این کتاب کافی است
و چون راس و ذنب اذکر اینجا نیاوردم این بود که آنرا استاده کوکب گفته اند
بلکه در اقطاب شمالی و جنوبی هردو را خط تصور کرده اند و آنچه که آنرا کوکب گویند تابع
مریخ و زحل گفته اند ذنب بزحل و راس بمریخ پس تمام خواص هردو موافق زحل و مریخ
زند در مقدمه نفاق و بغض و هلاکت بکار آیند بدستور مریخ و زحل در هر حال از
طالع خود طالع دلبر بلحاظ این هردو نمایند والله اعلم بالصواب

## باب ششم در عملیات تکسیر از حروف و کواکب آنچه که بسعت

و صحیح از علوی و سفلی بهم رسیده اینست و این هرچند فصول است از حب و بغض و غیره

## فصل اول در تسخیر پادشاهان و امیران و غیره

چون کسی خواهد که قلوب پادشاهان را تسخیر کند باید که لوحی از طلای خالص بسازد و آن لوح مربع بوده و قتیکه زهره و مشتری را
تثلیث بود و عدد این آیه کریمه بر آرد والٰهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمٰن الرحیم
چنانچه اعداد آیه موصوفه اینست نهصد و بیست پس در این طرح دادیم سی و هشتصد
نود و آمد آنرا چهار حصه کردم و نقش مربع پر کردم اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۲۲ | ۲۳۶ | ۲۳۳ | ۲۲۹ |
| ۲۳۴ | ۲۲۸ | ۲۲۳ | ۲۳۵ |
| ۲۶۷ | ۲۳۱ | ۲۳۸ | ۲۳۴ |
| ۲۳۷ | ۲۲۵ | ۲۲۶ | ۲۳۲ |

پس این نقش مذکور را کنده در همان ساعت که ذکر شد و آن اینست که هرگاه مشتری در یک برج باشد و زهره از مشتری بر درجه سوم آن برج بود یا از آن برج در برج سوم بود برج نهم و پنجم بود یا بر درجه نهم و پنجم و سوم بود آنرا نظر تثلیث گویند و همین وجه دو ستاره را بداند اگر از یکی دیگری در چهارم بود و نظر تربیع است اگر از یکی دیگری در ششم بود نظر تسدیس است اگر از یکی دیگر هفتم بود مقابله است و اگر از یکی دیگری در دوم است مقارنه است اگر از یکی در دیگر هشتم است ساقط است همچنین خانه های تثلیث اند

| خانهای تثلیث طالع<br>از طالع ۵ - ۹ | خانهای تربیع<br>۴ - از طالع از مقابله ۱۰ | خانه مقابله<br>از طالع ۷ |
|---|---|---|
| خانهای تسدیس<br>۳ - ۱۱ - از مقابله | خانهای ساقط<br>۸ - از طالع ۱۲ - از مقابله | خانه مقارنه<br>۲ - از طالع |

پس همین حساب لوح مذکور کنده بر پشت آن لوح اسم خود با نام مادر و نام پادشاه و اسم مادر او این چهار اسماء را ورد کرده با هر دو یکی اسماء الهی در آن ممزوج کند به حیطو رنت این یا طیهال یا مکیال یا ودود یا اصبادث یا اهیا یا بدوح پس همراه با در نیز بر پشت لوح کنده و در وقت کندن قدری شیرینی در دهن بدارد و آن لوح تا که بسیار دبا کسی سخن نگوید پس تیار شود نزد خود بدارد پادشاه مطیع فرمانش گردد مجربست نوع دیگر برای تسخیر ملوک و در چشم پادشاه بزرگ نمائیدن باید که یک لوح از طلا بسازد و عدد آیه معظم اَللّٰهُ لَطِیْفٌ بِعِبَادِهٖ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَآءُ بغیر حساب بر آرد و عدد اسم خویش نیز بر آرد و نقش مربع بر آن لوح در ساعت آفتاب پر کند و این آیه را با حروف اسم خود او تمام نماید و بر لوح این حرف ها نیز بکند یکی این اسم از بالا بکند یا کتیمول و این اسم تحت لوح بکند یا علیقواد کسی سخن نکند چنانچه مثال این نام سائل حامد بسط الفتح ام دوار تمام با ایاح ال م ه د ل ط ی ف ب ع ب ا د ه ی ر ز ق م ن ی ش ا ء ب غ ی ر ح س ا ب پس عدد اینها گرفتم دو هزار و سیصد و نود و چهار بر آمدند - سی حذف کردم - دو هزار و سیصد و شصت و چهار ماندند آنرا چهار حصه کردم چهارم آن پانصد و

نود و یک شد پس در ماه حیه که آفتاب در برج حمل بود و ماه شاهد یافتم که برای فرزندی
جاه مفید است در این ماه بروز یکشنبه ساعت اول که ساعت آفتاب بود و نیز یوم آفتاب
منسوبست بجز و آفتاب سوختم و برعدد منسوب آفتاب بیاز موکلان دادم و رجال
الغیب را بر پشت کردم و تاریخ از مه سعد یافتم در آن ماه پس خاموش باشتم در بر
لوح اول اسمی که بالا نوشته است کنده کردم و بعد از آن حرف تکسیر کندیدم و بعد
کندن حرف مذکور عدد که بر آوردم آن نقش را نقش نوشتم و کندیدم و بعد
کندن حرف مذکور اسم دوم در تحت کندیدم و آن نقش اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۹۱ | ۶۰۴ | ۶۰۱ | ۵۹۸ |
| ۶۰۲ | ۵۹۷ | ۵۹۲ | ۶۰۳ |
| ۵۹۶ | ۵۹۹ | ۶۰۶ | ۵۹۳ |
| ۶۰۵ | ۵۹۴ | ۵۹۵ | ۶۰۰ |

پس چون باین ترتیب که لوح را مثال ساختن گفته شد تیار کنند آن لوح را مدام نزد خود
دارد عزیز گردد نوع دیگر برای تسخیر پادشاه باید که بساعت مشتری اول و شرف
گرفته بعد لوحی از طلا بسازد و اسم خود و ماه و روز و اسم پادشاه یا مادرش گرفته عدد بر آورد
و آیه شریفه سلام قولاً من رب رحیم را اعداد گرفته ممزوج نموده نقش مربع کرده لوح را
نزد خود بدارد عزیز و محترم گردد چنانچه نقش آیه مذکوره اینست در این نقش اعداد بغیر

۷۸۴

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۹۷ | ۲۱۰ | ۲۰۷ | ۲۰۴ |
| ۲۰۸ | ۲۰۳ | ۱۹۸ | ۲۰۹ |
| ۲۰۲ | ۲۰۵ | ۲۱۲ | ۱۹۹ |
| ۲۱۱ | ۲۰۰ | ۲۰۱ | ۲۰۶ |

نوع دیگر ایمن بودن از قهر سلاطین و ایشان را بر خود رحیم کردن ابتدا بروز
پنجشنبه روزه بدارد و چون دو ساعت از روز بگذرد در همین لوح از کاغذ سپید
بگیرد و با آب طلا نقش مربع پنجشنبه و آیه من حصنا را شور و رشتر کل دابر

انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم برآرد و دور آن نقش بنویسد و با
خود بدارد نزد پادشاه برود اگر خون کرده باشد سلطانش معاف خواهد کرد و او را
عزیز خواهد داشت چون از انجا بیاید آن لوح کاغذی را در قرآن مجید بجای سوره
تبارک الذی است نهاده و چنانچه اعداد آیه معظم را گرفتم و نقش پر کردم اینست

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۴۷۹ | ۱۴۹۳ | ۱۴۸۹ | ۱۴۸۶ |
| ۱۴۹۰ | ۱۴۸۵ | ۱۴۸۰ | ۱۴۹۲ |
| ۱۴۸۴ | ۱۴۸۷ | ۱۴۹۵ | ۱۴۸۱ |
| ۱۴۹۴ | ۱۴۸۲ | ۱۴۸۳ | ۱۴۸۸ |

نوع دیگر اگر کسی را حکم گردن زدنی شده باشد پس او را لازم که قمر را به بیند اگر
خالی از نحوست باشد لوح طلائی بسازد و بر آن لوح این نقش مربع را بکند
و قدری شیرینی تصدق کند و در دهن بدارد لوح گرفته رو بروی شاه برود از
خون معاف گردد و محترم شود و این لوح از پیشتر برای دفع چنین کار را
تیار بکند بهند تا که شاید آن وقت که ضرورت بود و قمر را نحوست بود پس
چگونه تیار خواهد شد و این لوح اگر در جنگ نزد خود بدارد فتحیاب
گردد و نقش لوح اینست اعداد ۳۴۷۹ کسر ۳

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۶۳ | ۸۷۶ | ۸۷۲ | ۸۶۹ |
| ۸۷۳ | ۸۶۸ | ۸۶۳ | ۸۷۵ |
| ۸۶۷ | ۸۷۰ | ۸۷۸ | ۸۶۴ |
| ۸۷۷ | ۸۶۵ | ۸۶۶ | ۸۷۱ |

نوع دیگر برای تخفیف غضب سلاطین باید که در این نقش نام خود را اعداد
برآورده شریک کند و بخود دهد و نقش را نزد خود بدارد پادشاه را غضب
فرونشیند که در عدد اسم بیامیزد آن اینست

در آن صفحه است

۷۸۴

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٣٢٠۶ | ٣٢٠٩ | ٣٢١٣ | ٣١٩٩ |
| ٣٢١١ | ٣٢ | ٣٢٠۵ | ٣٢١٠ |
| ٣٢٠١ | ٣٢١۴ | ٣٢٠٧ | ٣٢٠۴ |
| ٣٢٠٨ | ٣٢٠٣ | ٣٢٠٢ | ٣٢١٢ |

نوع دیگر این بودن از شر سلطان باید که در روز یکشنبه بساعت اول آفتاب بشرط آنکه قمر خالی از نحوست باشد عدد آیه شریفه سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی المُرسَلینَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ برآورده در این نقش ادغام کرده نقش مربع را در لوح نقره بکند و بخورات بسوزاند و دود آن نقش بدهد و بر بازوی چپ خود به بندد از غضب سلطان بهر نوع که باشد ایمن گردد هر چند که خاطی باشد نقش این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٣٢٠٨ | ٣٢١١ | ٣٢١۴ | ٣٢٠١ |
| ٣٢١٣ | ٣٢٠٢ | ٣٢٠٧ | ٣٢١٢ |
| ٣٢٠٣ | ٣٢١۶ | ٣٢٠٩ | ٣٢٠۶ |
| ٣٢١٠ | ٣٢٠۵ | ٣٢٠۴ | ٣٢١۵ |

## نوع دیگر

برای مطیع و مسخر نمودن قلب سلاطین جابر و قاهر باید که بساعت سعد که قمر خالی از نحوست باشد و ماه ثابت بود لوحی از طلای خالص بسازد و عدد آیه موصوفه را برآورد صِراطٌ عَلَیَّ حَقٌّ نُمسِکُهُ نقش مربع کشیده و بر لوح بکند و نزد خود دارد و چون نزد پادشاه رفتن خواهد بخور بسوزاند و این آیه را هفده بار بخواند و بر خود دمد و نزد پادشاه رود و ترکیب دیگر اینعمل اینکه عدد آیه شریفه یا اِلٰهَ الآلِهَةِ الرَّفیعِ جَلالُهُ نیز از تهجی برآرد و عدد آیه معظم مذکوره بالا را در این عدد ممزوج کند و هر دو یک مربع کشیده و بر لوح طلا بساعت مذکوره بکند و نزد خود بدارد و پیش پادشاه رود پادشاه

مستوا گردد چنانچه من آیه عدد اول را برآوردم یک هزار و چهل و سه
برآمد و عدد آیه دوم را نیز برآوردم نه صد و هفتاد و سه برآمد پس
هر دو را جمع کردم دو هزار و شانزده برآمد پس هر دو را نقش نوشته
دادم یکی از اعداد آیه اول و دیگری از اعداد هر دو تا هر که عامل خواهد
مناسب داند بکار برد نقش عدد آیه اول این است

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۵۳ | ۲۶۷ | ۲۶۳ | ۲۶۰ |
| ۲۶۴ | ۲۵۹ | ۲۵۴ | ۲۶۶ |
| ۲۵۸ | ۲۶۱ | ۲۶۹ | ۲۵۵ |
| ۲۶۸ | ۲۵۶ | ۲۵۷ | ۲۶۳ |

ونقش که با عدد هر دو آیه است این است اگر ضرورت باشد این را بکار برد
بعونه تعالی اثر بخشد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۹۶ | ۴۱۱ | ۴۰۸ | ۴۰۳ |
| ۴۰۹ | ۴۰۲ | ۳۹۷ | ۴۱۰ |
| ۴۰۱ | ۴۰۶ | ۴۱۳ | ۳۹۸ |
| ۴۱۲ | ۳۹۹ | ۴۰۰ | ۴۰۷ |

نوع دیگر برای تسخیر قلب سلاطین بسیار مجرب است هرگاه که آفتاب را
شرف بود این نقش مخمس را بر لوح طلا نقش بکند و بر لوح اول بسم الله بسم الله
بسم الله الرحمن الرحیم بکند و بر بازوی راست ببندد و اگر اعداد آیه
شریفه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم
حریص علیکم بالمؤمنین در این نقش اضافه کند بسیار خوب است
و اگر بترکیب اول کند هم نفع دهد نقش در صفحه آینده است

بسم الله بسم الله بسم الله الرحمن الرحیم

۷۸۶

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۷۵۸ | ۷۸۲ | ۷۷۶ | ۷۷۰ | ۷۶۴ |
| ۷۷۱ | ۷۶۵ | ۷۵۹ | ۷۷۸ | ۷۷۷ |
| ۷۷۹ | ۷۷۳ | ۷۷۲ | ۷۶۶ | ۷۶۰ |
| ۷۶۷ | ۷۶۱ | ۷۸۰ | ۷۷۴ | ۷۶۸ |
| ۷۷۵ | ۷۶۹ | ۷۶۳ | ۷۶۲ | ۷۸۱ |

نوع دیگر برای تسخیر پادشاهان باید زمانیکه آفتاب با شرف بود ساعت سعد اول بگیرد و بر پوست آهو یا بر پوست شتر این حروف را بنویسد و در زیر نگین انگشتری نهد و انگشتر را در دست کند پادشاه مسخر شود حروفیکه باید بکنید این است

۱۱ ح د د س ص ط ع ك ل م و ه لا

نوع دیگر برای تسخیر سلاطین و تسلط نمودن باید که زمانی که شرف زهره باشد بخور زهره بسوزاند و عدد آیه کریمه یَفعَلُ اللهُ ما یَشاءُ و یَحکُمُ ما یُرید برآرد و لوح مخمس بسازد و بر آن همین اعداد که برآورده است نقش مخمس پر کرده بکنید و بر پشت لوح این اسماء را بکنید یاخوطیائیل یاموکیائیل چون درست شد نزد خود بدارد نزد امراء و سلاطین عزیز و محترم شود چنانچه من عدد برآوردم نقش پر کردم این است

۷۸۶

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱۷۹ | ۲۰۳ | ۱۹۷ | ۱۹۱ | ۱۸۵ |
| ۱۹۲ | ۱۸۶ | ۱۸۰ | ۱۹۹ | ۱۹۸ |
| ۲۰۰ | ۱۹۴ | ۱۹۳ | ۱۸۷ | ۱۸۱ |
| ۱۸۸ | ۱۸۲ | ۲۰۱ | ۱۹۵ | ۱۸۹ |
| ۱۹۶ | ۱۹۰ | ۱۸۴ | ۱۸۳ | ۲۰۳ |

نوع دیگر برای تسخیر قلب امراء و سلاطین باید که بساعت اول روز پنجشنبه لوحی از طلا بسازد و بر او این نقش مربع که از خانهٔ شانزدهم است بکند و باید که با وضو باشد و چیزی که از اقسام جواهر که سوراخ دار باشد در دهن گذارد و با کسی سخن نگوید و اگر یاقوت سوراخ دار باشد بهتر است و بر حاشیه لوح آیه کریمهٔ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بکند و بعد از درست شدن لوح چیزی تصدق نماید و لوح را نزد باد لسته دارد تسخیر امراء و اهل دربار و قلب سلاطین با او گردد نقش اینست از خانهٔ شانزدهم باید پر کند

۲۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳۲ | ۲۴۵ | ۲۴۲ | ۲۳۹ |
| ۲۴۳ | ۲۳۸ | ۲۳۳ | ۲۴۴ |
| ۲۳۷ | ۲۴۰ | ۲۴۷ | ۲۳۴ |
| ۲۴۶ | ۲۳۵ | ۲۳۶ | ۲۴۱ |

نوع دیگر از مولینا حسین تبریزی برای تسخیر باید بساعت زهره لوحی از مس بسازند و نقش ذو الکتابه بطریق مذکور بکنند و نیز بر آن نقش که نوشته ام آیه معظمه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ را گرداگرد آن بکنند و بعد آن لوح را بر موم کافوری ثبت نموده بطریقی که نقش بزیر شود بر هر کس که مسلط کردن خواهد آن موم را در پارچه پیچیده در بغل بگذارد و در روبروی آن شخص رود و حرف زند انشاء الله تعالی بهر وجه غالب گردد اگرچه معاملهٔ خون باشد و بر عدو فتحیاب شود برای تکلیف عدو این را بر موم ثبت نموده از آن موم صورتی بسازد و آن صورت را معذب سازد و آنچه در مهر نوشته بر حاشیه آن لوح معکوس بنویسد و بر پوست حمار این نقش مثلث نوشته در شکم صورت نهد بهر طور که خواهد معذب کند یعنی اگر او را زخم زند عدو هم زخم برآن خواهد خورد و هر عذاب که بر صورت کند بر عدو خواهد شد آن نقش فی ما الکتابه مذکور بالا و آن مثلث که در شکم آن صورت برای نهادن گفته ایم اینست فافهم

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳۱۸ | ۱۸۲۸ | ۸۰۲ | ۱۷۹۷ |
| إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ | يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا | يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ | عَلَيْهُ اللهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا |
| ۸۰۳ | ۱۷۹۶ | ۱۳۱۹ | ۱۸۲۷ |
| ۱۷۹۵ | ۸۰۰ | ۱۸۳۰ | ۱۳۲۰ |
| ۱۸۲۹ | ۱۳۲۱ | ۱۷۹۴ | ۸۰۱ |

| | | |
|---|---|---|
| ۹۶۴ | ۹۵۷ | ۹۶۲ |
| ۹۵۹ | ۹۶۱ | ۹۶۳ |
| ۹۶۰ | ۹۶۵ | ۹۵۸ |

نوع دیگر برای تسلط بر دشمن و فتحیاب شدن بر دشمن این دو صورت را در روز شنبه نوشته بر بندد و بگویند که آن را انگشت بیند تا قلعه فتح نشود و با عدو گشته نگردد پس ان شاء الله تعالی بروز چهارشنبه فتح خواهد شد و لوح و نقش و صورت اینها اند



## فصل دوم در باب محبت برای زنان و مردان وغیره

اگر خواهد که شخصی را در محبت خود دیوانه سازد باید که در تثلیث زهره و مشتری لوحی مربع از آهن بسازد و رو بقبله باوضو نشسته و اسم طالب و مطلوب را با مادر آنها گرفته در نقش اعداد مذکوره بیامیزد و شیرینی در دهن داشته باشد بجانبی نظر نکند و لوح آهن را در کاغذ پیچیده در آتش اندازد و این عزیمت بتوجه تمام جیب و یکبار بخواند مطلوب حاصل شود

این عمل مولانا حسین تبریزی است و بسیار مجرب است چنانچه نقش کرده
عدد اسماء مذکوره با میزه ویرا لوح بکنند آن اینست عزیمت نوشته شده

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳۷۲ | ۲۳۷۵ | ۲۳۷۸ | ۲۳۶۵ |
| ۲۳۷۷ | ۲۳۶۶ | ۲۳۷۱ | ۲۳۷۶ |
| ۲۳۶۷ | ۲۳۸۰ | ۲۳۷۳ | ۲۳۷۰ |
| ۲۳۷۴ | ۲۳۶۹ | ۲۳۶۸ | ۲۳۷۹ |

عزیمت هیجتنا الجن علی الشیاطین وهیجت الشیاطین علی الجن وهیجنا الجن
والشیاطین علی الابلیس سید الشیاطین وهیجنا الشیاطین علی الانسان وهیجنا
الابلیس علی اولاده وهیجنا الجن والشیاطین واولاده علی فلان بن فلان بمحبة
والعشق ومودة وعشق فلان بن فلان بحق سلیمان بن داؤد ان تجذبوا وتحرقوا قلب
وفؤاد وجمیع جوارح البدن والجسد فلان بن فلان بمحبة والعشق ومودة فلان بن فلان
الی القلب لا ینام ومنعت الطعام وقطعت النوم حتی اطیعونی وتحرقوا
قلبها وجسدها وفؤادها الساعة بحق والطور وکتاب مسطور
فی رق منشور والبیت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور
الساعة یا ابلیس یا سید الشیاطین اطیعونی فی هذه الساعة الساعة
الساعة وافعل وجهها فلان بنت فلان عمل از مولانا حسین تبریزی است و از مجربات عزیز است

نوع دیگر برای افزونی محبت از مولانا حسین اخلاطی که بساعت آفتاب صورتی از موم بسازد مثل صورت
مطلوب بعد عدد حروف صوامت عدد اسم مطلوب با در نظر گیرد در مثلث بیفزود در نقش مثلث از همه
اعداد پر کند و لوح مربع بنویسد و آن لوح را در تصویر موم در دهن او گذارد و آن صورت را در جای
تاریک یا در قبر کهنه یا بجایی که مرده بگذارد مطلوب حاصل شود و برای زیادتی محبت جماعت اسم
همه مردمان و زنان را جمع نموده آن و عدد حروف صوامت گرفته در مثلث مذکور
افزوده که در صفحه بعد است

مثلث بر کنند پس یکی مثلث را ریزه ریزه کرده با خاک مرده آمیخته خاک را در میان نجاست بریزد و مثلث ثانی را در کله مرده بگذارد و مثلث ثالث را در میان سرکه حل کند بوی خوش آمیخته مثل گلاب و عرق بهار و غیره بر عدد مطلوب و اهل آن نوع که باشد بپاشند بهر کیفیت مطلوب حاصل گردد و این عمل برای اجنبیت که نسبت کسی بکسی جاقرار یافته و آن بهمراهی شخص دیگر قرار داده شود پس چون این عمل کنند همراه داماد سابق شود و همچنین برای گرفتن عدد حروف صوامت کدام حرف اینند اح د ر س ص ط ع ل م و ک و مثلث که در عدد این حرف و عدد اسماء مطلوب و غیره که برای افزودن گفته ایم اینست بهر دو طریقه و در این مثلث بیفزاید

**نوع دیگر همین عمل برای عقد اللسان بسیار**

مجربست چون قمر در منزل آید یا در عقرب بود یا اینکه تحت الشعاع بود آن وقت حرف صوامت را که اول ذکر شد گرفته با اسم آن شخص که زبان بستن او منظور است تکسیر کند چون زمام برآید آن حروف را بسرعت بازد و در لوح

| | ۷۸۶ | |
|---|---|---|
| ۶۷۲ | ۶۶۷ | ۶۷۴ |
| ۶۷۳ | ۶۷۱ | ۶۶۹ |
| ۶۶۸ | ۶۷۵ | ۶۷۰ |

سرب نقش کند و آن لوح را در خانه تاریک زیر سنگ گران نهد و بوقت کندن لوح موم در دهن گیرد و با کسی سخن نگوید انشاء الله تعالی زبانش بسته گردد و باید که بر حاشیه آن لوح مذکور هم این را بنویسد

بستم عقل و هوش و بطن و احساس ظاهری

و باطنی فلان بن فلان فی عرض وحق

فلان بن فلان و این ترتیب هم

از مولینا حسین اخلاطی است ترتیب دوم این حرف صوامت و حروف اسم آن شخص و مادرش و اعداد حروف اسم و صوامت و اعداد اسم آنکس و مادر او گرفته و این مثلث که بالا نوشته شد در اعداد اضافه کرده بر کاغذ کبود در مثلث نوشته زیر سنگ گران در جای تاریک دفن کند و وقت نوشتن پشت بقبله بود و اندک موم در دهن بدارد و قمر در عقرب یا تحت الشعاع بکند و آنچه گفتم که بنام آنکس حروف صوامت را تکسیر کند طریق آن اینست و اینهم که در مثال گفته میشود باین طور مثال

نام آنکس که میخواهند ز با نش بسته گردد احمد علی بطریق اح م د ع ل ی حروف صوامت ك ا ح د س ص ط ع ا م و ه — استزاج دادیم شد

ا ك ح ا م ح د د ع د ل س ی ص ط ه ع و ل م

استزاج و تکسیر صدر و مؤخر

ا م ك ل ح و ا ع م ه ح ط د ص د ی ع س د ل
ا ل م د ك س ل ع ح ی و د ا ص ع د م ط ه ح
ا ح ل ه م ط د م ك د س ع ل ص ع ا ح د ی و
ا و ح ی ل د ه ح م ا ط ع د ص م ل ك ع د س
ا س و د ح ع ی ك ل ل د م ه ص ح د م ع ا ط
ا ط س ا و ع د م ح د ع ح ی ص ك ه ل م ل د
ا د ط ل س م ا ل و ه ع ك د ص م ی ح ل ح د ع
ا ع د ر ط ح ل ح س ی م ه ا ص ل د و ك ه ع
ا ع ع ه د ك ر و ط د ح ل ل ص ح ا س م ی م
ا م ع ی ع م ه س د ا ك ح د ص و ل ط ل د ح
ا ح م د ع ل ی ط ع ل م و ه ص س ر د ح ا ك

دراین سطر اسم احمد علی اول و حروف صوامت بعد ازآن برآیند

ا ك ح ا م ح د د ع د ل س ی ص ط ه ع و ل م

صدر و مؤخر تمام گشت و زمام برآمد یعنی سطر اعلی که استزاج شده بود در آخر پیدا شد بدین ترتیب حالا باید تمام این تکسیر را کلمه کند رباعی یا ثلاثی یعنی چهار حرفی یا سه حرفی و اعراب دهد بطریق آهطمفشك

بونیصتض خزِ کسقیظ دخلغرخع اگر حرف ساکن در اول کلمه واقع شود مکسور نمایند و تمامی این تکسیر را کلمه چهار حرفی نمودیم بطریق فافهم

| | |
|---|---|
| امکل هواع نهحط دصدی غسول | المرکسلع حیود اصعد مطهع |
| احله مطرم کدسع لصعاحدبو | ادحی لدهح ماطع رصمل کعدس |
| اسود حیک للدم هصمر معاط | اطسا وعدم حرعج یصکه لملد |
| ادطل سمال وهعلن دصمی تحوع | اعدد طحطلح سیمم اصلد وکهع |
| اعمه دکرو طدحل لصحا سیمم | امعی عمهس داکح رصول طلدح |
| احمد علی طعلم وهص بره حالک | اکحا محدد علس یصطه عولم |

پس تمام تکسیر از حروف طالب و مطلوب مدغم شده و کلمه گردیده انکلمات را در لوح مربع داخل کرده فاما بهمین طریق طالب اسم تکسیر کرده زمام بر آورده و مرتب کند و آنچه که ترکیب ثانی دوم است اینست که بهمین تدبیر اعداد اسما را تکسیر کنند و همه اعداد را مجموع ساخته نقش پر کرده بکار برد و همین مثال برای آنکه هر جا که ذکر تکسیر باشد بداند مکرر نوشتن نخواهد شد کافی فقط نوع دیگر برای محبت و ازدیاد کردن عشق و مودت باید که بساعت سعد زهره لوحی از مس سازد و در حاشیه آن لوح این آیه کریمه کنده کند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ بعد از اسم طالب و مطلوب بطریق جفر جامعه نوشته تکسیر کند و فتیله ساخته بر آن لوح مس چراغ روشن کند و بسه تعویذ از این الفاظ را اعداد بر آورده در مربع پر کند الفاظ این یا سطیع النور سمعلوج یا ربّاه یا سیّداه یا مولاه اصباذث اهیّا هو الحی القیوم یا بابی العظیم لله السلطان لله یا اله الالهة الرفیع جلاله پس آن تعویذ را در آرد و بپیچد و آمد برای محبت نسبت بکار برده بجوراند و اگر برای امر است بکار برد بجوراند فتیله را که اول ذکر شد در عسل و روغن بسوزان روشن کند تا اعدا مطلوب مقرر گردد و همین تکسیر برای ادای قرض کند باید که نام محاسب و آنجماعت حساب بگیرد بطریق اول تکسیر کند و عدد آن تمیز مجموع نموده این نقش مربع سفر امید و نقشه بر لوح قرطاس بنویسد و در حاشیه آن لوح آیه کریمه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم بنویسد و زیر آن اسم خود با نام او در نوشته در او فق حساب صحیح کند این عمل از مولی حسین اخلاطی است و همین برای افزودن اعداد در نقش مربع گفته ایم اجابت

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۴۷ | ۶۶۵ | ۶۵۸ | ۶۵۴ |
| ۶۵۹ | ۶۵۳ | ۶۴۸ | ۶۶۴ |
| ۶۵۲ | ۶۵۶ | ۶۶۷ | ۶۴۹ |
| ۶۶۶ | ۶۵۰ | ۶۵۱ | ۶۵۷ |

نوع دیگر برای افزونی محبت مطلوب باید در تثلیث زهره و مشتری لوحی از مس بسازد و بر آن لوح این نقش کنده کند و آیه شریفه کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله را وقتی که قمر خالی از نحوست باشد اعداد بر آورد و اعداد اسم خود با اسم دلبر و مادر هر دو و در این اعداد آیه شریفه امتزاج داده تکسیر نماید بعد صدر و مؤخر در چهار طرف نقش مربع نوشته با شهد در دخن بدستور فتیله کرده بسوزاند مطلوب حاضر شود این عمل از عطیه سرپیسنا صاحب عبداللطیف گیلانی است و آن نقش که در لوح کنده کردن گفته ایم اینست لوح را بازوی راست ببندد

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۳۶۵ | ۲۳۷۸ | ۲۳۷۵ | ۲۳۷۲ |
| ۲۳۷۶ | ۲۳۷۱ | ۲۳۶۶ | ۲۳۸۷ |
| ۲۳۷۰ | ۲۳۷۳ | ۲۳۸۰ | ۲۳۶۷ |
| ۲۳۷۹ | ۲۳۶۸ | ۲۳۶۹ | ۲۳۷۴ |

نوع دیگر برای محبت مطلوب و بیقرار نمودن او را باید که در لوح طلا روز یکشنبه این نقش را بکند و عدد طالب و مطلوب و مادر آنها را در آن ساعت تکسیر کند بعد صدر مؤخر حروف صدر مؤخر را باز تکسیر کند و با این دو اسم حروفش را با حروف مقدم و مؤخر باز تکسیر کند تا تکسیر تمام شود آنگاه مرکب ساخته از آن فتیله نوشته در ساعت

سعید در چراغدان مسمی روشن کند و برابر آن نشسته این عزیمت را بخواند و بکار خود
عزیمت
عزمت علیکم و اقسمت بکم یا ایها الارواح الموکلین بهذا الحروف و بحق
منططرون و بحق یا اله الالهة الرفیع جلاله و بحق سلیمان بن داود که
احرقوا القلب و الجسد و القوة و جمیع جوارح البدن فلان بن فلانه بمحبة
و مودة و الا لعنة فلان بن فلانه الشاخص الشاخص الشاخص العجل العجل الوحی و
احضرونی بحق یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق ن
و القلم و ما یسطرون و بحق اهیا اشراهیا ادونی اصباوت آل شدای املا الآیکه بهذا الحروف
و الکلمات المرکب من هذه الحروف و التکسیر احرقوا القلب و الفؤاد و جمیع جوارح
للبدن فلان بن فلانه المحبة و بحق لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص
علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم عمل از حکم ارسطو است و مجرب است و لوح که نقش کند این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١٠٤١ | ١٠٤٤ | ١٠٤٨ | ١٠٣٤ |
| ١٠٤٧ | ١٠٣٥ | ١٠٤٠ | ١٠٤٥ |
| ١٠٣٦ | ١٠٥٠ | ١٠٤٢ | ١٠٣٩ |
| ١٠٤٣ | ١٠٣٨ | ١٠٣٧ | ١٠٤٩ |

در تحت یکر گردانیدن دل کسی از طرف کسی مسخر کردن صورتی با زعفران چرمی
قلعی سازند برابر این مثال که صورت کلبی باشد و زنی بشکل پر خصوصیت زرد و دیگر



طریقه از عقرب و آفتاب در برج ذوجسدین باشد این نقش را در شکم صورت زن
نقش کنند و گرد آن حروف لوح مشتری بنویسید لوح مشتری اینست در پهلوی
راست زن بنویسید ـبـ ـصسمـ +++ و در پهلوی چپ زن بنویسید
ا لا × ـهـ و بر بالای سر بنویسید هو سم × ۴ لم
و بر کف پای زن بنویسید یا طیال و بر کف پای چپ بنویسید یا اسطیطال
و حروف لوح مریخ در شکم سگ بنویسید لوح مریخ اینست یا کفتمال یا متطیال
یا جهال ا لا مه عیطتال احطرسال بر سر کلب این حروف بنویسید یا کفنال
و در پهلوی راست سگ بنویسید یا منطیال و در پهلوی چپ کلب بنویسید یا جهتیال
و درمیان کلنگ که در دست کلب است این را بنویسید ه لا مه و بر یک طرف
علطتال و بر طرف دوم کلنگ این را بنویسید احطرسال و در حاشیه لوح این الواح را
بهم مرکب کنند و نام مدعی و پادشاه یا معشوق را بحروف صورت بگیرند و تکسیر کنند
و آن تکسیر را عدد در آورند و در این نقش مثلث آن اعداد را اضافه کنند اینست بعد
اضافه کردن اعداد و یک نقش از همه اعداد تمام
کرده در لوح سرب نقش نمایند و آن لوح را در
خانه معشوق یا پادشاه یا حاکم بر هر کسی
که عمل کرده اند دفن نمایند و اگر نتوانند
در جوار آن دفن نمایند و بعد از آن صورت کلب و زن به هر طریقی که
همان کس نشسته باشند بر تخت یا بر بلندی ها نظر به این اشکال
را هم بنشانند و در جای محفوظ نگاه دارند ان شاء الله تعالی از شخصی که مطلوب
مایل گشته بیزار گردد و به عامل مسخر و مطلوب گردد و نقش که بشکم نویسند اینست

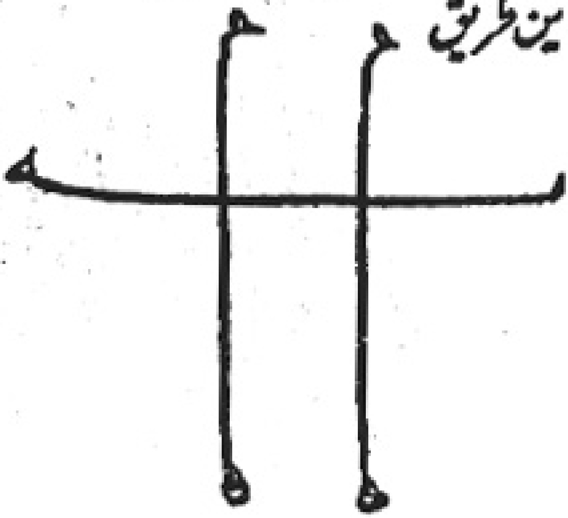
۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۳۵۰ | ۳۴۳ | ۳۴۸ |
| ۳۴۵ | ۳۴۷ | ۳۴۹ |
| ۳۴۶ | ۳۵۱ | ۳۴۴ |

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۶۴۸ | ۶۶۳ | ۶۵۸ | ۶۵۵ |
| ۶۵۹ | ۶۵۴ | ۶۴۹ | ۶۶۲ |
| ۶۵۳ | ۶۵۶ | ۶۶۵ | ۶۵۰ |
| ۶۶۴ | ۶۵۱ | ۶۵۲ | ۶۵۷ |

نوع دیگر برای گردانیدن دل کسی از کسی و مسخر کردن با خود پس اگر مرد باشد مطلوب در ساعت شرف مشتری لوحی از مس و نقره و سرب ممزوج ساخته و این عدد را نقش مربع بر او بکنید در گرد او این علامت خط مشتری بنویسید بدین طریق



حدائیل کنکائیل

نوذائیل عمدائیل

همدائیل پس این لوح را بخور دهد آنچه که مشتری هست و بر بازوی راست ببندد انشاء الله تعالی مطلوب از محبت خود دشمن شده با این کس که عمل کرده است دوست و مطیع گردد و نقش مربع که بگرد آن علامت مشتری نوشته اینست خاتم ۲۲۴

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۴۷ | ۵۶۳ | ۵۵۷ | ۵۵۴ |
| ۵۵۸ | ۵۵۳ | ۵۴۸ | ۵۶۲ |
| ۵۵۲ | ۵۵۵ | ۵۶۵ | ۵۴۹ |
| ۵۶۴ | ۵۵۰ | ۵۵۱ | ۵۵۶ |

نوع دیگر برای تسخیر مطلوب که زن باشد که بساعت سعد دو صورت بسازد مرد و دیگری شکل زن مشابه اینید و صورت که ما ساخته ایم که هر دو بغل گیر

باشد انیست




پس بروز پنجشنبه در تثلیث زهره و مشتری بساعت نیک این نقش را در شکم مرد بنویسد انیست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۵۶ | ۷۶۹ | ۷۶۶ | ۷۶۳ |
| ۷۶۷ | ۷۶۲ | ۷۵۷ | ۷۶۸ |
| ۷۶۱ | ۷۶۴ | ۷۷۱ | ۷۵۸ |
| ۷۷۰ | ۷۵۹ | ۷۶۰ | ۷۶۵ |

و این نقش را در شکم زن بنگارد هر دو را باهم بچسبانند چنانچه بود عضو مرد بر عضو زن باشد و هر دو را در جائیکه آتش باشد بیاویزند تا سوزان باشند ان شاء الله تعالی مطلوب بقرار دل تا به شود و نقش که بشکم زن بنویسد انیست.

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۴۴۹ | ۳۴۶۵ | ۳۴۵۹ | ۳۴۵۶ |
| ۳۴۶۰ | ۳۴۵۵ | ۳۴۵۰ | ۳۴۶۴ |
| ۳۴۵۴ | ۳۴۵۷ | ۳۴۶۳ | ۳۴۵۱ |
| ۳۴۶۶ | ۳۴۵۲ | ۳۴۵۳ | ۳۴۵۸ |

نوع دیگر برای محبت و مطیع کردن مطلوب در تثلیث زهره و مشتری این نقش را بر پوست آهو روز پنجشنبه ساعت مشتری بنویسد در جامهٔ پاک بپیچد و در سر بیارد و نزد مطلوب برفته بخواند هفت مرتبه اجب یا طمطائیل بحق بجانب معشوق بدمد نقش اینست

نوع دیگر برای محبت باید که در شرف آفتاب لوحی از طلا بسازد و این نقش را در آن کنده و اسم خود و اسم مطلوب را در آن لوح نوشته در آتش اندازد مطلوب بیقرار حاضر شود او بعد آن لوح را از آتش خارج نموده به بازوی چپ ببندد و باید بقصد حرام عمل نکند که نتیجه ندارد لوح اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۷۵۳۱ | ۷۵۴۴ | ۷۵۴۱ | ۷۵۳۸ |
| ۷۵۴۲ | ۷۵۳۷ | ۷۵۳۲ | ۷۵۴۳ |
| ۷۵۳۶ | ۷۵۲۹ | ۷۵۴۶ | ۷۵۲۳ |
| ۷۵۴۵ | ۷۵۲۴ | ۷۵۳۵ | ۲۵۴۰ |

نوع دیگر عمل قمر جهة تسخیر و محبت و اشتعال نایرهٔ و زن کار و مانند تجربت است همه جهت باید که چون قمر در شرف و خالی از نحوست باشد لوحی از هفت جوش بسازد و عدد اسم را برآورد اضافه نموده نقش کند و نقش را در میان سورهٔ والفجر در قرآن مجید گذارد مطلوب از دل و جان مطیع شود نقش اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۶۷ | ۲۸۰ | ۲۷۷ | ۲۷۴ |
| ۲۷۸ | ۲۷۳ | ۲۶۸ | ۲۷۹ |
| ۲۷۲ | ۲۷۵ | ۲۸۲ | ۲۶۹ |
| ۲۸۱ | ۲۷۰ | ۲۷۱ | ۲۷۶ |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۰۸۴ | ۱۱۳۲ | ۱۱۲۴ | ۱۱۱۶ | ۱۱۰۸ | ۱۱۰۰ | ۱۰۹۲ |
| ۱۱۰۱ | ۱۰۹۳ | ۱۰۸۵ | ۱۱۲۶ | ۱۱۲۵ | ۱۱۱۷ | ۱۱۰۹ |
| ۱۱۱۸ | ۱۱۱۰ | ۱۱۰۲ | ۱۰۹۴ | ۱۰۸۶ | ۱۱۲۷ | ۱۱۱۹ |
| ۱۱۲۸ | ۱۱۲۰ | ۱۱۱۳ | ۱۱۱۱ | ۱۱۰۳ | ۱۰۹۵ | ۱۰۸۷ |
| ۱۰۹۶ | ۱۰۸۸ | ۱۱۲۹ | ۱۱۲۱ | ۱۱۱۳ | ۱۱۰۵ | ۱۱۰۴ |
| ۱۱۰۶ | ۱۰۹۸ | ۱۰۹۷ | ۱۰۸۹ | ۱۱۳۰ | ۱۱۲۲ | ۱۱۱۴ |
| ۱۱۲۳ | ۱۱۱۵ | ۱۱۰۷ | ۱۰۹۹ | ۱۰۹۱ | ۱۰۹۰ | ۱۱۳۱ |

نوع دیگر همین عمل یعنی اگر همین لوح را هفت عدد بر کاغذ نوشته هفت روز بساعت قمر و هر روز یکی زیاد کند مطلوب بیاید ولی باید در حاشیهٔ لوح اسماء

یونانی قمررا بنویسد واسماء اجنّت وطعل ود نهش بنقوش عسا مجوعه
سطح اول بمضاعفا فرخود بج ملدح سبحوا حافظ ونقش آن خررا اگر بصفت جوشن
بکند اثر عظیم بخشد و چون قمر زاید النور باشد این نقش را نوشته بقاصد بدهد تا بجزعا
رسید مراجعت کند وباید روز دوشنبه یا پنجشنبه این عمل را بکند وپشت بجانب قمر کند
ونقش را پر کند وخانه اول راکه بنویسد بگوید والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر
العزیز العلیم وچون خانه دوم را بنویسد بگوید والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون
القدیم ودیگر خانه که پر کند بگوید ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
پس برای هر تسخیر که بکند این عمل نفع دهد واگر تسخیر قمر شود عامل را احتیاج بسلطنت
نباشد واین تسخیر برسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم منحصر بود

**نوع دیگر** برای سرگردانی مطلوب اگر مطلوب اراده سفر کند وبر طالب ناگوار باشد
در تحت الشعاع این مثلث را بر پوست شغال نویسد ودر دهن موش صحرائی نهاده دهانش را
بدوزد ودر آب روان اندازد آنکس که رفته سرگردان شود وباز گردد ومثلث قمر اینست

**نوع دیگر** همین عمل برای راه بستن مقرر کرده تسخیر
اگر خواهد که مطلوب از شهر بیرون نرود بگیرد نام او وما در
ودر این نقش بیفزاید باید که در تحت الشعاع باشد
ودر حاشیه مثلث نام او وما در او را بنویسد ودر در

۷۴۰

| | | |
|---|---|---|
| ۳۴۹ | ۳۴۲ | ۳۴۷ |
| ۳۴۴ | ۳۴۶ | ۳۴۸ |
| ۳۴۵ | ۳۵۰ | ۳۴۳ |

دروازه شهر دفن کند هرگز بیرون نرود واین است

**نوع دیگر** عمل زهره برای افزونی محبت مطلوب باید در
شرف زهره لوحی بسازد ودر آن لوح این نقش مخمس را
بکند ونزد خود بدارد مطلوب مطیع گردد واگر در شرف

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۸۱ | ۲۷۴ | ۲۷۹ |
| ۲۷۶ | ۲۷۸ | ۲۸۰ |
| ۲۷۷ | ۲۸۲ | ۲۷۵ |

آفتاب بر لوح مس این نقش را بکند وحرارت آتش با آن بدهد مطلوب بیقرار گردد وباید در این عمل
آورد تکسیرات بهر ستاره که باشد بخورات آن را بسوزاند وشرائط آنچه ذکر کرده ایم
کند تا تأثیر بهدف باشد ومراد بدعای یاد کنند من برای عامل کار را آسان کرده ام اسمای
وآیات واسماء موکلا تند من تکسیر کرده اعداد برآورده ام ونقش نوشته ام که عامل را زحمت
نباشد وصله وموخر کردن نباشد ونقش مخمس که برای هر دو طریق گفته ام در صفحه مقابل است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۳۶۶ | ۳۷۲ | ۳۷۸ | ۳۸۴ | ۳۶۰ |
| ۳۷۹ | ۳۸۰ | ۳۶۱ | ۳۶۷ | ۳۷۳ |
| ۳۶۲ | ۳۶۸ | ۳۷۴ | ۳۷۵ | ۳۸۱ |
| ۳۷۰ | ۳۷۶ | ۳۸۲ | ۳۶۳ | ۳۶۹ |
| ۳۸۳ | ۳۶۴ | ۳۶۵ | ۳۷۱ | ۳۷۷ |

## فصل سوم برای علو درجات و افزونی جاه و مراتب و رسیدن به دولت

اگر برای افزونی جاه و دولت عمل کند باید که در شرف آفتاب لوحی از طلا بسازد و سوره والشمس را عدد بگیرد و بطریق مخمس در آن لوح نقش کند بر بازوی راست ببندد و چون صبح روز دوم بر آید قبل از نماز رو بجانب آفتاب کرده سوره والشمس را بخواند بعد از نماز هم بجانب آفتاب نظر کند تا آفتاب طالع شود و بران نقش طلا هم نظر کند از برکت این عمل بدرجه و مقام عالی رسد و اگر شاه باشد کشورستانی کند و عمر او دراز شود و خلق مطیع او گردند **نوع دیگر** برای افزونی جاه و تسخیر نمودن دل امیر و فقیر در شرف آفتاب در یکشنبه لوحی از طلا بسازد و این نقش مربع را روی آن بکند و این چهار اسم را چهار گوشه آن بکند ابرصا صجا سادرسا سوسنا و آن لوح را در گلاب اندازد و گلاب را در شیشه نموده هفت روز زیر آسمان بگذارد و هرگاه مقدمه برای او اتفاق افتد از آن گلاب بر روی مالیده برود فتحیاب شود و باید لوح را در پارچه حریر احمر پیچیده بر بازوی راست ببندد و پنجاه بار همین اسماء مذکور را بخواند و رو بجانب آفتاب کرده بگوید ای نیر اعظم مقصود من اینست مرا بآن مقصد برسانی و سوره والشمس را بخواند و بخود بدمد و چون چنین کند زود بدرجه اعلی رسد ولی در هر مجلس که بنشیند پشت بآفتاب نشیند غیر از خواندن و پیش از آفتاب تمام پیدا شدن رو بجانب آفتاب ایستاده سوره والشمس را بخواند لوح این است

صحصا

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸۸ | ۹۱ | ۹۴ | ۸۱ |
| ۹۳ | ۸۲ | ۸۷ | ۹۲ |
| ۸۳ | ۹۶ | ۸۹ | ۸۶ |
| ۹۰ | ۸۵ | ۸۴ | ۹۵ |

**نوع دیگر** در باب افزونی جاه و دولت باید که اول عدد اسماء این پیغمبران را بگیرد از آدم
شیث ادریس یونس داود سلیمان
ایوب زکریا یحیی عیسی ذوالکفل اشموئیل عزیر
هود صالح ابراهیم اسمعیل یعقوب یوسف اسحق موسی

لوط شعیب هارون یوشع بعد از نام پیغمبران اسما پادشاهان را بگیرد جمشید نوشیروان خسرو
فریدون تیمور چنگیز پس نام طالب با عدد بگیرد اول حرف اسما را و حرف اسم طالب یکجا نموده حروف
مکرر را بگیرد و باقی را تکسیر نماید چون زمام برآید آنگاه ببیند که در این تکسیر کدام حرف آفتاب منسوب
هر حرف که با آفتاب باشد آنرا جدا کرده حرف نورانی بنویسد پس حرف آفتاب و حرف نورانی را جدا
امتزاج داده تکسیر نماید چون زمام برآید تکسیر اول و تکسیر شمسی را مرکب کند و جدا دکیا اول برآورد
آنرا در نقش مربع بر لوح طلا در ساعت شمس بکند و بر حاشیه آن این تکسیر مرکب از قلم
سریانی کنده و لوح را مدام نزد خود بدارد و همیشه بخور آفتاب می‌نماید دولت عظیم آید
و تسخیر خلایق شود و برای تفهیم طالبان حروف آفتاب و سایر سیارات ۷ در این جدول نوشتم

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ا ب ج د | ه و ز ح | ط ی ک ل | م ن س ع | ف ص ق ر | ش ت ث خ | ذ ض ظ غ |
| زحل | مشتری | مریخ | شمس | زهره | عطارد | قمر |

و همچنین حروف آتشی و بادی و آبی و خاکی را اول گفته ایم اما آنچه که در این دایره آفتاب حروف
ماند یعنی (ا م ف ش ذ ع) آنرا از تکسیر بردارد و حروف نورانی است (ص ر ا ط ع ل ی ح ق ن م
س ل ک ه) پس این حروف را نیز از تکسیر چیده تکسیر دیگر نماید و موافق نوشته بالا بکار برد تا مراد
علیا برسد نوع دیگر برای بلندی مراتب و یافتن نعمت مشکاشره باید لوحی از طلا که چهار صد
هشتاد و چهار مثقال باشد و حکیم ططم وزن طلا را در اینجا سه مثقال گفته اما از سه مثقال
کمتر نباشد در شرف آفتاب در آن لوح والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز
العلیم را عدد گرفته و اعداد همه سوره والشمس و عدد اسم طالب همه را یکجا نموده و نقش مربع
بکند و لوح را نزد خود بدارد عزیز و مکرم گردد نوع دیگر برای افزونی مراتب و مکرم ماندن در
نزد پادشاهان باید عدد آیه قل اللهم مالک الملک را بغیر حساب گرفته در لوح طلا در شرف
آفتاب در این نقش پر نموده و بکند با خود دارد عزیز و مکرم گردد ۷۹۶ و نقش این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۴۴۱۴ | ۴۴۲۳ | ۴۴۲۴ | ۴۴۲۱ |
| ۴۴۲۵ | ۴۴۲۰ | ۴۴۱۵ | ۴۴۲۶ |
| ۴۴۱۹ | ۴۴۲۲ | ۴۴۲۹ | ۴۴۱۶ |
| ۴۴۲۸ | ۴۴۱۷ | ۴۴۱۸ | ۴۴۲۲ |

نوع دیگر برای ساختن انگشتری شمسی و قمری
چون کسی خواهد در نظر پادشاهان و خواتین
محترم باشد باید انگشتری باین ترتیب بسازد
که یکطرف آن طلا باشد و طرف دیگرش نقره و بر
پشت آن هر دو یکی صورت پادشاه و یکی صورت
خواتون و در میان هر دو شبیه خود را مدام و بر هر
یا بر پوست آهو و در حاشیه صورت خود هذه آیه لعقد

جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
گرفته نقش نوشته و بر روی طلا نقش مربع شمس و بر روی لوح نقره مربع قمر را بکند و آن دو را چند

مربع شمس ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۵۶ | ۳۶۹ | ۳۶۶ | ۳۶۳ |
| ۳۶۷ | ۳۶۲ | ۳۵۷ | ۳۶۸ |
| ۳۶۱ | ۳۶۴ | ۳۷۱ | ۳۵۸ |
| ۳۷۰ | ۳۵۹ | ۳۶۰ | ۳۶۵ |

مربع قمر ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۴۸ | ۲۶۱ | ۲۵۸ | ۲۵۵ |
| ۲۵۹ | ۲۵۴ | ۲۴۹ | ۲۶۰ |
| ۲۵۳ | ۲۵۶ | ۲۶۳ | ۲۵۰ |
| ۲۶۲ | ۲۵۱ | ۲۵۲ | ۲۵۷ |

و در پشت صورت خود این طلسم را نویسد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۴۵ | ۳۶۱ | ۳۵۵ | ۳۵۲ |
| ۳۵۶ | ۳۵۱ | ۳۴۶ | ۳۶۰ |
| ۳۵۰ | ۳۵۳ | ۳۶۳ | ۳۴۷ |
| ۳۶۲ | ۳۴۸ | ۳۴۹ | ۳۵۴ |

پس آن دو صورت را مقابل داشته چنین که
خود را در وسط نهاده هر دو را بهم بچسباند بطوری که
صورتهای هر یک اندرون مخفی شوند و نقش هر
دو لوح بالا باشد پس چنین نگینی درست کرده
انگشترش گردان باشد و در لوح طلا که شمس است
ابسا صبحا سادسا سودسل بخریش

و آن انگشتر را در دست کند و در وقت جنابت و استراح رفتن از دست خارج کند اگر کسی را
مهمی پیش آید از پادشاه یا امیران انگشتر را روی طلایش بالا کند و در دست کند و سوره
والشمس را بخواند و اگر مهمی از خواتین باشد روی نقره را بالا کرده و آیه‌ای چند که نسبت بقمر
دارد بخواند و انگشتر را هفت نوبت بگرداند نوبت هفتم روی نقره بالا باشد مراد او برآید
و برای بیمار تب‌دار ده باد بخورد آنچه شفا یابد و برای درد نوه جنبند و برای طلب مطلوب این
این الواح را بر موم کافوری ثبت کنند و از آن موم شبیه معشوق بسازد و هفت سوزن به هفت
اعضای او بزنند و این نقش مربع بر کاغذ نوشته بر شکم بچسباند و بریک سر موی خویش آن
شبیه را آویزان کند مطلوب بیقرار حاضر شود

## فصل چهارم در عملیات بغض و جدائی افکندن

میان دو کس اگر کسی خواهد که عدو را ذلیل کند باید
که در شرف آفتاب لوحی بسازد از سرب و عدد
سوره والعصر والم ترکیف و اسم عدو با مادر
یکجا نقش مثلث کند و هرگاه آفتاب برآید روی
لوح بطرف مغرب نهد و چون آفتاب بسمت مغرب آید

و نقش اینست ۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۸۲ | ۵۹۵ | ۵۹۲ | ۵۸۹ |
| ۵۹۳ | ۵۸۸ | ۵۸۳ | ۵۹۴ |
| ۵۸۷ | ۵۹۰ | ۵۹۷ | ۵۸۴ |
| ۵۹۶ | ۵۸۵ | ۵۸۶ | ۵۹۱ |

روی لوح را بجانب مشرق نهد چند بار باین طور عمل کند انشاء الله تعالی عدو از مرتبه جاه و عزت
خود بیفتد و ذلیل و خوار شود اما باید بروز پنجشنبه قدری شیرینی تصدق کند این عمل از حکیم
جالینوس است **نوع دیگر** برای فتح شدن ملک و قلعه و ذلیل گشتن آن پادشاه باید
که در شرف زحل اگر شرف نباشد بروز شنبه پیش از بر آمدن آفتاب لوحی از سرب بسازد
و عدد آیه معظم نصر من الله و فتح قریب و انا فتحنا لك فتحا مبینا ربنا افتح بیننا
و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین بر آورد و عدد آیه یا تمام سوره الم تر کیف و سوره
والعصر تمام بر آورد و با عدد اسم عدو که مالک قلعه باشد همه اعداد را ادغام نموده و نقش مربع
پر کند و بر لوح مذکور بکند و بر حاشیه آن لوح سوره فاتحه معکوس بکند و این الفاظ نیز در آن لوح
نویسد دوام اهوا بجر ابعینه ملیکه املیکه اد ابراهما بروا دینا اسمنکا فجرد و متکا و شکل
والدی ادوینا اهوا امکدها ملوکا اشبعین بکانه هبانه پس آن لوح را زیر قلعه یا دروازه ملک عدو
بزیر خاک پنهان کنند انشاء الله تعالی زود ملک فتح شود و عدو ذلیل گردد مجربست
**نوع دیگر** همین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم مجربست اما بر این دستور بکند که در شرف زحل
لوحی بسازد از سنگ شب و عدد آیه معظم لمن الملك الیوم لله الواحد القهار در حصه
نقش مربع کند اما از قلم دو رویه باین طور النقش پر کند که یکعدد از سر قلم و یک عدد از
زیر قلم نویسد و فلفل سیاه و کندر و آهن گرد پس آن لوح را نزد خود دارد بر قوم بزرگی یابد و
دشمنان ذلیل و خوار شوند و هیچکس از حکم او سر نخواهد داشت
**نوع دیگر** همین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم باید که لوحی از سرب بروز شنبه در
شرف زحل بسازد و لباس سیاه بپوشد وقتی که قمر در برج جدی باشد در شب
یکشنبه و روز شنبه بود و بالای بام وسیع و بلند برود و سر برهنه کرده پلاس سیاه بر سر
نهد و بگوید که یا کیوان میخواهم که بر این قوم بزرگی نمایم و اینها را مطیع خویش گردانم پس بعد
از آن هفت چیز سیاه پیش خود مهیا نماید مثل فلفل سیاه و سنگ سیاه و ثعلب و
قند سیاه و سنگدانه همه را کوفته بخور کند و بر سه پایه که از چوب آبنوس باشد نشسته
نوزده بار این عزیمت بخواند عزمت علیکم ایها الکواکب العظم بالنور الساطع انظروا و
بحق هذه الحروف فانه المص الر کهیعص طه طسم یس حم حم حم حم حم حم حمعسق
فلان اسئلك باسمائك العظیم ان یکفی هذا المهم و بحق هذه الاسماء المعظم سبحائیل

ومیطرائیل و عدد قایئل بحق الحق والنبی المطلق پس چون روز شنبه آید پیش از نماز صبح غسل کند و از قلم دو رویه جراح سنگ یشب این نقش مربع را پر کند و بهمین وجه که یکعدد از سر قلم و یک عدد از پائی نویسد و آن لوح را در حریر پیچیده در خانه تاریک بدارد و وقتی که کار زحل پیش آید لوح را بردارد نزد خود بدارد و چون مطلب بحصول انجامید باز در خانه تاریک نهد ان شاء الله تعالی صاحب این عمل بزرگ قوم خواهد شد و دشمنان او خوار شوند چنانچه آن نقش مربع که بر لوح بکشند بدین صورت است اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۰ | ۹۵ | ۹۷ | ۸۳ |
| ۹۶ | ۸۵ | ۸۹ | ۹۴ |
| ۸۵ | ۹۹ | ۹۲ | ۸۸ |
| ۹۳ | ۸۷ | ۸۶ | ۹۸ |
| کسر ۲ | | | ۳ ه |

**نوع دیگر** از برای تباه کردن عدو و برای هلاکت او باید که در آن وقت که قمر را مقابله با زحل باشد و زحل و قمر در برج نحس باشند و ناظر بنظر نحس باشند آنوقت بر حریر سیاه یا کرباس سیاه که رنگ کبود باشد از سیاهی نیل این نقش مثلث بنویسد و عدد اسم دشمن بر آورده و آن اضافه کنند و مثلث نوشته در مسجدی که ویران و خراب باشد نزدیک محراب دفن کنند و سوره لایلاف قریش تمام و کمال دوازده صد بار بخوانند یعنی هزار و دویست مرتبه عدو ذلیل و خوار شود و تباه گردد و اگر در شرف زحل این عمل را کنند بسیار بهتر است و مجرب افتد و نقش مثلث که در او عدد اسم عدو را بیفزایند این است

۷۸۵

| | | |
|---|---|---|
| ۷۰۰ | ۶۹۴ | ۷۰۲ |
| ۷۰۱ | ۶۹۹ | ۶۹۶ |
| ۶۹۵ | ۷۰۳ | ۶۹۸ |

وهمین نقش برای بزرگی قوم در ساعت اول چهارشنبه در مربع نقش برسه بدارند عزیز ومحترم شوند نقش مربع بدین صورت است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۵۱۶ | ۵۳۰ | ۵۲۷ | ۵۲۳ |
| ۵۲۸ | ۵۲۲ | ۵۱۷ | ۵۲۹ |
| ۵۲۱ | ۵۲۵ | ۵۳۲ | ۵۱۸ |
| ۵۳۱ | ۵۱۹ | ۵۲۰ | ۵۲۶ |

**نوع دیگر** برای اینکه کسی ضایع کرده روزگار کسی را موقوف و تباه کرده باشد برای بدست آوردن روزگار رفته این عمل بکند بروز شنبه وقتی که زحل خوشحال باشد در خلوت نشسته دو صورت از قلعی بسازد و بشکم آن صورتها خالی و بر توی آنها این نقش مربع نوشته در شکم آن دو صورت بگذارد و آن صورتها را بنام مراد خود یعنی بهر نوع که روزگار ضایع کردن باشد منظورش است بر تخت بنشاند و اگر منشی بود منظور هست قلم کمر آن نهد و دوات و کاغذ روبرو نهد همین طور هر روزگار کردن منظور هست آن طریق را نسبت آن صورتها بجا آرد و آنرا گوشه نگهدارد و هر روز نزد آنها رفته بر آنها نظر کند و پنج چراغ روشن کند نزد آنها روبروی آنها نهد تا اینکه مرادش بر آید و نقش که بشکم صورتها نهند اینست ۷۸۴

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۲۱۳ | ۲۲۷ | ۲۲۴ | ۲۲۰ |
| ۲۲۵ | ۲۱۹ | ۲۱۴ | ۲۲۶ |
| ۲۱۸ | ۲۲۲ | ۲۲۹ | ۲۱۵ |
| ۲۲۸ | ۲۱۶ | ۲۱۷ | ۲۲۳ |

وهمین عمل اگر برای هلاک عدو کنند تدبیرش اینست که بروز شنبه بساعت اول دو صورتها از سرب بسازد و یکی را هابیل نام نهند و دیگر قابیل پس عدو نام هابیل و قابیل گرفته در این نقش مثلث پر کنند و در صورتها نهند صورت هابیل را از صورت قابیل معذب کنند یعنی تیر بر پهلویش زنند یا بهر عذاب که خواهند مبتلا سازند و بدست

قابیل خنجر یا اسلحهٔ دیگری دهند و ضارب نمایند و هابیل را مضروب نمایند و بر سر مثلث آنکه شبیه قابیل است اسم سید الشیاطین ابلیس بنویسد و آن هر دو صورت یا در خانهٔ تاریک یا سرداب یا گورجهودان یا مسلخ دفن کنند انشاء الله تعالی عدو کشته خواهد شد و نقش مربع که بالا مذکور گشته بطور مثلث بدین صورت است

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۹۸ | ۲۹۰ | ۲۹۶ |
| ۲۹۲ | ۲۹۵ | ۲۹۷ |
| ۲۹۴ | ۲۹۹ | ۲۹۱ |

نوع دیگر برای کشتی گرفتن و بر عدو ظفر یافتن باید که اسم هر دو کشتی گیر را از گرفته عدد برآورد و عدد آیهٔ کریمه یَدُ اللهِ فَوْقَ اَیْدِیْهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَاِنَّمَا یَنْکُثُ عَلٰی نَفْسِهٖ وَمَنْ اَوْفٰی بِمَا عٰهَدَ عَلَیْهُ اللهَ فَسَیُؤْتِیْهِ اَجْرًا عَظِیْمًا و عدد فَنَهَارُ ذُو الْبَطْشِ الشَّدِیْدِ لَکِ لَا انْطِلَاقَ اِنْشِقَاقٍ گرفته همه را یکجا جمع نقش مثلث بنویسد و آنرا زیر اکهارهٔ کشتی دفن کند انشاء الله تعالی هر کس که این عمل کند همان در کشتی حریف را زیر کند و هر نوع غالب گردد

نوع دیگر برای هلاکت اعدا باید که عدد آیهٔ معظم اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ و عدد سورهٔ اَلَمْ تَرَ کَیْفَ را برآرد و عدد آیهٔ شریفه فَزَادَهُمُ اللهُ مَرَضًا در آن شریک کند نقش مثلث پر کند و آنرا در کفن مرده بنویسد و در قبر کسی که شهید یا مقتول باشد دفن کند

نوع دیگر برای هلاکت عدو باید که اعداد اسم یا قهار گرفته در نام عدو آمیخته در این مربع الفعدد را بیفزاید و همه را یک مثلث بنویسد و آن مثلث را هر روز بر خشت خام بنویسد از غره ماه تا دو ازده ماه سلخ در دریا انداخته باشد انشاء الله تعالی عدو برباد شود و برای هلاکت از خانهٔ هفتم نقش بنویسد و برای بیمار کردن از خانهٔ ششم نقش بنویسد و آن اینست

۷۸۶

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۹۰۴ | ۹۱۸ | ۹۱۵ | ۹۱۲ |
| ۹۱۶ | ۹۱۱ | ۹۰۵ | ۹۱۷ |
| ۹۱۰ | ۹۱۳ | ۹۲۰ | ۹۰۶ |
| ۱۱۹ | ۹۰۷ | ۹۰۹ | ۹۱۴ |

نوع دیگر برای هلاکت عدو باید که نام دشمن را بتعداد برآرد و در این نقش جا دهد کرده نقش مثلث اگر ممکن باشد پر کند و بتقسیم عدد بر کفن مرده از سرکه و نمک نوشادر سیاهی

آمیخته بنویسید و این نقش که پر کرده راست در شکل الصورت بنویسید و وقت نوشتن نقش بر هر خانه آیة الکرسی بخواند و بر خود دمد که اینعمل سیف قاتل است و باید که صورت از موم بسازد و در دست یکی سهم و قوس بدهد و صورت ثانی بمقابله او بدارد و نیز بصورت دیگر که عدو مقرر کرده است پوسته بسازد و این مثلث را بر پشت کمان بچسپد و چهار قطره خون ریزد و عدد سوره الم ترکیف بخواند و چون به تیر سهم رسد بگوید شاهت الوجوه شاهت الوجوه و اشاره بآن صورت کند و اگر دعای سیفی اگر یاد داشته باشد برای قتل آن موذی بخواند انشاء الله تعالی عدو هلاک گردد و بآن نوع عذاب مبتلا گردد و نقش که در او عدد بیفزائید و دیگری که بر قوس بنویسید اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۹۴۳ | ۹۳۸ | ۹۴۵ |
| ۹۴۴ | ۹۴۲ | ۹۴۰ |
| ۹۳۹ | ۹۴۶ | ۹۴۱ |

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۲۷۶ | ۲۷۰ | ۲۷۸ |
| ۲۷۷ | ۲۷۵ | ۲۷۳ |
| ۲۷۱ | ۲۷۹ | ۲۷۴ |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

**نوع دیگر برای هلاک دشمن** باید که بقمر در عقرب عدد نام عدو و عدد اسم او و ساعت و وقت را برآورده و در این نقش مثلث اضافه کرده همه را یک نقش بکنند و در پارچه کبود رنگ و در آن پارچه اندک قلع و پیاز و تیل و نمک نیز بپیچیده و درون پیاله نهاده آن پیاله را در قبرستان یهودان که آنرا مرگهت گویند دفن کنند و حکیم طلیطل فرموده که در گورستان یهود دفن کنند انشاء الله عدو کشته گردد و نقش که عدد عدو در آن بیفزاید اینست

۷۸۶

| | | |
|---|---|---|
| ۶۳۹ | ۶۲۴ | ۶۴۱ |
| ۶۴۰ | ۶۳۸ | ۶۳۶ |
| ۶۳۵ | ۶۴۲ | ۶۳۷ |

**نوع دیگر** برای عداوت جانبین باید که اول حرف طالع برج وقت عمل و حروف برج آفتاب که در آن زمان بهر برج که باشد و حرف برج بریخ نام انگشت گرفته و همه را امتزاج داده تکسیر کند و چون زمام برآید در آن تکسیر آنچه حروف موکیل و ظلمانی بوند آنرا جدا نوشته عدد برآورده و در این نقش مثلث بیفزاید و همه را یک مثلث از آب پیاز و تیل سیند بنویسد و حروف نورانی را گذاشته همه حروف باقی مانده تکسیر کرده

بر پشت آن مثلث بنویسید و باز همه را مرکب ساخته معرب کنند پس بمجاذی هر یک خانه
موافق هر اعداد آن کلمات را بیارید عدد کل را در خانه پنجم رسانند و اگر عدد موافق
نشود اسم باحیا یا قهار یا مذل یا متکبر عدد آن اضافه نموده اعداد را موافق کنند
بعد آن مثلث را در پارچه کبود که کرباس خام باشد یا قلع و زرنیخ و آهن سیاه و نیل و نمک
و پیاز همه را پیچیده و ریسمان سیاه بر او بربندید در گور جهودان یا ترسایان دفن کنند
و این عمل بروز سه شنبه کنند و این طریقه از ارسطو است بسیار مجرب است اما آنچه تفصیل شد
حرف برج طالع وقت بگیرد و آن اینست که مثلاً روز سه شنبه بوقت سحر بساعت مریخ
آغاز کرده شد پس آن وقت ببیند که فلک بکدام برج است آن برج را حرف بگیرد و
اینکه گفته شد که در آن زمان آفتاب بهر برج که باشد حرف بگیرد اینست که مثلاً آفتاب
در برج ثور بوقت آغاز عمل بود پس برج ثور را حرف گرفتن لازم شد همین طور بهر برج
که باشد بگیرد و چون مریخ منسوب ببرج حمل و عقرب است آن هر دو برج را حرف بستانند و چون
تمام عدد را با نام او که آنرا اعداد بست و یک اند قسمت برج دادم نماند بر برج
کردم ببرج قوس تمام گشت پس طالع او دانستم که برج قوس است لهذا برج قوس را حرف گرفتم
و اینهمه را آنچه که مواکیل اند آنرا نیز جدا نوشتم و آنچه حرف با موکلان نسبت دارند آنرا
علیحده نوشتم و من بعد جمله را اول تکسیر کرده حرف برآوردم و موکلان آنچه که حرف بود
از آن تکسیر علیحده کردم و حرف ظلمانی علیحده نوشتم و بعد از آن اعداد گرفته نقش مثلث که
نوشته است در آن افزودم و دیگر نقش از همه اعداد پر کردم و بکار بردم پس حرف برج اینند
و مواکیل هر برج را نیز دائره دیگر ست از آن هر دو باید فهمید و دیگر اشکال باز گفته خواهد شد ان شاء الله تعالی

| | | |
|---|---|---|
| حمل ۱ اجرسن<br>حرف نباتی اهط غیرنباتی | ثور ۲ غیرنباتی<br>حرف نباتی وح ل | جوزا ۳ منج<br>حرف نباتی ب دی غیرنباتی |
| سرطان ۴<br>غیرنباتی تثخ ح زک حرف نباتی | اسد ۵ غیرنباتی<br>نم جم طمف حرف نباتی | سنبله ۶ غیرنباتی<br>اجرسن ل ع ر حرف نباتی |
| میزان ۷ حرف نباتی<br>غیرنباتی ی ن ص | عقرب ۸ حرف نباتی<br>غیرنباتی ه ط ض اجرسن | قوس حرف نباتی<br>مناجر ن ش و |
| جدی ۱۰ حرف نباتی<br>رح غیرنباتی ع | دلو ۱۱ حرف نباتی<br>غیرنباتی ص ط ض اجرسن | حوت ۱۲ حرف نباتی<br>غیرنباتی ن ث ظ |

دیگر آنکه حرف آتشی و بادی و آبی و خاکی و شرقی و جنوبی و شمالی را و جمالی و جلالی وغیره هم را تفصیل در آغاز کتاب نموده ام اما آنچه که موکیل بروج هند بدین صورتست

دایره بروج و موکیل آن

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| حمل ۱ سرایل | ثور ۲ عزرائیل | جوزا ۳ سرهیل | سرطان ۴ قهفائیل | اسد ۵ سراهیل | سنبله ۶ شکیل |
| میزان ۷ سمراکیل | عقرب ۸ صرصائیل | قوس ۹ مرطائیل | جدی ۱۰ شمکائیل | دلو ۱۱ صحکائیل | حوت ۱۲ نقائیل |

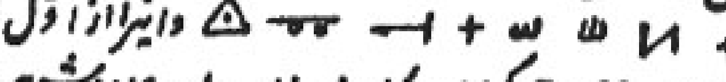
پس چون این طریقه مفهوم گشت باید که حرف ظلمانی و نورانی را بینید و آن اینست که حرف نورانی حرف آتشی را گویند و حرف ظلمانی حرف خاکی را گویند و حرف که صوامت انها نقطه ندارند و حرفی که نقطه بالا دارند فوقی اند و آنکه نقطه زیرین دارند تحتی اند و حرفی که در سطر اول نوشته میشود از ابجد علوی اند و آنچه که زیر آن سطر نوشته میشوند سفلی اند و حرف که بکواکب جاری منسوبند آنکه دایره حرف کواکب بالا نوشته ام ثقیلند و باقی حرف خفیفند و آنچه که حرف متفق العنا صرند متساوی و باقی غیر متساوی اند و آنچه حرف که بکوکب سعد منسوبند سعدند و آنچه زبکوکب نحس منسوبند نحسند و حرف غالب العناصرند و باقی جمالی پس چون بفهمیده دانستی اکنون آن مثلث که در او حرف تکسیر بنویسند بدین صورتست فافهم

| | | |
|---|---|---|
| 639 | 640 | 635 |
| 634 | 631 | 642 |
| 641 | 636 | 637 |

و این که همه حرف تکسیر را سوای حروف نورانی مرکب معروف کنند فاما طریق مرکب و معدود در یک مثال گفته ایم همین طور همه را هم مرکب معروف کنند و کلمه تیار شده را ببینند که چه عدد دارد و آنچه عدد نداشته باشد در خانه نقش نگاه کنند هر جا که آن عدد باشد همانجا آن کلمه را بنگارند و اگر کلمه موافق اعداد نقش نباشد عدد اسماء باری تعالی را در آن اضافه کرده موافق اعداد برنگارند و بکار برند برای تفهیم همینقدر کافی است

**نوع دیگر** برای هلاکت عدو این عمل از بنگاله است اول باید که این اعداد بنگاله

با اسم عدو جمع نماید و بر لفظ مرده نقش پر کنند و پیش قبر همان مرده که نعش او را
برای نقش نوشتن گرفته دفن نمایند عدو برباد خواهد شد و اعداد بنگاله این است
و اینرا از اول



تا در آخر شمار کنند و حساب نموده جمع کنند و بکار برند زیاده بر این عمل را شرح
نخواهم نمود زیرا که ما را العتیم منع کرده اند چون نسخه از آن شنو از زیادگانه ما بود
برای این نوشته دادم که شاید کسی از این ترکیب ابتهم کند و ما را دعای خیر دهد
که بسیار مجرب است

نوع دیگر عمل دنبه گداز و بیشعل در آن وقت کنند که ببیند آن عدو اگر زنده خواهد ماند
جان ما نخواهد گذاشت و از کشتن آن خلق را بسیار ادامنت و ناچار از حد بود
از دست او آن وقت در درگاه خدا استغاثه کنند که الهی من ترکیب این گناه بناچاری
هیشوم یعنی گوسفند جاندار را سوخته مینمایم تو عالم الغیب هستی بر من ببخشای فاما بعد
اشتغال هم در درگاه الهی توبه کنند و ترکیب این عمل اینکه بیاورد یک گوسفند اسود اللون
و آنرا در میان قبر یا سرداب برد و آنجا کسی محرم نباشد سر او ببرد و از آنجا بگذرد
پس سیصد و سه سوزن فولاد گرفته سوره الم ترکیف بهر سوزنی یکبار خوانده دم کرده
بگذارد و نیت کند که فلان بن دنبه گداز میکنم بعد از آن چراغی بزرگ با فتیله بزرگ تیار
کرده روشن کند در میان ظرف آهنی گذاشته این نقش را در زیر آن ظرف نوشته در
خاک دفن کنند و صورت عدو نوشته در میان آن چراغ نهند پس آن چراغ را در ته آن دنبه نهاده
بسوزد روغنش در چراغ خواهد چکید و از همان روغن آن چراغ روشن خواهد ماند پس
هر قدر که آن گوسفند را خون خشک خواهد شد عدو هم تحلیل خواهد گشت تا اینکه چراغ
کشته گردد عدو نیز کشته خواهد شد و چراغ در آن وقت بمیرد که در دنبه روغن باقی نماند
و عدد بنگاله که مذکور شد در این نقش مثلث هم بنویسد مثلث این است

| | | |
|---|---|---|
| ۱۱۳ | ۱۰۸ | ۱۱۵ |
| ۱۱۴ | ۱۱۲ | ۱۱۰ |
| ۱۰۹ | ۱۱۶ | ۱۱۱ |

نوع دیگر برای ایذا رسانیدن بزن از عمل سفلی
یعنی اگر کسی با زنی دشمن باشد و بخواهد ازو خون
جاری شود باید اول کوه ایمن منتر دا جه یعنی ازدو
روز در صحرا رفته بر سر چاه نشسته کمیعه و یکبار بخواند

وقت شام باشد پس درحمان مذمت بایش گشاده خواهد شد و منتر این است
جل کی منڈی و دریا جاکی کھول کھال لھوبھای داجن سرجن بھون ترجن نام
فلانی فلانی کا پیہ چھوٹی

نوع دیگر برای بغض از قلمی و نیش سیاهی کرده سیاه مرچ ورد هن انداخته روز سه شنبه اسم هردو با اسم مادرشان در فتیله نوشته و تا بیست ودو روز بسوزاند اگر خواست خدا باشد عداوت قلبی بین آنها پیدا شود فتیله ازینجا کرا

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۲ ◇۰◇ ۱۱ ۱۱ ۱۲ ۱۱

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| < | ح | [illegible] | عۃ ہ خ ہ | عہ | [illegible] |
| کا ۱۱۱ ع ع | ۶ | ۱۵ | ف | ۲ عہ | و ک |
| ۳ | ح ۶ | ح | ا | ع | |
| | ۱۰ | ۶۰ | ۷ | و ۵ ۵ ۶۶ | |
| رووتوجرماہ | بین فلان بن فلان واثما ابدا اتسہ | | فلان بن فلان البغض والعداۃ | شاہ ای بام لناہ | |

نوع دیگر برای عداوت این اسماء سیارگان که یکی روحانی و یکی جسمانی است نوشته ودر قبرستان یهود یا نصاری یا مجوس دفن کنند فوری اثر بخشد و بهم کار مجرب تر است شرح آن خواهم نوشت و اسماء اینست

اسماء روحانی سیارگان

| | |
|---|---|
| زحل | بدریاسن طوسی جروش میوشش دروش طاطیش – ذرنوش طاطیش زروش طاهنطروش |
| مشتری | دابهوش – ذرماش – هبطش مطش اوزش هیطبیش فروش هنا – اش |
| مریخ | دغدنوش – ازبعیش – عندوش – بمراش اودوجلوش هیدیطش مهیرش هندهاش |
| شمس | بنرلوش سندلاش دهنفاش دهنفاش طیعاش طوش – عمادیش طیبیا دیس |
| زهره | اذہرش – دہطارش ایاش شہورش – غنقاش – دنقاش |
| عطارد | ترہوش امیراش – اجش – شاہلیش زرامیس لمیس دلہوش معودش – ہیش |
| قمر | عندنوش ذیش مراونوش هیطاش لمیاش – رانامیش میانوش – زنحانوش |

## اسماء جسمانی سیارگان

| | |
|---|---|
| زحل | اشرافات - نیلاناماوش تامارمش اطراطیاش بهرفاطابات درفاهوش کساهوتوشا |
| مشتری | طهشا بیش کیبیا فرکات دیدادنیا شغوو تاهابیش سبوکلشا باشوفورا یا اخنداد - حطا طوا |
| مریخ | اوروماری کعصاصات کشتبر طور باشیا تا اوبا قاقیقی کبوکرارقیا |
| شمس | ذنیعا کاسوتو - شابج ماثو لورا طیوطیا - طیوفقشا بنوبوید خپاپنا کالاهای کی شاشبوده |
| زهره | اهوا هیرودطی ازاتو - تارورونفرا هو - فهشا - بالائی هیطیشیاما - رهیطوطوسمیطرقاموطهیاتی |
| عطارد | دهیاهی الالاشیا بترباکیشیا طرا اهلاها - قوطوش جهلیاماطیلوب المبطی ههو |
| قمر | هیایاسر اطوکنکوما اموصی یاین شتا ماطبنی قوسترهو مهطاستا شرکاکات نافرا طوهاسا |

پس این اسماء هر دو گانه برای محبت و بغض و هر کاری که در عمل آری بسیار مجرب یلی اگر خواهی معالجه کنی کسی را که سحر و وسواس و سودا و وبا و آسیب زده او را گرفته است بنویس اسماء را بر ساتگین زجاج یا بر سنگ رخام و بده صاحب مرض را که نظر بر آن کند و آنرا شسته بنظر شافی و کافی بهفت جرعه کرده بنوشد و چیزیکه باقی ماند آنرا بر سر و صورت مالد و قدری بر در خانه خویش بجانب چپ بریزد و همچنین تا هفت روز هر صبح و شام عمل کند حقتعالی او را صحت کرامت فرماید برای مسحور و تب گرفته بمشک و زعفران بنویسید و بنوشانند برای صلح بین دو کس نوشته در پرده ظلمت و بخور از مشک و زعفران دهد بین آنها که نظر بر آن کنند صلح واقع شود اگر بر لوح مس با قلم آهنی نویسید با نگینه و بر گردن آویزند زیر لباس و نزد سلطان و حکام روند نهایت حکومت بر او مهربان گردد و برای عقد انسان و محبت بنویسید بر لوح زر یا سیم یا قلع بمشک و زعفران و کافور و نیز بر آن حاجت خود را بنویسد و در حقه نهاده با موم تمام سر آن حقه را مهر کند نزد خود بدارد تمام خلق او را دوست دارند و زبان بدگویان بر او بسته گردد برای حب بنویسید بر پوست خربوچ و در وقت نوشتن یاد کند نامهای کسانیکه آنها را دوست دارد پس آن پوست را زیر آتش بدامد اثر قریب تر شود پس این اسماء چنان تاثیر دارد که گفته شد و من اینجا باب ششم را ختم مینمایم و از ناظرین طمع دعای خیر دارم انشاء الله تعالی

# باب هفتم در نسخه جات کیمیا که آنچه بتجربه کرده ام

آورده ام و دوستان امتحانش در نموده اند اما گاهی درست شد و گاهی غلط افتاد محروم
مانده اند این کتاب مخزن اسرار کنز الجواهر آید از دست هر رازی که در سینه خویش داشتم در این نسخه
بی نظیر نوشتم و فاش کردم نسخه های کیمیا را هم نوشتم تا برادران ایمانی را نفع کامل کرده
چنانچه اول نسخه مجرب دیده و شنیده که آمیزی پنجره از روپیه خرج کرده حاصل نمود این نسخه
هم یکبار تیار کرده الا بار دیگر از خوبی طالع درست نشد اگر مرا حاصل نشد از تقدیر کسی درست
شود عجب نیست و آن اینست نسخه هرتال طبقی دو توله سیماب نیم توله ترکیب در عرق گوهی
که در وزراعت گندم اکثر میشود گلش زرد میباشد و آنرا طوطیان میخورند و برگش خاردار
باشد و عرق آن مثل گوگرد است کیساس کهول نمایند آن اجزا را در آنکه تا لاهذ کو دشده بعد از
آن در لیدی آن حلوس و شاهی بند کرده مثل گلا گلا کنند پس در سفال زیر و بالا نهاده
روغن گل حکمت نماید پس آنرا در را نمیده و نوشته بیست آثار خواه پانزده آثار چنانچه از نیم
آثار کم نباشد پاچک دشتی گرفته آتش دهد بعد سرد شدن تماشا ببیند که آنهمه خاکستر شده یا نه اگر
شده دو مرتبه آتش دهد و باز امتحان وکند یعنی از آن خاکستر قدری بر نقره گداخته ببیند اگر
هر دو بار از آن ببیند و باز از پاچک صحرائی آتش دهد و امتحان کند اگر اکسیر شود بهتر و
اگر در بسیار آتش دادن درست نشد بدانکه در تدبیر فرق شده است باز از سر نو نسخه
تیار کند اگر مقدمه درست است ببین اکسیر خواهد و تمام عمر آنچنان کفایت خواهد نمود
در وزن شش ماشه یک رتی اگر بر مس ببیند از و شمس گردد
نسخه دوم اکسیر اعظم مجرب که از دست خود تیار کرده بخرج آمده الا سه بار تیار گشته
باز درست نشده اگر از دست کسی درست نشود مثل من هم قسمت است باید گو گرد
اصل آن توله سار یعنی تمام تا لاش نموده بوزن یک توله بیار بعد یک کتر آهنی
خورد خریده کند و یک پیاله آهنی تیار کنند آن گوگرد را در آتش دان نهد و زیر آتش
دهد و پیاله را لب گردان برابر لبهای کتر آهنی سازد حتی که برابر شمس تعرق نباشد از
سوراخ بهر سمت درست کند بعد کتر آهنی مذکور عرق او و نیت کشاده خاردار که در جنگل اکثر
پیدا میشود و در موسم برشکال از آب باران سوخته میگردد پس آنرا آورده خشک عرق او
و نگلدی گوگرد غرق در آن شوند پس گوگرد پارچه پارچه ساخته بوزن دو ماشه
عرق چینده اندر و پیاله آهنی را بر آن سر پوش نماید و آهنگر را طلب داشته گرداگرد
آن از قلعی بند کنند که از هر سمت مطلق مسدود باشد پس آنرا در آتش دان نهاده

هیزم نرم نرم آتش دهد و آب در کنز آهنی بر پیاله پر کند که پیاله غرق شود و آتش زیر آن
چنان روشن کند که آب بالا غرق گرده سا تخمین گرم شده جوش خورد پس آن آب را
دور کند و باز آب پر کند که چون آن هم جوش خورد آنرا نیز دفع کند و باز آب را پر کند و هر بار نظیف
چادر پاک و سفید آب را دور کرده باشد و خود هم با وضو باشد و از سایه نجس احتراز نماید
چون سه بار پر کرده دفع کند آن کنز آهنی را زیر آرد و از له آهنگر که آنرا چینی گویند پیاله را از
کنز آهنی جدا کند انشاء الله روغن گوگرد ۹ ماشه تیار شده خواهد بود مثل خون کبوتر برنگ
سرخ پس آنرا در شیشه بدارد اگر یکقطره برمس ۱ توله گرم کرده بنید از دشمس مطلق گردد
ای برادر مثل این نسخه سهل ندیده و نشنیدم اگر یکبار تیار کردی و نشد بتجربه تیار کن اگر نشود دید
قسمت است والله اعلم **نسخه سوم** اکسیر که در تجربه آوردم اینست که یک شیشه
کلان صراحی که شب بیند میپر درآورده یک توله سیماب در دهنش انداخته سوراخ
پنجال نیز بند ساخته گل حکمت سازد و در پاچک صحرائی پنج آثار آتش دهد پس صبح برآورده
ببیند که آن سیماب اکسیر باشد و زن قائم مانند برنج گداخته انداز در شمس گردد والله اعلم
**نسخه چهارم** جوهر اکثر دوستان بعمل آورده الا کردن این نسخه حرام است باید نکند
اینست سیماب یکتوله نقره ۹ ماشه هر دو را در کنز آهنی انداخته یک آثار و یک پاو آب اندازد
و زیر آن آتش روشن کند و طوطیا ۱ توله با یک ملوده بر آن آب گاه گاه پاشیده باشد تا
چندانکه تمام سوخته گردد و لیکن از چمچه هر بار مخلوط کرده باشد چون آب قدری ماند آنرا
از آن کنز آهنی برآورده از آب صاف پاک کند که زردیش دور گردد بعد در یک سفال
براده جست ۲ توله گرفته زیر آن توشک نیمه کند و بعده برو برگ تلسی بدارد و بعده آن
گولی را تیار کرده بدارد بعد نیمه براده بقیه را لحاف کند و سکوره دیگر بر آن سرپوش کند
و یک ته گل حکمت نماید و در پاچک دستی ۲ آثار خواه کم آتش دهد تا که جست مذکوره جاذب
گردد پس برآورده خاکستر جست آهسته دور کند و آن گولی را چرخ دهد و دو سه بار در آب
دوغ سرد کند و در آب نوشادر و شوره هم کرده سرد کند پس درست باشد باید که کسی فریب
از دوست خود تیار کرده مثل جوری ناگرا از سانچه ساخته و در بازار فروخته شد و الا حرام مطلق
است **نسخه پنجم** اکسیر از امیر شیر علی است که آن مهربان سه بار تیار فرمودند و خطائی
ندارد و اینست باید گوگرد ۸ توله سار صین بیارد و در صحرا اینکه درختهای ار بسیار باشند قیام
نماید یا آنجا که قریب از درختان باشد ساکن شود و هر روز در وقت سحر برخاسته نماز گذارد و دعا

بدرگاه جناب الهی نموده پیاله چینی که در آن گوگرد پارچه پارچه همه عرق شوند پس باز آید و نگاه دارد
و صبح باز زود بدستور تر نماید هرگاه که شیر بسیار جمع شود آنرا صاف کرده باشد بعد از آن
بدستور بایک چله در عرق مذکور تر نماید چون چله شود روزی در مقام خلوت نشسته از شیشه
آتشی پاره های گوگرد را داخل ساخته دهنش از سنگ چار و بند کنند و شیشه را گل حکمت
از پارچه ته بته نماید و گل بسیار و خوب باشد و خشک گرداند پس بسم الله گفته در یک سبوچه
آن شیشه را سوراخ بزرد و دهن شیشه بطور واژگون نهاده ساخته در سبوچه مذکور دا بر سه پایه
بردارد و زیر آتش پیاله چینی نهند و آتش دهد و خود حاضر و هرگز جای نرود تا پاکش بسایه
نهند از اول قدری آب زرد آبه خواهد چکید آنرا دور کنند هرگاه که قطره های سرخ بچکد پس گوگرد
گشوده شد و تمام گوگرد را روغن کشیده گردید آن روغن را نگاه دارد و هرگاه که آزمایش
کند بر مس گرم کرده قدری مالیده در آتش نهد طلا گردد مجربست
نسخه ششم اگر مار سفید یک تمک چنانچه پوست او سیاه باشد چشمش نبود بدست آید هزار
بهتر آنرا کشته خشک کرده نگاه دارد هرگاه که حاجت پیش آید بره وزن دو توله مس
گداخته چراغ داده بقدر یک سرخ از آن مار خشک بیندازد آنجمله مس مثل طلا گردد
نسخه هفتم مسکه سیماب آزموده دوستان مجربست و یا کیمیا است و اینست طریقش یک
ماشه نوشادر یکماشه شب یمانی یکماشه نمک یک ماشه هر چهار ادویه مذکور را در
لنگری آهنی خشک با رنگ نموده سیماب یک توله در ظرف گلی انداخته در آب عرق کنند
و سپاری ادویه مذکور را قدری قدری بپاشد مثل روغن شود سیماب بسته گردد و بکار
خود بس آید نسخه هشتم سنگها را شگفت کردن باید که یک توله سنگهیا در
شیر اندازد که دو توله باشد کیمیا پس کامل گهرل نماید بعد تکیه ساخته در یک سبوچه گلی اول
ریگ نصف سبوچه پر کند و بر آن قدری باکده نمک نهاده مثل توشک بر آن تکیه مذکور
بدارد و باز راکه را انجاف کنند و باز ریگ پر کنند و دهن سبوچه را از سفال بند کنند و در زیرش
ده آثار هیزم را گرفته یکیکی آتش دهد چون تمام شود سبوچه را از دیگدان فرود آورده
دهن کشوده بدارد که همه شب سرد شود چون صبح شود و تکیه سرد شده باشد آنرا از تکیه بر
آورده و یک رتی بر مس گداخته بیندازد شمس گردد و اگر بر قلعی اندازد قمر گردد
نسخه نهم رنگ نمودن نقره مجرب باید که شنگرف یک نیم توله در کبدی ده توله کلان یک
صد بدارد و کپرونی یکبسته نموده در گرسی با چار دستی که تجهای تنگ باشد آتش دهد همچنین پنجاه
دو بار آتش دهد انشاء الله شگفت خواهد شد نقره گداخته قدری بیندازد صورت طلا گردد

و در بیخ چرخ رنگش سرخ شود و آن خاک هم نفع تمام دارد
**نسخه دهم** اکسیر جهت از استادی کامل باین نحیف رسیده و حاصل شده اینست که
درخت بال برابر نامش پیدا باشد صورتش آنست که برگش برابر قدر برگ کاسنی پیدا شده برابر
برگ خورد تنباکو میشود و زیر برگش موی مخمل سفید باشد و در ماه بهادون پیدا میشود و آنجا که
تری باشد و بر رود و لب آب پیدا شد بر میخیزد و در ماه کنوار و کاتک تمام آن بر می‌آید شاخ بال
باجره خورد و طوریکه بال باجره را از آب تر پیدا شده باشد و زمین داران آنرا خشک
کرده نگاه دارند و سیاه مرچ آمیخته برای دفع تب لرزه میدهند و در چراگاه آنرا
گاو میش میخورند اگر آن از خوبی مقدار بدست مهوس آید فی مطلق گردد باید که
آنرا لبدی باریک حل کرده در لبدیش فلوس ده هوشابی نهاده بند کند و در ظرف
بدارد و گل حکمت کرده در پاچک دشتی پانزده آثار آتش دهد آن فلوس خاکستر خوب
شد پس آنقدر فلوس کم بوزن قائم باشد آن خاک اکسیر مطلق است هرگاه آن خاک
بر مس گداخته برابر تمس در چرخ خوردن مس سفید از شمس گردد والله اعلم
**نسخه یازدهم** از درویشی بدست این نحیف آمده و آن اینست که درخت دهتوره
که از بیخ و شاخ و برگ سیاه مطلق باشد تر و تازه از بیخ و برگ یکساله بود و اگر کهنه
و فتونیا شد بیارد و یکدرخت بهکنیا با درخت و ثمر و برگ بیارد و در هاون دسته چوبی
نماید بعد بر سنگ سائیده سرمه سا کند چون لبدی تیار شود ۴ توله سنگهای تیلی
که بسیار خوب پیدا شد گرفته در لبدیش بدارد و غلوله بسازد و هفت بار بر آن غلوله
گل حکمت کند بعد در تاب آفتاب خشک گرداند چون شب شود در گلخن رفته گلخن
فروزد را دو سه فلوس داده تمام ریگ خاک یکجا در گلخن کرده اندر آن غلوله را
بدارد و تمام شب بدارد و خود متصل بخسبد گاه گاهی خاکستر گرم بر آن اضافه کند
چون صبح گردد بر آورده دو پاس صبر کند تا سرد شود چون سرد مطلق گردد غلوله را
بشکنند آن سنگهای اکسیر خواهد شد و خاک خواهد شد و وزن قائم ماند پس آنرا بر مس
قلعی یا تو آثار گداخته سفید از نقره پخته گردد و اگر یکبار درست نشد دو سه بار عمل
آورد اگر نشد نصیب او نبوده **نسخه دوازدهم** اکسیر کامل که از مهوس ابن خضر
بدست این نحیف رسیده باید که با دشتی که در حقیقت برگش مثل سویا
شود و لیکن برگ سویا استاده باشد و این سویا در زمین خضر دیگر نه باشد

در رنگ شاخهایش مایل بسیاهی میباشد و برگ آن سبز زیاده میشود اگر بزبان
نهند تلخ معلوم میشود اکثر بر جای بلند در دامن کوهستان باشد پس در آن بوی
سیماب هم خاکستر میشود و اکثر همین نوع برنج را نیز هم گرم کرده در عرقش بیندازی
نقره گردد مجربست **نسخه سیزدهم** کیمیا اگر میسر بدست آید چهار ماشه گرفته
در عرق گوبهی صحرائی بیضه مرغ را صاف و خالی کرده پر کند و یک بیضه دیگر خالی
کرده بر آن غلولا اول لحاف کند بعد از آن آنرا در آرد ماش نهند و بعد از آن هفت
بار از گل گل حکمت کند چون خشک شود در یک دشتی سرباز آتش دهد که خاک
شود آنخاک اکسیر است **نسخه چهاردهم** اکسیر مجرب از مرد بزرگ درویش
صحرانشین بدست این نحیف آمده باید که هرتال اکطبقی باشد گرفته دابرق هردو را
در ظرف گلی داشته بر آن قدری آب جواد شور ده بخیسند و انگشت را افروخته آتش
دهد اگر آن هرتال قائم ماند برنگ سبز گردد پس برداشته بر مس و فلوس هوشاهی
لیسیده آن فلوس را بر آتش گدازد انشاء الله طلا گردد **نسخه پانزدهم**
اکسیر از زن کامله جهوسه بدست این نحیف رسیده باید که اول یک پیاله مسی تیار
کرده باشد پس نزد خاکروب که خوک پرورده باشد رفته بقدر دو تولہ شیر خنزیر بگیرد
و پیاله را بر سر آتش نرم نهد چون پیاله گرم شود اما چنان گرم نشود که
سرخ گردد دفعتاً از هر دو دست شیر و سیماب در آن بیندازد که هر دو باهم یک
ذات شده و گداخته شوند سیماب شگفته گردد و خاکستر شود وزن قائم ماند
پس تمام عمر آنقدر کفایت میکند هرگاه مس گداخته چرخ داده را بقدر سرکس
بر آن زنند طلا شود **نسخه شانزدهم** اکسیر باید که کهو بنگچی
سپید یک تولہ آنوله خشک یک تولہ هلیله کلان یک تولہ گرفته برگ گرفته و برگ
منب قدری شریک کرده لبدی تیار کند و از آن لبدی یک کهر بسازد و در کهر
گهونگچی را باریک ساییده و خشک نماید و آنرا در سایه آفتاب نهد چون قدری
خشک شود سیماب را در کرچها انداخته قدری عرق منب چکانیده و آتش نرم دهد چندانکه
دو تولہ عرق خشک شود و سیماب بزینه تیار شود پس آن زیبق را بر داشته در کهریه آهسته شو

داخل سازد و قدری لبدی جست هم داخل کند و هر سه را آمیخته بر آن کهریه محافظت
کند و از هر سمت بند کرده در پلاس پیچیده در خندقی که عمقش یکدست باشد یکمن آثار
پاچک دشتی نهاده آتش دهد و همه شب بدارد و صبح برآرد انشاالله آن سیماب اکسیر
خواهد بود یا نقره خواهد گردید **نسخه هفدهم** اکسیر مشهور آفاق واقعیت که
دو عدد ماهی کلان که عمر آن رهو باشد بگیرد و قدری گوشت خنزیر سپاهیان دو هم مذکور
مساوی الوزن گرفته پارچه پارچه ساخته همه را در میان سبوچه انداخته نگاه دارد
چندانکه کرم افتد و تمام گوشتها کرمها گردند آنزمان نگاه دارد تا کرم کرم را بخورد
صرف دو سه باقی ماند پس آنرا گرفته در یک شیشه اندازد و آن شیشه را دهن او
آرد بسته در کهپری یا پالو دم کند چندانکه آن کرم روغن زرد شود پس آن روغن
را در مس گداخته اندازد اگر طلا گردد عجب نیست اگر نشود قدری سیماب اندر
مخلوط نموده در کهریه و پاچک دشتی آتش دهد یقین است که سیماب خاکستر
شود و اکسیر گردد و اگر اکسیر نشود آن روغن طلا گردد که برای عنین مفید خواهد
شد **نسخه هجدهم** اکسیر مسمی مجرب باید که گوگرد و هرتال و سنگهیا
و شنگرف و نیل هر پنج اجزا برابر وزن یک توله خواه نیم توله مساوی الوزن
گرفته در کرچیا اول سنگهیا جوکوب نموده بدارد بعده هرتال و نیل و گوگرد
و شنگرف ته به ته بدارد اگر وزن پنج توله باشد یک چیتانک روغن سیاه بیفکند
و در سرگین اسپ آتش دهد و داغ کند و جوش آید و یک ماشه توتیا هم بیندازد پس
چون جوش موقوف شود و کف با سوخته شود از میل ببیند که رنگ سرخ شده است
یا نه چون برنگ خون احمر اللون گردد در شیشه آنرا نگاه دارد و هرگاه که بر مس گرم
کرده بیندازد آتش دهد مس طلا شود و اگر نشود باز تیار کند و اگر بار دوم درست نشود
خوبی قسمت خویش بداند و اگر توتیا در آن شریک نکند روغن طلا برای عنین مجرب است
اگر برای محلوق به هند مفید مطلق باشد بر برگ تنبول طلیه بندد و در مدت سه روز مفید
**نسخه نوزدهم** اکسیر مسمی مجرب باید که عنکبوت رطیل کلان و کهنه را تلاش نموده
در دبه بدارد و قدری سیماب هم در آن دبه گذارد و سرپوش بند نماید در مدت سه روز
یا پنج روز آن سیماب عنکبوت خواهد خورد پس آنرا در کهره نهاده گل حکمت
نموده آتش پاو آثار پاچک دشتی دهد اکسیر قائم الوزن خواهد شد اگر بر مس که جمع

داده باشند چند از انشاء الله طلا گردد و بعد علم نسخه طلسم جوهر از نمک نمودن
نقره باید که چند درخت سورج مکهی بیارد و عرقش بمقدار نیم پاو بگیرد و در آن عرق
یک توله شنگرف که مستحکم و یکدل باشد انداخته سه روز تر دارد بعد برآورده در سه
عدد بادنجان سوراخ نموده دفن کند و در پاچک دستی سه پاو مثل بهرته بپزد و همچنان
سه بار در هر سه بادنجان خسته کند بعد ببیند که خسته شده یا نه یعنی مثل نمک گشته
خواهد شد و همچو ابرق در انگشت با مالیده خواهد بود پس آنرا برابر ابرق نهاده ابرق را
بر آتش گذارد و بر آن دلی شنگرف عرق نعناع نیز بچکاند بعد دو توله عرق خشک نیز
بدارد یقین که خسته شده باشد پس قدری برابر یک سرخ در یک توله نقره چرخ داده
بگذارد رنگش مثل طلا گردد و در صورت اگر رنگش خوب نشود کسیس و سونه مکهی مثل
در زهره ماهی کهرل نماید که نرم شود و بعد بر نقره مذکور طلا کند و تا دو دهد و باز در آن
آب ته سه جزو سرد کند طلا گردد رنگ صورتش هم خوب گردد **نسخه ترکیب دیگر**
اکسیر مجرب ز تال طبقی شش باشه گوگرد چوچا شش باشه نمک سرخ شش باشه
سیماب یک توله توتیا دو توله همه را در عرق بهنگره تا یکپاس کهرل نموده در ظرفی
که مثل دوات مداد باشد انداخته دهنش مضبوط از سرپوش و تارهای آهنی بند کنند و
بر آن گل حکمت کند و خشک سازد بعد در پاچک دستی پنج آثار آتش دهد و صبحی
بگشاید انشاء الله آنچنان که براده باشد مثل براده برنج اکسیر خواهد شد اگر مس یا برنج گداخته
قدری بیندازد طلا گردد والله اعلم اینقدر نسخه های اکسیر برای انتفاع برادران
ایمانی نوشتم تا هر ادعای خیر یاد کنند و بر روحم فاتحه خوانند

## فالنامهٔ نادر العصر از حضرت غوث الاعظم رحمة الله علیه

این فالنامه از جناب تقدس مآب حضرت پیر پیران شیخ عبد
القادر جیلانی قدس الله سره است و بسیار مجرب و بهتر است
چون کسی را کاری دشوار در پیش درآید و نداند که انجام این امر چه
خواهد گشت پس او را لازم است که فاتحه بر روح پر فتوح حضرت غوث پاک بصحیح خواهم
و نیت کار کرده و طفل نابالغ را بگوید که انگشت بر جدول نهاده مطابق شماره
مطلبش در ذیل نوشته شده و اگر طفل نابالغ نباشد خود فاتحه خوانده بصدق نیت
نموده و چشم را بسته و انگشت بر جدول گذارد و جدول در مقابل صفحه است

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
| ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ |
| ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۰ |
| ۳۱ | ۳۲ | ۳۳ | ۳۴ | ۳۵ | ۳۶ | ۳۷ | ۳۸ | ۳۹ | ۴۰ |
| ۴۱ | ۴۲ | ۴۳ | ۴۴ | ۴۵ | ۴۶ | ۴۷ | ۴۸ | ۴۹ | ۵۰ |
| ۵۱ | ۵۲ | ۵۳ | ۵۴ | ۵۵ | ۵۶ | ۵۷ | ۵۸ | ۵۹ | ۶۰ |
| ۶۱ | ۶۲ | ۶۳ | ۶۴ | ۶۵ | ۶۶ | ۶۷ | ۶۸ | ۶۹ | ۷۰ |

## نادر العصر مطلب فالنامه

۱ هر حاجتی که در دل داری نظر به کرم کارساز است چند روز صبر کن مراد دل خاطر خواه تست حاصل گردد بعد
۲ فال نیک است مراد خواهی یافت مطلب تو بدلخواه بر آید
۳ این کار که در دل داری پرهیز کن اگر بکنی پشیمان خواهی شد
۴ کاری که در دل اندیشیده بر آورده خواهد شد خاطر جمع دار
۵ هرچه میخواهی خواهی یافت مقصود حاصل خواهد شد خاطر جمعدار بکرم فیاض
۶ در این کار خلل خواهد افتاد چند روز صبر کن آخر خوب خواهد شد
۷ هر امیدی که در دل داری راحت نخواهی یافت صبر کن آخر خوب گردد و اضطرابی در کار است
۸ هر مهمی که در دل داری بر آورده خواهد شد اندیشه نباید کرد
۹ حاجتی که داری خوب است و بر آورده شود و انشاءالله و مراد حاصل شود
۱۰ کاری که در دل اندیشه میکنی بهتر خواهد آمد امید که بر آید بفضل خدا
۱۱ این کار بسیار نیک است خاطر خود جمع دار
۱۲ این نیتی که در دل داری چند روز صبر کن آخر انجام خواهد شد
۱۳ آنچه در دل داری پرهیز کن و گرنه پشیمان خواهی شد
۱۴ کار بسیار مبارک است و نیک است انجام خواهد یافت بکرم الهی
۱۵ کاری که در دل داری خواهد شد لیکن دشمن بر هم خواهد زد صبر کن
۱۶ بکرم ایزد ذوالجلال کار تو ده روز تک سعی سرانجام خواهد یافت
۱۷ هر مطلب که داری اگر بسته باشد حق تعالی سرانجام خواهد کرد
۱۸ این کار شدنی نیست از این مقصد پرهیز باید کرد
۱۹ هرگز این کار نخواهد شد و اگر بکنی خوب نیست صبر کن
۲۰ در این کار پرهیز باید کرد چند روز کوشش بکن

۲۱ این کار سرانجام خواهد یافت البته

۲۲ فال میگوید روزی و رزق خواهی یافت اندیشه مکن خوب خواهد شد

۲۳ چیزیکه ازاو مطلبی خواهی یافت وسواس در دل راه مده

۲۴ آنچه از کسی سؤال میکنی آخر بکرم الهی بدست میآید

۲۵ این کار را هرگز نباید کرد پشیمان خواهی شد

۲۶ ایزد کریم کارساز بوجه احسن انجام خواهد رسانید سعی کن تا کار برآید

۲۷ حاجتی که داری هرگز شدنی نیست محنت و درد ضایع خواهد شد

۲۸ نیتی که در دل داری حسب المراد خواهد شد

۲۹ کاریکه اندیشه میکنی سرانجام خواهد شد لیکن چند روزی صبر کن

۳۰ این فال تو نیک است اما خیال خوب نیست چند روزی صبر باید

۳۱ در کار تو معطلی است و دشمنان در کمین هستند هر کار یکی خلل دارد

۳۲ از جد و جهد تو این کار شدنی نیست پرهیز کن

۳۳ توکل بر خدا تعالی کن کار انجام خواهد گرفت

۳۴ فال تو نیک است هرچه نیت میکنی حاصل خواهد شد

۳۵ در این کار تندرستی نیست پرهیز کن

۳۶ کار بوجه نیک سرانجام خواهد یافت

۳۷ کاری که در نظر است تعلق بچند کس دارد خواهد شد

۳۸ فال تو نیک است ولی ضرورت اعتقاد است

۳۹ نظر بر ایزد تعالی داشته باش صبر کن

۴۰ کار بوجه نیک سرانجام شود و مطلب برآورده شود

۴۱ این فال تو خوب است

۴۲ این کار تو شدنی است در آینده در هر امر وسواس مکن نگردد

۴۳ مطلبی که داری خوب است کریم کارساز آسان خواهد کرد

۴۴ فال منع میکند و این کار درست نخواهد شد پرهیز کن

۴۵ حاجتی که داری پرهیز کن

۴۶ حاجت تو انشاء الله برآید

۴۷ این کار خواهد شد

۴۸ مطلبی که داری از خرج کردن خواهد شد

۴۹ آنچه نیت داری حاصل خواهد شد

۵۰ این کار بخیر انجام پذیر خواهد شد
۵۱ کار تو در تاریکی افتاده است صبر باید کرد
۵۲ نیتی که داری نخواهد شد ترک اولی است
۵۳ فال بهتر است اضطرابی در کار نیست صبر کن
۵۴ این نیت تو خوب است
۵۵ فال تو را منع میکند ضرر رسان است
۵۶ این کار شدنی نیست
۵۷ هر کاری داری در آن محنت و مشقت نیست
۵۸ کار تو بر آورده خواهد شد
۵۹ هر چه میخواهی خواهی یافت
۶۰ آنچه امید داری بر آورده خواهد شد
۶۱ نیتی که در دل داری حاصل است
۶۲ این کار خوب است اما چند روز در انجام آن دیر خواهد شد امور آن بخیر است
۶۳ این فال مبارک است
۶۴ این کار خوب نیست
۶۵ نیتی که در دل داری سر انجام میگیرد
۶۶ امیدی که در دل است انجام پذیر است بخاطر یقین
۶۷ این کار خواهد شد لیکن اندکی صبر باید نمود
۶۸ هر چه میخواهی خواهی یافت انجام خوب است و فال مبارک است
۶۹ کاری که در دل داری خواهد شد وسواس مکن
۷۰ کاری که میخواهی بکن ترکش بهتر است

# فال نامهٔ دیگر از علم رمل
## بسیار معتبر و صحیح استخراج کرده این احقر عباد است

اول باید وضو بگیرد رو بقبله نشسته سورهٔ الحمد بخواند بعد از آن فاتحه بر روح پرفتوح سرور کائنات صلی الله علیه وآله وسلم بخواند و این آیهٔ شریفه را برزبان جاری نماید سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وچشم خود بسته نیت نموده و براین دایره انگشت نهد مطلبش هرجا که انگشت افتد آن صورت دایره را ذیل تفصیل احکام ملاحظه کند انشاءالله جواب هر سؤال خاطرخواه آید

دایره که در آن انگشت نهند این است

| | | | |
|---|---|---|---|
| لحیان ۱ | قبض الداخل ۲ | قبض الخارج ۳ | جماعت ۴ |
| فرح ۵ | عقله ۶ | انکیس ۷ | حمره ۸ |
| بیاض ۹ | نصرة الخارج ۱۰ | نصرة الداخل ۱۱ | عتبة الخارج ۱۲ |
| نقی الخد ۱۳ | عتبة الداخل ۱۴ | اجتماع ۱۵ | طریق ۱۶ |

# تفصیل احکامات دائره

## ۱ لحیان

فال تو نیک است اگر اراده سفر کردن داری سمت مشرق برو بهتر خواهد شد و اگر ابتدای کاری در نظر داری بکن که انجامش نیک است و اگر برای مریض است تب صفراوی دارد بهتر خواهد اگرچه حصول مال نیت کرده بدقت حاصل شود و مالی باختیار از تو خارج خواهد شد

## ۲ قبض الداخل

فال تو بهتر است اگر برای سفر مصر پس سفر میسر نخواهد شد و اگر برای مریض است درد از شکم دارد و قی دارد و از غذا است و بهتر خواهد شد ولی بهبودی او طول خواهد کشید اگر برای الست مال بسیار بدست تو خواهد آمد و از معامله نفع خواهی برد و روزی تو وسیع گردد و اگر برای غایب فال دیده سلامت و بزودی بنزد تو خواهد آمد

## ۳ قبض الخارج

فال تو بد است و اگر برای سفر اراده داری بی اختیار خواهد شد از اینجا بجای دیگر بروی اگر سوال از یافتن مال است میسر نخواهد شد علکه مالی از تو بی اختیار خارج میشود و اگر برای برادر و خواهر و خویشان فال دیده آنها را حال نیک است و اگر برای مریض است سختی کشیده بهتر خواهد شد از این فال ظاهر میشود که حال تو پریشان است و بسیار سختی کشیده و اگر خوابهای پریشان می بینی جنب مباش و در عبادت و توبه کوشش کن تا خوب شوی

## ۴ جماعت

اگر برای ملاقات دوست فال دیده میسر شود و اگر از پدر و مادر و املاک میباشد عاقبت آنها بخیر و ملک بدست آید احوال تو بطور میانه ولی بلکه گرفتاری و بستگی در کار تو میباشد و اگر برای مریض سوال کرده ان مریض را آسیب رسیده یا از سحر است و نیز آن مریض آزار شکم هم دارد حال عاقبت تو بخیر خواهد شد و در معاملات ضرر دیده اما زیان قابل بتو نخواهد رسید والله اعلم

## ۵ فرح

فال تو بسیار نیک و در آینده خوشی و فرح و انبساط رو به تو میآورد

واگر از وصال معشوق میپرسی میسر خواهد شد واز هدیه و تحفه فال دیده بتو خواهد رسید واگر مسافرت در نظر داری بسمت شمال و مغرب بهتر است واگر سؤال از حمل زن کرده حامله است و ترا ذوق شاعری هست و خوابهای خوش می بینی و خاطر تو در عشق کسی بیقرار است واگر سؤال برای مریض است آن مریض مرض خفقان وامراض بادی دارد و بهتر خواهد شد و عاقبت تو بخیر و خوشی است والله اعلم

## ۶ عقله

فال تو بداست و در کار منقلب و پریشان خواطر هستی و در انجام هر کاری مردد میباشی هنوز کاری انجام نداده بکار دیگر شروع مینمائی واگر خیال مسافرت داری منقلب حال بسفر رفته و باز مراجعت میکنی اگر از مریض میپرسی مرض او از شکم و مثل اینکه برای او سحر کرده باشند و اگر برای حامله است آن زن را خون حیض بسته یا در شکم سختی دارد اگر برای نوکر و کلفت میپرسی حال آنها نیک است اگر برای دزد برده میپرسی تمامی آن بدست نیاید و دزد مرد است اکثر خوابهای پریشان می بینی و در موقع خواب هولناک میباشی و خاطر تو غمگین است صدقه بده و در طاعت پروردگار کوتاهی مکن تا کارت خوب شود والله اعلم

## ۷ نکیس

این فال دلیل گرفتگی در خاطر و نحوست در طالع و سختی و پریشانی و گرفتاری در امورات اگر برای سفر است میسر نخواهد شد و تقاضای قرض داران بر تو دشوار است و شخصی از دوستان تو غایب است و مال ترا آنکه دزدیده است زنی است سیاه چهره اگر برای مریض است بدشواری خوب شود و مریضی او از معده و شکم است واگر برای شرکت است شرکت مکن تو بدا و حال تو پریشان است و اکثر خوابهای بد می بینی و ترا خوف از جانب دشمنی هست که با تو دشمنی میکند صدقه بده تا رفع دشمنی او بشود واگر زن خواهی بگیری برای تو فراهم شود و نیک است در امور مذهبی کوتاهی مکن و از خیرات نیز کوتاهی مکن تا کارت خوب شود والله اعلم

## ۸ حمره

فال تو بد است و مانند اینکه از دشمنی یا از کسی ترس و خوف داشته باشی و در معاملات گاه گاهی ضرر متوجه تو شده است اگر از مال بد میسر بدست تو خواهد آمد ولی سودی از آن نبری اکثر اوقات را به پریشانی و غم و غصه بسر میبری از مال غایب و مال زن و میراث ترا بهره میباشد خوابهای پریشان میبینی بیشتر امراض تو از باد و خون میباشد اگر اراده سفر داری میسر نخواهد شد و اگر برای مریض دیده آن مریض طول بکشد تا شفا یابد و مرض او از اسهال و خون شکم است باید برای او چیزهای سرخ رنگ صدقه داد و در اموراتت خیریه کوشش کن تا کارت خوب شود والله اعلم

## ۹ بیاض

فال تو بسیار نیک و دلیل بر خوشحالی و خوبی طالع و اگر اراده تحصیل علم داری بهره مند خواهی شد و اگر اراده سفر داری نیک است و برای تو فراهم شود و بطرف شمال سفر کن تا سود ببینی اگر اراده زن گرفتن داری وسائل آن برای تو فراهم شود و خوب است و اگر برای تحصیل مال است مال بدشواری بدست تو آید و زود خرج شود از منافع کسب و کار بطور میانه بسر میبری و اگر چیزی از کسی توقع داری بتو میرسد و اگر برای مریض دیده مرض او از بلغم و استسقا است و شفا خواهد یافت برای او تصدق بده و اگر از حمل زن میپرسی حامله نیست خون حیض او بسته است عاقبت امر تو بخیر است و سفر چه در قسمت داری و مسافرت با ماکن مشرفه خواهی کرد والله اعلم

## ۱۰ نصرة الخارج

فال تو نیک است و هر مراد و مطلب که داشته باشی بخوبی حاجت تو روا شود اگر از مال میپرسی بدست تو خواهد آمد و استفاده از شغل و عمل خواهی برد شرکت مکن اگر اراده سفر داری سمت مشرق نیک است و مسافرت برای تو فراهم شود و بر دشمنان تسلط خواهی یافت اگر از حال مادر میپرسی حالش خوب است اگر نزد سلطان رفتن میپرسی بر همه امور نیک است اگر از مریض سؤال میکنی حال او بهتر است و مرض او از صفرا میباشد و شفا خواهد یافت شغل مهمی بدست تو خواهد آمد که استفاده آن بسیار است و عاقبت تو بخیر است و هر کاری بخواهی انجام دهی نیک است والله اعلم

## ۱۱ ـ نصرة الداخل

فال تو نیک و کارت با رونق و شغل و عمل نیک و درآمد آن در آتیه خوب خواهد
شد و اگر از مال میپرسی بدست تو خواهد آمد و امیدهای زیادی در دل داری
تمام برآورده خواهد شد اگر اراده سفر داری میسر نشود و اگر اراده معامله
یا تجارت داری بکن که نفع زیادی بتو برسد و اگر اراده زن گرفتن داری
خوبست و میسر خواهد شد و کسی با تو دشمنی میکند ولی مقهور میشود و اگر برای
مریض دیده مرض او از بلغم است طول میکشد ولی خدا او را شفا میدهد
و عاقبت تو ختم بخیر است و مسافرت با ماکن مشرفه در قسمت تو است والله اعلم

## ۱۲ ـ عتبة الخارج

فال تو بد است و مانند اینکه پریشان خاطر و غمناک و اندوهگین میباشی و اختلال
حواس و انقلاب خاطر داری بیکجا قرار نداری دشمنان در کمین تو هستند
و از دوستان خود ضرر بینی و در معاملات زیان بسیار متوجه تو شده است
اگر اراده سفر داری بسمت مشرق خوبست ولی اختیار سفر برای تو
فراهم نشود خوابهای پریشان می بینی با زنی مواصلت میکنی اگر برای مریض دیده
مرض او از تب و دق میباشد و بدشواری شفا یابد بتصدق برای او بده بیچارگان
جنب راه فکر و در نماز و عبادت کوتاهی مکن تا رفع فقر و فاقه و بدبختی از تو بشود والله اعلم

## ۱۳ ـ نقی الخد

فال تو بسیار بد است و منقلب حال و پریشان خاطر میباشی و درآمد تو کفاف
خرج ترا ندهد و اگر از مال سؤال میکنی بدست تو بیاید ولی چندان نفع از آن
نبری اگر از سفر پرسی بمسافرت میروی ولی سودی حاصل نشود اگر برای
مریض دیده مرض او از اسهال یا دنبل است جراح خواهد در آن نشتر
بزند و خاطر تو متعلق بکسی گرفته و کسی را دوست میداری و با او بسیار
محبت میکنی ولی او با تو سرگرانست و حال تو عصبانی و غضب بسیار داری در
کارها سعی میکنی اگر امراض تو بلغمی و فساد خونست اگر از زن گرفتن میپرسی خوبست و در نماز
و عبادات کوتاهی مکن انشاء الله تا پانزده روز دیگر نحوست از طالع تو بیرون رود و در روزگارت خوب
شود والله اعلم

## ۱۴ : عتبة الداخل

فال تو بسیار نیکست و طالعت میمون و مبارک است اگر اراده سفر داری خیر خواهد شد
اگر اراده معامله با کسی داری بکن خوبست و اگر از مال سیمپری بدست تو آید و از غایب
بتو برسد و اگر کسی مسفر داری بزودی باز آید و اگر اراده نکاح داری خوبست
بکن و اگر برای مریض دیده عارضه شکم دارد و بطول انجامد دلی بهبودی حاصل شود
اگر از اتصال محبوب سپری وصل و برای تو میسر گردد اگر از حامله پرسی حمل دارد
و کلیه امور برای تو نیکست و امیدهای تو بر آورده خواهد انشاء الله و الله اعلم

## ۱۵ : اجتماع

فال تو خوب و حالت بطور میانه بگذرد برای مواصلت بسیار نیکست خبر خوش
بتو برسد اگر نیت تحصیل علم کرده بسیار خوبست و میسر شود اگر اراده سفر
داری قدری صبر کن و در معاملات استفاده بطور میانه بتو برسد اگر از مال
سیمپری بدست تو بیاید اگر برای مریض دیده بهبودی حاصل شود در مریضی
او از سحر است و از نظر بد آینده امور تو ختم بخیر شود و زیارت اماکن
مشرفه برای تو میسر شود و الله اعلم

## ۱۶ : طریق

فال تو نیکست اگر اراده سفر رفتن داری آن سفر بخوبی برای تو فراهم شود
و نفع بسیار خواهی برد اگر بطرف شمال بردی اگر برای مریض دیده مرض او از
سردی است و استسقا و امراض بلغمی بهتر خواهد شد اشیاء سفید برای او
تصدق کن اگر از مال سیمپری برای تو حاصل خواهد شد و خرج کنی و اگر
برای اتصال مطلوبست اتصال واقع شود و در مسافرت رفتن برای
تو نفع دارد کارها نیکو باشند قاصدی در سفر رفتن باشد برای تو
خوبست و از آنها نتیجه بری

و الله اعلم

تمت بالخیر و السعاده

مراد رسازی ۱۳۳۲ مال انقلابی اکستان

حسین ابن ابراهیم

بحمد الله و المنة

کتاب
تنز الحسن از روی
یک نسخه خطی با مقابله از روی
دو نسخه چاپی در تحت نظر یکی از
متخصصین علوم غریبه که در اصلاح طلسمات
و تصحیح اغلاط آن کوشش فراوان نموده نوشته
شد و چون دو نسخه چاپی که در هندوستان بطبع رسیده بود
بسیار مغلوط بود نسخه مورد استنساخ ما همان نسخه خطی
بود و میتوان گفت این کتاب از حیث صحت
و بی غلطی بهترین کتابی است که تاکنون بچاپ
رسیده حق طبع از این نسخه محفوظ
و مخصوص بکتابفروشی حسینی [illegible]
[illegible] تهران

در سنه ۱۳۳۲ هجری